

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسعه راهبرد

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۴۵ - بهار ۱۳۹۵

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمد خوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir
rahbordeyas@gmail.com

آدرس اینترنتی:
پست الکترونیک:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir
www.magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
بانک اطلاعات نشریات کشور

● چاپ: شرکت رواق روشن مهر ● قیمت: ۵۰۰۰ تومان

● آدرس چاپخانه:

مهرآباد جنوبی، روبروی پایگاه یکم شکاری، پلاک ۱۲۶. تلفن ۶۴۰۹۷-۲۱

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطیحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کچویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ مهندس سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: دکتر حسن بنیانیان، دکتر حسن سبحانی، دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی، حسین صدری‌نیا، دکتر حسن

علی اکبری، دکتر فرشاد مؤمنی، دکتر میثم موسایی، دکتر محسن مهرآراء، دکتر علی نادری، مهندس سیدمرتضی نبوی.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با انکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه فرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چپ‌نویسی مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است. راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: بررسی فضای کسب و کار در ایران ۷
- ❖ ردپای برنامه‌های تعدیل اقتصادی در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران ۲۶
علی اصغر قائمی‌نیا
- ❖ چگونگی تاثیر گذاری رسانه ها بر افکار عمومی ۴۷
محبوبه سادات قائمی طلب
- ❖ دانشگاه کارآفرین؛ نیاز اقتصاد امروز ۶۰
مریم برادران حقیر/ دکتر حسن طایی
- ❖ نقش بازار در تحولات سیاسی - اجتماعی دوره پهلوی دوم ۸۷
بهزاد نظری / حسن رضائی
- ❖ تحلیل فضایی و سطح بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشت و درمان شهرستان‌های استان همدان (با استفاده از تکنیک AHP, TOPSIS و تحلیل خوشه‌ای) ۱۱۲
دکتر جمال محمدی / کیوان باقری / نصرت مرادی هوسین
- ❖ تبیین مولفه‌های اصلی مدیریت کلان مساجد کشور ۱۳۸
دکتر مهدی ناظمی اردکانی / عباس بابایی
- ❖ سنجش و ارزیابی وضعیت فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT با کمک شاخص آمادگی شبکه ای NRI ۱۷۵
دکتر صادق بافنده ایماندوست / علی مفیدی
- ❖ نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار روستایی ۲۰۵
دکتر حمید برقی / سمیه محمودصالحی
- ❖ آسیب شناسی اجرای برنامه های سند تحول بر اساس مبانی مدیریت تحول سازمانی ۲۴۰
فرشته هدایتی / رحمت الله خوارزمی
- ❖ تحلیل فضایی نظام شبکه شهری استان همدان در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۹۱ ۲۶۰
رحیمه انصاری / فاطمه کیانی / یوسف قنبری

سخن سردیبر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

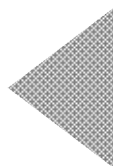
بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و بینش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاءالله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر محمدجواد ایروانی^۱، دکتر سید امیر سیاح^۲، دکتر داود دانش جعفری^۳ و مهندس سیدمرتضی نبوی^۴ در میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

بررسی فضای کسب و کار در ایران



توسعه
راهبرد

با سلام خدمت اساتید گرامی و ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار فصلنامه قرار دادید. با توجه به نامگذاری سال جاری به عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» توسط مقام معظم رهبری، به نظر می‌رسد ارزیابی فضای کسب و کار در ایران بتواند ناظر بر «اقدام و عمل» برای اقتصاد مقاومتی باشد. بررسی نقاط ضعف و قوت فضای کسب و کار در ایران، می‌تواند کمک خوبی در این راستا باشد. امروزه مراکز مختلفی در سطح دنیا، به ارزیابی شاخص‌های کسب و کار مشغول‌اند. ارزیابی فضای کسب و کار می‌تواند از منظرهایی مانند اقتصادی، زیرساختی، فرهنگی - اجتماعی، علمی - فناوری و... صورت پذیرد. جایگاه ایران در این مورد چگونه است و چرا چنین جایگاهی دارد؟ برای بهبود این شرایط هر یک از دستگاهها و نهادها چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟ به نظر می‌رسد دولت به عنوان نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را بر شاخص‌های کسب و کار دارد. اگر مجلس، قوه قضائیه و قوه مجریه اقداماتی را در جهت بهبود فضای کسب و کار انجام دهند، این شرایط متحول خواهد شد. ضعف‌ها و مشکلات فضای کسب و کار، بیشتر به نهادهای تقنینی و اجرایی بر می‌گردد، تا فرهنگ موجود در فضای کسب و کار. جناب آقای دکتر دانش جعفری بفرمائید لطفاً.

۱ - استاد دانشگاه تهران و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲ - مدیر گروه مطالعات محیط کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۳ - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۴ - عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داود دانش جعفری: به منظور دستیابی به روش مناسب برای تحلیل فضای کسب و کار، نیاز به یک مدل داریم. یک مدل برای این تحلیل، آسیب‌شناسی کسب و کارهای موجود است. به عنوان مثال از کسی که دچار مشکلاتی در این فضا شده است (مثلاً تولیدش کم شده یا کارخانه‌اش در حال ورشکستگی است)، مشکلات و موانع کارش را جویا می‌شوند. وقتی مشکلات در نمونه‌هایی بزرگ‌تر بررسی می‌گردند، عوامل تأثیرگذار بر فضای کسب و کار شناسایی می‌شوند.

روش دیگری که معمول شده، روش بانک جهانی است. در این روش برای فضای کسب و کار، شاخص‌هایی تعریف شده و وضعیت هر کشور در هر شاخص تعیین می‌گردد. اما یکی از مشکلات روش بانک جهانی این است که نگاه یکسانی به این شاخص‌ها در کشورهای مختلف وجود ندارد. به عنوان مثال بانک جهانی یکی از شاخص‌های کسب و کار خوب را سهولت استخدام و سهولت خاتمه قرارداد اعلام کرده است. اما کشوری مانند ژاپن این شاخص را به این صورت قبول ندارد؛ چرا که در ژاپن وقتی فروش کاهش می‌یابد و صحبت از اخراج ۲۰٪ از کارگران به میان می‌آید، همه کارگران حاضر هستند که ۲۰٪ از حقوقشان کم شود ولی کارگری اخراج نشود. ولی در غرب و خصوصاً آمریکا، راحت استخدام شدن و راحت اخراج کردن کارگر یک ارزش محسوب می‌شود.

به نظر من این شیوه بررسی فضای کسب و کار، از این جهت که بسیار «مکانیکی» است، روش مناسبی نیست. به علاوه منابع آماری بانک جهانی در این مورد دقیق نیست. من با مسئول این طرح در بانک جهانی صحبت کردم. او فردی بلغارستانی بود که برای اولین بار این طرح را اجرایی کرده بود. از او پرسیدم اطلاعات مربوط به ایران را چگونه به دست آورده‌اید؟ او گفت: ما ده نفر را به عنوان منبع دریافت اطلاعات داریم که به آنها ایمیل ارسال کرده و از آنها اطلاعات مورد نیاز را دریافت می‌کنیم. به ایشان گفتم، ما بسیاری از ارقام اعلام شده مربوط به ایران را قبول نداریم و آنها را مخدوش می‌دانیم. ایشان در پاسخ گفتند: اگر شما هم می‌خواهید اطلاعاتی بدهید، از شما هم دریافت می‌کنیم.

به نظر من روشی برای بررسی فضای کسب و کار صحیح است، که از طریق اقتصاد خرد باشد. یعنی مشکلات را از طریق بنگاهی که تولیدکننده است، بررسی کنیم. یک بنگاه خوب که کسب و کارش رونق داشته باشد، بنگاهی است که سودآور باشد. اگر کسب و کاری سودآور

باشد، افراد زیادی برای بهره‌مندی از آن اقدام خواهند کرد. به نظر من سؤال اصلی در مورد کسب و کار در ایران این است که چرا هرچه جلوتر می‌رویم، تولید غیر رقابت‌پذیرتر می‌شود؟ چرا هزینه تولید در ایران مدام رو به افزایش است؟ اگر پاسخ به این سؤال مشخص شود، به این سؤال هم پاسخ داده‌ایم که چگونه می‌توان تولید را رقابت‌پذیر کرد. این بحث در صنعت، کشاورزی و خدمات هم مطرح است که چرا روز به روز رقابت‌پذیری کمتر می‌شود.

در رقابت‌پذیری، عواملی وجود دارند که در اختیار بنگاه نیست (مانند سیاست‌های کلان که به دولت مربوط است). برخی سیاست‌ها نیز به بنگاه مرتبط بوده و بنگاه باید بتواند شرایطی را برای خود تعریف کند که کسب و کاری رقابت‌پذیر را ادامه بدهد. عدم رقابت‌پذیری یعنی؛ خارج شدن از صنعت مربوطه، کاهش تولید و کاهش اشتغال.

یکی از سیاست‌های کلانی که در اختیار بنگاه نیست، نرخ ارز است. در دوره‌هایی که برخی از دولت‌ها اصرار بر تثبیت نرخ ارز داشته‌اند، نتیجه‌اش کاهش شدید ظرفیت اشتغال در داخل بوده است. در این سال‌ها به دلیل قیمت‌گذاری نادرست ارز، خریدار بیشتر معطوف به خرید کالای خارجی می‌شد. حتی برخی از تولیدکنندگان صنعتی در همین دوره خط تولید خود را به خارج از کشور منتقل کردند و چون قیمت ارز ثابت بود ولی در داخل کشور تورم وجود داشت، می‌توانستند کالای خود را با سود بیشتری در داخل کشور بفروشند. در این شرایط رقابت‌پذیری محصول داخلی هم کمتر می‌شود. دولت‌ها باید این ملاحظه را داشته باشند که اگر به خاطر رفاه مصرف‌کننده، نرخ ارز را پائین در نظر می‌گیرند، رفاه تولیدکننده را از بین نبرده باشند.

اگر می‌خواهیم فضای کسب و کار در ایران را تحلیل کنیم، باید چنین راهی را طی کنیم. مصاحبه با کارآفرین‌ها نیز مفید است ولی ممکن است مشکلات خود را تعمیم بدهند. یا مثلاً گرایش یک صنعت‌گر با یک تاجر متفاوت است و در پاسخ‌دهی او تأثیر می‌گذارد.

به طور خلاصه به نظر من برای تحلیل فضای کسب و کار در ایران باید به این سؤال پاسخ داد که چرا هزینه تولید در ایران پائین نمی‌آید؟ یا چرا رقابت‌پذیری در ایران کم است؟ اگر به این سؤال پاسخ بدهیم، فضای کسب و کار را هم تحلیل کرده‌ایم.

چرا هزینه تولید در ایران کاهش نمی‌یابد و چرا شرایط رقابتی نیست که در نتیجه آن کیفیت افزایش و قیمت کاهش بیابد؟

دانش جعفری: البته خیلی جاها هم هست که ما مزیت داریم ولی مهم این است که این موارد را به جریانی بزرگ تبدیل کنیم.

جناب آقای دکتر ایروانی بفرمائید.

محمدجواد ایروانی: با توجه به محورهای مطرح شده، نکاتی را در مورد ارزیابی شاخص‌های فضای کسب و کار مطرح می‌کنم. چند سال قبل رتبه اعلام شده شاخص تسهیل کسب و کار برای ایران ۱۴۸ در میان حدود ۱۵۲ کشور بود، که بسیار عجیب بود. اگرچه انتقاداتی در مورد نحوه گزارش‌دهی ایران مطرح است ولی مشکل اصلی به شیوه آمارگیری بانک جهانی مربوط می‌شود، که البته این روش مورد نقد خود بانک جهانی هم قرار گرفت. از آنجا که گزارش رقابت‌پذیری جهانی از اتاق‌های بازرگانی دریافت می‌شود ولی آمار بانک جهانی از طریق تلفن و ایمیل از افراد مشخصی دریافت می‌گردد که آنها درک شخصی خود را بیان می‌کنند، فلذا تناقض فاحشی بین گزارش رقابت‌پذیری جهانی WCR توسط داووس و آمارهای بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار در ایران وجود دارد.

زمانی رتبه ایران در گزارش رقابت‌پذیری، ۸۸ بود و هم اکنون به ۷۴ رسیده است که با گزارش بانک جهانی بسیار متفاوت بود. به علاوه این دو گزارش دارای شاخص‌های متفاوتی هم هستند. هر قدر نظام آماری در ایران دقیق‌تر و شفاف‌تر شود و از طرفی انعکاس واقعی هم پیدا کند، بر گزارش‌های جهانی از ایران بسیار تأثیرگذار است. به علاوه بر این نگاه مردم در داخل نیز بسیار مؤثر است. ما باید به روشی دست پیدا کنیم که بتوانیم ارزیابی عملی بنگاه‌های داخلی را احصاء کنیم. یک سیستم تلفیقی مورد نیاز است تا بتوانیم فضای کسب و کار در ایران را دقیق ترسیم کنیم. وقتی ما به درستی گزارشگری نمی‌کنیم، مراکزی مانند بانک جهانی به تلفن زدن و ایمیل فرستادن اکتفاء می‌کنند. ما باید اهمیت بیشتری به گزارشگری بدهیم، تا بتوانیم جایگاه واقعی خود را در مقایسه با دیگران پیدا کنیم. البته برای افزایش اثربخشی لازم است که یک مجموعه

نظرسنجی کسب و کار بومی هم داشته باشیم که در دل آن شاخص‌های سهولت کسب و کار قابل سنجش باشد.

برای پاسخ به این سؤال که آیا جهت‌گیری سیاست‌های اجرایی و قوانین در راستای کسب و کار هست، به نظر می‌رسد می‌توان بنگاه‌های خرد را مورد بررسی قرار داد. اگر در سطح نهادی هم این بررسی انجام شود، سیاست‌های اجرایی و قوانین، بازهم سهل‌کننده کسب و کار نیست. این سیاست‌ها و قوانین، ریسک کسب و کار را بالا برده و رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد. این امنیت برای سرمایه‌گذار در یک کسب و کار خاص وجود ندارد که بعد از مدتی سودآوری کسب و کارش کم شده و اثرگذاری سرمایه‌گذاری‌اش کاهش یافته است. اگر سیاست‌های تجاری، تولیدمحور باشد چنین مشکلی ایجاد نخواهد شد و رقابت‌پذیری هم حاصل می‌شود. به عنوان مثال پارادوکس‌هایی که در حوزه محصولات کشاورزی بین وزارتخانه تولیدی و وزارتخانه بازرگانی و صنعت که صادرکننده مجوز نهایی وجود دارد، تبدیل به امری عادی شده است. این امر فضای تولید را در این حوزه‌ها - که البته قرار است در آن به خوداتکایی هم برسیم - مخدوش می‌کند. کسی که از قبل در این حوزه فعال بوده است، علی‌رغم مشکلاتی که وجود دارد ولی به دلیل سرمایه‌گذاری‌های اولیه مجبور است و کار خود را ادامه می‌دهد ولی شرایط و زمینه برای جذب سرمایه‌گذاران جدید در این عرصه فراهم نیست.

مثال دیگر در مورد سیاست‌های پولی است. آیا سیاست‌های پولی موجود، تسهیل‌کننده کسب و کار است؟ با توجه به نرخ بالای سود تسهیلات بانکی اخذ شده برای تولید محصولات، رقابت‌پذیری کالای داخلی بی‌مفهوم می‌شود، چرا که کالای خارجی با تأمین مالی ارزان‌تر، توجیه برای وارد شدن به بازار داخلی را پیدا خواهد کرد. اگر چنین کالای تولید داخل صادر هم بشود، باز غیر رقابتی خواهد بود. نهادهای حکومتی، وظیفه دارند که از چنین سیاست‌هایی مراقبت بکنند. کشورهایی مانند ترکیه، چین و کشورهای اروپایی، دارای سرعت بالایی در مورد تغییر چنین سیاست‌هایی برای حمایت از بازار داخلی خود هستند.

با توجه به نوع نیاز و پروژه‌های مدنظر، انواع مدل‌های تأمین مالی را می‌توان به کار بست ولی با توجه به مسائل اقتصادی و مالی در کشور، شرط مهمی به نام انضباط آهنگین را باید در نظر گرفت.

همین شرایط و ضرورت‌ها در حوزه سیاست‌های اداری مرتبط با فضای کسب و کار هم وجود دارد. در سیاست‌های اداری، شفافیت بالایی در سطح عمومی لازم است. چگونگی اعطاء

مجازها برای فعالان اقتصادی بصورت یکسان و یا به نفع تولیدکنندگان و اعلام عمومی دقیق ضوابط مربوطه، و در مرحله بعد نظام اعلام آماری برخط میزان ثبت سفارشات و واردات به گمرکات کشور تأثیر شگرفی در حفظ ریسک تجاری و در نتیجه افزایش در سهولت فضای کسب و کار دارد.

این نکته در مورد رقابت پذیری لازم به ذکر است که هنگامی که در مورد رقابت پذیری صحبت و تصمیم گیری می شود، بیشتر در مورد تولید داخلی است و کسی اعتناء به تجارت خارجی ندارد در حالی که انحصارهای بسیاری در تجارت خارجی شکل می گیرد که رقابت پذیری را در آن بی معنی می کند ولی رقابت پذیر شدن حوزه تجارت خارجی، در بسیاری از موارد قیمت تمام شده را کاهش می دهد.

شفافیت در حوزه اقتصادی نیز مهم است. شفافیت، سلامت و امنیت وقتی بوجود می آید که مطمئن باشیم سیاست های معطوف به شفافیت برقرار خواهد شد. به عنوان مثال در مالیات بر ارزش افزوده که ناظر به جنبه های گوناگونی است؛ مهمترین وجه مالیات بر ارزش افزوده، ایجاد شفافیت است. اگر کسب و کارها شفاف نباشد، رغبتی به کسب و کارهای قانونی بوجود نمی آید و رغبت های موجود هم کاهش خواهد یافت. جنبه های درآمدی در مالیات بر ارزش افزوده، زیاد مهم نیستند. تمرکز بر ارزش افزوده می باید به عنوان تمرکز بر یک تسهیل کننده فضای کسب و کار تلقی شود، تا شفافیت خوبی حاصل شده و عدالت مالیاتی برقرار شود. در حالیکه امروزه نگاه دقیق و همه جانبه ای نسبت به مالیات بر ارزش افزوده وجود ندارد.

در حوزه شفافیت نظام های آماری هم باید توجه داشته باشیم که آشفتگی آماری موجود، نامطلوب است. هر قدر به شفافیت آماری بیشتری برسیم، فضای کسب و کار بیشتر تسهیل خواهد شد و دولت مسئولیت سنگینی در این مورد دارد. اگر دولت شفافیت لازم را در نظام آماری بوجود بیاورد، هجوم سرمایه گذارها به سمت یک کسب و کار خاص و بعد متضرر شدن آنها پیش نمی آید.

یکی از دیگر مشکلات فضای کسب و کار، القاء وجود تضاد بین بخش دولتی و خصوصی است. بر پایه رویکرد و تئوری تضاد، هیچ کاری پیش نمی رود. گاهی القاء این تضاد، توسط مؤسسات مرتبط با بخش های امنیتی کشورهای بیگانه بیان می شود که پایه صحیحی ندارد و اهدافی سیاسی در آن دنبال می شود. مثلاً القاء این دروغ توسط یک موسسه مرتبط با CIA که

۳۰٪ از اقتصاد ایران در اختیار سپاه پاسداران و یا ۴۰٪ اقتصاد ایران را نهادها تشکیل می‌دهند، با هدف ایجاد تضاد بین بخش دولتی و خصوصی، نمونه‌ای از این موارد است که از آن نتیجه می‌گیرند پس اصلاً در ایران نمی‌توان کار اقتصادی کرد. ولی با نگاه هم‌افزایی و همکاری، بخش خصوصی و بخش دولتی باید به هم کمک بکنند. در بسیاری از کشورها، بخش خصوصی هم در فرایند تصمیم‌گیری‌ها شرکت دارند و هم در اجراء با قدرت حضور دارند، چون منافع ملی را مهم می‌دانند. القاء حساب شده تضاد بین بخش خصوصی و بخش دولتی، بین بخش دولتی و نهادها و بین نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی باعث می‌شود عده‌ای توجیه پیدا کنند که برخلاف منافع ملی اقدام کنند. این رویکرد نتیجه‌اش تضعیف هر چه بیشتر همه بخش‌هاست و نگاه کاملاً اشتباه و دستورکار بنای بیلدبرگ است. در این پارادایم فقط سیاه‌نمائی و نومیدی اقتصاد و بی‌اعتمادی تولید می‌شود و ضد کارشناسی و ضد حرفه‌ای است. در صورتیکه رویکرد هم‌افزایی بین بخش‌های مختلف بعنوان مکمل و همکار و شریک به نفع منافع ملی و اعتمادساز بوده و نتیجه‌بخش است. طبق یک محاسبه نهادها ۲/۵ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند و آمار چهل درصد مربوط به ادعای کذب در مورد معافیت‌های مالیاتی است که در یک سخنرانی در فضای دعوای سیاسی ادعا شد بخش خاکستری چهل درصد اقتصاد است و هم‌زمان گزاره‌ای مطرح شد که نهادها مالیات فعالیت‌های اقتصادی خود را نمی‌پردازند و بعداً توسط رئیس سازمان امور مالیاتی تکذیب شد زیرا که بخش خاکستری معافیت بخش کشاورزی کشور و معافیت مالیاتی بازار پول و سود سپرده‌های نظام بانکی و مؤسسات مالی و نیز معافیت در فعالیت‌های بازار سرمایه و نیز مالیات فعالیت‌های فرهنگی، هنری و نیز موقوفه‌ها و وقف که همه مطابق قانون می‌باشند، است و کلیه فعالیت‌های اقتصادی نهادها از دهها سال پیش مشمول مالیات بوده و پرداخت‌های مالیاتی آنها نقطه قوت و افتخار آنهاست.

یکی از تهدیدات فضای کسب و کار این است که فردی که در دولت مسؤولیت دارد، در بخش خصوصی هم فعال باشد. چنین فردی نمی‌تواند بی‌طرفانه تصمیم بگیرد و سیاستگذاری کند و چه بسا به دنبال ایجاد انحصاراتی برای خودش چه در تأمین مواد یا فرایند تولید و یا در مرحله توزیع محصول باشد. یک دولتمرد حتماً باید فارغ از بخش خصوصی باشد. حضور هم‌زمان یک فرد در دولت و در بخش خصوصی، هم به ضرر دولت است و هم بخش خصوصی. یک دولتمرد هنگام تصمیم‌گیری باید منفعت همه ذی‌نفعان را در نظر بگیرد و این امر با فعالیت او در بخش خصوصی ناسازگار است. این از خطوط قرمز هر دولتی باید باشد.

تشکیل شورای لیبیات کشور و همکاری همه بخش‌های دولتی، تعاونی، خصوصی و عمومی غیردولتی بود یک نهادسازی عالی بود و تحولی که در عرصه تولیدات، خودکفائی و صادرات ایجاد کرد، نمونه‌ای از تجربه موفق همکاری صمیمانه دولت با بخش غیردولتی است، که البته اقدامات بسیار و تلاش شبانه‌روزی برای انجام آن صورت گرفت و امروزه شاهد خودکفایی کامل در حوزه لیبیات هستیم که البته اینجانب در دهه هفتاد راهبری آن را در اقتصاد کشاورزی ایران داشتم.

در مجموع می‌توان گفت جایگاه سیاست‌های کلان دولت، در فضای کسب و کار بسیار حیاتی است. اگر مقررات باعث شود تولید، به صرفه نباشد یا تداوم لازم را نداشته باشد، فرار از مقررات و دور زدن قانون در دستور کار بنگاه‌ها قرار می‌گیرد.

با تشکر از جناب آقای دکتر ایروانی. جناب آقای دکتر سیاح، شما چه نظری در مورد ارزیابی شرایط و فضای کسب و کار در ایران دارید؟

سید امیر سیاح: در سال ۱۳۹۲، مجلس شورای اسلامی، پروژه‌ای را درباره علل رتبه ناهنجار ایران در گزارش جهانی سهولت انجام کسب و کار به مرکز پژوهش‌های مجلس سفارش داد که چرا رتبه ما در این گزارش، شرایط خوبی ندارد و در حال بدتر شدن است. رتبه ما در گزارش رقابت‌پذیری، معقول بود ولی در گزارش سهولت انجام کسب و کار، شرایط ما بسیار بد گزارش شده بود. برای یافتن پاسخ این سؤال، حدود دو سال کار میدانی کردیم. در نهایت معلوم شد که اطلاعاتی که از ایران به بانک جهانی گزارش می‌شود، اطلاعات درستی نیست. یک مثال عرض کنم: یکی از سؤالات مربوط به مؤلفه تجارت فرامرزی بدین صورت بوده که یک کانتینر چند روز طول می‌کشد که از بزرگترین بندر ایران به بزرگترین مرکز تجاری ایران برسد؟ در پاسخ به این سؤال در گزارش بانک جهانی «۱۲ روز» ذکر شده بود. در حالی که مدت زمان رسیدن یک کانتینر از بندر عباس به تهران، یک تا نهایتاً دو روز است. بررسی‌های بیشتر مشخص کرد، افرادی که برای جمع‌آوری اطلاعات طرف مشورت بانک جهانی هستند، گاهی نمی‌دانند درباره چه چیزی دارند قضاوت می‌کنند و اطلاعات می‌فرستند. حتی یکی از این افراد را تصادفی ملاقات کردم و معلوم شد سال‌ها است که از ایران رفته و ساکن استرالیا شده است. در سال ۹۳،

اطلاعات صحیح از مؤلفه‌های شاخص سهولت انجام کسب و کار ایران از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس در اختیار وزارت اقتصاد قرار گرفت تا به بانک جهانی ارائه شود. بانک جهانی برخی از موارد گزارش ارسالی را نپذیرفت، سال گذشته بانک جهانی تعاریف و روش‌های محاسبات برخی مؤلفه‌ها را تغییر داد و برخی آمارهای صحیح را هم پذیرفت. در نتیجه رتبه ایران در این گزارش کمی بهتر شد و در سال ۲۰۱۶، رتبه ایران ۱۶ پله کاهش پیدا کرد.

درباره سیاستگذاری برای بهبود محیط کسب و کار باید یادآوری کنم تلقی دولت از بهبود محیط کسب و کار اشتباه است. عموم وزرا و حتی شخص رئیس‌جمهور تصور می‌کنند بهبود محیط کسب و کار یعنی خوب شدن رتبه ایران در گزارش جهانی سهولت انجام کسب و کار در حالی که اینطور نیست. به تصور دولتمردان محترم، اگر رتبه جهانی ما در این گزارش کاهش پیدا کند، پس شرایط کسب و کار خوبی در کشور داریم. اما واقعیت این است که بهبود محیط کسب و کار، الزاماً به معنی خوب شدن رتبه در گزارش‌های جهانی نیست چرا که این گزارش‌ها واقعیت را الزاماً نشان نمی‌دهند. واقعیت محیط کسب و کار ما چیزی است که در کف بازار ایران جریان دارد. چیزی که بخش بزرگی از آن در گزارش سهولت انجام کسب و کار موجود نیست. البته نقدهای دیگری هم علاوه بر داده‌ها و روش بر این رتبه‌بندی وارد است. این رتبه‌بندی نقص‌هایی دارد؛ مثلاً فساد و فرهنگ در آن سنجیده نمی‌شود.

بانک جهانی در سال ۲۰۰۹، گروه حقیقت‌یاب تشکیل داد، چون به گزارش سال ۲۰۰۸ آن نقدهایی جدی وارد شده بود.

در داخل عوامل دیگری هم هستند که باید محیط کسب و کار را با آنها تحلیل کرد، اگرچه برای حفظ موقعیت خارجی و جذب سرمایه، لازم است که برای کاهش رتبه ایران در گزارش‌های بانک جهانی تلاش شود ولی واقعیت‌های اصلی صحنه داخلی محیط کسب و کار را باید در نظر گرفت.

مطالبی در مورد عدم رقابت‌پذیری محیط کسب و کار، توسط اساتید محترم ذکر شد. در مورد عدم رقابت‌پذیری باید توجه داشته باشیم که الان درهای ورودی کسب و کار بسته است و بعد گذشت ۱۰ سال از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، هنوز هم ورود به اکثر کسب و کارها سخت است. واقعیت‌های بسیار تلخی از سختی و یا حتی غیرممکن بودن صدور مجوزهای کسب و کار همه روزه به مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش می‌شود.

از دشواری‌های موجود مثال تلخ اینکه برای شروع کار اگر هم کسی توانست مجوز بگیرد، تازه

مشکلتش شروع می‌شود، چون مکان کسب و کار باید به تأیید نیروی انتظامی برسد. در مورد ضوابط و شرایط لازم در مورد مکان هم شفافیت وجود ندارد و به درستی اعلام نمی‌شود. به علاوه کارشناس ناجا است که در شرایطی کاملاً غیرشفاف تصمیم می‌گیرد آیا ضوابط اعلام نشده به درستی رعایت شده یا خیر!

دولت در بندهای مختلف قانون (مانند ماده ۶۲ برنامه پنجم توسعه) و ... موظف شده است که ده روزه جواب مراجعه‌کننده را در مورد دریافت مجوز ارائه دهد. یعنی همه دستگاه‌های اجرایی که مجوز کسب و کار صادر می‌کنند، باید شرایط صدور مجوز هر کسب و کار را به صورت شفاف در پایگاه اینترنتی «اطلاع‌رسانی معاملات دولتی» منتشر کنند اما به این وظیفه عمل نمی‌کنند. میزان رعایت این موارد توسط دولت، جای بررسی و نقد جدی دارد. این موارد نشان می‌دهد که عملاً درهای ورود به عرصه کسب و کار بسته است و تشویق به سرمایه‌گذاری در ایران، یک شوخی مضحک بیشتر نیست.

مسأله و مشکل دوم این است که امنیت اقتصادی و قضایی برای فعالان اقتصادی وجود ندارد. اگر کسی به تعهداتش در یک قرارداد عمل نکند، پیگیری و وصول مطالبات بسیار دشوار است. مسئولان و جامعه کارشناسی کشور تصور می‌کنند اگر در بازار ایران حق کسی پایمال شد یا کلاهش را برداشتند یا طلبش را ندادند، او می‌تواند طبق قانون مدنی، شکایت کند و به حق خودش برسد، اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد. چون دادگاه‌ها و پاسگاه‌های ما برای کسی که به حقوق اقتصادی‌اش تجاوز شده، عملاً تعطیل است. اگر در بازار چک یک تاجر وصول نشود، معمولاً به دادگاه مراجعه نمی‌کند چون می‌داند به نتیجه نمی‌رسد و راه دیگری را انتخاب می‌کند نظیر خواهش و تمنا به طرف معامله‌اش یا توسل به شرخر. در این فضا انتظار دارید کسی در این کشور سرمایه‌گذاری کند؟

مطلب سوم اینکه بسیاری از اطلاعات اقتصادی، شفاف نیست. طبق ماده ۱۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، دولت موظف است برای انجام هر معامله‌ای، قبل از معامله اعلام کند که می‌خواهد مزایده یا مناقصه‌ای را با این مشخصات انجام دهد. این اطلاعات باید در پایگاه جامع اطلاع‌رسانی معاملات دولت قرار بگیرد و بعد از اتمام مزایده یا مناقصه باید اعلام شود که این معامله با این رقم انجام شد و به فلانی فروخته شد و تصویر قرارداد را هم روی سایت قرار بگیرد، ولی این حکم قانونی اجراء نمی‌شود.

مشکل چهارم محیط کسب و کار به فرهنگ کار و فرهنگ مصرف برمی‌گردد که با توجه به محدودیت وقت از توضیح آن می‌گذرم. البته موارد دیگری نیز در مورد تحلیل محیط کسب و کار لازم به ذکر است؛ دشواری‌های تأمین مالی، غیر قابل پیش‌بینی بودن قوانین و تصمیم‌ها، وجود کالای قاچاق و تقلبی در بازار، سودآور بودن فعالیت‌های غیر شفاف یا غیر اقتصادی. سیاست‌های حمایت از تولید، مطلب مهم دیگری است که در بحث از فضای کسب و کار باید به آن توجه داشت. در جمهوری اسلامی، همیشه سیاست حمایت از تولید وجود داشته است؛ ارائه زمین ارزان، ارز ارزان و تسهیلات بانکی ارزان نمونه‌هایی از حمایت از تولید بوده‌اند. تصویب ارائه تسهیلات ارزان قیمت بانکی به کارخانه‌های ورشکسته نیز در همین راستا صورت می‌گیرد. ولی طبق مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، این کار اشتباه است که البته دلایل مفصلی دارد.

راصد توسعه
با تشکر از جناب آقای سیاح. آقای مهندس نبوی بفرمایید.

سیدمرتضی نبوی: تحلیل‌های مختلفی برای محیط کسب و کار وجود دارد. در یکی از روش‌های تحلیل که به روش تحلیل پستل (Pestel) معروف است، برای محیط کسب و کار، ۴ بعد در نظر گرفته می‌شود:

۱- **بعد سیاستی- قانونی**، که شامل شاخص‌های سیاست‌های کلان کشور و سهولت کسب و کار بوده و منابع آن به ترتیب عبارتند از سیاست‌های کلی کشور و مجمع تشخیص مصلحت نظام و گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی.

۲- **بعد علمی- فناوری**؛ شاخص‌های این بعد عبارتند از آمادگی فناوری، پیشرفته بودن بنگاه‌ها و نوآوری. منبع این بعد را باید گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد دانست.

۳- **بعد فرهنگی- اجتماعی**؛ این بعد شامل شاخص‌هایی مانند نگرش کارآفرینی، انگیزه کارآفرینی و شرایط فرهنگی ایجاد کسب و کار می‌باشد و گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی منبع این بعد را شکل می‌دهد.

۴- **بعد اقتصادی- زیرساختی**؛ که شامل شاخص‌هایی مانند نهادها، زیرساخت‌ها، وضعیت اقتصاد کلان، کارایی بازار کالا و وضعیت بازار مالی می‌باشد. منابع این بعد نیز به گزارش‌های رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد مربوط است.

در بعد اقتصادی- زیرساختی، نهادها و زیرساخت‌ها مطرح‌اند که وضعیت خوبی در این بعد داریم. اگرچه به این شاخص‌ها ممکن است انتقاداتی وارد باشد اما با واقعیت‌های کشور خیلی فرقی ندارد. یعنی وضعیت ما خوب نیست و در سال‌های اخیر هم بهتر نشده است. علی‌رغم اینکه یکی از شعارهای مهم دولت، بهبود فضای کسب و کار بوده است و کسی که به دستگاه‌های مختلف برای شروع کسب و کار مراجعه می‌کند، غالباً گله‌مند و شاکی است. مشکلاتی که در مراحل ثبت شرکت وجود دارد و وجود شرکت‌های واسطه‌ای که با دریافت هزینه‌هایی، کارهای شما را جهت ثبت و دریافت مجوز به عهده می‌گیرند، نشان می‌دهد این چرخه به خوبی کار خود را انجام نمی‌دهد.

مجلس با تنقیح و تدوین قوانین و مقررات، نقش مهمی در بهبود فضای کسب و کار می‌تواند داشته باشد. اما گاهی قوانین به قدری پیچیده است که اجرای آن با مشکل مواجه می‌شود، یا قوانین خوب و مهمی وجود دارند که با تغییر و اصلاح آنها و زدن تبصره‌های بسیار به آن، مشکلات اجرایی عدیده‌ای پیش می‌آید.

با چنین شرایطی انگیزه برای تولید و خدمات کاهش پیدا می‌کند. سیستم مالیاتی از دیگر مسائل تأثیرگذار بر فضای کسب و کار است. سازمان تأمین اجتماعی و بیمه‌ها نیز بر این فضا تأثیرگذار هستند.

مقام ارائه راهکار چه پیشنهادی می توان داشت؟

دانش جعفری: چندی پیش خبری اعلام شده بود که کشور چین بعد از سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۱۳، یعنی به مدت ۴۰ سال، متوسط رشد اقتصادی اش ۱۰٪ بوده است ولی بعد از سال ۲۰۱۳، رشد اقتصادی چین رو به کاهش گذاشته و امسال به ۶/۷٪ رسید. از برخی مسئولین چین پرسیدم که علت این امر چیست؟ برداشتم از پاسخهای آنها این است که هزینه نیروی کار و دستمزدها در چین در سالهای اخیر به شدت بالا رفته است. آنها سابقاً تأمین اجتماعی به معنای مصطلح نداشته‌اند و هرکس حقوق بازنشستگی اش را از همان کارخانه‌ای که در آن کار می‌کرده، دریافت می‌نموده است. ولی امروزه که سیستم‌های مدرن طراحی شده‌اند، دستمزدها هم افزایش یافته و شرایط بازنشستگی تغییر یافته است و مزیت‌های معروف چین زیر سؤال رفته است. ما در مورد بنگاه‌هایی که مشغول فعالیت‌اند و بنگاه‌هایی که تازه می‌خواهند کار خود را شروع کنند، باید این سؤال را داشته باشیم که آیا بنگاه‌هایی که مشغول فعالیت‌اند و بنگاه‌هایی که تازه می‌خواهند کار خود را شروع کنند، بازدهی دارند یا خیر؟ و آیا این بازدهی در آنها استمرار دارد؟

ذکر چند مثال در این موارد لازم به نظر می‌رسد:

۱- یکی از عوامل مهمی که باعث شده است در مناطق آزاد مانند چابهار، کیش، و قشم تولید شکل نگیرد این است که تمام نهادهای تولیدی در مناطق آزاد ما گران‌تر از سرزمین اصلی تمام می‌شوند، کارگر گران‌تر است، آب گران‌تر است، برق گران‌تر است و ... بنابراین تولید در مناطق آزاد به صرفه نیست.

۲- مثال دیگر، در مورد تأمین اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد کارفرما و تولید است. در ترکیه هزینه تأمین اجتماعی به این ترتیب دریافت می‌گردد: ۵٪ از کارگر، ۷٪ از کارفرما، ۳ تا ۳/۵٪ از دولت که جمع این هزینه‌ها ۱۵ تا ۱۵/۵٪ است. اما ترتیب دریافت هزینه تأمین اجتماعی در ایران اینطور است: ۷٪ کارگر، ۲۰٪ کارفرما، ۳٪ دولت؛ که جمع آن ۳۰٪ است. در ایران، تولیدکنندگان در معرض این ۳۰٪ هزینه قرار دارند و باید بررسی کرد که ۳۰٪ درست است یا ۱۵٪؟. ۳۰٪ که در ایران دریافت

می‌شود، ۳٪ آن برای بیمه بیکاری، ۹٪ برای بازنشستگی، ۹٪ برای سرمایه‌گذاری، و ۹٪ برای درمان هزینه می‌شود. تفاوت ما با ترکیه در ۹٪ است که در ایران برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود ولی در ترکیه این کار را ممنوع کرده‌اند و به تأمین اجتماعی اجازه سرمایه‌گذاری نداده‌اند. توجه داشته باشیم که اگر هزینه تأمین اجتماعی بالا برود، بر افزایش هزینه تولید تأثیر می‌گذارد.

۳- در مورد مالیات هم باید به مواردی توجه داشته باشیم. هر قدر که نرخ مالیات بردرآمد کمتر باشد، به فضای کسب و کار کمک می‌شود. در سال ۹۴، عملکرد مالیاتی کشور حدود هفتاد هزار میلیارد تومان بوده است ولی مجلس درآمد مالیاتی سال ۹۵ دولت را صد و پنج هزار میلیارد تومان تصویب کرده است که افزایش قابل توجهی داشته است. این افزایش با شرایط رکود اقتصادی سازگار نیست و بر قیمت تمام شده اثر می‌گذارد.

به نظر من همه عواملی که بر هزینه تمام شده تأثیر دارد، باید احصاء شد و با اصلاح آنها، به اصلاح فضای کسب و کار پرداخت. اگر موفق به انجام این اصلاح و تغییر نشویم، فضای کسب و کار ایران همواره آسیب‌پذیر خواهد بود.

در واقع پیشنهاد شما این است که با اصلاح سیاست‌ها، زیرساخت‌ها و نهادهای مختلف باید تغییراتی در فرآیند تولید ایجاد کرد.

ایروانی: با توجه به صحبت‌های دوستان و پیچیدگی‌هایی که در نظام پایش فضای کسب و کار وجود دارد، ملاحظاتی پیش می‌آید. اشاره شد که گاهی در شاخصی وضعیت مناسبی داریم ولی در ایجاد و تأسیس‌های جدید مشکل وجود دارد. باید بررسی کرد که آیا صاحبان فعالیت‌های اقتصادی، از پیگیری خواسته خود مأیوس هستند یا پیگیری می‌کنند ولی نتیجه مثبتی نمی‌گیرند؟ چنین مواردی را باید به نظام پایش اضافه کرد. این مورد، چرخه را در نظام پایش مدنظر کامل‌تر می‌کند. همین کار را در مجلس شورای اسلامی هم می‌توان پیگیری شد. مجلس اگر قانونگذاری

می‌کند، باید نظارت بر قوانین نیمی از وقت مجلس را به خود اختصاص بدهد و گرنه تولید انبوه قوانین و تکثیر قانون، محل کسب و کار است. عناوین قانونی موجود در کشور ما هزار برابر بیش از کشورهای با سابقه طولانی در قانون‌گذاری است. عنوان‌بندی در نظام تقنینی بسیار مهم است. تعداد مواد قانونی نیز در کشور ما به صورت عجیبی زیاد است و در حال افزایش و پیچیده‌تر شدن است.

و در نتیجه تکثیر، قوانین مغایر با یکدیگر نیز مشکل را مضاعف می‌کند، به خصوص که در قانونگذاری قوانین مغایر مشخص نمی‌شود تا معلوم شود کدام قوانین ملغی است. تکثیر قوانین و عناوین، محل کسب و کار و موجب فساد است و از طرف دیگر مخاطبین این قوانین به دلیل کثرت قوانین، به قانون بی‌اعتنا خواهند شد.

دانش جعفری: یک پیشنهاد هم این است که کسب و کارهای موفق را الگو کنیم تا ویژگی‌های آنها شناخته شود.

توسعه راهبرد
یک ویژگی مهم کسب و کار موفق، استمرار است. باید به مواردی توجه کرد که استمرار هم داشته باشند.

ایروانی: یکی از مواردی که صاحبان کسب و کارهای موفق با افتخار اعلام می‌کنند این است که وام بانکی دریافت نکرده‌اند. این نگاه نشان می‌دهد که باید در مورد سود بانکی و جهت‌گیری اعتباری به نفع تولید وام‌های بانکی و مباحث فقهی و اقتصادی مرتبط، بازنگری کرد.

سیاح: بله، همینطور است. در برنامه تلویزیونی پایش تا کنون ۱۶۰ کارآفرین بزرگ معرفی شده‌اند، مطلبی که در سخن اکثر آنها مشترک بوده، این است که برای سرمایه‌گذاری از بانک‌ها وام نگرفته‌اند. مطلب دیگری که آن‌ها بیان می‌کنند این است که ما با همه سالم و صادق بوده‌ایم. یعنی کسب و کارها از راه کلک و حقه، موفق نمی‌شوند.

ایروانی: مدیر یکی از تولیدی‌های موفق می‌گفت که نگاهش به کارخانه‌اش، مانند نگاهش به مسجد است و مبانی ارزشی و حدود را به خوبی در کار خود رعایت می‌کند و همین طور یک ریال وام نگرفته است و به این صورت توانسته است خودش را در این فضا، مستمر و موفق حفظ

کند.

سود بانکی بالا مخل کسب و کار است؛ اگرچه برای موفقیت در کسب و کار، تأمین مالی لازم است ولی این سود بانکی بالا، تأثیر منفی بر فرآیند کسب و کار دارد. وقتی اظهار پیش‌بینی ورشکستگی برخی از بنگاه‌ها و در نتیجه بانک‌های وام‌دهنده به آنها، آمارهای نامنظم، نسبت بالای بدهی‌های غیر جاری به تسهیلات، از طرف فعالین فضای کسب و کار از یک طرف و از طرف دیگر شبهه ربوی بودن از طرف حوزه علمیه و مراجع در مورد برخی از تسهیلات بانکی، شرایط مناسبی را برای تأمین مالی کسب و کار ترسیم نمی‌کند.

مطلب دیگر اینکه کسی که به صادرات وصل می‌شود خیلی وضعیت بهتری پیدا می‌کند تا کسی که به دنبال بازار داخلی است، چون نرخ ارز معمولاً به کمک صادرات می‌آید. ولی اگر دولتمردان به صورت واکنش سریع و با تصمیمات فوری به استمرار بازارهای کشورهای دیگر به صادرکنندگان کمک نکنند، غیر ممکن است صادرات کالایی استمرار پیدا کند.

صادرکنندگان باید جایگاه پدری دولت را نسبت به خودشان احساس کنند. مثال‌های فراوانی وجود دارد که کشورها با خام فروشی صادراتی مخالف‌اند و مشوق‌هایی را وضع می‌کنند تا کالای نهایی صادر شود ولی ما این شرایط را ایجاد نکرده‌ایم. به عنوان مثال می‌توان برای کسی که خام‌فروشی می‌کند، عوارض تعیین کرد و از محل همان عوارض، تشویق‌هایی را به کسانی اختصاص داد که کالای نهایی شده را صادر می‌کنند. به این ترتیب محل خرج و هم منبع آن مشخص می‌شود. با این نمونه اقدامات، فضای نامناسب کسب و کار را می‌توان تغییر داد و آن را مناسب کسب و کار کرد.

در زمان جنگ با توجه به نرخ ارز حدود ۵۰۰ درصد سوبسید صادرات پرداخت می‌شد که رقم بسیار بالایی بود. محل این پرداخت، از بودجه نبود بلکه از محل ما به التفاوت گرفتن ارز کالاهای غیر ضروری وارداتی پرداخت می‌شد. این مثال نشان می‌دهد که بعضی ظرفیت‌های اجرایی در داخل بدنه اجرایی کشور وجود دارد و نیاز مداوم به قانون نداریم. هر چند حجم صادرات در آن وقت کم بود ولی ظرف یکسال، دو برابر شد.

اگر به خام‌فروشی توجه شود، سود بانکی تنظیم شده و برخی سیاست‌های تشویقی وضع گردد، و بازارها گشوده شوند، شرایط کسب و کار بسیار متفاوت خواهد شد.

نبرد واقعی، نبرد نرم اقتصادی در دنیا است. این جنگ تجاری، دهها سال است که جریان دارد

ولی خاموش است و بی‌رحمانه بر همگان تأثیر می‌گذارد، کشورها نیز با هر درجه از ارتباط با یکدیگر روی این مسایل از منافع ملی خود کوتاه نمی‌آیند.

مطلب دیگر اینکه بازاریابی در کشورهای اطراف، حوزه اصلی و کانونی سیاست‌گذاران اقتصاد ما نیست و ما مزیت ۱۳ همسایه داریم.

برای پایداری صادرات، ترکیب صادرات را می‌توان عوض کرد و با صادرات محصول نهایی، ارزش افزوده ایجاد کرد و درآمد بنگاهها را بالا برد. اگر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، عملیاتی بشوند این فضا بهبود خواهد یافت.

اگر نظام پایشی بتواند ابعاد مختلفی که برشمرده شد را بتواند پایش کند که این سیاست محل کسب و کار است و آنها را احصاء کند، آگاهی بخشی به مسئولین و دستگاهها هم خواهد بود که چه وظایفی در هر حوزه دارند. به عنوان مثال اگر سود بانکی بالا باشد، به استمرار یک کسب و کار کمک خواهد کرد یا باید در آن سیاست، تجدید نظر کرد؟

سؤال در مورد استمرار کسب و کارهای موفق همچنان باقی است. این کسب و کارها در چنین فضایی، چند سال دوام خواهند داشت؟

سیاح: موفق بودن یک کسب و کار به این معنی نیست که هیچ مشکلی ندارد، بلکه به این معنی است که توانسته است بر مشکلات غلبه کند ولی بازهم برای او مشکلاتی در راه هست ولی راهبرد کلی کسب و کار باید طوری باشد که شرایط را تسهیل کند.

نبوی: قوانین و مقررات، قوه قضائیه و دادگاهها و نیروی انتظامی، قوه مجریه، سه بعد مختلف مراجعات فضای کسب و کار را شکل می‌دهند.

دانش جعفری: غیر حرفه‌ای بودن خود بنگاه نیز قابل تأمل است.

نبوی: در مرحله اول باید قوانین و مقررات را تنقیح کرد. این کار در اولویت است. در مرحله دوم نیروی انتظامی و قوه قضائیه قرار دارند که کارآمدسازی و سلامت‌سازی و تجهیز آنها بسیار مهم است. در مرحله سوم اصلاح و کارآمدسازی قوه مجریه مطرح است. در این میان نهادهایی هم وجود دارند که در این سه قوه قرار ندارند. مانند بنیاد مستضعفان، آستان قدس و که دارای جایگاه و نقش مهمی در اقتصاد هستند.

ایروانی: اندازه این نهادها خیلی کم است ولی به دلیل انعطافی که دارند، نقش آفرینی آنها بیشتر از وزن آنها است. این نهادها در مقابل فعالیت‌های اقتصادی خود مالیات هم می‌دهند، حتی کمیته امداد امام خمینی (ره) هم در مقابل فعالیت‌های اقتصادی‌اش مالیات می‌دهد.

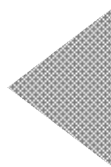
سیاح: متأسفانه دولت یاد گرفته است که برای بهبود محیط کسب و کار و حمایت از تولید، رانت توزیع کند. اما تعداد رانت‌ها محدود است و نمی‌توان به همه متقاضیان رانت داد و در مقام انتخاب دریافت‌کننده رانت؛ تقسیم رانت‌ها به درستی انجام نمی‌شود. نتیجه تحقیقات هم نشان می‌دهد که برای بهبود محیط کسب و کار، نباید از رانت استفاده کرد.

نکته دوم اینکه ذهنیت‌های اشتباهی از محیط کسب و کار وجود دارد. این تصورها اشتباه هستند که شرکت‌ها باید بزرگ متولد بشوند؛ یا با رانت می‌شود اشتغال‌زایی کرد؛ یا این تصور که چون قانون مدنی وجود دارد، پس امنیت تضمین شده است. این ذهنیت‌های غلط باید اصلاح شوند.

در مورد سؤال از اینکه چه باید کرد؛ می‌توان گفت حسن محیط کسب و کار این است که بسیاری از اصلاحات مورد نیاز این حوزه، بودجه نمی‌خواهد، بلکه جرأت می‌خواهد تا انحصارها شکسته شود و شفاف‌سازی شود. برای این کار باید اولاً درهای کسب و کار گشوده شود و ثانیاً دادگاه - پاسگاه‌ها کارآمد شوند. اصلاح دادگاه و پاسگاه وظیفه بسیار مهم حکومت است. وقتی دادگاه‌ها و پاسگاه‌ها از نظر سخت‌افزار و نرم‌افزاری و مغزافزاری به سطح مناسبی رسید، می‌توان به اصلاح سایر موارد هم اقدام کرد. ثالثاً نیاز است که جنگل قوانین موجود را سهل کرده و از آن مقررات‌زدایی کنیم. تولد و رشد بنگاه‌های خرد را سهل کنیم. برخی معتقدند که شعار کوچک زیباست، دوره‌اش تمام شده به نظر من باید گفت کوچک نو، زیباست ولی کوچک باید بتواند بزرگ شود نه اینکه کوچک و زیرزمینی بماند تا بمیرد. راهبرد اصلی حمایت از تولید در ایران چند کلمه است: راه تولد و رشد بنگاه‌های خرد را هموار کنید. اقتصاد مقاومتی هم با اجرای این راهبرد محقق می‌شود.

مقالات

ردپای برنامه‌های تعدیل اقتصادی در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران



علی اصغر قائمی نیا^۱

(تاریخ دریافت ۹۳/۱۰/۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۲/۲)

چکیده

اقتصاد ایران در روزگار کنونی، طیف وسیعی از مشکلات را تجربه کرده، اما جالب‌تر آنکه حداقل در طول سی سال گذشته، انواع راه‌حل‌ها نیز برای مشکلات تجویز شده است. انواع بیماری‌ها و در مقابل اقسام روش‌های درمانی در این اقتصاد فعلاً نتیجه‌ای جز وخامت اوضاع اقتصادی ندارد که تورم و بیکاری دو رقمی و رشد اقتصادی منفی از مهم‌ترین مصادیق این وضعیت می‌باشد. یکی از نسخه‌هایی که تجویز آن فراوانی زیادی در طول حداقل دو دهه گذشته داشته است، برنامه‌های تعدیل اقتصادی است. در این مقاله به صورت مستند به دنبال یافتن ردپای برنامه‌های تعدیل در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران هستیم و برنامه‌های پنج ساله توسعه را به عنوان بهترین معیار برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران در نظر گرفته‌ایم. از آنجایی که هدف بررسی نفوذ و رسوب برنامه‌های تعدیل در برنامه‌های اقتصادی است، بنابراین بررسی عملکرد اقتصادی در طول این سالها خارج از هدف این تحقیق است، فارغ از اینکه این عملکرد نیز متأثر

از برنامه‌های تعدیل اقتصادی باشد یا خیر. طبق بررسی‌ها، برنامه‌های تعدیل اقتصادی در هر پنج برنامه توسعه بعد از انقلاب نفوذ داشته است؛ هرچند این نفوذ دارای شدت و ضعف می‌باشد که تناسب و ترابط برنامه‌های پنج‌ساله با برنامه‌های تعدیل ساختاری بخشی از ناسازگاری میان برنامه‌های اقتصادی و شرایط و مقتضیات کشور را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: برنامه‌های تعدیل ساختاری، برنامه‌ریزی، خصوصی‌سازی، آزادسازی.

۱- مقدمه

اقتصاد ایران در روزگار کنونی، طیف وسیعی از مشکلات را تجربه کرده، اما جالب‌تر آنکه حداقل در طول سی سال گذشته، انواع راه‌حل‌ها نیز برای مشکلات تجویز شده است. انواع بیماری‌ها و در مقابل اقسام روش‌های درمانی در این اقتصاد فعلاً نتیجه‌ای جز وخامت اوضاع اقتصادی ندارد که تورم و بیکاری دو رقمی و رشد اقتصادی منفی از مهم‌ترین مصادیق این وضعیت می‌باشد. یکی از نسخه‌هایی که تجویز آن فراوانی زیادی در طول حداقل دو دهه گذشته داشته است، برنامه‌های تعدیل اقتصادی است. این تجویز گاهی شدیدتر و صریح‌تر بوده و در مواقعی به صورت ضمنی و در لابلای برنامه‌های اقتصادی می‌باشد. اما مسأله در اینجا است که سیاست‌های اقتصادی به خصوص بعد از اتمام جنگ تحمیلی تاکنون تأثیرپذیری قابل ملاحظه‌ای از برنامه‌های تعدیل اقتصادی داشته است. برای مثال بدهی‌های ارزی که به واسطه‌ی یوزانس از نهادهای بین‌المللی اقتصادی در طول دوران سازندگی صورت پذیرفت، ۱۲ میلیارد دلار تعهدات ارزی برای کشور ایجاد نمود و در نهایت به تورم شتابان در آن دوره منجر شد. ضرورت این تحقیق به این واقعیت باز می‌گردد که برنامه‌های تعدیل اقتصادی ماهیت ایدئولوژیک دارند؛ بنابراین ناسازگاری ذاتی آنها با اهداف اقتصادی در ایران عملاً به تنازعی در برنامه‌ریزی اقتصادی منجر می‌شود که نتیجه آن یا شکست این برنامه و عدم کارایی آن برای اقتصاد ایران است و یا ادغام و همسویی اقتصاد ایران با منویات و اهداف برنامه‌های تعدیل اقتصادی. عدم تناسب برنامه‌های تعدیل اقتصادی با ساختار و الزامات کشورهای مقصد تنها به ایران ختم نمی‌شود که ذکر مثالی در این زمینه راهگشاست. فلسفه وجودی برنامه‌های تعدیل ساختاری براساس تعابیر صریح کارشناسان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، همانا حل

بحران بدهی‌های خارجی بوده که از قضا، طی بیست سال اجرای این برنامه در کشورهای افریقایی و امریکای لاتین، بدهی‌های خارجی این کشورها تشدید نیز شده است؛ طوری که آرژانتین، غنا، ساحل عاج، مراکش، کنیا و فیلیپین در این دوره هر کدام بیش از ۱۵ بار برای مراجعه وام به صندوق و بانک جهانی مراجعه کرده‌اند و همچنان در صدر بالاترین بدهی‌های خارجی بوده‌اند (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰).

در بُعد ایدئولوژیک برنامه‌های تعدیل اقتصادی باید به خاستگاه آنها یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توجه نمود. می‌توان نهادهای جهانی را بنگاه‌های انحصاری تلقی نمود که اهداف سیاسی-اقتصادی خاص خود را در قالب ایدئولوژی نئولیبرالیسم دنبال می‌کنند. خصوصی‌سازی سریع در کشورهایی که بخش خصوصی ضعیفی دارد، در چارچوب ایده اقتصاد آزاد، تنها منجر به ورود سرمایه مستقیم خارجی و شرکت‌های چندملیتی می‌گردد که اغلب این شرکت‌ها، محدود به چند کشور پیشرفته دنیا هستند.^۱ حمایت و نگاه ویژه به دول و احزابی که وابستگی سیاسی به امریکا دارند، تخصیص وام‌های پر ریسک به کشورهای در حال توسعه، و اصرار بر حذف موانع تجارت بین‌الملل در جهت ورود به بازارهای کشورهای در حال توسعه که معمولاً منجر به افزایش نرخ بیکاری در کشورهای هدف می‌گردد، تنها بخشی از تفکراتی است که بر روح نهادهای بین‌المللی حاکم است. به کلام استیگلیتز (۱۳۸۷: ۱۶): «با کمال تأسف، و البته نه چندان تعجب‌آور، در دوره‌ای که عضو و سپس رئیس شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید بودم، و نیز در بانک جهانی، می‌دیدم که غالباً، تصمیمات به ایدئولوژی‌ها و یا سیاست آلوده‌اند. در نتیجه اقدامات خط‌آمیز بسیاری صورت می‌گرفت، اقداماتی که به حل مشکل موجود کمک نمی‌کرد ولی در خدمت منافع یا باورهای صاحبان قدرت بود.»

در این مقاله به صورت مستند به دنبال یافتن ردپای برنامه‌های تعدیل در سیاست‌گذاری اقتصادی

۱- بیش از دو سوم از تجارت بین‌المللی تحت کنترل ۵۰۰ شرکت است. آمارها نشان می‌دهد که از این ۵۰۰ شرکت، ۱۷۹ شرکت مستقر در امریکا، ۱۰۷ شرکت در ژاپن، ۳۸ شرکت در بریتانیا، ۳۷ شرکت در آلمان و ۳۷ شرکت در فرانسه هستند و تنها مالکیت یک شرکت بر عهده کشور مسلمان مالزی است. به همین ترتیب، ایالات متحده امریکا، جایی که فقط ۴/۶ درصد از جمعیت جهان در آن زندگی می‌کنند، بیش از ۵۵ درصد از سود تجارت جهانی را دریافت می‌کند. همچنین کشورهای در حال توسعه‌ای همچون هند و چین، که عمده‌ترین واردکنندگان نفت هستند، مالک شرکت‌های مهم نفتی با گردش مالی چند میلیون دلاری هستند (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۸).

ایران هستیم و برنامه‌های پنج ساله توسعه را به عنوان بهترین معیار برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران در نظر گرفته‌ایم. از آنجایی که هدف بررسی نفوذ و رسوب برنامه‌های تعدیل در برنامه‌های اقتصادی است، بنابراین بررسی عملکرد اقتصادی در طول این سالها خارج از هدف این تحقیق است، فارغ از اینکه این عملکرد نیز متأثر از برنامه‌های تعدیل اقتصادی باشد یا خیر.

در این تحقیق به دنبال تطبیق دادن برنامه‌های توسعه با برنامه تعدیل ساختاری هستیم، بنابراین ابتدا تعریفی از برنامه تعدیل ساختاری ارائه می‌دهیم که طبق آن بتوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی برنامه‌های تعدیل ساختاری را استخراج نمود؛ سپس با این شاخص‌ها به سراغ مطالعه برنامه‌های پنج ساله توسعه خواهیم رفت. بنابراین روش شناسایی تحقیقی، روش اسنادی و بررسی متون می‌باشد. همچنین روش تجزیه و تحلیل، روش تحلیل محتوا خواهد بود. روش تحلیل محتوا ناظر به تحلیل‌های کمی متن است و میزان تکرار واژه یا مفهوم در متنی مشخص را بررسی می‌کند.

این مقاله دارای سه بخش است. در بخش اول ابتدا تبیین دقیقی از برنامه‌های تعدیل ساختاری صورت می‌گیرد و مفهوم تعدیل ساختاری، روش‌های اجرای برنامه و مبانی نظری آن محل بحث خواهد بود. سپس با آنچه به عنوان برنامه‌ی تعدیل ساختاری در این بخش می‌شناسیم به سراغ اقتصاد ایران و برنامه‌های پنج ساله توسعه خواهیم رفت. در بخش انتهایی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مقاله تقدیم خواهد شد.

۲- برنامه‌های تعدیل ساختاری

تبیین برنامه‌های تعدیل ساختاری نیازمند مقدماتی است. چرا که این برنامه‌ها در بستر تاریخی و اجتماعی خاصی شکل گرفته‌اند و به صورت مشخص توسط نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشاعه یافته‌اند. بنابراین نمی‌توان در این بخش نسبت به خاستگاه نظری و تاریخی برنامه‌های تعدیل ساختاری بی‌تفاوت بود. از طرفی به دلیل نسبت دادن طیف وسیعی از برنامه‌های اقتصادی به تعدیل ساختاری در ادبیات اقتصادی، در این بخش نیازمند تنقیح برنامه‌ها و سامان آن در چند عملکرد مشخص اقتصادی هستیم تا با آنها به سراغ تحلیل برنامه‌های اقتصاد ایران برویم.

۲-۱- مفهوم

برنامه‌های تعدیل ساختاری^۱ (SAPs) مفهومی در ادبیات اقتصادی است که اشاره به «حاکم کردن نیروهای بازار و به حداقل رساندن نیروهای مداخله‌گر» (کاظمی و یسری، ۱۳۸۲: ۲۱) دارد. لفظ «تعدیل»، در توصیف مجموعه سیاست‌های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان مرتبطی بکار می‌رود که به دنبال دستیابی به تثبیت قیمت‌ها و تعادل داخلی و خارجی پایدار است.^۲ تاکنون تعریف‌های متنوعی از این برنامه‌ها ارائه شده که تمامی آنها به نوعی مفهوم فوق را تبیین نموده‌اند (ببینید: کمالی دهکردی، ۱۳۷۲: ۲۱) و اشاره بدان‌ها ضرورتی ندارد. اما چیزی که بیشتر از مفهوم-پردازی برنامه‌های تعدیل ساختاری واجد اهمیت است، رئوس برنامه‌های تعدیل اقتصادی می-باشد که در دهه‌های اخیر توسط نهادهای مجری آن یعنی بانک جهانی^۳ (WB) و صندوق بین-المللی پول^۴ (IMF) اجرا و به کار رفته است. این برنامه‌ها عبارتند از:

- آزادسازی نرخ ارز و حذف کنترل واردات
- کاهش ارزش پول داخلی
- برنامه‌های ضد تورمی
 - کنترل اعتبارات بانکی، بالابردن نرخ‌های بهره و افزایش ذخایر قانونی
 - کنترل کسری بودجه دولتی، کاهش مخارج بودجه عمومی، افزایش مالیات‌ها و حذف سوبسیدهای مصرفی
 - کنترل افزایش دستمزدها
 - حذف کنترل قیمت‌ها
- زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۵ (FDI) (کمالی دهکردی، ۱۳۷۲: ۳).

این سیاست‌ها را می‌توان در دو مفهوم آزادسازی اقتصادی^۶ و خصوصی‌سازی^۱ نیز خلاصه

۱- Structural Adjustment Programs

۲- Summers & Pritchett, 1993: 383

۳- World Bank

۴- International Monetary Fund

۵- Foreign Direct Investment

۶- Economic Liberalization

کرد (کمالی دهکردی، ۱۳۷۲: ۳). آزادسازی اقتصادی یا مقررات‌زدایی^۲ سیاست‌هایی از جمله آزادسازی قیمت‌ها، آزادسازی مالی، آزادسازی تجاری، آزادسازی نرخ ارز، آزادسازی سرمایه‌گذاری و آزادسازی حساب سرمایه را دربر می‌گیرد که به دنبال به حداقل رساندن نقش دولت در اقتصاد است (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۶). همچنین خصوصی‌سازی را می‌توان حرکت به سوی اقتصاد بازار از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی، توسعه بخش خصوصی و خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی دانست (پاکدامن به نقل از بهکیش، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۱).

برای ارائه تاریخچه‌ای از برنامه‌های تعدیل ساختاری، نیازمند معرفی دو نهاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستیم که محصول کنفرانس برتن‌وودز^۳ هستند. در این کنفرانس ۴۴ کشور موافقت‌نامه برتن‌وودز را منعقد کردند که به دنبال وجود نظام پولی بین‌المللی و تسریع بازسازی‌های بعد از جنگ جهانی دوم، تشکیل صندوق بین‌المللی پول (کمیسون اول) و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (کمیسون دوم) را پیشنهاد می‌داد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۷۵: ۶۸). صندوق بین‌المللی پول با هدف بسط و گسترش همکاری‌های بین‌المللی پولی، ایجاد تسهیلاتی در جهت گسترش و رشد تجارت بین‌المللی، بوجود آوردن نرخ‌های با ثبات ارز بین کشورها و جلوگیری از رقابت کشورهای عضو در کاهش متقابل ارزش پول داخلی خود، و نهایتاً ایجاد سیستم مناسب پرداخت‌های بین‌المللی و از بین بردن محدودیت‌های ارزی تشکیل شد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۷۵: ۷۳-۷۲). همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه که بعدها به بانک جهانی مشهور شد، ابتدا به دنبال بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم در اروپا بود، اما در ادامه هدف اصلی خود را کمک به گسترش زیربنای اقتصادی کشورهای در حال توسعه از قبیل احداث جاده‌ها، بنادر و امثالهم قرار داد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۷۵: ۷۶).

صندوق بین‌المللی پول از همان ابتدای تاسیس سیاست‌هایی را در راستای تثبیت اقتصاد کلان انجام می‌داد و تغییر ساختار اقتصادی را در راستای رسیدن به تثبیت اقتصادی ضروری می‌دانست.

۱- Privatization

۲- Deregulation

۳- Bretton woods (1- 22th July: 1944)

بانک جهانی با همین منطق در دهه ۱۹۸۰ شروع به اعطای وام‌های تعدیل ساختاری^۱ نمود، اما کشورهای نامزد دریافت بودند که سیاست‌های اقتصادی خود را طبق ضوابط بانک جهانی تغییر می‌دادند.^۲ اعطای این وام‌ها سرآغاز برنامه‌هایی بود که امروزه از آن به عنوان تعدیل ساختاری یاد می‌شود. از آنجایی که دو نهاد اقتصادی مستقر در واشنگتن یعنی بانک جهانی و صندوق بین-المللی پول پرچمدار اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری هستند، از این برنامه‌ها با عنوان «اجماع واشنگتنی» نیز یاد می‌شود.

۲-۲- روش‌ها

برنامه‌های تعدیل اقتصادی مجموعه‌ای از سیاست‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است که در کوتاه مدت به مدیریت اقتصادی، در میان مدت به حداقل نمودن هزینه‌ها و تسریع فرآیند تعدیل و در بلندمدت به بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی جهت نیل به تعادل با ثبات می‌پردازند (مهدوی عادل و کلائی، ۱۳۸۹: ۳۲) تعدیل اقتصادی از این منظر پروژه‌ای است که ابتدا با تثبیت شرایط اقتصادی جهت تحرک نیروهای بازار آغاز می‌گردد و در نهایت با بهره‌مندی از کارایی اقتصادی اقتصاد را در وضعیت رشد با ثبات قرار می‌دهد. این وضعیت در اصطلاح اقتصاد رشد، به وضعیت تعادل پایدار^۳ معروف است.

دولت در این میان با اعمال سیاست‌های پولی، مالی، درآمدی و ارزی بصورت منفعلانه در خدمت برنامه‌های تعدیل اقتصادی قرار می‌گیرد. سیاست مالی به معنای تغییرات مخارج و درآمدهای دولت، و سیاست‌های پولی به معنای تغییر در حجم پول می‌تواند به تثبیت شرایط اقتصادی در مراحل اولیه برنامه‌های تعدیل اقتصادی کمک کند. همچنین سیاست‌های درآمدی از جمله کنترل دستمزد و قیمت، و سیاست ارزی به معنای قیمت‌گذاری پول ملی نسبت به اسعار خارجی در میان مدت و بلندمدت مسیر تعدیل اقتصادی را هموار می‌سازند.

تأکید بر منفعلانه بودن این سیاست‌ها از آنجایی ناشی می‌شود که دولت در مقام سیاست‌گذار اقتصادی ملزم به اعمال سیاست‌های خود به گونه‌ای است که هم‌راستا با برنامه‌های تعدیل باشد و

۱- Structural Adjustment Loans

۲- Summers & Pritchett, 1993: 383

۳- Steady State

بروز و ظهور شرایط نامطلوب اقتصادی نظیر فقر و توزیع نامتوازن درآمد، مجوزی برای دخالت دولت از طریق سیاست‌گذاری نیست؛ مگر برنامه‌های تعدیل اقتصادی پیش‌بینی چنین وضعیتی را نموده و راه‌حلی برای آن پیش روی دولت گذاشته باشد.

۲-۳- مبانی نظری

پژوهش‌هایی که بر چارچوب نظری برنامه تعدیل ساختاری تمرکز یافته‌اند، به این نکته اذعان دارند که برنامه‌های مزبور به لحاظ تئوریک بر چارچوب رویکرد نئوکلاسیک استوار است (لیوک سیلا، ۱۹۹۹؛ به نقل از مهدوی عادل و کلائی، ۱۳۸۹: ۲۷) واژه «نئوکلاسیک» اولین بار توسط وبلن^۱ در سال ۱۹۰۰ میلادی به منظور توصیف مارشال و اقتصاد مارشال به کار رفته است. وی با این کار قصد داشت تا بین اقتصاد مارشال و اقتصاد کلاسیک تمایز قائل شود و از این‌رو به هیچ شباهتی در ساختار تئوریک بین این دو اشاره نمی‌کند. او مکتب کمبریج مارشال را پیرو اقتصاد کلاسیک در رویکرد متعارف مطلوبیت‌گرایی^۲ و فرض لذت‌طلبی^۳ معرفی می‌کند. هرچند بعد از وبلن برخی اقتصاددانان از جمله کینز، نئوکلاسیک را با اندکی مسامحه، معادل اقتصاد کلاسیک در نظر گرفته‌اند. اما تعریف مورد توافق از این رویکرد، بعد از جنگ جهانی دوم ارائه شد که به «بسط نظریه نهایی‌گرایی^۴ به‌طور عام» اشاره دارد و می‌توان آنرا در دو اصل زیر خلاصه کرد:

- ۱- رقابت، منابع (به‌ویژه نیروی کار) را به سمت اشتغال کامل سوق می‌دهد.
 - ۲- در بازار رقابتی، دستمزد نیروی کار و سرمایه، برابر با ارزش نهایی تولید آنهاست.^۵
- در این نگاه، دولت جایگاهی در اقتصاد ندارد و انسان‌ها دولت را با هدف حمایت از حقوقشان ایجاد می‌کنند و ویرای این کارکرد، بهترین حکومت، حکومتی است که کمتر حکومت کند (کلارک، ۱۳۸۹: ۱۰۱). شأن دولت پاسبانی از سه ارزش محوری یعنی آزادی اقتصادی،

۱- Veblen

۲- Utilitarianism

۳- Hedonism

۴- Marginalism

۵- Asproumorgos, 2008.

رقابت و مالکیت خصوصی است؛ در حالی که بازار عامل کارایی، ثبات و رشد اقتصادی است. بنابراین برنامه‌های تعدیل همانطور که در ابتدا آمد به دنبال حاکم کردن بازار در تخصیص منابع و حداقل کردن نیروهای مداخله‌گری در این فرایند چون دولت می‌باشد. این دیدگاه حداقلی نسبت به دولت بازگشت به تفکرات کلاسیک اقتصادی است که بعد از آشکار شدن ناکارآمدی دولتی شدن اقتصاد کشورهای پیشرفته بعد از جنگ جهانی دوم، در اواخر دهه ۱۹۶۰ صورت پذیرفت. در این رویکرد جدید که توسط پیروان مکتب شیکاگو یا نئولیبرال‌ها طرح و دنبال شد، دولت باید فعالیت‌هایش را به مدیریت اقتصاد کلان (معطوف به بازار) و تأمین کالاهای عمومی محدود سازد و دیگر فعالیت‌های اقتصادی را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد (مهدوی عادل و کلائی، ۱۳۸۹: ۲۹). نئولیبرالیسم نظریه‌ای در باب نظامی در حوزه اقتصاد سیاسی می‌باشد که بر طبق آن با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد و برنامه‌های تعدیل اقتصادی محصول چنین تفکری است.

۳- تعدیل ساختاری در ایران

در این بخش از مقاله، ابتدا با توجه به تعاریفی که از برنامه‌های تعدیل اقتصادی صورت پذیرفت به سراغ برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی ایران بعد از پیروزی انقلاب می‌رویم و بعد از شناسایی برنامه‌های همخوان و سازگار با تعدیل اقتصادی به تبیین آنها خواهیم پرداخت. اما پیش از این، ذکر نکاتی لازم است.

می‌توان برنامه‌ها و قوانینی که بصورت صریح یا ضمنی در راستای آزادسازی نرخ ارز و حذف کنترل واردات، کاهش ارزش پول داخلی، کنترل اعتبارات بانکی، بالابردن نرخ‌های بهره، افزایش ذخایر قانونی، کنترل کسری بودجه دولتی، کاهش مخارج بودجه عمومی، افزایش مالیات‌ها و حذف سوبسیدهای مصرفی، کنترل افزایش دستمزدها، حذف کنترل قیمت‌ها و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اجرا شده‌اند، را در دایره برنامه‌های تعدیل ساختاری جای داد. هرچند می‌توان انطباق و سازگاری برنامه‌ها و قوانین اقتصادی با برنامه‌های تعدیل ساختاری را بصورت یک طیف در نظر گرفت و برنامه‌های اقتصادی کشور را از نظر اهتمام به

موارد فوق، دورتر یا نزدیک‌تر به برنامه‌های تعدیل اقتصادی دانست.

در این تحقیق برنامه‌هایی به عنوان برنامه‌های تعدیل اقتصادی معرفی و تحلیل می‌شوند که با صورت صریح توسط مقامات و نهادهای ذیربط وقت از آنها به عنوان سیاست تعدیل نامبرده شده باشد، و یا با برنامه‌های تعدیل به لحاظ محتوایی سازگار باشند. این نکته از آنجایی حائز اهمیت است که صحبت در باب برنامه‌های تعدیل اقتصادی در کشور تا کنون بیشتر از آن که جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه سیاسی داشته و مرزبندی بین برنامه‌های تعدیل اقتصادی و غیر از آن نیازمند مذاقه‌های علمی است.

در نهایت لازم به ذکر است بررسی برنامه‌های اقتصادی کشور از نظر سازگاری با برنامه‌های تعدیل اقتصادی تنها در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون حائز اهمیت می‌باشد. چرا که تنها در این دوره نظام اسلامی مستقر بوده و سازگاری یا ناسازگاری برنامه‌های اقتصادی یک نظام اسلامی با برنامه‌های تعدیل اقتصادی می‌تواند محل تأمل باشد. آنچنان که در مبانی نظری برنامه‌های تعدیل اقتصادی از نظر گذشت، این برنامه محصول تفکر نئولیبرالیستی است که در مقابل تفکر اقتصاد اسلامی قرار دارد.

۳-۱- برنامه پنج‌ساله اول توسعه

اقتصاد ایران بعد از پایان یافتن جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ مشکلات عدیده‌ای را تجربه می‌کرد. افت درآمدهای ارزی از فروش نفت به واسطه‌ی افت قیمت نفت در بازارهای جهانی، افزایش کسری بودجه دولت به دلیل افزایش هزینه‌های نظامی، افت تولید ناخالص داخلی به دلیل کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و روند افزایشی نرخ تورم تنها بخشی از مشکلات اقتصاد آن دوره بود. در این برهه برنامه پنج ساله اول بهترین فرصت برای ارائه برنامه تعدیل ساختاری بود و تعدیل زیرساخت‌های اقتصادی، آزادسازی اقتصادی و کاهش کنترل‌های دولتی و نهایتاً خصوصی‌سازی^۱ مورد تأکید این برنامه قرار گرفت (کمالی دهکردی، ۱۳۷۲: ۱۴۸). کار تدوین این برنامه از سال ۱۳۶۶ شروع و تا سال ۱۳۶۸ به طول انجامید که ادامه برخی از مصوبات

۱- در این دوره برای اولین بار موضوع خصوصی‌سازی بصورت رسمی اعلام شد و اتفاقاً استقبال مناسبی از سوی بخش خصوصی از این طرح صورت پذیرفت؛ لکن پس از اینکه آشکار شد که دولت اعتقاد لازم و نیز برنامه صحیح برای خصوصی‌سازی ندارد، بخش خصوصی عقب‌نشینی کرد (کاظمی و سیری، ۱۳۸۲: ۹۹)

این برنامه که دلالت بر برنامه تعدیل ساختاری دارند از نظر می‌گذرد:

در بخش چهارم از هدف‌های کلی این برنامه، به «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر محصولات استراتژیک از طریق مهار تورم اشاره شده است». استفاده از حداکثر ظرفیت‌های موجود مالیاتی در جهت تأمین بخش وسیع‌تری از هزینه ارائه خدمات دولتی و بهبود قیمت‌های نسبی بخش کشاورزی و ایجاد زمینه‌های تعادل بخشی از راهکارهای تحقق هدف مذکور می‌باشد. لازم به ذکر است که رشد اقتصادی از طریق مهار تورم و استفاده از حداکثر ظرفیت‌های موجود مالیاتی با توجه به وضعیت اقتصادی آن دوران، نتیجه‌ای جز کاهش مخارج عمومی دولت، کاهش درآمد قابل تصرف، افزایش نرخ بیکاری و در نهایت کاهش رفاه مصرف‌کننده ندارد. اما از آنجایی که این سیاست به عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی برنامه‌های تعدیل ساختاری بود، شاهد تبلور آن در برنامه اول توسعه هستیم که اساساً تعبیر «له شدن زیر چرخ‌های توسعه» مربوط به این موضوع است.

در بخش سوم از تصویر کلان برنامه، بودجه و وضع مالی دولت بر کاهش کسری بودجه دولت تأکید شده است. طبق بند ۳-۳ این بخش «کسری بودجه دولت از حدود ۲۱۴۶.۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۹۲.۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته و سهم آن در کل بودجه از ۵۱ درصد به ۱.۴ درصد تقلیل می‌یابد». همچنین طبق بند ۳-۴ همین بخش «نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از ۹.۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۰.۲ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش می‌یابد». سیاست کاهش کسری بودجه دولت و رساندن آن به سه درصد از تولید ناخالص داخلی از اهداف سیاستی بانک جهانی در برنامه تعدیل ساختاری بود که تبدیل به یکی از شعارهای اقتصادی دولت در آن زمان شد؛ بدون توجه به شرایط اقتصادی بعد از جنگ و بدون توجه به این موضوع که با چه مکانیزم انقباضی می‌توان سهم کسری بودجه از تولید ناخالص داخلی را با چنین شیب تندی کاهش داد. مرحوم نوربخش رئیس بانک مرکزی وقت در این زمینه اذعان دارد: «... مطلوب ما این بود که کسری بودجه از سه درصد GNP هر سال بیشتر نشود، ولی در اجرا بیشتر می‌شد!» (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۷۶)

در بخش چهارم از تصویر کلان برنامه به کاهش نرخ تورم اینگونه اشاره شده است: «با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی مورد پیش‌بینی در برنامه، رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از حدود ۲۸.۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸.۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش

خواهد یافت.^۱

در قسمت دوم از بخش پنجم به روند افزایشی در واردات اشاره می‌گردد: «حجم کل واردات کالا در سال ۱۳۶۷ که حدوداً معادل ۱۲ میلیارد دلار برآورد می‌گردد، در طی پنجساله برنامه اول روند افزایشی داشته به طوری که طی دوره ۷۲-۱۳۶۸ مجموعاً به ۱۱۴۳ میلیارد دلار بالغ خواهد گشت». این نوع از حذف کنترل واردات با توجه به عدم توان رقابت‌پذیری صنایع داخلی با محصولات وارداتی، به تشدید واردات به ویژه در حوزه کالاهای مصرفی و لوکس منجر شده است. اساساً این نقد جدی به سیاست آزادسازی واردات در برنامه تعدیل ساختاری وجود دارد؛ چرا که عمده کشورهای توسعه نیافته که ناچار به اجرای این برنامه شده‌اند، در فاصله کوتاهی با تضعیف بخش تولیدی داخلی مواجه و تبدیل به بخشی از زنجیره مصرفی تولیدات کشورهای صنعتی و پیشرفته شده‌اند.

در بخش ششم اهداف کمی یعنی بخش نیروی انسانی و اشتغال داریم: «اتخاذ سیاست‌های مالی، پولی، مالیاتی و تنظیم مقرراتی که در چارچوب هدفهای توسعه کشور زمینه کاربرد منابع سرمایه‌ای بخش خصوصی را در امور تولیدی تسهیل کند». همچنین «حذف و جرح و تعدیل کلیه مقررات و ضوابطی که باعث انقباض بازار کار و عدم ایجاد اشتغال شده‌اند» در دستور کار این بخش بود.

برنامه توسعه اول، اشاره‌های متعددی به لزوم نرخ ارز چندنرخه دارد که کمیته تخصیص ارز مسئول هدایت این منابع طبق سهمیه‌های تعیین شده است. برای مثال تبصره ۲۸ به استفاده دانشجویان از ارز دولتی اشاره دارد، همچنین در تبصره ۴۲ آمده است «در طول برنامه پنجساله، نرخ ارز برای واردات قطعات، ماشین‌آلات، تجهیزات و یا کالاهای قابل ساخت در داخل نباید از نرخ ارز تخصیصی جهت تولید داخلی همان اقلام ارزان‌تر باشد». در قسمت چهارم بخش چهارم اهداف کمی، به نرخ ارز ترجیحی برای تولید کالاهای ضروری اشاره می‌شود. این سیاست در تضاد با آن چیزی است که برنامه تعدیل اقتصادی تحت عنوان آزادسازی نرخ ارز به دنبال آن است و به نظر می‌رسد در شرایط اقتصادی آن دوران، سهمیه‌بندی ارز و چندنرخه

۱- توجه به کاهش تورم به خودی خود سیاستی از جنس برنامه‌های تعدیل ساختاری نیست؛ بلکه زمانی که به عنوان بخشی از سایر برنامه‌های تعدیل مورد توجه قرار می‌گیرد می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های برنامه تعدیل ساختاری مطرح کرد.

کردن آن بهترین گزینه برای کنترل بازار ارز بود. اما در واقعیت اتفاق دیگری رخ داد و سیاست‌گذاری‌های دولت به سمت آزادسازی نرخ ارز و تک‌نرخی کردن آن رفت. روغنی زنجانی در تأیید این موضوع معتقد است که در مواردی (سال‌های تعدیل) ما به ناچار متقاعد می‌شدیم که آزادسازی نرخ ارز برای تشویق صادرات ضروری است: «وقتی می‌خواهید صادرات را توسعه دهید و قیمت ارز را کنترل می‌کنید و آنرا پایین‌تر از ارزش بازار نگه می‌دارید، صادرکننده انگیزه‌ای برای صادرات ندارد. کشور در بحران بود و باید شرایطی فراهم می‌شد تا صادرکنندگان به دنبال انگیزه‌های بیشتری برای صادرات باشند. عقل سیاسی و حکومت‌داری نیز حکم می‌کرد که باید انگیزه افراد را برای کسب سود بیشتر کرد. این بود که یواش یواش منطق بازار آزاد و مکانیزم قیمت‌ها خود را نشان می‌داد...» (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۱۶۲).^۱

۳-۲- برنامه پنج ساله دوم توسعه

برنامه توسعه دوم اقتصادی مطابق با اهداف و سیاست‌های اعلام شده در اسناد آن، صراحتاً مبنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی تهیه شد و رشد و توسعه اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف کشور در این دوره مدنظر قرار گرفت. برخی از بخش‌های این برنامه که در ترابط نزدیک با برنامه‌های تعدیل اقتصادی است ارائه می‌گردد:

در بحث آزادسازی نرخ ارز، در بخش اول از سیاست‌های کلی به نظام ارزی شناور مدیریت شده است که اولاً نرخ ارز یکسان‌سازی شود و ثانیاً پول رایج کشور به اسعار خارجی براساس نرخ شناور تبدیل گردد. همچنین در تبصره ۲۲ قانون برنامه آمده است: «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است معادل ارز مورد نیاز برای خریدهایی که بر حسب ضرورت از خارج انجام می‌شود، را به نرخ شناور محاسبه نماید و در اختیار دستگاه ذیربط قرار دهد.» در بخش سیاست‌های پولی و تنظیم بازار به «حفظ و تنظیم رابطه مستقیم میان رشد تولید ناخالص ملی و افزایش حجم اسکناس و نقدینگی جامعه به منظور کنترل تورم» اشاره شده است.

۱- به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران وقت تمایل بالایی نسبت به اجرای آموزه‌های اقتصاد متعارف و به تبع آن برنامه‌های تعدیل ساختاری بدون توجه به شرایط اقتصادی آن دوران داشتند. به اعتقاد دکتر نیلی «اگر به گزارش‌های اقتصادی سازمان برنامه در سالهای ۶۰ و ۶۱ و از سال ۶۵ به این طرف مراجعه کنید، نشانه‌های شکل‌گیری تفکر اقتصاد مدرن را ملاحظه خواهید کرد. نمود بارز این مطلب در نرخ ارز بود...» (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۲۶۲).

در تبصره ۱۰ قانون برنامه، بر اجرای اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی در جهت ایجاد توازن بین سه بخش خصوصی، دولتی و تعاونی تأکید شده است. در این تبصره آمده است: «به منظور کمک به تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک، دولت مکلف است در جهت اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی ایجاد تعادل در سهم بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور، افزایش سهم فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاونی و همچنین اجرای طرح‌های اشتغال‌زا (خود اشتغالی)، از طریق پرداخت تسهیلات ارزان قیمت بانکی حمایت‌های لازم را به عمل آورد». همچنین یکی از اهداف کیفی مذکور در این برنامه، ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی (تعاونی، خصوصی و دولتی) است. «تلاش در جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی از تولید ناخالص داخلی» و «واگذاری بخش‌هایی از فعالیت‌های دولت که با حاکمیت دولت منافاتی ندارد به بخش‌های خصوصی و تعاونی با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی» دو رکن اساسی در رسیدن به این هدف می‌باشد. تفکر محاط بر برنامه اول و دوم توسعه «همان تفکر بازکردن فضای اقتصادی و خروج از سیستم متمرکز دولتی و میدان دادن به بخش خصوصی و سرمایه‌های خصوصی و تجارت آزاد» است؛ (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۱۶۶) در حالی که به زعم سیاست‌گذاران اقتصادی وقت «بخش خصوصی در آن دوران فاقد کاردانی و لیاقت و توان مالی بالا بود» (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۲۰۸)^۱ و اساساً یکی از علل کلیدی عدم توفیق سیاسی خصوصی‌سازی در آن دوران، فقدان فضای مناسب برای خصوصی‌سازی و نبود بررسی‌های دقیق در خصوص توانایی‌های بخش خصوصی درباره امکانات مالی و مدیریتی آنان دانست (بهکیش، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

ماده ۱۱۵ برنامه تأکید مستقیم بر حذف کنترل واردات بدین صورت دارد: «دولت موظف است برای رونق تجارت خارجی موانع غیر تعرفه‌ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیت‌های شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمانبندی اصلاح نرخهای معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی اقدام کند».

سیاست درآمدی این برنامه معطوف به تأمین هزینه‌های جاری صرفاً از طریق افزایش سهم

۱- این نکته مورد تأکید دکتر نیلی نیز قرار گرفته است: «...شاید یکی از ایراداتی که آن موقع به خصوصی‌سازی وارد بود این بود که دو ویژگی ارائه اطلاعات به صورت شفاف و عرضه یک فضای رقابتی را نداشت.» (بهکیش، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

درآمدهای مالیاتی همراه با کاهش ابعاد دولت است. افزایش سهم مالیات‌های مستقیم در درآمدهای مالیاتی کشور، و حذف تدریجی معافیت‌های مالیاتی اعطا شده به بخش‌ها، رشته فعالیت‌ها و مؤسسات مختلف همراه با اصلاح قیمت‌ها و تخصیص بودجه و بازنگری نظام مالیاتی بر اساس تعریف پایه درآمد برخی از روش‌های این سیاست است. تأکید بر کاهش بودجه جاری بخش‌های مربوط به فصول امور اقتصادی از طریق کاهش فعالیت‌های اعمال تصدی دولت نیز وجود دارد هرچند اشاره مستقیمی به کاهش کسری بودجه به چشم نمی‌خورد.

در سال ۱۳۷۳-۷۴ عملاً این سیاست کنار گذاشته شد و دولت به یک اقتصاد روزمره و به نوعی دولتی روی آورد. خصوصی‌سازی مدنظر در این دو برنامه، اقدامی شتابزده و سطحی بود و توسعه‌ای که در جامعه صورت گرفت میان تهی و فصلی بود که هیچ‌یک از معضلات ساختاری اقتصاد را برطرف نکرد (یوسف‌پور، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

۳-۳- برنامه پنج‌ساله سوم توسعه

برنامه‌ی سوم توسعه در شرایطی تدوین شد که التزام صریح به برنامه‌های تعدیل ساختاری در دو برنامه قبلی محل تردید و انتقاد بود. اما این برنامه متأثر از طرح ساماندهی اقتصاد کشور (۱۳۷۷) بود که توسط ریاست جمهوری وقت ابلاغ شد. در این طرح به صراحت و در بند ۱۲، بر خصوصی‌سازی و متمرکز ساختن فعالیت‌های اساسی دولت در حوزه اعمال حاکمیت و کاستن دامنه‌دار از تصدی‌ها تأکید شده است. در مستندات برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۳)، اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه اقتصاد رقابتی از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت راهبرد اصلی برنامه سوم معرفی شده است.

در ماده ۹ از این برنامه آمده است: «به منظور ارتقاء کارآیی و افزایش بهره‌وری منابع مادی و انسانی کشور و کارآمد کردن دولت در عرصه سیاست‌گذاری و توسعه توانمندی بخش‌های خصوصی و تعاونی، سهام شرکت‌های قابل واگذاری بخش دولتی در شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است، طبق مقررات این قانون با اولویت ایثارگران در شرایط مساوی، به بخش‌های تعاونی و خصوصی فروخته خواهد شد.» (بهکیش، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۶). در مورد روند خصوصی‌سازی پیش‌بینی شده در این برنامه، آنرا شتابان و فراگیر توصیف

می‌کند و رویکردهایی برنامه سوم در زمینه خصوصی‌سازی را به بوته‌ی نقد می‌گذارد. برای مثال یکی از موارد نگران‌کننده برای دولت سرعت زیاد در واگذاری‌ها بوده است و واحدهایی تولیدی که تا چندی پیش ۱۴ سازمان نظارتی بر آنها نظارت داشته‌اند به یکباره کاملاً آزاد می‌شوند و تابع قانون تجارت می‌شوند.

۳-۴- برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه

برنامه چهارم با تأسی از سند چشم‌انداز (۱۳۸۲) تدوین شد؛ چرا که در بخش آخر سند چشم‌انداز به لزوم تناسب داشتن برنامه‌های اقتصادی اعم از بودجه‌ها و برنامه‌های پنج‌ساله با اهداف سند تأکید شده بود. این برنامه مؤید الگوی «رشد پایدار اقتصادی مبتنی بر محور دانایی و رویکرد جهانی» در قالب چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی تهیه و تدوین شده است (مستندات برنامه چهارم، ۱۳۸۳). بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان وقت صراحتاً به دنبال ورود ایران به چرخه تولید جهانی و گسترش مناسبات تجاری ایران با دنیای خارج بودند که این مسأله در تلاش دولت اصلاحات برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی نیز مشهود است. برخی از بخش‌های برنامه چهارم که متناسب با برنامه‌های تعدیل ساختاری است ارائه می‌گردد:

در بند الف از ماده دو این قانون آمده است: «دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیرنفتی دولت را به گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین گردد.» در ماده چهارم هم به صراحت برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات ممنوع شده است که این حاکی از عزم برنامه چهارم در افزایش مالیات‌هاست.

این برنامه به نسبت برنامه‌های قبلی با شدت بیشتری از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی صحبت می‌کند و در ماده ششم می‌نویسد: «به‌منظور تداوم برنامه خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی در توسعه کشور به دولت اجازه داده می‌شود از همه روش‌های امکان‌پذیر، اعم از مقررات‌زدایی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال) تجزیه به‌منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکتها استفاده شود.»

ماده ۱۰ این قانون به سیاست‌های ضدتورمی اشاره دارد: «به منظور تأمین رشد اقتصادی و کنترل تورم و بهبود بهره‌وری منابع مالی سیستم بانکی، دولت مکلف است بدهی خود به بانک مرکزی

و بانک‌ها را طی سالهای برنامه چهارم با منظورکردن مبالغ بازپرداخت در بودجه‌های سنواتی کاهش دهد. همچنین «افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی بانکها طی سالهای برنامه چهارم، به‌طور متوسط سالانه بیست درصد (۲۰٪) نسبت به رقم مصوب سال ۱۳۸۳ کاهش می‌یابد».

در این برنامه سرفصل مجزایی تحت عنوان «تعامل فعال با اقتصاد جهانی» آمده است که خود حکایت از نگاه برنامه‌نویسان به مسأله اقتصاد دارد. این فصل که معطوف به تسهیل روابط تجاری است در ماده ۳۳ خود می‌نویسد: دولت باید «نسبت به حذف کلیه موانع غیر تعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمانبندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید».

فصل سوم از برنامه تحت عنوان «رقابت‌پذیری اقتصادی» است که نفس این نام‌گذاری خود در چارچوب گفت‌وگو تعادل اقتصادی معنا دارد:

- ماده اول این فصل (ماده ۳۷) «ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار» را هدف گرفته است و دولت را ملزم نموده «نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید».
- ماده ۳۹ قیمت‌گذاری را صراحتاً به «کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی» محدود می‌کند.
- طبق ماده ۴۱ دولت موظف است، در جهت بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون، اقدام‌هایی را اجرا کند که سازگار با برنامه‌های تعدیل است. «کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز»، «تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی» و «بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار به گونه‌ای که لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات تصویب شود» بخشی از این فعالیت‌هاست.

۳-۵- برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه

برنامه پنجم توسعه متأثر از فرامین مقام معظم رهبری به ویژه نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به نام دهه پیشرفت و عدالت تدوین شد. در این برنامه که به جای توسعه از عبارت «پیشرفت و عدالت»

استفاده شده است، سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه (۱۳۸۷) که در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله و با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت به دولت ابلاغ شده، چارچوب برنامه و اهداف آنرا مشخص کرده است. بخش‌های مدنظر این برنامه به قرار زیر است:

بخش اول از فصل پنجم (اقتصادی) برنامه پنجم مرتبط با «بهبود فضای کسب و کار» است. در این راستا ماده ۷۴ به شکل‌گیری بازارهای رقابتی و ماده ۷۷ به «تقویت و ساماندهی تشکلهای خصوصی و تعاونی تقویت و ساماندهی تشکلهای خصوصی و تعاونی» اشاره دارد.

در ماده ۸۱ برنامه پنجم آمده است: «نظام ارزی کشور، شناور مدیریت شده است. نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد.»

طبق ماده ۱۰۳ این برنامه «برقراری موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای واردات در طول سال‌های برنامه به جز در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضا می‌کند، ممنوع است. در صورت وجود چنین موانعی دولت مکلف است با وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای نسبت به رفع آن اقدام کند.»

در بند «و» ماده ۱۰۴ برنامه پنجم می‌خوانیم: «دولت موظف است ضمن ایجاد همسویی قوانین و مقررات بخش تجاری کشور با قوانین و مقررات اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی، نسبت به آماده‌سازی و توانمندسازی ارکان اقتصادی کشور برای عضویت در سازمان توسعه تجارت جهانی (WTO) اقدام قانونی نماید.»

ماده ۱۱۱ مستقیماً به زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توجه دارد: «شناسایی و اصلاح قوانین و مقررات برحسب ضرورت و تعیین و اعمال مشوقها به تناسب نیاز روز و رقابتهای بین‌المللی برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی.»

در تبصره بند ج ماده ۱۱۷ کنترل کسری بودجه دولت مورد تأکید است: «تأمین کسری بودجه دولت از محل استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی ممنوع است.»

جمع‌بندی

در این تحقیق به دنبال شناسایی ردپای برنامه‌های تعدیل ساختاری در نظام برنامه‌ریزی ایران و به صورت مشخص برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بعد از انقلاب بودیم. لذا ابتدا با تعریف مشخصی از برنامه‌های تعدیل، شاخص‌هایی نظیر آزادسازی نرخ ارز و حذف کنترل واردات، کاهش ارزش

پول داخلی، برنامه‌های ضد تورمی (کنترل اعتبارات بانکی، بالابردن نرخ‌های بهره و افزایش ذخایر قانونی، کنترل کسری بودجه دولتی، کاهش مخارج بودجه عمومی، افزایش مالیات‌ها و حذف سوبسیدهای مصرفی، کنترل افزایش دستمزدها و حذف کنترل قیمت‌ها)، زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را احصا نموده و با آنها به سراغ تحلیل برنامه‌های پنج ساله رفتیم. هرچند در این میان توجه به اصطلاحاتی نظیر آزادسازی اقتصادی یا مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی که پایه‌های اصلی برنامه‌های تعدیل هستند نیز راهگشا بود.

برنامه اول و دوم توسعه به دلیل مقتضیات آن دوران و ارتباط گسترده دولت وقت با صندوق و بانک جهانی ارتباط صریح و وثیقی با آموزه‌های اقتصاد متعارف و برنامه‌های تعدیل ساختاری دارد. دکتر نیلی معاون وقت سازمان برنامه در این ارتباط معتقد است: «در ادبیات انقلابی می‌گویند که انقلاب فرزندان خودش را می‌خورد. من همیشه به‌عنوان طنز این را مطرح می‌کردم که شما (سازمان برنامه) همین بلا را بر سازمان برنامه آوردید. سازمان برنامه در زمان دولت قبلی که تفکر فراگیر و غالب آن تفکر بسته و درونگرا بود، تفکر اقتصاد مدرن را مطرح کرد و آن را زنده نگه داشت و به تدریج هم در بعد کارشناسی آن را رشد داد و در افکار عمومی هم آن را به تدریج مطرح کرد که در نهایت آن را در برنامه اول متجلی کرد» (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۳۱۷). این ارتباط در برنامه سوم به حداقل می‌رسد، اما در آن زمان نمی‌توان طرح ساماندهی اقتصادی دولت را بی‌وجه با برنامه‌های تعدیل دانست. دو برنامه پنج‌ساله آخر یعنی برنامه چهارم و پنجم هرچند به تاسی از سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه پنجم محدود شده‌اند، اما همچنان مفاهیم و مضامین مرتبط با برنامه‌های تعدیل در بندهای آنها به چشم می‌خورد. این مسأله بی‌ارتباط با سیاست‌های اصل ۴۴ نمی‌باشد؛ چرا که این سیاست‌ها هرچند فی‌نفسه مؤید برنامه‌های تعدیل نیست، اما جواز سوءاستفاده از خصوصی‌سازی را به دولت‌ها می‌دهد.

می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که یکی از دلایل عدم توفیق برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران (عطف نظر به برنامه‌های پنج‌ساله) به مسأله ناسازگاری برنامه‌ها با شرایط و مقتضیات اقتصادی کشور بازمی‌گردد. تناسب و ترابط برنامه‌های پنج‌ساله با برنامه‌های تعدیل ساختاری بخشی از ناسازگاری را نشان می‌دهد. لذا فارغ از چالش همیشگی میان برنامه‌ریزان و مجریان اقتصادی که هر یک توپ را به زمین دیگری می‌اندازند، می‌توان به عدم تناسب برنامه‌های اقتصادی کشور با شرایط و مقتضیات اقتصادی آن اذعان داشت.

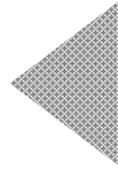
منابع

- ____، **متن قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۹)**.
 ____ (۱۳۷۷)، **طرح ساماندهی اقتصاد کشور**.
 ____ (۱۳۸۲)، **سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴**.
 ____ (۱۳۸۳)، **مستندات برنامه چهارم توسعه**، دفتر اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه.
 ____ (۱۳۸۷)، **سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه**.
 ____، **متن قانون برنامه پنج ساله اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۰)**.
 ____، **متن قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)**.
 ____، **متن قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۷۵)**.
 ____، **متن قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۰)**.
 احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۵)، **اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، گام نو، چاپ اول.
 استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۷)، **جهانی‌سازی و مسائل آن؛ ترجمه حسن گلریز؛ تهران، نشر نی، چاپ چهارم**.
 بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۹)، **اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن**، نشر نی، چاپ پنجم.
 رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۲)، **درآمدی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری**، دانشگاه آزاد اسلامی.
 رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۶)، **آزادسازی اقتصادی از تئوری تا عمل**، سمت.
 سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، **مستندات برنامه دوم توسعه**، گزارش عملکرد برنامه اول توسعه، جلد یازدهم.
 کاظمی ویسری، عبدالکریم (۱۳۸۲)، **تعدیل اقتصادی در تئوری و تجربه**، سازمان مدیریت صنعتی.
 کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۷۲)، **سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، غنا، نیجریه و جمهوری اسلامی ایران**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
 محترم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۷۵)، **سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی**، تهران، نشر وینستار.
 محمدی، علی (۱۳۸۷)، **جهانی‌شدن و استعمار دوباره، موردشناسی کشورهای اسلامی در قرن بیست و یکم**، تهران، نشر نی.
 مهدوی عادل، محمدحسین و محمدرضا کلاتی (۱۳۸۹)، **بررسی کارآمدی اصلاح قیمت‌های نسبی در بستر افتراق میان اهداف و نتایج تعدیل ساختاری**، **مجله دانش و توسعه**، شماره ۳۰.
 مؤهنی، فرشاد (۱۳۸۶)، **اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری**، تهران، انتشارات نقش و نگار.
 هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، **تاریخ مختصر نولیبرالیسم**، مترجم: محمود عبدالله‌زاده، تهران، نشر اختران.

- یوسف پور، علی (۱۳۸۱)، *مبانی تصمیم‌گیری سیاسی-اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۷۶)*، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

- Aspromourgos, Tony(2008), "'Neoclassical'." The New Palgrave Dictionary of Economics. Second Edition. Eds. Steven N. Durlauf and Lawrence E. Blume. Palgrave Macmillan.
- Summers, L. H., & Pritchett, L. H. (1993), The Structural-Adjustment Debate, *The American Economic Review (evanston)*, 83, 2, 383-389

چگونگی تأثیر گذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی



محبوبه سادات قائمی طلب^۱

(تاریخ دریافت ۹۳/۸/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۳/۲۴)

چکیده

در عصر حاضر رسانه‌های گروهی پیشرفت زیادی کرده‌اند به نحوی که مرزهای زمانی و مکانی را زیر پا گذارده و تمام دنیا را زیر پوشش قرار می‌دهند. این عصر مواجه با انقلاب بزرگی است که حیات انسان تا کنون به خود دیده است. این دوره با پیدایش تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون، ماهواره و کامپیوتر همراه است. این تکنولوژی پیشرفته سبب تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در سطح جهان شده است. از جمله تحمل صدای مخالفان در دولت به شکل یک اصل به تدریج پذیرفته می‌شود. نقش مردم و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها روز به روز پررنگ‌تر می‌گردد. این تحول بزرگ بیشتر از انقلاب صنعتی و تمدن کتبی، زمینه اشاعه علم و آموزش سواد را در جوامع انسانی فراهم آورد، شیوه سنتی آموزش مدارس و دانشگاه‌ها را زیر سؤال برد و ضروریات آمادگی برای پذیرش تغییرات را در درون یک کشور مطرح ساخت.

این نوشتار به بررسی شکل‌گیری رسانه‌ها و قدرت آن‌ها در تأثیرگذاری بر افکار عمومی

می‌پردازد. فرض آن بر این است که رسانه‌های گروهی توانسته‌اند در تمام عرصه‌ها از جمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... نفوذ کرده و همراه با گسترش روز افزون علم و سطح سواد بر افکار عمومی تأثیر گسترده‌ای بگذارند. این تأثیرگذاری عامل مهمی در قدرت رسانه‌ها محسوب می‌گردد. در این مقاله ابتدا رسانه‌های گروهی و سپس افکار عمومی و نقش رسانه‌ها بر آن بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی: رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، سیاست، قدرت، تبلیغات.

مقدمه

هزاره سوم دوران پر شتاب فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است که چهره زندگی، شیوه اندیشیدن تولید و باز تولید، مصرف، تجارت، مدیریت و جنگ و صلح را در جهان دگرگون کرده است. این دو عامل نیرومند فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و آشنایی مردم با رویدادها و حوادث اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سراسر گیتی درک نوینی از خردورزی، حقوق و آزادی‌های مدنی و نقش قدرت‌های سیاسی و چگونگی استقرار آن پدید آورده‌اند. تنوع و تعدد رسانه‌ها، ابزار پیشرفته شناخت افکار عمومی است، به ویژه اگر در یک فضای آزاد و عینی به کار خود ادامه بدهند. توسعه فناوری‌های جدید موجب تنوع و تعدد رسانه‌های اینترنتی، مخابراتی و ... می‌شوند. هریک از این رسانه‌ها منعکس کننده نظریات جامعه‌اند که در نهایت به توسعه افکار عمومی دامن می‌زنند. اگر رسانه‌ها نباشند، نخواهند یا نتوانند، هیچ واقعه‌ای به افکار عمومی تبدیل نمی‌شود و شکل نخواهد گرفت.

۱- شکل‌گیری رسانه‌ها

در طول تاریخ رسانه‌های ارتباطی گوناگونی مورد استفاده جوامع بشری واقع شده‌اند. برخی از این رسانه‌ها مانند زبان انسان، از رسانه‌های ارتباطی طبیعی و برخی دیگر مثل نشانه‌ها و نمادهای گوناگون جنبه قراردادی دارند و برخی نظیر مطبوعات، تلویزیون و سینما که امروزه به آن‌ها رسانه‌های ارتباط جمعی یا توده‌ای گفته می‌شود، چون ساخته انسان می‌باشند، مصنوعی محسوب می‌گردند (اشرفی ریزی، ۱۳۸۶: ۷۹).

تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن هیجدهم و نوزدهم سبب پیشرفت و تکامل مطبوعات گردیدند. انقلاب کبیر فرانسه مطبوعات را در مبارزه بر ضد استبداد و کسب آزادی به صورت یک سلاح مهم سیاسی در آورد، و به همین سبب در رژیم دموکراسی آزادی گرا، به مطبوعات در کنار ارکان سه گانه - مقننه، قضائیه و مجریه - عنوان رکن چهارم دموکراسی داده شد. سال ۱۷۸۹ (انقلاب کبیر فرانسه) در تاریخ آزادی فکری از تابناک‌ترین سال‌هاست. در این سال‌ها با ضبط کتاب‌های کلیسایی و نیز کتابخانه‌های شاهزادگان و اشراف، مجموعه‌ای برای کتابخانه ملی در پاریس فراهم می‌آید. هم در این سال مجمع ملی فرانسه اعلامیه حقوق بشر را عرضه می‌دارد (ابرامی، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۵).

از اواسط قرن نوزدهم به سبب توسعه مدارس و دادن حق رأی در انتخابات به عموم افراد، مطبوعات که تا آن موقع فقط در قشر کوچک مردم با سواد نفوذ کرده بودند، میدان فعالیت وسیع‌تری پیدا کردند. قبل از پدیده توده‌وار شدن جوامع روزنامه تنها یکی از طرق ارتباط اجتماعی بود، ولی مهمترین طریق آن به شمار نمی‌رفت. و در آن موقع مطبوعات فقط دو وظیفه داشتند، از یک طرف اطلاعات موجود را در همه جا پراکنده می‌کردند و از طرف دیگر افکار و عقایدی را که در جوامع پدید می‌آمدند، اشاعه می‌دادند. در جوامع صنعتی، مطبوعات نقش مهم‌تری به دست آوردند و در واقع به عامل اصلی ارتباط اجتماعی تبدیل گردیدند. در چنین جوامعی مطبوعات وظیفه یافتند که به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی به زبان همه مردم تبدیل شوند. افراد پراکنده را آگاه سازند و بین آن‌ها پیوند ایجاد کنند. اما باید در نظر داشت که با شرایط اجتماعی و اقتصادی جدید، مطبوعات با امکانات معمولی خود دیگر به تنهایی نمی‌توانستند این وظیفه مهم را به عهده داشته باشند. بنابراین در کنار روزنامه‌ها باید وسایل ارتباطی نوینی ایجاد می‌شدند که شرایط ارتباط مستقیم و فوری از راه‌های دور، در سرزمین‌های پنهان را تأمین کنند. اختراع تلگراف و تلفن و بی‌سیم و تکمیل تکنیک‌های عکاسی به تدریج این شرایط را فراهم ساختند و با ظهور رادیو سینما و تلویزیون، وسایل ارتباطی تازه‌ای در کنار مطبوعات در اختیار انسان‌ها گذاشته شدند. به طور کلی رسانه‌های ارتباطی نوین در یک قرن اخیر و مخصوصاً در ۱۵۰ سال گذشته، گسترش و پیشرفت فراوان پیدا کرده‌اند. اگر سال ۱۹۲۰ را که تاریخ شروع بهره‌برداری عمومی از رادیوست، به عنوان مبدأ تحولات جدید در رسانه‌ها بدانیم، متوجه می‌شویم که در سال‌های اخیر در این مورد دگرگونی‌های عظیمی پدید آمده است

(اشرفی ریزی، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۷). وسایل ارتباطی نقش‌ها و وظایفی دارند که می‌توان آن‌ها را بدین قرار برشمرد: نقش‌های تفریحی، نقش‌های خبری، نقش‌های همگن‌سازی، نقش آگاه‌سازی و نقش احساس تعلق اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۷۰).

۲- رسانه‌های گروهی

اصطلاح Mass Media در واژگان علوم اجتماعی در معانی وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های جمعی، رسانه‌های همگانی، رسانه‌ها و ارتباط جمعی به کار رفته است. مفهوم Medium یا وسیله ارتباطی که جمع آن Media است، کلمه‌ای است لاتین و معنی آن به طور کلی جریان انتقال از طریق وسایل ارتباطی است. کمیته بررسی اصطلاحات فنی فرانسه در ۱۹۷۱ از میان تعاریفی که فرهنگ‌های تخصصی ارائه کرده‌اند، تعریف زیر را می‌پذیرد: Media عبارت است از وسایل ارتباطی و حامل‌های زیادی را در بر می‌گیرد. مثال: مطبوعات یکی از وسایل ارتباطی است و مثلاً روزنامه اطلاعات یک حامل است.

Mass media عبارتست از وسیله ارتباطی که علمای منطق آن را وسعت مفهومی می‌نامند و به طور کلی منظور آن دسته از وسایل ارتباطی است که در تمدن‌های جدید به وجود آمده و مورد استفاده‌اند و ویژگی اصلی آن قدرت و توانایی زیاد و شعاع وسیع است. عملاً با توجه به خصوصیت جماعت مخاطب است که اصطلاح وسایل ارتباط جمعی را می‌توان توصیه کرد. این اصطلاح آن نوع ارتباطی را مشخص می‌کند که هدف آن تماس با یک مخاطب معین با یک گروه کوچک نیست، بلکه با جمع سر و کار دارد. اما جمع (Mass) چیست؟ این کلمه دارای نوعی خصوصیت کلی است. با تجمع چند نفر جمع به وجود نمی‌آید و هیچ کس با این نظر مخالف نیست. اما اینکه بدانیم پس از اجتماع تعدادی از افراد، عده آن قدر هست که بتوانیم آن را جمع بنامیم کمتر کسی است که می‌تواند از روی دقت و احتیاط جواب قاطعی ارائه کند. در حقیقت کمیت فقط به طور مبهم آستانه یا حد را تعیین می‌کند و شرطی ضروری به حساب می‌آید، بی‌آنکه کافی باشد (اشرفی ریزی، ۱۳۸۶: ۹۴-۸۷).

۳- افکار عمومی چیست؟

مطالعه علمی افکار عمومی از اواسط قرن بیستم به بعد شکل گرفت و توسعه یافت، زیرا مجموعه

شرایطی فراهم شد که این کار را هم امکان‌پذیر ساخت و هم ضروری. افکار عمومی به عنوان یک پدیده تازه، ناگهان ظاهر نشد بلکه بر عکس در گذشته هم این پدیده برای متفکرین و سیاستمداران مطرح بوده است و آن‌ها چه به طور ضمنی یا صریح به آن‌ها اشاره کرده‌اند. ارسطو و دیگر نویسندگان یونان و روم باستان به نقش افکار عمومی به مثابه حامی قدرت حاکم یا عاملی برای سرنگونی‌اش اشاره کرده‌اند.

در زمانی که با نوزایش ایتالیایی زمینه برای شناخت واقعی دولت و حکومت شکل می‌گرفت، ماکیاولی در کتاب شه‌ریار می‌نویسد: این ملت است که سزاوار توجه است، زیرا که از همه قوی‌تر و نیرومندتر است.» برای هابز، جهان تحت سیطره افکار است. روسو تفکر دیگری را مطرح کرد و آینده را در فرمول مشهور خود قرار داد و اجتماعی ترسیم کرد که شعار کشورهای دموکراسی شد و باقی ماند: «تنها اراده عمومی است که می‌تواند دولت را هدایت کند». انقلاب آمریکا و فرانسه این اندیشه‌ها را در عمل پیاده کرد و آن را به صورت قانون در آورد (اسدی، ۱۳۷۱: ۴۱).

اصلاح افکار عمومی *public opinion* به معنای امروزی، نخستین بار توسط «ژاک نکه» وزیر دارایی لویی شانزدهم در آغاز انقلاب فرانسه مطرح شده است. او این ترکیب را به منظور بازگو کردن رویگردانی سرمایه‌گذاران از بورس پاریس به کار برده است. امروزه افکار عمومی را ضمیر باطنی و پنهان یک ملت و ظهور آن را بازتاب طبیعی اکثریت یک جامعه در برابر پیام‌ها و رویدادهایی که برای آن‌ها جنبه حیاتی دارد، می‌دانند (دادگران، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵).

مونتینی فیلسوف و پژوهشگر فرانسوی در قرن ۱۶ م افکار عمومی را یک جمع نیرومند، جسور و تخمین‌ناپذیر می‌دانست. برایش افکار عمومی را چنین توصیف کرده است: «یک نیروی حقیقی، ناملموس و همچون نسیم که همه در پی کشف و شناخت آن هستند و تقریباً همه از آن پیروی می‌کنند». جیمز راسل لاول شاعر با تشبیه افکار عمومی به فشار جو (اتم‌سفر) نظر مشابهی ابراز داشته است: «شما نمی‌توانید جو را ببینید ولی در همان حال بر هر اینچ مربع شانزده پاند فشار می‌آورد» (کریستین و مک ویلیامز، ۱۳۶۵: ۱۵).

در اوایل قرن بیستم، فرونیاند تونیس افکار عمومی را مظهر اخلاقیات جامعه می‌دانست و آن را در سطحی عالی‌تر از دولت قرار می‌داد. گابریل تارد اندیشمند فرانسوی افکار عمومی را چنین توصیف کرد: عقیده برای مردم به مثابه روح است در جان. به عبارت دیگر، افکار عمومی

مجموعه‌ای از داوری‌های مردم درباره مسائل روز است که مورد پذیرش بیشتر افراد جامعه است (دادگران، ۱۳۸۴: ۱۷).

در تعاریف محدودی که از افکار عمومی ارائه شده عموماً به سه خصلت این پدیده اشاره گردیده است. آشکار بودن، آگاهانه و هوشیارانه بودن و از وسعت کافی برخوردار بودن. با وجود این، واقعه افکار عمومی خود در شرایط مشخص به وقوع می‌پیوندد. این شرایط را می‌توان در شش عامل خلاصه کرد:

(۱) باید واقعه مرکزی و یا وقایع متناوب وجود داشته باشد تا موضوع مورد توجه افکار عمومی قرار گیرد.

(۲) باید فضا مساعد باشد تا افکار عمومی در بستر مردمی شکل بگیرد.

(۳) باید محتوای افکار عمومی با الگوهای فرهنگ جمعی مطابقت داشته باشد.

(۴) باید محتوای افکار عمومی پاسخگوی نیازهای (ظاهری و باطنی) افراد باشد.

(۵) باید افکار عمومی به واسطه رسانه‌ها گسترش یابند.

(۶) باید افکار عمومی با دخالت مستقیم مردم اشاعه یابند (زارعیان، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۱).

۴- تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی

نظریه‌ها یا رویکردهای پژوهشی متعددی که طی حدود نیم قرن پژوهش در مورد ارتباط جمعی ارائه شده‌اند پاسخ‌های متفاوتی برای پرسش اندازه اثرهای رسانه‌ها بر افکار عمومی فراهم کرده‌اند.

الف) دوره قدرت تمام عیار رسانه‌ها از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۳ م. (دوره تأثیرات نامحدود)؛ در این دوره کار رسانه‌ها، تبلیغات و در پی آن اقناع بود، بینش حاکم بر رسانه‌ها، بینش دستکاری فکری برای تأثیرگذاری نامحدود بر مخاطبان بوده است. از آن‌ها که در این دوره تعدد رسانه‌ها کم و کانال‌های ارتباطی محدود است، مجبوریم بپذیریم که امکان تأثیرگذاری از طریق رسانه‌ها بالاست.

ب) دوره اثر محدود رسانه‌ها از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۶۰ م.؛

در این دوره مطالعات بیشتر روی تأثیر رادیو و مطبوعات بوده است، تلویزیون پیشرفتی نداشت و فاقد قدرت بود و ماهواره‌های ارتباطی هنوز کاربرد پیدا نکرده بود. لازارسفلد و همکارانش به

این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها خیلی قدرتمند نیستند. به عقیده آن‌ها در این دوره فقط رسانه‌ها، قدرت تغییر افکار عمومی را ندارد، بلکه رهبران فکری نیز نقش اساسی دارند. قدرت رسانه‌ها تقویت عقاید موجود است.

ج) دوره پیچیدگی اثرات یا اندیشه متمرکز به قدرت تلویزیون (دوره اندیشه برتر)؛ از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۵ م. این نظریه گسترش یافت که با توجه به توسعه تلویزیون تأثیر رسانه‌ها پیچیده و متفاوت بوده است.

اخیراً تعدادی از متخصصان علوم ارتباطات، بازگشت به دوره قدرت تمام عیار رسانه‌ها را مطرح کرده‌اند. مثل نظریه ماریچ سکوت که توسط خانم نئومان ارائه شده است (زارعیان، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰).

۵- پیشرفت تکنولوژی و تغییرات در سیاست

پیشرفت تکنولوژیک وسایل ارتباطی بر تمامی سطوح هیأت سیاسی آثار بسیاری بر جانهاده و نتایج فراوانی به بار آورده است.

الف) تفاوت‌های میان ملت‌ها و طبقات را کاهش داده و به دنبال آن از شدت درگیری‌های گذشته، کاسته است. افزایش تولید و وفور مواد طبیعی که از دستاوردهای پیشرفت صنعتی به شمار می‌آید نیز، نقش مهمی را در کاستن احساس تفاوت، بازی کرده است. لذا جوامع صنعتی پیشرفته یا جوامع فوق صنعتی در پرتو پیشرفت تکنولوژیک، رفته رفته نیازهای اساسی بیشتری را از افراد برآورده می‌سازند و به شکل جوامع رفاهی و مصرفی نزدیک‌تر می‌گرداند. البته پیشرفت تکنولوژیک گر چه تحولات مهمی را در زمینه پدیده سلطه و قدرت به وجود می‌آورد اما با این حال پایان مبارزات اجتماعی را در جوامع سرمایه‌داری، به صورت نهایی نوید نمی‌دهد.

ب) پیشرفت، مخصوصاً در وسایل ارتباطی، دولت‌ها را واداشته تا دائماً احتیاط کنند و نظارت و مراقبت خود را نسبت به داخل و خرج، به اندازه توان خود، گسترش دهند. چرا که از تأثیرات خارجی ترس دارند، به عبارت دیگر پیشرفت در وسایل ارتباطی توانست دایره سلطه حکومت‌ها را گسترش داده مراکز آن‌ها را تحکیم کند. حکومت‌ها توانسته‌اند، تمامی کشور را زیر پوشش بگیرند. تشخص‌ها و هویت‌های قومی و محلی از میان رفته و در واحد بزرگ‌تری که تمامی کشور باشد ذوب گردیده است. هم‌چنین پیشرفت تکنولوژیک، سلطه دولت را با استفاده از

وسایل «فشار، علیه شهروندان تقویت کرده است».

ج) پیشرفت در وسایل ارتباطی نوعی نزدیکی و تقارب افکار به وجود آورده که به نوبه خود امکان وسیعی برای تفاهم ایجاد کرده است. این پیشرفت، اثر عمیقی بر طبیعت سلطه سیاسی دولت به جای نهاده است. مثلاً به علت ظهور سازمان‌های بین‌المللی و افزایش روزافزون کارایی آن‌ها، دیگر مفهوم حکومت مطلق فرد ریخته است.

د) پیشرفت تکنولوژیک، سبب شد تا یک طبقه تکنوکرات به وجود آید و در حکومت مشارکت کند. این طبقه به علت تمرکز مدیریت رفته رفته تمام حکومت‌های فعلی را به دست گرفته و نقش نیرویی مسلط را در جامعه سیاسی نوین بازی می‌کند. البته سیطره و قدرت این طبقه طبعاً مقتضیات جامعه متحول صنعتی است. در واقع اعتقاد همه بر آن است که این گروه به علت تخصصش زمام تصمیم‌گیری را در منابع اساسی قدرت (تصمیم‌گیری سیاسی) در جوامع نوین در دست دارد (سکری، ۱۳۷۰: ۱۲۲-۱۱۹).

۶- تبلیغات

واژه تبلیغات از ارگان مرکزی یک کاتولیک تحت عنوان Congregation DE Propaganda Fide که به وسیله پاپ گرگوری پانزدهم در سال ۱۶۲۲ ایجاد شده بود، گرفته شده است. در اصطلاح امروزی این واژه کاربرد دیگری پیدا کرده است. در عصر ما تبلیغات به فعالیت‌های گوناگونی اطلاق می‌شود که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: تبلیغات تجارتي و سیاسی. تبلیغات تجاری شامل آگهی، فروشندگی و روابط عمومی است. در زمینه سیاسی تبلیغات به فعالیت‌های احزاب سیاسی و نهضت‌هایی گفته می‌شود که می‌خواهند آموزه‌های خود را در جامعه ترویج کنند و طرفدارانی برای خود پیدا کنند، افکار عمومی را با خود همراه سازند و در انتخابات آرا را به سوی خود جلب کنند و غیره (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۹۱).

تبلیغات سیاسی ده مرحله را شامل می‌شود: ایدئولوژی و هدف تبلیغ سیاسی، زمینه انجام تبلیغ سیاسی، شناسایی مبلغ، ساختار سازمان تبلیغ سیاسی، مخاطب مورد نظر، فنون به کارگیری رسانه‌ها، فنون خاص جهت به حداکثر رساندن تأثیر، واکنش مخاطبان، ضد تبلیغ، تأثیرات و ارزیابی (علوی، ۱۳۷۵: ۲۱۲-۲۰۰).

۱-۶- تبلیغات و انتخابات

حق انتخاب و رأی دادن دست آورد زندگی اجتماعی است. به نحوی که امروزه به عنوان یک ملاک و معیار برای سنجش آزادی و تفاوت حکومت‌ها از یکدیگر به کار می‌رود. در حال حاضر رأی یا رأی دادن (vote) و انتخابات نماینده (election) یا انتخابات (elections) واژگانی است که عموماً برای مهم‌ترین شکل مشارکت سیاسی توده‌ای یا عمومی به کار می‌رود. مکزی در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی انتخابات را چنین تعریف می‌کند: انتخابات یک نوع ساز و کار اجتماعی میان افراد است که به خاطر نوع خاصی از ترجیحات جمعی صورت می‌گیرد. لیست انتخابات را بیان دموکراتیک نزاع طبقاتی می‌داند و در این معنا معتقد است که انتخابات تنها یک روش گزینش رهبر یا تعدادی نماینده نیست.

رفتار رأی دهی، پیامدی سیاسی (هرچند از سوی رأی دهندگان به خوبی درک نشده باشد) دارد. هم‌چنان که خود پیامد یا معلول عامل اجتماعی، روان‌شناختی، سیاسی و جزء آن است. عوامل مؤثر بر ترجیحات رأی‌دهندگان در سطح کلان جوامع و کشورها، بر اساس میزان رشد یافتگی و توسعه اجتماعی و فرهنگی سیاسی و اقتصادی متفاوت است. همچنین در سطح خرد جوامع نیز در اقشار اجتماعی مختلف و مناطق گوناگون با توجه به نحوه معیشت، میزان رشد اقتصادی و فرهنگی، باز بودن فضای سیاسی و میزان ارتباطات داخلی و خارجی از تفاوت برخوردار است (ریبی، ۱۳۸۰: ۳۲). لازارسفلد به همراهی برلسون و مک نی در کتاب (رأی دهی) سؤال می‌کنند که چرا رأی‌دهی یک تصمیم‌گیری یا اقدام مبتنی بر کنش‌های عقلانی و سنجش شقوق مختلف نیست؟ و پاسخ می‌گویند چون سیاست‌ها مبهم و در هم برهمند و اغلب برای مردم کوچک و بازار سخت است که آگاهانه از یک مباحثه سیاسی طرفداری کنند یا این که به یک کاندیدا رأی دهند (ریبی، ۱۳۸۰: ۵۱). در این میان رسانه‌ها نقش مهمی را بر عهده می‌گیرد. آن‌ها با شیوه‌های مختلف تبلیغاتی همچون اقناع، جنگ روانی، ایجاد و اعتبار و ... توانسته‌اند انتخابات را به نفع جناح مورد نظر تغییر دهند.

هنگامی که در زمستان ۱۳۵۸ پس از ۲۵۰۰ سال نظام شاهنشاهی در ایران، نخستین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، پژوهشگران با شگفتی مشاهده کردند نامزدی که بیش از همه یعنی ۵۳۶۲ ستون سانتیمتر آگهی تبلیغاتی در چهار روزنامه پرتیراژ آن زمان چاپ کرده بود، ۱۶ درصد آرای صندوق‌ها را به دست آورد، ولی نامزدی که فقط ۲۴۰ ستون سانتیمتر آگهی

تبلیغاتی در آن روزنامه‌ها داشت، با ۷۷ درصد آرا به ریاست جمهوری انتخاب شد. در واقع سهم تبلیغات مستقیم رسانه‌ای بازنده، بیست و دو برابر سهم آگهی‌های برنده انتخابات بود. ۱۶ سال پس از وقوع این پدیده در پنجمین دوره انتخابات مجلس ایران، به عکس پدیده قبلی این بار همبستگی قابل توجهی میان تعداد آرای نامزدهای انتخاباتی و تبلیغات مستقیم انتخاباتی آنان دیده شد. یعنی نامزدهایی که رأی بیشتری آورده بودند تبلیغات مستقیم رسانه‌ای بیشتری داشتند. در نخستین انتخابات ریاست جمهوری در ایران، همبستگی میان تبلیغات غیرمستقیم رسانه‌ای و تعداد آرا به مراتب بیش از تبلیغات مستقیم رسانه‌ای بود و همان طور که گفته شد در آن انتخابات سطح زیر چاپ تبلیغات مستقیم مطبوعاتی بنی‌صدر در چهار روزنامه پرتیراژ ۲۴۰ ستون سانتیمتر و مدنی ۵۳۶۲ ستون سانتیمتر بود. ضریب همبستگی میان تبلیغات مستقیم هفت نامزد اصلی آن انتخابات با آرای به دست آمده آنها تقریباً صفر یعنی منهای ۰/۰۹ بود در حالی که سطح زیر چاپ تبلیغات غیر مستقیم بنی‌صدر ۹۵۷۱ ستون سانتیمتر و مدنی ۵۳۰۳ ستون سانتیمتر و ضریب همبستگی میان حجم تبلیغات غیر مستقیم مربوط به نامزدها و تعداد آرای آنها ضریب قابل توجه ۰/۷ بود. به عبارت دیگر نامزدی که سهم تبلیغات غیر مستقیم رسانه‌ای او بیشتر بود، رأی بیشتری آورده بود. این پدیده در زمانی روی می‌داد که جامعه پس از پیروزی انقلاب به نظام همراه با تبلیغات بازرگانی گسترده کالاهای مصرفی به شیوه غربی پشت کرده بود و به «مستضعف» به عنوان ارزشی مثبت و به «مستکبر» و «طاغوتی» به عنوان ارزش‌هایی منفی نگاه می‌کرد.

در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، از جمله مواردی بود که پس از اولین انتخابات ریاست جمهوری، یک بار دیگر شاهد رقابت جدی میان نامزدها بودیم. مهمترین ویژگی این انتخابات، حضور گسترده و پرفشار شبه حزب نوپایی به نام کارگزاران سازندگی بود که پس از ۱۶ سال، برای مردم حرف‌های تازه‌ای داشت. در آن انتخابات آنها توانستند علی‌رغم نوپایی، دوش به دوش رقیب خود با تبلیغات مستقیم گسترده، خود را به ۳۷ درصد تهرانی‌ها بشناسانند. این نسبت برای شبه حزب قدیمی روحانیت مبارز ۴۵ درصد بود. در آن انتخابات شش روزنامه پرتیراژ کشور ظرف ۸ روز، ۳۶۰ هزار ستون سانتیمتر آگهی انتخاباتی منتشر کردند، بطوری که با حذف صفحه نیازمندی‌ها ۳۵ درصد سطح زیر چاپشان را آگهی‌های انتخاباتی پوشانده بود.

این مقدار، وسیع‌ترین پوشش تبلیغات انتخاباتی تا آن تاریخ محسوب می‌شد. در نخستین روز ۱۰ اسفند ۱۳۷۴ سطح مذکور ۱۲ هزار ستون سانتیمتر بود. ۳/۴ درصد مجموع آگهی‌های آن ۸ روز اما از آن به بعد، روز به روز افزایش یافت و روز آخر حدود ۱۰ برابر شد و به ۱۱۷ هزار ستون سانتیمتر رسید.

در آن انتخابات همزمان با تبلیغات مستقیم مطبوعاتی، دو شبه حزب رقیب و سایر نامزدها با اجرای یکی از بزرگترین برنامه‌های تبلیغات خیابانی، میلیون‌ها پوستر تبلیغاتی را در معرض دید مخاطبان قرار دادند بطوری که فقط در یک مسیر ۳۵ کیلومتری در تهران، ۴۵ هزار و ۸۸۰ پوستر نصب شده شمارش شد. پوسترهای پاره شده در این محاسبه منظور نشده است. این ارقام حاکی از آن بود که در ۱۰۰ متر از خیابانهای اصلی تهران ۱۲۹ پوستر قابل تخمین بود که اگر دیوار پارک‌ها و ویترین مغازه‌ها را که نمی‌توانستند جایگاه پوسترها باشند، از این مقدار کم می‌کردیم، تعداد مذکور در هر ۱۰۰ متر، بسیار بیشتر از ۱۲۹ می‌شد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۱۱).

علاوه بر روزنامه‌ها و پوسترهای تبلیغاتی، تلویزیون هم با نمایش فیلم‌ها و معرفی نامزدها، نقش برجسته‌ای را در ارزیابی مزیت‌های نسبی آنها در انتخابات ریاست جمهوری هم پیش از انتخابات و هم در طول انتخابات داراست. نامزدها می‌توانند از این فرصت در جهت ارائه موضوعاتی که مدعی مالکیت آن هستند و از طریق آن مایلند رأی به دست آورند، استفاده کنند. علاوه بر این در برنامه‌های تلویزیونی، مجریان با نوع پرسش‌ها و مسائلی که طرح می‌کنند، موضوعاتی که باید برای انتخابات برجسته شود را کنترل می‌کنند. در جریان نهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران، در فیلم‌ها و مصاحبه‌های دو نامزدی که به دور دوم راه یافتند، هر دو نامزد تلاش کردند خود را با «موضوعاتی» همانندسازی کنند که به زعم آنان، برای مخاطبان مهم و معیار تصمیم‌گیری در هنگام رأی‌گیری تلقی می‌شدند. برای مثال آقای هاشمی رفسنجانی سعی داشت تجربه سیاسی و اداری، سازندگی اقتصادی و تعامل با دنیای بیرون را به عنوان اصلی‌ترین موضوعات در خور توجه در انتخابات معرفی کند. از سوی دیگر، آقای احمدی نژاد موضوع «تغییر» را در محور مباحث خود قرار داده بود و پس از آن بر عدالت و مهرورزی (محبت و توجه به توده مردم) تأکید می‌کرد. موضوعاتی که آقای رفسنجانی سعی کرده بودند برجسته کنند، نتوانست درمقایسه با موضوعات مورد تأکید آقای احمدی نژاد، به ویژه تغییرخواهی، ذهنیت مردم را به خود معطوف کند (سید امامی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۲).

محققان میان اثر گذاری رسانه‌ها بر نوع رأی دادن مردم و اثر گذاری آن‌ها بر درک و برداشت آن‌ها تمایز قائل می‌شوند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت که رسانه‌ها در شیوه تفکر مردم درباره سیاست یا سیاستمداران بی‌آنکه لزوماً نوع رأی آن‌ها در انتخابات را تعیین کنند، اثر می‌گذارند. افزون بر این ما نیاز به آگاهی از روش‌های مختلفی که با آن‌ها چگونگی اثر گذاری رسانه‌ها بر برداشت مردم از سیاست یا بر نوع رأی آن‌ها روشن می‌شود داریم. ممکن است پیش آید که دیدگاه‌ها یا آراء ما با شنیدن گزارش رسانه‌ای تقویت شود یا بر عکس گزارش رسانه‌ها باعث تبدیل نوع دیدگاه ما به نوع دیگری گردد یا این که برای ما شماری ارجحیت و اولویت جدید پیش آورد (استریت ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۲۷).

نتیجه‌گیری

گسترش وسایل ارتباطی جمعی مانند روزنامه و رادیو و تلویزیون، باعث پیدایش جامعه تازه‌ای می‌شود که در آن کلیه افراد، صرف نظر از اینکه در کجا زندگی می‌کنند و یا به چه گروه اجتماعی تعلق دارند، در تماس با منابع خبری از رویدادها و رخدادها آگاه می‌شوند. تا جایی که حتی اگر در جامعه‌ای میزان مشارکت اجتماعی مردم هم محدود باشد، میزان آشنایی آن‌ها با حوادث و رخدادها و در نتیجه مشارکت آن‌ها در این زمینه با آن چه در گذشته بود قابل قیاس نیست. در واقع، در جوامع صنعتی امروز، افراد معمولی هم حداقل دارای کمی قدرت هستند و از خلاقیت و ابتکار برخوردار بوده و صاحب رأی و عقیده‌اند و دیگر قدرت آن بالا بالاها و دور از دسترس مردم و مصون از انتقاد نیست. در عصر ما، قدرت به تدریج به مردم نزدیکتر می‌شود و بقای نظام به داوری و نظر همگان بستگی پیدا می‌کند. در سال‌های جنگ اول و دوم جهانی کوشش پژوهشگران بیشتر روی تبلیغات سیاسی که یکی از جنبه‌های مهم ارتباطات جمعی نوین است، متمرکز شد. با گسترش رسانه‌های همگانی و نقشی که این وسایل در تغییر افکار و عقاید و برداشت‌ها و عادات مردم پیدا کرد، قدرت آن‌ها هم بیشتر شد.

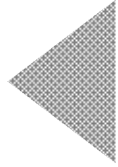
رسانه‌ها درست آن سان که می‌توانند در خدمت قدرت سیاسی باشند، قادر به خالی کردن زیر پای آن نیز هستند. قدرت رسانه‌ها تنها از روی راه‌های ممکن کنترل شهروندان با آن سنجیده نمی‌شود. قدرت آن‌ها می‌تواند برای بی‌ثبات کردن حکومت یا حتی برای کشیدن قدرتمندان از مسند قدرت به زیر نیز به کار گرفته شود. رسانه‌ها از طریق روش‌هایی چون آوازه‌گری سیاسی،

جنگ روانی، تبلیغات، شایعه و ... به مشکلات جامعه دامن زده و افکار عمومی را با خود همراهی می‌سازند. به این ترتیب و با پیشرفته شدن هر روزه وسایل ارتباط جمعی قدرت آن‌ها هم افزایش یافته و شاید بتوان عصر حاضر را عصر رسانه نامید.

منابع

- ابرامی، هوشنگ (۱۳۸۳)، *شناختی از دانش سیاسی*، تهران: کتابدار.
- استریت، جان (۱۳۸۴)، *رسانه‌های فراگیر، سیاست و دموکراسی*، ترجمه حبیب الله فقیهی نژاد، تهران، روزنامه ایران.
- اسدی، علی (۱۳۷۱)، *افکار عمومی و ارتباطات*، تهران: سروش.
- اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۶)، *جغرافیای سیاسی اطلاعات (فصله‌های بی‌فصله)*، تهران: چابار.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۴)، *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*، تهران: مروارید.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- زارعیان، داوود (۱۳۸۶)، *شناخت افکار عمومی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۶۷)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.
- سکری، رفیق (۱۳۷۰)، *درآمدی بر افکار عمومی تبلیغ و آوازه‌گری*، ترجمه حسین کرمی. تهران: همراه.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۸)، *تلویزیون و انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۷) بهار ۸۸.
- علوی، پرویز (۱۳۷۵)، *ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی*، تهران: علوم نوین.
- کریستین، ریو. ام و مک ویلیامز، رابرت، او. (۱۳۶۵)، *صدای مردم*، ترجمه محمود عنایت، تهران: کتابسرا.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴)، *کنکاشی در تبلیغات انتخاباتی ایران: برجسته‌سازی و تأثیر رسانه‌ها بر مخاطبان، روزنامه اعتماد (۱۸ دی ۱۳۸۴)*، سال ۴، ش ۱۰۲۴.

دانشگاه کارآفرین؛ نیاز اقتصاد امروز



مریم برادران حقیر^۱

حسن طایبی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۳/۱۲/۸)

چکیده

مأموریت سوم دانشگاه که به انقلاب علمی شناخته می‌شود، باعث ظهور الگوی جدیدی به نام دانشگاه کارآفرین شده است. چنین الگویی با ایجاد شایستگی‌های کارآفرینی و فرهنگ سازمانی متناسب، شرایط تولید و انتقال دانش به جامعه، توسعه منطقه و افزایش رفاه برای مردم را فراهم می‌نماید. بنا بر اهمیت نقش و تأثیر روز افزون دانشگاه‌ها در رفع نیازهای جامعه، این تحقیق با روش مطالعه اسنادی با رویکرد تحلیل محتوای سند برنامه پنجم توسعه ابتدا به تبیین ضرورت و جایگاه دانشگاه کارآفرین به عنوان نیاز جامعه امروزی پرداخته است. سپس با روش کتابخانه‌ای و بررسی منابع موجود، با این رویکرد که دانشگاه به عنوان خرده نظام در اجتماع قابل لحاظ است و پاسخگوی نیاز خانوار، بنگاه و دولت است، چهار ویژگی اصلی این دانشگاه استخراج شده است که عبارتند از: تعامل دانشگاه با اجتماع یا کسب و کار در منطقه، ایجاد اشتغال، تولید علم و شیوه‌های انتقال آن و مسئولیت اجتماعی دانشگاه. همچنین مسئولیت جامعه در قبال دانشگاه نیز مد نظر قرار گرفته است تا چرخه نگاه سیستمی و اهمیت محیط در پیشبرد

۱- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه در آموزش عالی (نویسنده مسئول)، baradaranmh@gmail.com

۲- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، taee@atu.ac.ir

اهداف دانشگاه کارآفرین تکمیل گردد.

واژگان کلیدی: دانشگاه کارآفرین، تولید علم، اشتغال، مسئولیت اجتماعی دانشگاه، رشد اقتصادی، تعامل دانشگاه با اجتماع یا کسب و کار در منطقه.

۱- مقدمه

دانشگاه را در سیر تکاملی آن، مولود توسعه می‌دانستند و امروزه از آن به عنوان منبع مولد دانش برای برپایی جامعه‌ای مبتنی بر دانش که در خدمت اهداف جامعه قرار دارد، یاد می‌کنند. بدون شک دانشگاه و توسعه رابطه‌ای دو سویه دارند یا رابطه علیت دو طرفه بین آنها برقرار می‌باشد. بنابراین اگر دانشگاه به معنای مؤسسه‌ای برای تولید و اشاعه دانش جدید از طریق آموزش دانشجویان باشد، اثر چنین سازمانی علاوه بر پرورش انسان، توسعه و رشد اقتصادی است (لیتان و میشل^۱، ۲۰۰۸).

از سوی دیگر، تحقیقات در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد در مناطقی که نرخ تأسیس شرکت‌های کارآفرین در آنها بالاست، نرخ رشد اقتصادی نیز بالاتر است. این امر در سوئد، به خصوص در صنایع دانش‌محور به نحو قابل توجهی به چشم می‌خورد. بدینصورت که شبکه کارآفرینی و ساختارهای انباشته دانش و رشد منطقه‌ای به شکل پیچیده‌ای با یکدیگر رابطه متقابل دارند (برونر هلم، ۱۳۸۹).

در طول بیست سال گذشته به دنبال روند کلی رشد تحقیق و توسعه، به جز تحقیقات دولتی، پژوهش در حوزه‌های کارکردی آموزش عالی به زمینه‌های جدیدی برای آموزش عالی بهتر برای همگان دست یافته است. بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۲۰۰۳، سهم کلی تحقیق و توسعه بخش آموزش عالی در منطقه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ از ۱۴.۵٪ به ۱۷.۴٪ افزایش یافته است. در حالیکه سهم آموزش عالی از تحقیق و توسعه بسیار کمتر از آن در بخش کسب و کار باقی مانده است، اما با سرعت بیشتری افزایش یافته است. کل مخارج صرف شده در تحقیق و

۱- Litan & Mitchel

۲-OECD

توسعه در بخش آموزش عالی به ۰.۳۹٪ از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۳ در این منطقه در برابر ۰.۲۸٪ در سال ۱۹۸۱ رسیده است. این افزایش نشان دهنده افزایش تقریبی سه برابری در هزینه‌های تحقیق و توسعه در شرایط واقعی در طول این مدت است (در حالیکه هزینه‌های تحقیق و توسعه در کسب و کار دو برابر شده است) (وینست لانکرین^۱، ۲۰۰۶).

با ورود موج سوم علم و بروز ویژگی "تسهیم و شراکت" و اهمیت یافتن همراهی "علم و عمل"، چرخه یادگیری بیش از هر زمان دیگر به صورت "دانش - کنش" درآمده است و علم شیوه دو^۲ که معطوف به نیازهای خاص و موردی تعریف شده در صنعت، دولت و جامعه است شکل گرفته است. در این نگاه، فقط تولید دانش کافی نیست بلکه "تبدیل دانش"، "بازاریابی دانش" و "طراحی بسته های دانش" برای واحدهای کار نیز لازم است. آموزش عالی انبوه جای خود را به یادگیری فازی متناسب با نیازهای خاص فردی، بنگاهی، محلی، ملی و منطقه‌ای بر حسب سفارش، معطوف به مسأله و مرتبط با زمینه و پیرنگ داده است (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۴).

جدول (۱) - مقایسه شیوه یک علم (علم دانشگاهی)، علم صنعتی و شیوه دو علم (جدید)

مرتن ^۳ (علم دانشگاهی)	عوامل زمینه ساز	زیمین ^۴ (علم صنعتی)	گیبونز ^۵ و دیگران (شیوه جدید علم)
اشتراک گرایی	تجاری شدن علم	اختصاصی	به مالکیت درآوردن دانش
عام گرایی	خصوصی شدن علم	محلی	عام گرایی در عین خاص گرایی
بی‌غرضی	عینی شدن علم	اقتدارگرا	تجاری شدن و مسئولیت پذیری
اصالت و ابتکار	اداری شدن علم	مأموریت گرا	جمعی شدن اصالت و ابتکار
شک سازمان یافته	کاهش خودمختاری علم	کار کارشناسی	افزایش معیارهای ارزیابی کیفیت

برگرفته از: (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ زیمین، ۲۰۰۴؛ گیبونز، ۱۹۹۴؛ کاناوو، ۱۹۹۷؛ رزنیک، ۱۹۹۸)

با این رویکرد، گیبونز فعالیت‌های علمی را دستخوش تحول اساسی می‌داند و به نظر وی نهاد

۱- Vincent-Lancrin

۲- Mode 2

۳- Merton

۴- Ziman

۵- Gibbonse

علم بر روی نفوذهای اجتماعی گشوده شده است و با رشد جامعه اطلاعاتی به عنوان جامعه بازتر صورت گشاده تری از علم رخ نموده است. گیونز این شیوه جدید تولید دانش را "شیوه دو" می نامد که در مقابل شیوه سنتی علم یا "شیوه یک" مد نظر مرتن قرار می گیرد. در این شیوه جدید، تحقیق و توسعه به میزان زیادی به بخش خصوصی اتکا دارد و همراه با آن فعالیت های علمی و پژوهشی، صورتی جهانی و فراملی می یابد، مرزهای بین مراکز تجاری، صنعتی، پژوهشی و دانشگاهی سست می گردد و نفوذ منابع و علایق تجاری- صنعتی در بخش پژوهشی- دانشگاهی استقلال سنتی مراکز اخیر را کاهش می دهد. شیوه جدید تولید دانش تعامل فرهنگ های کاری، شیوه های پژوهشی، به کارگیری رفتاری و هدفی مختلفی را در فراسوی مرزها موجب می شود (قانعی راد، ۱۳۸۱: ۳۶-۲۹). این شکل جدید از گرد هم آمدن افراد وابسته به سازمان ها و رشته های گوناگون را می توان اجتماعات پیوندی یا هیبریدی^۱ نامید (کیتاگاوا، ۲۰۱۱: ۱۱).

آنچه قابل توجه است اینکه پژوهش با فناوری و نوآوری رابطه مستقیم دارد. پژوهشی که در نهایت حل یک مسأله کاربردی و تجاری سازی را به دنبال داشته باشد نیز پیچیدگی های بیشتری دارد.

در خلال دهه گذشته در اتحادیه اروپا طی مطالعاتی بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳، استراتژی لیسبن^۲ با هدف رشد و اشتغال^۳، طراحی شد. این استراتژی بر چهار نکته تمرکز دارد:

(۱) سرمایه گذاری بیشتر بر دانش و نوآوری؛

(۲) باز کردن قفل های بالقوه کسب و کار به ویژه در شرکت های کوچک و متوسط؛

(۳) افزایش فرصت شغلی با در نظر گرفتن اولویت ها؛

(۴) سیاست گذاری انرژی توسط دولت (سمرزیجا و بوتکویک^۴، ۲۰۱۰).

در این برنامه راهبردی دانشگاه ها به عنوان منبع دانش جدید برای ایجاد جامعه دانش در نظر گرفته شدند که پیامد آن تعریف اهداف جدیدی برای دانشگاه هاست؛ یعنی علاوه بر آموزش و

۱- Peer-to-Peer Networking

۲- Lisbon Strategy

۳- The Lisbon Strategy for Growth and Jobs

۴- Samarzija & Butkovic

پژوهش، خدمت به جامعه به قلمرو دانشگاه وارد شد. در گذار به سمت انجام مأموریت سوم (ارائه خدمات) که انقلاب علمی دوم^۱ نامیده می‌شود (ازکویز^۲، ۲۰۰۴)، دانشگاه‌های فعال در فرآیندی که دانشگاه کارآفرین^۳ نامیده می‌شوند، با ارتباط بین دانشگاه- صنعت- دولت^۴ نقش ویژه‌ای در قلمرو کارآفرینی ایفا می‌کنند (متز^۵، ۲۰۰۹). همچنین موضوعات مرکزی بیانیه دانشگاه‌های اروپا بعد از ۲۰۱۰، در سیستم‌های دانشگاهی اروپا عبارتند از: اختیار در بودجه مؤسسات آموزش عالی، ارتقای پژوهش و نوآوری، آغاز ساختار سیکل سه گانه آموزش عالی در اروپا (دانشگاه- صنعت- دولت)، بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و روش‌ها و فرآیندهای کیفی (فریموث^۶، ۲۰۰۸).

روتاermel^۷ و همکاران (۲۰۰۷) به طور استقرایی چارچوبی توصیف کننده از فرایند پویای کارآفرینی دانشگاهی بر اساس سنتز ادبیات و متون علمی ارائه داده‌اند که این چارچوب در هدایت تحقیقات آینده در این موضوع مهم و در عین حال پیچیده مفید خواهد بود.

۱- انقلاب نخست اواخر قرن دوم بود که دانشگاهها علاوه بر فعالیت آموزشی به تحقیقات روی آوردند یعنی علاوه بر توزیع علم، تولید علم را نیز برعهده گرفتند. انقلاب دوم از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شد که با توجه به محوریت کسب و کار و تشکیل دانشگاههای کارآفرینی رقم خورد.

۲ Etzkowitz

۳ Entrepreneurial University

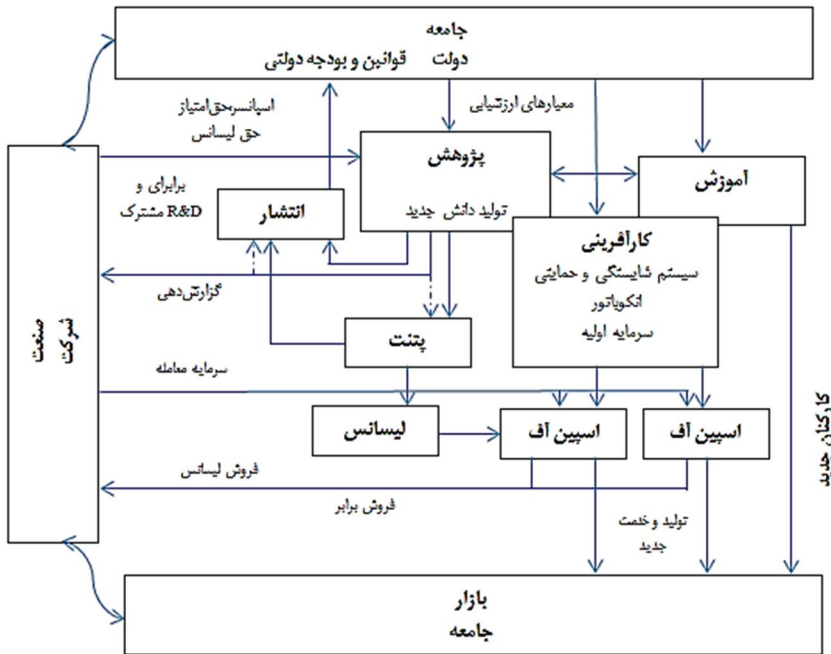
۴ University- Industry- Government (UIG)

۵ Metz

۶ Frimuth

۷ Rothaermel

شکل (۱): مدل کسب و کار تجاری سازی تحقیق و توسعه
برای دانشگاه کارآفرین در چارچوب دانشگاه-صنعت-دولت (متز، ۲۰۰۹)



رابطه صنعت-دانشگاه-دولت که به مارپیچ سه گانه^۱ شناخته می شود (تونه، ۲۰۱۰: ۴۶۳)، نیازمند حداقل سه توسعه اصلی در مأموریت دانشگاه هاست:

(۱) افزایش اهمیت دانش در رشد اقتصادی؛

(۲) توجه به شکل های جدید نوآوری؛

(۳) افزایش رقابت مؤسسات آموزش عالی برای جذب منابع (پاتر^۲، ۲۰۰۸).

کلارک (۱۹۹۸) معتقد است دانشگاه های پویای قرن ۲۱ دانشگاه های کارآفرین هستند که ارزش های تخصصی و مدیریتی را تطبیق می دهند و فعالیت ها را هدفمند می کنند، بین آموزش و

۱- Triple Helix

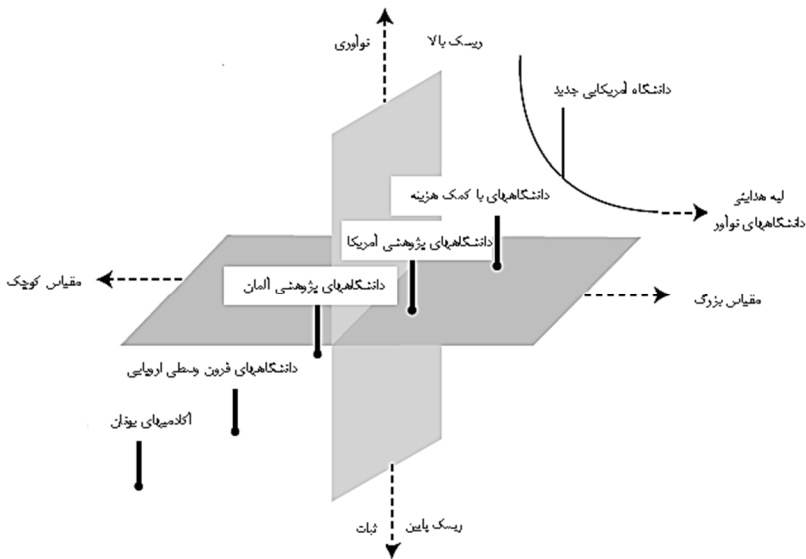
۲- Potter

پژوهش و بین آموزش و خدمات اجتماعی توازن ایجاد می‌کنند و تنوع در تامین بودجه را برعهده دارند (نیازی، ۱۳۸۷).

۲- ضرورت پرداختن به دانشگاه کارآفرین

در ۱۹۹۸ اترکوتیز و کلارک اعلام کردند که جهان در حال ورود به یک دانشگاه کارآفرینی است. در همین راستا، مأموریت سوم مشارکت با توسعه اقتصادی همگام با اولین مأموریت "آموزش" و دومین مأموریت "هدایت تحقیق اولیه" است. چنین فعالیت‌هایی با هدف بهبود عملکرد اقتصادی ملی یا منطقه‌ای در کنار مزیت مالی دانشگاه و هیأت علمی آن انجام می‌شود (ترنچر و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۱).

شکل (۲): سیر تکاملی دانشگاه‌ها بر اساس مقیاس نوآوری - ثبات و گستره فعالیت‌ها



منبع: (کروو^۲، ۲۰۰۸)

۱ - Trencher

۲ - Crow

به طور کلی، سه دلیل مهم توجه به موضوع کارآفرینی، (۱) تولید ثروت، (۲) توسعه تکنولوژی و (۳) ایجاد اشتغال مولد است. در دانشگاه‌های کارآفرین، مراکز کارآفرینی و مراکز پیش رشد و رشد، به حمایت از کارآفرینان فاقد سرمایه و امکانات لازم جهت راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک خواهند پرداخت و اینها در آینده شرکت‌هایی خواهند بود که به عنوان صنایع بزرگ طرف ارتباط با دانشگاه‌ها می‌شوند (رحمتی، ۱۳۹۲).

به عبارت دیگر، دانشگاه کارآفرین مرحله‌ای تکاملی از سیستم دانشگاهی است که علاوه بر وظایف سنتی مانند آموزش و پژوهش، بر توسعه اقتصادی مؤثر است. مطالعات انجام شده درباره این دانشگاه‌ها بر سیستم‌های تشویقی، وضعیت دانشگاه، محل، فرهنگ، عوامل واسطه، تمرکز، تجربه و هویت تعریف شده است. همچنین ویژگی اعضای هیئت علمی و ماهیت تجاری شدن تکنولوژی بر توسعه دانشگاه کارآفرین اثرگذار هستند (واکر^۱، ۲۰۱۲).

جدول (۲) - رابطه بین رشد اقتصادی و پژوهش در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه

ضریب همبستگی		متغیر و همبستگی با پژوهش	
۱۹۹۴	۱۹۸۰		
.۹۷۰	.۹۹۰	تولید ناخالص ملی	کل جامعه آماری
.۹۹۰	.۹۹۰		کشورهای پیشرفته
.۵۱۰	.۸۳۰		کشورهای در حال رشد
.۷۲۰	.۷۸۰	درآمد سرانه PPP	کل جامعه آماری
.۷۵۰	.۶۴۰		کشورهای پیشرفته
.۶۵۰	.۴۹۰		کشورهای در حال رشد
.۷۱۰	.۸۴۰	انرژی بازرگانی	کل جامعه آماری
.۶۵۰	.۶۸۰		کشورهای پیشرفته
.۵۷۰	.۶۷۰		کشورهای در حال رشد
.۳۲۰	.۲۰۰	نرخ رشد سرانه	کل جامعه آماری
.۳۷۰	.۴۸۰		کشورهای پیشرفته
.۶۴۰	.۶۹۰		کشورهای در حال رشد
.۹۵۰	-	تولید ناخالص ملی - بازده پژوهشی	کل جامعه آماری
.۹۶۰	-		کشورهای پیشرفته
.۷۷۰	-		کشورهای در حال رشد

منبع: (ارفعی مقدم، ۱۳۸۱)

در ایران که شکل غالب دانشگاه‌ها، ساختاری آموزش‌محور و در مواردی بسیار محدود از رویکرد پژوهشی تبعیت می‌کند، بر اساس برنامه پنجم توسعه کشور حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین ضروری است. لذا تحقق این امر نیازمند شناخت این مهم در سطح جهانی برای یادگیری ایده و شناخت موانع و مزایا و استفاده از این تجربیات است.

جدول (۳)- تحلیل محتوای ماده‌ها و فعالیت‌های مورد نظر در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی در فصل علم و فناوری معطوف به دانشگاه کارآفرین

چشم انداز ۱۴۰۴: ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل		
ماده	موضوع ماده	فعالیت‌های مرتبط با موضوع ماده
ماده ۱۶	دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن تا پایان برنامه پنجم	(الف) اختصاص ۵۰٪ امتیاز ارتقای هیئت علمی به حل مسائل کشور با فرصت مطالعاتی، ایجاد مراکز تحقیقاتی و فناوری، ارتباط با دستگاه‌های اجرایی و صنعت
		(ب) افزایش ظرفیت پذیرفته شدگان تحصیلات تکمیلی
		(د) راه اندازی و تجهیز آزمایشگاه‌های کاربردی، شهرک‌های دانشگاهی، علمی، تحقیقاتی، شهرک‌های فناوری، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد
		(ه) افزایش سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی
		(و-۳) گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی از طریق راه‌اندازی دانشگاه‌های مشترک، اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک، تبادل استاد و دانشجو
ماده ۱۷	حمایت دولت از شرکت‌های دانش بنیان	(و-۴) ایجاد هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های پژوهشی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت
		(۸) برنامه ریزی برای تحقق شاخص‌های اصلی علم و فناوری شامل سهم حاصل از صادرات محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری پیشرفته و میانی، سرانه تولید ناخالص داخلی ناشی از علم و فناوری، تعداد گواهی ثبت اختراع، تعداد تولیدات علمی بین‌المللی، نسبت سرمایه‌گذاری خارجی در فعالیت‌های علم و فناوری به هزینه تحقیقات کشور، تعداد شرکت‌های دانش بنیان
		(الف) حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضا محور مشترک دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کنار بخش خصوصی
ماده ۱۸	گسترش حمایت هدفمند مادی و معنوی از نخبگان علمی و فناوری	(ب) حمایت مالی و تسهیل شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های دانش بنیان با حمایت بخش خصوصی
		(ه) حمایت مالی از پایان نامه‌های دانشجویی برای ارتقای بهره‌وری و حل مشکلات کشور
		(الف) ارتقای منزلت با فرهنگ سازی
		(ب) تسهیل ارتقای تحصیلی
		(و) رفع دغدغه‌های خطرپذیری مالی در انجام مراحل پژوهشی و امور نوآورانه
		(ط) ایجاد و تقویت مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری توانمند در تراز بین‌المللی با امکانات

چشم انداز ۱۴۰۴: ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخشی در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل		
ماده	موضوع ماده	فعالیت‌های مرتبط با موضوع ماده
		خاص با به کارگیری نخبگان و دانشمندان برای خلق دانش، ایده‌های نو و تبدیل علم به ثروت در طول برنامه
		ی) ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای نخبگان
ماده ۲۰	زمینه‌سازی تربیت نیروی انسانی متخصص و متعدد، دانش مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق بر نهضت نرم افزاری	۲) حمایت مالی و تسهیل شرایط برای افزایش تعداد مجلات پژوهشی و ترویجی
		۳) افزایش حمایت مالی از دانشگاه‌های برتر
		۴) حمایت از انجمن‌های علمی

منبع: (تحلیل محتوای متن قانون)

بر اساس مطالعات انجام شده، کارآفرینی در ایران نیازمند برنامه‌ریزی در سطح کلان و خرد و همکاری در سه بخش دولت، صنعت و جامعه است تا در این میان فرصت رشد کارآفرینی و بهره‌برداری از آن در رشد و توسعه اقتصادی جامعه فراهم گردد.

در تحقیقی که با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر استقرار دانشگاه‌های کارآفرین انجام شده، بعد از بیان ضرورت پرداختن به دانشگاه کارآفرین به عنوان یکی از مهمترین موتورهای رشد و توسعه در هزاره سوم، محققان به ارتباط آموزش و نوع آموزش‌های لازم با کارآفرینی و روند اجرایی کار آفرینی می‌پردازد. نتیجه تحقیق نشان داده است میان عوامل داخلی دانشگاه، فرآیندهای دانشگاهی و در میان عوامل احیای سازمانی (دانشگاهی)، "اعمال رهبری تحول بخش" و در میان تغییرات اساسی و بنیادی دانشگاه، "ایجاد یک محیط پویا و علمی" بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری و استقرار دانشگاه‌های کارآفرین جهت آموزش کارآفرینی دارند (صفرزاده و همکاران، ۱۳۸۸). معصوم‌زاده و انصاری (۱۳۸۸) نیز در بررسی کتابخانه‌ای به عوامل مؤثر در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین پرداخته‌اند. در این مقاله عوامل ذکر شده عبارتند از: بازنگری در ساختار سازمانی (ساختار تأمین منابع مالی، ساختار اداری، بخش‌های حمایتی)، فرهنگ کارآفرینی، قوانین و سیاست‌ها، توسعه اقتصاد محلی. در همین راستا، پژوهشی با عنوان ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین، با مورد پژوهی دانشگاه تربیت مدرس، عواملی مانند ساختار سازمانی کارآفرینانه، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تعامل با محیط اعم از جامعه و صنعت، چشم‌انداز مشترک و استراتژی‌های آینده‌نگر مورد بررسی قرار گرفت که در این دانشگاه مؤلفه نخست یعنی ساختار کارآفرینانه وجود ندارد اما سایر عوامل مناسب‌اند (قربانی مؤید، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های متعددی در حیطه دانشگاه و کارآفرینی و دانشگاه انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها عبارتند از: رسالت دانشگاه و کارآفرینی (آخس و همکاران، ۱۳۹۲)، نقش دانشگاه کارآفرین در اقتصاد دانش‌محور و تعامل با دولت و صنعت (سالاری، ۱۳۹۲)، دانشگاه کارآفرین و نقش آن در توسعه صنعت (پاسبان، ۱۳۹۱)، بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه کارآفرینی (بیکری فر، ۱۳۹۱)، رسالت دانشگاه کارآفرین در توسعه اقتصادی، اجتماعی (روحانی، ۱۳۹۱)، نقش دانشگاه کارآفرین و صنعت به عنوان کلید توسعه ملی (میارکلانی و دیگران، ۱۳۹۱) که رویکرد غالب مطالعه کتابخانه‌ای بوده است و بعد از بررسی مفهومی کارآفرین و کارآفرینی و در بعضی موارد پیشینه کارآفرینی، اغلب به ارائه راهکارهای پیشنهادی پرداخته‌اند. در پژوهشی به شیوه پیمایشی با هدف بررسی کارآفرینی به عنوان یکی از راه حل‌های معضل دانش‌آموختگان جویای کار، طرح کارآفرینی اجرا شده در دانشگاه پیام نور را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه پژوهش در مرکز تربیت حیدریه، موفقیت ۸۰ درصدی دانش‌آموختگان طرح کارآفرینی در سال ۹۰ است (مولودیان و همکاران، ۱۳۹۰).

در بررسی‌های انجام شده، توجه به زیرساخت‌های ورود به کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفته است؛ در این میان، عوامل فرهنگی مانند سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری از عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شوند. تأثیر عامل جغرافیا در مطالعات ابهام دارد، اما آموزش به عنوان عامل تأثیرگذار دیگر (و نه کلیدی) معرفی شده است. به طور مثال نظام‌های کمونیستی به نظام آموزشی خود می‌بالیدند اما هرگز رشد اقتصادی بالایی را تجربه نکرده‌اند. در عوض سهولت در کسب و کار و حمایت از کارآفرین و نهاد هدایتگر از اهمیت برخوردارند. کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه پایین به سمت نظام سرمایه‌داری با راهبری دولت یا سرمایه‌داری اقلیت سالار پیش می‌روند و کشورهای پیشرفته با درآمد سرانه بالا به نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بنگاه بزرگ کارآفرین محور حرکت می‌کنند. اهمیت نظام ترکیبی برای آنهایی است که در مرز تکنولوژی هستند، اقتصادهایی که به مرزهای فناوری و استاندارد سطح زندگی کشورهای غنی نزدیک می‌شوند باید ترکیبی از نظام سرمایه‌داری بنگاه بزرگ و مبتنی بر کارآفرینی داشته باشند (خالصی، ۱۳۹۰). همچنین عوامل متعددی مانند هوشیاری، انگیزش، موجودی دانش، احساس خودآثربخشی ادراک شده، خلاقیت، ریسک و شبکه‌های اجتماعی از ویژگی‌های دیگر در کارآفرینی است که در تشخیص فرصت مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این میان مهمترین عامل

"موجودی دانش" تشخیص داده شده است که نشاندهنده اهمیت نقش آموزش است. موجودی دانش مجموعه‌ای از تجربه کاری و عمومی فرد، تحصیلات، آموزش و ... را در بردارد، به افزایش توانایی شناختی و در نتیجه ایجاد فرصت سودآوری منجر می‌شود. موجودی دانش با تقویت ساختار شناختی کارآفرین در جذب اطلاعات جدید و شناخت فرصت به او کمک می‌کند (قلی‌پور و کرامتی، ۱۳۸۸).

در تحقیق حاضر بر اساس تحلیل محتوای متون مورد مطالعه، پژوهشگران پارامترهای اصلی تأثیرگذار در دانشگاه کارآفرین را ارائه و تأثیر آن را در اقتصاد امروز براساس نمونه‌هایی نشان داده‌اند. در ارائه پارامترها، دانشگاه به عنوان یک سیستم در فراسیستم جامعه ملاحظه شد و نقش دانشگاه کارآفرین برای مشارکت اجتماعی مورد توجه قرار گرفت.

۳- دانشگاه کارآفرین و نیاز جامعه امروز

در مباحث اقتصاد کار و منابع انسانی، موضوع کارآفرینی با دو مؤلفه بازار آموزش عالی و بازار کار اهمیت می‌یابد. در هر بازار دو عنصر عرضه و تقاضا تنظیم‌کننده ساز و کار بازار هستند که هر یک متولیان دارند. در بخش بازار کار، خانوار عرضه‌کننده نیروی کار و بنگاه‌ها، شرکت‌ها و سایر نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی، متقاضی محسوب می‌شوند. در این بخش، متقاضی بر اساس دانش جدید می‌تواند به ایجاد بستری جدید یا فرآورده‌ای جدید یا روشی جدید برای ارزش آفرینی و گام نهادن در حوزه کارآفرینی اقدام نماید. در بازار آموزش عالی، عرضه‌کننده مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها محسوب می‌شوند که بخشی از وظیفه آنها تأمین تقاضای اجتماعی اعضای خانوارها برای ورود به عرصه دانش‌اندوزی و بخشی دیگر که به خصوص در سال‌های اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، ارائه خدمات به صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی است.^۱ لذا دانشگاه کارآفرین گامی اساسی در پاسخگویی به نیاز خانوارها، بنگاه‌ها و دولت محسوب می‌شود.

۱- برگرفته از کلاس درس بازار کار آموزش عالی دکتر طایبی، (۱۳۹۲)، دانشگاه تهران

۳-۱- تعامل دانشگاه با اجتماع یا کسب و کار در منطقه

بر اساس گزارش مأموریت پژوهشی مؤسسات آموزش عالی (۲۰۱۰: ۳۳) تعامل بین دانشگاه و اجتماع یا کسب و کار در منطقه خود در ۶ دسته قابل طبقه‌بندی است:

۱- تنظیم برنامه درسی بر اساس تقاضای منطقه؛ انعطاف پذیری، فرصت و انگیزش، وحدت و تلفیق هماهنگ دیدگاه‌ها، مشارکت‌پذیری و قدرت انتخاب (سلسیلی، ۱۳۸۶: ۶۲)، به عنوان اصول برنامه درسی غیرمتمرکز شناخته می‌شوند. چنین رویکردی گام نخست برای برنامه‌ریزی مبتنی بر منطقه است. بر این اساس، یادگیری باید نخست حول محور مسائل مربوط به یادگیری باشد، سپس با جنبه‌های مهم جهانی که یادگیرنده باید در آن زندگی می‌کند، سروکار داشته باشد و در نهایت پویایی خلاق را در دانشجویان ترغیب کند (اسمیت، ۱۹۳۵: ۲۷۰).

۲- کارآموزی دانشجویان و انجام کار تحقیقی؛ اغلب تصور می‌شود دانش برای رسیدن به نوآوری، اساساً ریشه در فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارد اما اکنون روشن شده است که دیگر فرآیندها مانند آموختن عملی، عمده‌ترین نقش را در ایجاد دانش بازار و کارآفرینی ایفا می‌کند (هلم، ۲۰۰۸). مشهودترین جایی که در این باره بیشترین مقاومت نهادی در آن دیده می‌شود، جایی است که ارزش علم بر تخصصی بودن آن است. در تلاش برای تولید دانش انتزاعی بدون توجه به تأثیر آن، بسیاری از دانشگاه‌ها چشم‌انداز واقعی خود را که همان ایجاد محصولات، فرآیندها و ایده با پتانسیل کارآفرینی است، از دست داده‌اند و باید با اولویت‌بندی مجدد در فرآیندها و روش‌ها و تجدید نظر در پیش فرض‌ها، توان کارآفرینی را افزایش دهند (کروو، ۲۰۰۸).

۳- تحرک کارکنان؛ اصلی‌ترین سرمایه هر سازمانی نیروی انسانی آن است؛ به خصوص کارکنان دانشی که با دانش صریح و ضمنی خود زمینه دسترسی به اهداف سازمانی را فراهم می‌نمایند. با توجه به اینکه دانش ضمنی، دانشی اختصاصی است و در نهاد کارکنان دانشی است، برای دسترسی به آن نیاز بسیاری به نیروی درونی کارکنان و انگیزش آنها برای دسترسی به اهداف سازمانی و مشارکت در تعاملات و ارتباطات درون و برون سازمانی (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۰)، ایجاد شبکه‌های دانش، جایجایی افراد در این شبکه، به کار گماردن مدیران و کارکنان دانشی است (حسن پور و

عباسی، ۱۳۸۸). لذا کارکنان دانشی بر اساس تحرک و تبادل اطلاعات با محیط کسب و کار، به پویایی نظام آموزش عالی در حل مسائل واقعی اجتماع کسب و کار کمک خواهند کرد.

۴- حمایت از دانش‌آموختگان کارآفرین؛ بخشی از سرمایه دانشگاه یا هر مؤسسه آموزش عالی، دانش‌آموختگان آن مجموعه محسوب می‌شوند. امروزه دانشگاهها با تأسیس انکوباتورها، پارک‌های علم و فناوری و همکاری در شرکت‌های مشتقه راه‌های حمایت از دانش‌آموختگان برای عرضه مهارت‌های کارآفرینانه آنها را گشوده‌اند.

۵- قرارداد پژوهشی و مشاوره؛ خدمات حمایتی مانند مشاوره برای شرکت‌های جدید که توسط کارکنان و دانش‌آموختگان ایجاد می‌شود با دسترسی نزدیک به دانشگاه، برقراری ارتباط با مشتریان که منجر به نتایج تحقیقاتی مناسب و اطلاعات استراتژیک برای مشتری بشود و تأسیس مراکز تکنولوژی یعنی مراکز هماهنگ با دانشگاه‌ها برای کمک به کارکنان برای ارزیابی فرصت‌های تجاری‌سازی و حمایت از کار آنها یا مشاوره در موفقیت و ... آنها از جمله مواردی است که به قراردادهای پژوهشی و مشاوره کمک می‌کند (پاتر، ۲۰۰۸).

۶- ارائه دستاوردها؛ ارائه دستاوردهای حاصله جامعه کسب و کار در محیط دانشگاه توسط شرکت‌های دانشی برای آشنایی بیشتر دانشجویان جهت برآوردن نیازهای بازار کار و بالعکس ارائه دستاوردهای دانشگاهیان در محافل مختلف برای سرمایه‌گذاری دولت یا بخش خصوصی جهت تجاری‌سازی نتایج پژوهشی از جمله تعاملات شایسته اجتماع با جامعه علمی است.

۳-۲- ایجاد اشتغال

از تحقیقات انجام شده استنتاج می‌شود بنگاهها و سازمان‌های اقتصادی نوگرا و متأثر از فناوری اطلاعات به افرادی سازگار و تحول‌پذیر نیازمندند. کارکنان سازگار کسانی هستند که خود را به سرعت با فرهنگ کار منطبق می‌سازند، به صورت گروهی کار می‌کنند، از مهارت‌های اجتماعی بالایی برخوردارند، به خوبی با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌سازند و ضمن پذیرش مسئولیت با کارایی و اثربخشی، برای ارتقای ارزش سازمان خود فعالیت می‌کنند. در این خصوص،

کارفرمایان در جستجوی افرادی هستند که ایده‌های روشن داشته باشند و بتوانند با دیگران ارتباط مؤثر برقرار سازند و آنها را در قالب گروه‌های کاری سازماندهی و همکاران خود را برای پذیرش راهبردهای نوین تشویق کنند. در این خصوص نیز کارفرمایان به افرادی نیاز دارند که می‌توانند از سطوح عالی‌تر مهارت نظیر تحلیل، نقد، خلاقیت و ارتباطات چند لایه‌ای و چندگانه برای تسهیل فعالیت گروه‌های کاری خلاق و نوآور استفاده کنند؛ به عبارت دیگر، مدیران صنایع و شرکتها در حقیقت انتظار دارند به دانش‌آموختگانی دسترسی داشته باشند که به جای آموزش و مهارت در یک شغل ویژه از سطح گسترده‌تری از آموزش برخوردار باشند (عزیزی، ۱۳۸۳: ۱۷۸). به نقل از هاروی و همکاران).

«میزان اشتغال، نزدیکی ارتباط بین آموزش و دنیای کار است». شایستگی‌ها در دو بعد عمومی (حل مسأله، فهم دنیا، برآوردن نیازها) و تخصصی (توانایی انجام کارهای خاص مانند طراحی، مدیریت، پژوهش و...) ناشی از همین آموزشی است که افراد را برای ورود به دنیای کار آماده می‌کند (برینکمن^۱، ۲۰۰۷: ۲۳). آتودرش و توریک دریافتند کشورهای OECD که رشد کارآفرینی در آنها بارزتر است، نرخ رشد بالاتر و بیکاری کمتری را تجربه کرده‌اند (هلم، ۱۳۸۹).

ایجاد اشتغال پایدار نتیجه رونق تولید و سرمایه‌گذاری است که پیش نیاز آن جهت‌گیری مجموعه سیاست‌های کلان اقتصادی به سمت ایجاد فضای باثبات برای افزایش تولید و سرمایه‌گذاری است. ایجاد این فضا به دنبال تأمین امنیت، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، ثبات در اجرای سیاست‌ها، سرعت اجرا و سازگاری بین سیاست‌ها با استفاده از ابزارهای کافی برای تحقق اهداف است (میرجلیلی، ۱۳۸۴: ۸۴).

در سند فراهی توسعه اشتغال و کاهش بیکاری، در بخش سیاست‌های بازار کار فعال، «حمایت از مراکز رشد و کارآفرینی و سازمان‌های غیردولتی در اجرای طرح‌های مردم‌محور و مشارکتی در زمینه توسعه فرصت‌های شغلی و کارآفرینی» از جمله سیاست‌های پیش‌بینی شده است.

همچنین ریشتر و شیلر (۱۹۹۴) بنیانگذاران کسب و کار که تحصیلات دانشگاهی دارند را با غیرتحصیلکردگان مقایسه کردند و مشاهده کردند بیش از نیمی از شرکت‌های صنعتی که توسط

کارآفرینانی ایجاد شده که تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، تکنولوژی در سطح بالایی دارد، در حالی که شرکت‌های ایجاد شده توسط افراد بدون تحصیلات، بیشتر در بخش‌های خدماتی و تولیدی است که نیازمند نوآوری نیستند (داریانی و عزیزی، ۱۳۸۲: ۲۳). لذا مأموریت سوم آموزش عالی بدون توجه به اصلاح و تغییر مأموریت نخست یعنی آموزش امکان‌پذیر نیست.

۳-۳- تولید و انتقال علم

دانشگاه‌ها دو مأموریت کلیدی دارند: ایجاد دانش جدید و حفظ و انتقال دانش موجود. البته مأموریت‌ها به هم وابسته‌اند، اما در عین حال باهم فرق دارند. دانش ممکن است از دست برود؛ می‌تواند نابود شود، می‌تواند فراموش شود. بنابراین در حالیکه دانشگاه مشغول ایجاد دانش جدید با فشار بر مرزها و پرسش سؤال‌های تحقیقاتی جدید است، در همان زمان باید مکانیسم‌هایی برای حفظ و پرورش دانش داشته باشد. برای این امر، نیاز به تنوع نهادها با مزایای رقابتی و تسهیلات مختلف است. تولید دانش با انتشار مقالات، نه در کتابخانه‌ها، بلکه در شبکه اینترنت و ایجاد شبکه‌های دانشی همراه است (ترجنبرگ^۱، ۲۰۰۸).

به زعم متز (۲۰۰۹)، حوزه کارآفرینی در انتقال دانش دانشگاهی نقش‌های متعددی ایفا می‌کند:

- نقش اول: پشتیبانی از فرآیندهای شرکت‌های مشتقه دانشگاه؛ از طریق شرکت‌های مشتقه تأثیر مستقیم بر انتقال تکنولوژی^۲ و انتقال دانش^۳ دارد.
- نقش دوم: ایجاد ارتباط بین رشته‌های مختلف درون بخشی جدایی‌ناپذیر از دانش و انتقال فن‌آوری؛ درک بهتر و صلاحیت انتقال انضباطی بالاتر در میان دانشگاهیان در جنبه‌های مختلف تکنولوژیک، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی تحقیق و توسعه و حالت تولید دانش برای تجاری سازی ایجاد می‌کند.
- نقش سوم: شکل دادن به نگرش کارآفرینی در میان پرسنل دانشگاه؛ تأثیر غیرمستقیم مؤثر بر جهت‌گیری و انتخاب پژوهشگران زمینه‌های موضوعی و اهداف برای تحقیق

۱- Trajtenberg

۲- Technology Transfer (TT)

۳- Knowledge Transfer (KT)

و توسعه و اجرای ایده‌های جدید در کسب و کار واقعی یا زمینه‌های دیگر جامعه در آینده دارد.

- نقش چهارم: ایجاد نگرش کارآفرینی در میان دانشجویان از طریق آموزش؛ نسل جدیدی از محققان را آماده فعالیت می‌کند که به عنوان بازیگران کسب و کار خوب تأثیری درازمدت بر محیط کارآفرینی منطقه می‌گذارند و همکاری همه‌جانبه بین دانشگاه، شرکت‌های موجود و منطقه‌ای ایجاد می‌کنند که دانشگاه در آن قرار دارد. در این مسیر، آموزش کارآفرینی و آموزش به طور عام بخشی از مدل دانشگاه کارآفرین با جهت‌گیری بلندمدت می‌شود.

جدول (۴) - رویکردهای انتقال دانش، فعالیت‌های اصلی و چالش‌های آن

نوع رویکرد	فعالیت‌های اصلی	چالش‌ها
لیسانس ^۱	فروش لیسانس توسط نماینده دانشگاه برای استفاده دانشگاه از ثبت اختراع، کپی رایت و سایر مالکیت فکری.	بررسی گزینه‌های مختلف تجاری‌سازی برای فراهم کردن سود و منافع توسعه اقتصادی، حمایت از دارایی‌های فکری که حفاظت قانونی ندارند، استراتژی‌هایی برای ارتباط با نوآوران و استخراج دانش ضمنی آنها، مشوقه‌هایی برای تجاری‌سازی و حفظ دارایی‌ها.
شرکت‌های مشتقه	ایجاد شرکت جدید بر اساس دانش اندوخته‌شده در دانشگاه توسط کارکنان دانشگاه، دانشجویان یا سرمایه‌گذاران خارجی	تعداد کم شرکت‌های مشتقه و محدود ماندن به دامنه برنامه‌های شرکت‌های مشتقه، افزایش مهارت‌های کارآفرینی در کارکنان و دانش‌آموختگان برای افزایش موفقیت شرکت‌های مشتقه
دفاتر انتقال تکنولوژی	دفاتری که فرآیند فروش پتنت‌های دانشگاهی و سایر دارایی‌های فکری را بر اساس لیسانس مدیریت می‌کند.	ارتباط و پاسخگویی دفاتر توسط دانشگاهیان، سیستم‌های شایستگی و پاداش مناسب، وجود دفاتر در دانشگاه‌های بزرگ با مدیریت دارایی فکری
واسطه‌گران تکنولوژی	افراد و آژانس‌هایی برای تسهیل روابط بین دانشگاهیان، کارآفرینان و مؤسسات حمایت‌گر که به فرصت‌های تجاری‌سازی کمک می‌کند.	نیاز واسطه‌ها به رسیدگی به مالکیت فکری در مؤسسات آموزش عالی و ایجاد رابطه فراتر از اهداف فردی و دانشکده‌ها. لزوم نبرخ حرفه‌ای و اعتبار برای دو جنبه علمی و کسب و کار.
پارک‌های علم و فناوری	املاکی واقعی برای شرکت‌ها که درون یا نزدیک دانشگاه یا گروهی از دانشگاه‌ها قرار دارد.	کانال‌هایی برای ارتباط با کارکنان دانشگاه، دانش‌آموختگان و تسهیلات برای انتقال دانش تولید شده.
اتکوباتورها	خدمات حمایتی مانند مشاوره برای شرکت‌های جدید که توسط کارکنان و	به دلیل امکان کم بودن تعداد شرکت‌های مشتقه و کم‌اهمیتی نوع برای سرمایه‌گذاری در انکوباتورهای فیزیکی و تشویق شرکت به

نوع رویکرد	فعالیت‌های اصلی	چالش‌ها
	دانش آموختگان ایجاد می‌شود با دسترسی نزدیک به دانشگاه.	سمت تجاری سازی
حمایت از فارغ التحصیلان کارآفرینی	فراهم کردن مربی، شبکه حمایتی مالی و سایر کمک‌ها به دانشجویان فارغ التحصیل که تمایل به تاسیس یک شرکت دارند.	تشویق به آغاز و حمایت از دانشجویان
قراردادها و مشاوره‌های پژوهشی	روابط با مشتریان که منجر به نتایج تحقیقاتی مناسب و اطلاعات استراتژیک برای مشتری بشود.	به کارگیری و ارتقای منابع بر اساس عملکردهای منتشره و فرهنگها و رفتارهای دانشگاهی مرسومه عنوان مشوق قراردادها و مشاوره‌های پژوهشی
تحقیقات مشترک	پیوند تیم‌های علمی و محققان شرکت‌ها برای پژوهش توسعه‌ای محصول پیش از ورود به مرحله رقابت	مکانیزم‌های مناسب برای تسهیم سرمایه فکری به خاطر همکاری، جلوگیری از محدودیت‌های فرهنگی برای پیوند کاری در خلال همکاری تیم‌ها
آموزش بیرونی	دوره‌های کوتاه مدت برای کارکنان شرکت در حوزه‌هایی مانند توسعه تکنولوژی و استراتژی کسب و کار	نیاز آفرینی برای تشکیل گروهی از شرکت‌های کوچک محلی با کمک برگزاری دوره‌های کوتاه مدت برای شرکت‌ها
برنامه‌های تحرک برای کارکنان پژوهشی	برنامه‌ها یا توافقنامه‌هایی که به کارکنان دانشگاه کمک می‌کند تا زمان کاری را در دانشگاهها سپری کنند.	سیاست‌های استخدام به صورت اجاره‌ای، روش‌های استخدام ثابت و فشار برای انتشار باعث تحرک بین دانشگاه و مشکلات صنعت
کارایی دانشجویان در کارآفرینی	پروژه‌های تحقیقاتی و نوآوری در شرکت‌ها به عنوان بخشی از تحقیقات دانشگاهی یا برنامه‌های درجه بندی شده دانشجویی	سنجش سیاست برای افزایش ظرفیت جذب نوآوری شرکت‌های کوچک و متوسط
مراکز تکنولوژی	مراکز هماهنگ با دانشگاه‌ها برای کمک به کارکنان تا فرصت‌های تجاری سازی را ارزیابی و در این کار آنها را حمایت کنند با مشاوره دهند.	نیازمند کارکنان حرفه‌ای برای خرید از دانشگاه و جذب بودجه خدمات مفید، انتقال فرهنگ دانشگاه برای توسعه راهکارهای برانگیزاننده کارآفرینانه تکنولوژی
شبکه‌های تکنولوژی	شبکه‌های رسمی مرتبط با کارکنان یا فارغ التحصیلان دانشگاه برای توان همکاری و بهره برداری	لزوم تمرکز شبکه‌ها بر تکنولوژی و فعالیت‌های خاص، نیازمند ارتباط با اعضای هیئت علمی، تعامل‌های غیررسمی برای تسهیل دانش ضمنی، تغییر فرهنگ سنتی دانشگاه
خوشه‌های نوآوری	ساخت انبوه و برقراری پیوندهایی در خوشه‌های بخش متمرکز جغرافیایی تسهیل کننده انتقال دانش.	نیازمند انبوه‌سازی

در ایالات متحده حدود ۵۰۰۰ مؤسسه آموزش عالی وجود دارد که حدود ۱۵۰ مورد آن نیمه دولتی است و به طور فزاینده سوخت اقتصاد ملی را توسط رهبران تولیدکننده در همه بخش‌های دانشگاهی تهیه می‌کنند. این رهبران از طریق نوآوری دائمی در محصولات و فرایندها، کسب و کار را رونق می‌بخشند، صنعت را پویا و دولت‌ها را کارآمد می‌کنند. از سال ۲۰۰۲، برای مفهوم‌سازی دوباره برای دانشگاه دولتی بزرگ به عنوان دانشگاه کارآفرین علمی، چابک، رقابتی، سازگار و پاسخگو به نیازهای در حال تغییر، در هر دو حوزه داخلی و جامعه جهانی تلاش‌های بسیاری شد. باید این واقعیت را پذیرفت که در عرصه رقابتی نه تنها برای کسب پول و منافع حاصل از تحقیق و سرمایه‌گذاری خصوصی، بلکه برای جذب بهترین دانشجویان، استادان و مدیران و بالاتر از همه، برای بهترین ایده‌ها تلاش کرد. وظیفه دیگر، تعریف دوباره آموزش عالی عمومی از طریق ایجاد نمونه‌ای اولیه با ترکیبی از بالاترین سطح عالی علمی، حداکثر تأثیر اجتماعی و شمول گسترده جمعیتی ممکن است (کروو، ۲۰۰۸).

باید به این نکته توجه داشت که فعالیت‌های کارآفرینی مأموریت نظام دانشگاه و تمرکز سنتی آن را در اداره اعضای هیئت علمی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که دانشگاه کارآفرین بیشتر بر اساس تحقیقات کاربردی و پژوهش‌محور به پیش می‌رود، به زعم بعضی از نتایج تحقیقاتی این امر تعارض بین دانش و درآمد را مطرح می‌کند و بنابراین آزادی علمی تهدید می‌شود. از این رو، برخی معتقدند سیاست‌های تشویقی کارآفرینی دانشگاهی می‌تواند باعث قربانی شدن توانایی تحقیقاتی بلندمدت دانشگاه و مشارکت آنها در رشد اقتصادی گردد. به عبارت دیگر درگیر شدن اعضای هیئت علمی در تلاش سودآور می‌تواند هم اثر مثبت و هم اثر منفی در فعالیت‌های دانشگاهی داشته باشد (آدام و همکاران، ۲۰۰۷).

۳-۴- مسئولیت اجتماعی دانشگاه

ارتباط بین علم و جامعه در حال تغییر است. تحلیلگران رقابت‌پذیری اقتصادی برای ظرفیت تولید، جذب و کاربرد دانش جدید را با فرایندها و محصولات جدید پیوند می‌دهند. همانطور که انتظار می‌رود این تغییرات یک مناظره در مورد نقش در حال تحول دانشگاه در زمینه تغییرات محیطی گشوده است و دانشگاه به تعامل مستقیم مؤسسات آموزش عالی با محیط‌های اجتماعی و

اقتصادی اشاره دارد (موگابی، ۲۰۱۴)؛ آنها علاوه بر گسترش اقتصاد، در توسعه جامعه، شکل بهتر حکومت‌داری و سازمان‌های سیاسی، فراهم کردن آموزش برای دانشجویان بیشتر و توسعه و انتقال تکنولوژی به صنعت نقش مهمی دارند (گرنسون و همکاران، ۲۰۰۹).

این بیان که دانشگاه‌ها برای آموزش و پژوهش به وجود آمده‌اند، برای بسیاری مسلم به نظر می‌رسد، هرچند اهمیت نسبی آنها و روابط بین آنها مورد بحث و جدل است؛ زمان آن رسیده که دانشگاه وجود رسالت جدید خود را به عنوان گفتگو میان علم و جامعه را به رسمیت بشناسد (یونسکو، ۲۰۰۷).

واضح است که دانشگاه‌ها محرک‌های قدرتمندی در نوآوری فناوری و اجتماعی هستند و توانایی ذاتی در برقراری ارتباط برای حوزه‌های تخصصی و فعالیت‌های جامعه دارند. به علاوه آنها نماد دیرپایی و پایداری اجتماعی با تمرکز غیر انتفاعی و ظرفیت ویژه برای تقویت تفکر بلندمدت هستند که برای پایداری لازم است. به همین دلیل، دانشمندان بسیاری بیان کرده‌اند که مشارکت دانشگاه‌ها می‌تواند در تغییر پایدار یک منطقه یا ناحیه مؤثر باشد (ترینچر و همکاران، ۲۰۱۳). این امر مستلزم سازگاری و ارتباط مستمر و پویا و دو جانبه است.

گاهی مشکل بی‌ارتباطی علم با نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با ملحوظ داشتن مسائل و نیازهای محیط پیرامونی خویش شکل می‌گیرد. ولی صرف وجود نیازها و مسائل، نگرش و بینش لازم برای توسعه علمی را فراهم نمی‌کند. برنامه‌های توسعه دانش هر چند به نیازها می‌نگرد ولی از دنیای ارزش‌ها و نگرش‌ها ریشه می‌گیرند (قانع‌راد، ۱۳۸۲).

۳-۴- مسئولیت جامعه در قبال دانشگاه

همانطور که دانشگاه برای برآوردن نیازهای جامعه مسئولیت دارد، عوامل بیرونی یا محیط نیز بر این دانشگاه اثر دارد. در بررسی محیط عمومی مؤثر بر کارآفرینی، دو حیطة قابل بررسی است:

(۱) قوانین حاکم بر منطقه، کشور و حکومت که نشاندهنده مشوق بودن فرآیند

کارآفرینی و میزان کنترل آن است.

(۲) محیط کارآفرینانه دانشگاه که بر تصمیمات محققان و فعالیت‌های ایشان مؤثر است

(واکر، ۲۰۱۲).

به طور مثال سیاستگذاران آمریکا با مصوبه بای دل^۱ (در زمینه حمایت دولت از دانشگاه‌ها برای تولید دانش و فناوری) در ۱۹۸۰ جایزه ثبت اختراع را از بودجه تحقیقات فدرال به دانشگاه‌ها منتقل و تحقیقات فردی را از آن خارج کردند (گلدستین^۲، ۲۰۱۰) و به این ترتیب این امکان را برای دانشگاه‌ها فراهم کردند تا برای حفظ عنوان اختراعات ناشی از تحقیق و توسعه حمایت شده از دولت فدرال، به ثبت اختراع و دریافت مجوز چنین اختراعاتی اقدام کنند. از اواسط دهه ۱۹۹۰، تعدادی از کشورهای OECD تلاش کرده‌اند با اعطای حقوق مالکیت معنوی به دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی عمومی، تجاری کردن فناوری را برای تشویق مؤسسات تحقیقاتی دانشگاهی توسعه دهند (وینسنت لانکرین، ۲۰۰۶). این مصوبه باعث شد ثبت اختراعات از ۵۰۰ مورد در سال ۱۹۸۲ به ۳۰۰۰ مورد در ۱۹۹۸ برسد. سپس کشورهای دیگر مانند انگلستان، آلمان و بلژیک نیز اکنون مالکیت معنوی را برای مؤسسات علمی و دانشگاهی و نه محققان لحاظ کردند (واکر، ۲۰۱۲).

نکته مهم دیگر آن است که دانشگاه کارآفرین به شدت شبکه‌ای است. با مخاطبین و کارآفرینان همکار و صنایع و با تمام انواع افراد و گروه‌های مرتبط با نوآوری و رشد، روابط زیادی دارد. دانشگاه‌هایی که خواهان تأثیر گسترده هستند، دارای ارتباطات داخلی و خارجی بالایی هستند. چنین اکوسیستمی از ارتباطات، شبکه‌هایی را برای افراد ایجاد می‌کند تا ایده‌ها از مفهوم به واقعیت تبدیل شوند. هنگامی که تمام عناصر با یکدیگر همکاری می‌کنند، زیرساخت‌های نوآوری به خوبی گرد هم می‌آیند و دانشگاه، بخشی از اکولوژی بزرگ نوآوری می‌شود (کرو، ۲۰۰۸)؛ نوآوری‌ها باید به بازار کشیده شوند و این نیازمند وجود افرادی است که وارد چنین فرآیندهایی شوند. این امر به هم‌افزایی بین سرمایه‌ها و مهارت‌هایی که به تدریج آموخته شده و توسعه می‌یابد نیز منجر خواهد شد. شجاعت برای راه‌اندازی سرمایه‌گذاری‌های جدید و تجربه‌اندوزی با ساختار جدید، تغییر تفکر دانشگاه‌ها و پرورش مردم برای بهره‌برداری از فرصت‌های جدید از ملزومات این حرکت است. بنابراین تغییر دانشگاه‌ها کافی نیست. بلکه دولت‌ها و سیاست‌های عمومی نیز باید بدانند چگونه تغییر را با آغوش باز بپذیرند. لذا جوامع و

۱-Bayh-Dole Act

۲-Goldstein

شرکت‌ها و افراد باید نسبت به دانشگاه روی باز نشان دهند (اندرسون^۱، ۲۰۰۸).

بحث و نتیجه‌گیری

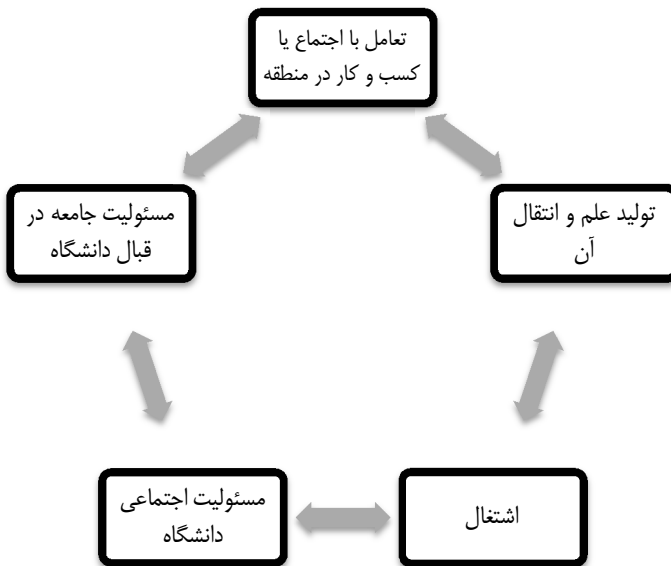
کارآفرینی دانشگاهی با مأموریت توسعه اجتماعی و اقتصادی و محوریت رونق کسب و کار، قبل از تحول در توسعه و رشد جامعه باعث تحول در ساختار و مدیریت دانشگاه‌ها می‌گردد. در این نگاه به دانشگاه، آموزش فردی به سازمانی تبدیل می‌شود و تحقیق فردی جای خود را به تحقیق گروهی می‌دهد. نوآوری، تشخیص و ایجاد فرصت، کار تیمی، پذیرش خطر و پاسخ به چالش‌ها از جمله توانایی‌های لازم برای تحقق دانشگاه کارآفرین است. در اینصورت دانش به عنوان سرمایه‌ای که تولید و منتقل می‌شود، مبنایی برای توسعه و رشد اقتصادی می‌گردد، چرا که تولید ثروت بر مبنای دانش ارزش افزوده بالایی دارد. دانشگاه نیز به عنوان سازمانی مؤثر در تعامل با صنعت و دولت در تقویت نقش خود در جامعه به تغییری مداوم و پویا می‌پردازد. لذا دانشگاه از حالت ایزوله و مکانی برای کشف حقیقت و پژوهش برای پاسخگویی به کنجکاو‌های علمی هیئت علمی و دانشجویان به سازمانی پژوهشی اما تأثیرگذار بر اقتصاد منطقه و اقتصاد ملی تبدیل می‌گردد. استقلال مالی در این دانشگاه‌ها از طریق ثبت اختراع، قراردادهای تحقیقاتی با صنعت و سایر مراکز تحقیقاتی موجود در جامعه و مشارکت با بخش خصوصی حاصل می‌شود و استاد و دانشجو به ایجاد کسب و کارهای جدید می‌پردازند. این فرآیند نیازمند ساختارهای حمایتی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان است. این دیدگاه در صورتی قوت خواهد گرفت که به صرف هزینه در پژوهش به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری نگرسته شود که حاصل آن چه به فناوری منجر شود یا به تولید محصول بینجامد یا دانش فنی قابل ثبت و فروش باشد، دارای ارزش افزوده‌ای است که به چرخه فعالیت‌های دانشگاهی برمی‌گردد و موجب رفاه همگانی می‌شود.

ارتباط با صنعت و جامعه، تولید دانش برای استفاده در فعالیت‌های اقتصادی، خلق مشاغل جدید، ایجاد مراکز رشد و پارک‌های فناوری، حمایت آموزشی، مالی و بازاریابی از کارآفرینان، توسعه صنایع و فناوری‌های جدید مبتنی بر پژوهش‌های دانشگاهی، استقبال از ایده‌های جدید، آموزش

مهارت‌های شغلی و مدیریتی و توسعه روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان از جمله ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین به عنوان دانشگاه نسل سوم است.

از جمله این موانع عبارتند از: تأکید بیش از حد بر توسعه کمی، فقدان انگیزه استاد و دانشجو در ورود به حوزه پژوهش، وجود مشکلات موجود در تصویب طرح‌های پژوهشی، ساعات تدریس زیاد اعضای هیئت علمی، نبود سازوکارهای لازم برای ارتباط بین دانشگاه و محیط خارج، نبود برنامه‌ریزی و راهبرد پژوهشی. لذا برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان لازم است که با در نظر گرفتن اهمیت شکل‌گیری دانشگاه‌های کارآفرین و پیامدهای آن در توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی و چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، به رفع موانع و زمینه‌سازی تحقق این امر همت گمارند.

شکل (۳) - مؤلفه‌های اصلی دانشگاه کارآفرین در فرایستیم جامعه



با این همه آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، توجه به تعامل مؤثر دانشگاه و جامعه است تا در رویکردی دوجانبه، رفع نیازهای جامعه و تحقق مأموریت‌های دانشگاه را در پی

داشته باشد. در این رویکرد هرچند تقاضامحوری دانشگاه‌ها مورد توجه است، اما لازم است پیشرو بودن جامعه علمی در رهبری جامعه و نیازآفرینی فراموش نگردد. لذا تأکید می‌شود دانشگاه کارآفرین با حفظ مأموریت‌های سنتی دانشگاه، گامی فراتر می‌نهد.

منابع

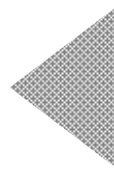
- احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۸۲)، «ترویج کارآفرینی از طریق آموزش دانشگاهی»، *مجله اقتصادی*، دوره ۲، سال ۲، شماره ۱۹ و ۲۰: ۲۴-۲۱.
- ارفعی مقدم، عبدالمجید (۱۳۸۱)، «جایگاه پژوهش در فرآیند توسعه اقتصادی»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت*، شماره ۲۷، ۲۸۴-۲۶۰.
- آخش، سلمان؛ انصاری، احمد؛ جاویدان، علی (۱۳۹۲)، «رسالت دانشگاه و کارآفرینی»، *دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمان‌ها*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
- برونر هلم، پونتوس (۲۰۰۸)، *کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی*، ترجمه افشین صدرپور (۱۳۸۹)، تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- پاسبان، محمد؛ فاتحی خشک‌ناب، لیلیا (۱۳۹۱)، «دانشگاه کارآفرین و نقش آن در توسعه صنعت»، *نخستین کنگره ملی توسعه خوشه صنعتی قطعات خودرو*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
- پیکری فر، فاطمه؛ مه نگار، فرشاد (۱۳۹۱)، «بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه کارآفرینی»، *کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان*.
- جزنی، نسرین (۱۳۸۶)، *کارآفرینی دانش‌آموختگان دانشگاهی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حسن پور، اکبر؛ عباسی، طیبه (۱۳۸۸)، *مدیریت منابع انسانی پیشرفته*، جلد ۱، تهران: یکان.
- خالصی، مجتبی (۱۳۹۰)، «میزگرد اقتصادی کارآفرینی و فضای کسب و کار»، *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۷ و ۸، ۲۰۶-۲۰۱.
- رحمتی، مریم؛ حاجی آقاچانی، اعظم؛ قایخلو، سارا (۱۳۹۲)، «مثلث (دانشگاه، مراکز پیش‌رشد و رشد، و شرکت‌های زایشی): راهکار موفق ارتباط بین دانشگاه و صنعت»، *کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*.
- روحانی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «رسالت دانشگاه کارآفرین در توسعه اقتصادی، اجتماعی»، *اولین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی*، دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار.
- سالاری، مریم (۱۳۹۲)، «نقش دانشگاه کارآفرین در اقتصاد دانش‌محور و تعامل با دولت و صنعت»، *کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم*.

- سلسبیلی، نادر (۱۳۸۶)، «گذر نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی»، **مطالعات برنامه درسی**، سال اول، شماره ۴: ۶۸-۴۹.
- صفرزاده، حسین؛ احمدی شریف، محمود؛ کارگریان مروستی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر استقرار دانشگاه‌های کارآفرین»، **نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش**، سال چهارم، جلد ۴، شماره ۲، ۱۵۱-۱۳۷.
- صمدی میار کلان، حمزه؛ صمدی میار کلان، حسین؛ بابایی، عباس؛ عسگری، علیرضا (۱۳۹۱)، «نقش دانشگاه کارآفرین و صنعت به عنوان کلید توسعه ملی»، **کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان**.
- ضرغامی، حمیدرضا؛ نوری، سیامک؛ باقرپور، مرتضی (۱۳۹۰)، «شناسایی عوامل کلیدی ارتقا دهنده انگیزش کارکنان دانشی در سازمان‌های پروژه‌محور با تأکید بر پروژه‌های دانش بنیان»، **دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک پروژه‌ها**.
- طالبی، کامبیز، زارع یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷)، «آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان»، شماره اول، ۱۳۱-۱۱۱.
- عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۸۳)، «اشتغال و آموزش عالی: راهبردهای پیوند آموزش عالی با نیازهای بازار کار»، **دو فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۳۱ و ۳۲: ۱۹۸-۱۷۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، «بررسی الگوی تعاملات آموزش عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های تولید و خدمات»، **دو فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۵۷، ۶۴-۴۵.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۲)، **ناهمزمانی دانش روابط علم، نظام‌های اجتماعی - اقتصادی در ایران**، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۱)، «شیوه جدید تولید دانش: ایدئولوژی یا واقعیت»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره چهارم، شماره ۳، ۵۹-۲۸.
- **قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)**، تدوین جهانگیر منصوری، تهران: دوران
- قربانی موبد، زهرا (۱۳۸۸)، **بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ کرامتی کریمی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «نقش دانش سابق کارآفرین بر تشخیص فرصت کارآفرینانه با تکیه بر نقش دانشگاه‌ها در ایجاد و توسعه این دانش»، **مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی**، سال ۱۳، شماره ۴، ۵۶-۲۵.
- قنبرزاده، محسن؛ انصاری، محمدتقی (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین»، **مجله علمی پژوهشی رهیافت**، شماره ۴۴، ۱۱-۵.

- مولودیان، هادی؛ وزیر، علی؛ خطابی، نویده (۱۳۹۰)، «نقش دانشگاه کارآفرین در ارتقاء مهارت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه پیام نور؛ مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور مرکز تربت حیدریه»، **اولین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی**، دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار.
- میرجلیلی، فاطمه (۱۳۸۴)، «اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و تأکید بر کارآفرینی به عنوان یک راهکار افزایش آن»، **مجلس و پژوهش**، سال ۱۲، شماره ۴۹-۵۰: ۹۱-۷۷.
- نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۷)، «دانشگاه کارآفرین»، **مجله کار و جامعه**، شماره ۹۷ و ۹۸، ۲۴-۱۴.
- Adam J., Josh L., Scott S., Marie T. (2007), "Academic science and entrepreneurship Dual engines of growth", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 107-115.
- Anderson, Thomas (2008), "The future of University in Europe. The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century", *Kauffman Foundation*, 38-47.
- Braunerhjelm, Pontus. Lundblad, Leif (2007), *Entrepreneurship, Knowledge and Economic Growth*, Prepared for Foundations and Trends in Entrepreneurship: Electronic Working Paper Series.
- Brinckmann, Haans (2007), "How to be an Entrepreneurial University", *Journal of Entrepreneurship Research*, V.1, 12-31.
- Crow, Michael M. (2008), "Building an Entrepreneurial University. The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century", *Kauffman Foundation*, 11-30
- Freimuth, Axel (2008), "For German university, a time of sweeping change. The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century", *Kauffman Foundation*, 48-54
- Gregersen. B, Linde.L.T and J G Rasmussen (2009), "Linking between Danish universities and society", *Science and Public Policy*, 36(2): 151-156
- Grundling, Jan P., Steynberg, Lizl (2009), "Towards an academic entrepreneurship governance framework for South African higher education; From the university environment to academic entrepreneurship", *6th Inter-Rent Online Publication*, Finland: European Council for Small Business and Entrepreneurship, 109-130
- Kitagawa, F. (2011), "Industrial Doctorates - Employer Engagement in Research and Skills Formation", *Published by the Centre for Learning and Life Chances in Knowledge Economies and Societies*, at: <http://www.llakes.org>
- Litan, Rabert, E., Mitchel, Lesa (2008), "Should university be agent of economic development? The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century", *Kauffman Foundation*, 123-138.
- Mets, Tonis (2009), "Tracking entrepreneurship in the academic environment (editorial): From the university environment to academic

- entrepreneurship”, *6th Inter-Rent Online Publication*, Finland: European Council for Small Business and Entrepreneurship, 4-10
- Mugabi.H (2014), “Institutionalisation of the ‘Third Mission’ of the University The case of Makerere University”, *University of Tampere*.
 - OECD (2007). *Higher Education and Regions. Globally Competitive, Locally Engaged*, OECD, Paris.
 - OECD (2008), *Entrepreneurship Review of Denmark.OECD Directorate for Science, Technology and Industry*, OECD, Paris.
 - Potter, Jonathan (2008), Entrepreneurship and higher education: Future policy directions. Chapter 14. *Local Economic and Employment Development (LEED)*, 313-335.
 - Rothaermel, Frank T..Agung, Shanti D.. Jiang, Lin (2007). “University Entrepreneurship: taxonomy of the literature”, *Industrial and corporate change*, Vol 16, 691-791
 - Samarzija, Visnaja. Butkovic, Hrvoje (2010), *From the Lisbon Strategy to Euroup 2020*”, Institute for International Relations – IMO. Zagreb
 - Smith, W.A., (1935). “Integration: Potentially the Most Significant in the History of Secondary Education”, *California Journal of Secondary Education*.
 - Thune, Taran (2010), “The Training of Triple Helix Worker? Doctoral Students in University-Industry-Government Collaboration”, *Minerva*, 48: 463-483.
 - Trajtenberg, Manual (2008), “Entrepreneurial university: the view from Israel. The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century”, *Kauffman Foundation*: 84-93
 - Trajtenberg, Manual (2008), ”Entrepreneurial university: the view from Israel. The future of the research university: Meeting the global challenges of the 21st century”, *Kauffman foundation*, 84-93
 - Trencher, Gregory; Yarime, Masaru; N.H. Doll, Christopher; B. McCormick, Kes; Kraines Steven B. (2013), “Beyond the third mission: Exploring the emerging university function of co-creation for sustainability”, *Science and Public Policy*: 1–29
 - Vincent-Lancrin, Stéphan (2006), “What is Changing in Academic Research? Trends and Futures Scenarios”, *Forthcoming in the European Journal of Education*, Vol. 41, 1-27
 - Walker, Kevin (2012). “The technopreneurship process: Academic entrepreneur university spin-off”, *RIThink*, Vol 2. 11-22

نقش بازار در تحولات سیاسی - اجتماعی دوره پهلوی دوم



بهزاد نظری^۱

حسن رضائی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۹/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۵/۱۸)

چکیده

بازار بعنوان یکی از ارکان جامعه ایران نقشی اثرگذار در طول تاریخ گذشته این سرزمین ایفا کرده است. این اثرگذاری نه فقط بخاطر این است که بازار اساس ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه آن دوران را تشکیل داده بلکه همچنین به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با مراکز و مؤسسات مذهبی بوده است. در دوره پهلوی دوم بازارهای سنتی در اتحاد سازمانی و تاریخی با روحانیت شیعه تلاش کرد به تحدید قدرت دولت پردازد و مانع از دست اندازی و تهدیدات قدرت به عرصه جامعه شود و در هر حرکت سیاسی - اجتماعی اعتراضی علیه حکومت استبدادی شرکت کرد؛ به گونه ای که می توان بازار و علما را دو ستون جامعه مدنی سنتی ایران به حساب آورد؛ در مقابل آن دولت نیز با اقدام در راستای کمرنگ نمودن نقش اقتصادی بازار در جامعه ایران سعی در تضعیف، کنترل و وابسته نمودن بازار به دولت نمود. این مقاله با نگاهی به تحولات عصر پهلوی دوم به بررسی نقش بازار در این تحولات و رابطه آن با دولت محمدرضا شاه می پردازد.

۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز ، b.nazari1357@gmail.com

۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز ، hrezaee55@yahoo.com

واژگان کلیدی: بازار، دولت پهلوی دوم، جامعه مدنی.**مقدمه**

طبقه متوسط سنتی در ایران به تنهایی و یا در وحدت و همکاری با سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی در طول تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران نقش مهمی را ایفا کرده است. بازار و بازاریان بعنوان بخشی از این طبقه سهم عمده‌ای در این تأثیرگذاری داشته‌اند. بازار سنتی در جامعه ایران از گذشته تاکنون کارکردهای متنوعی داشته است از جمله: ۱- مرکز داد و ستد و تولید صنایع دستی ۲- عرصه عمومی روابط برون خانوادگی در کنار مسجد شهر ۳- پایه قدرت مالی و سیاسی مذهبی شیعه ۴- دژی برای بیشتر جنبش‌های اعتراضی- سیاسی مردم بوده است (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

تلاش سازمان یافته بازاری‌های سنتی برای تشکیل مجلس وکلای تجار، مشارکت مؤثر بازاری‌ها به ویژه کسبه و تجار در پیروزی انقلاب تنباکو و نهضت مشروطه، حضور در مجلس مؤسسان و نقش تأثیرگذار و سازمان یافته به همراه روحانیون در تأسیس مجلس شورای ملی، نقش کسبه و پیشه‌وران در تولید «کالاهای عمومی» و تقویت بورژوازی ملی در سال‌های آخر سلطنت رضا شاه پهلوی؛ مشارکت بازاری‌ها به همراه عده‌ای از روحانیون در به قدرت رسیدن دکتر مصدق و نهضت مقاومت ملی و نهضت آزادی، هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، مشارکت همه جانبه بازارهای سنتی در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نیز حضور در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در حمایت از روحانیون و بالاخره نقش بسیار مؤثر بازاری‌های سنتی از طریق اعتصاب‌های عمومی در تهران و شهرستان‌ها علیه دستگاه حکومتی و نهضت انقلابی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، نشان می‌دهد که بازار و بازاری در فاصله بین نقطه عطف‌های تاریخی در هر اعتراضی علیه حکومت نقش مهمی داشته است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۸۶-۲۸۰).

بازاری‌ها به مانند روحانیان از استقلال اقتصادی، نسبت به دولت برخوردار و عنصر پویای «حوزه عمومی» جامعه شهری ایران بودند و بازاری‌های سنتی بعنوان یکی از کنشگران اصلی جامعه ایران به حساب می‌آمدند و نقش عمده‌ای در تعدیل و تحدید قدرت دولت حاکم داشته‌اند. تعطیل کردن مغازه‌ها (بازار)، تحسن در مساجد و اماکن عمومی، پشتیبانی مالی از جنبش‌ها و شرکت در گردهمایی‌ها و تظاهرات خیابانی، از تاکتیک‌های اصلی اعتراضی بازاری‌ها بوده و «هیئت‌های

مذهبی»، «مجالس سخنرانی» و «نمازهای یومیه» نیز از ابزارهای اجتماعی عمده برای حفظ همبستگی میان بازارهایها بود(اشرف، ۱۳۸۷: ۱۵). در واقع در نبود وسایل ارتباط جمعی اعتصاب بازار به مانند شبکه خبری عمل می‌کرد؛ زیرا بسته شدن بازار، به مفهوم رسیدن خبر از طریق هزاران مغازه سطح شهر به مردم عادی بود. تعطیلی بازار، در کار غیر سیاسی‌ترین مردم نیز اختلال ایجاد می‌کرد و آنها نسبت به کم و کیف موضوع کنجکاو می‌شدند.

بنابراین با عنایت به فعالیت بازاری‌ها در طول تاریخ معاصر، مشخص می‌شود که بازاری‌ها به عنوان یکی از قدیمی‌ترین لایه‌های اجتماعی ایران در اتحاد سازمانی و تاریخی با روحانیت شیعه در طول تاریخ ایران در هر نوع حرکت اجتماعی و سیاسی شرکت داشته‌اند. در همین راستا، این نوشتار قصد دارد با بهره‌گیری از مبانی نظری «جامعه مدنی» و روش تحقیق «تاریخی» به مطالعه تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم، نقش بازار در این تحولات و رابطه بازار و دولت در این دوره پردازد. فرضیه این نوشتار این است که بازار بعنوان یکی از ارکان جامعه مدنی در ایران در دوره پهلوی دوم سعی در تحدید قدرت دولت داشته و آن دولت هم تلاش داشت با تضعیف، کنترل و تسلط بر بازار استقلال آن را از بین برده و آن را به خود وابسته نماید. لذا در آغاز مفاهیم بازار، جامعه مدنی، دولت و ارتباط آنها را توضیح داده و بر این اساس به نقش بازار در تحولات دوره پهلوی دوم پرداخته می‌شود.

جامعه مدنی و بازار

هرکدام از نحلها و گرایشات فکری به تناسب مبانی و مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی خود تعبیری خاص از جامعه مدنی ارائه می‌کنند. مفهوم جامعه مدنی از نقطه‌نظر سیر تحول تاریخی آن در گفتمان فکری و اندیشه سیاسی غرب به‌طور کلی در پنج معنای متفاوت به کار رفته است:

(الف) به مفهوم دولت در اندیشه اصحاب قرارداد اجتماعی و به عنوان نقطه مقابل وضع طبیعی (این معنی در اندیشه سیاسی کلاسیک نیز موردنظر بوده است. چنانکه در نزد ارسطو جامعه مدنی معادل دولت در مقابل خانواده است).

(ب) به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدائی در مکتب اقتصاد سیاسی کلاسیک و در اندیشه کسانی چون آدام فرگوسن و آدام اسمیت.

ج) به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه هگل

د) به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت به عنوان پایگاه آن، در اندیشه مارکس.

و) جامعه مدنی به عنوان جزئی از روبنا (نه حوزه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبقه حاکم در اندیشه گرامشی (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳).
در این تحقیق جامعه مدنی به مثابه جامعه‌ای تعریف می‌شود که در آن بین فرد و حکومت، تشکیلات، سازمان‌ها و نهادهایی نیرومند وجود دارد و در نتیجه امکان دسترسی مستقیم گروه به توده‌های بی‌شکل و بدون سازمان وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۶۸).

به‌رغم مجادلات دراز دامن فلاسفه سیاسی و اندیشمندان اجتماعی در خصوص موضوع جامعه مدنی (هم به‌عنوان یک مقوله نظری و هم به مثابه وضعیتی تاریخی) این نکته با اتفاق نظر پذیرفته شده است که جامعه مدنی ناظر به آن بخش از تعاملات، تجمعات و نهادهای اجتماعی است که مستقل از دخالت و کنترل دولت، به مقتضای منطق درونی خود و به گونه‌ای تقریباً خودجوش تنظیم و هدایت می‌شود. در مقابل دولت یا قدرت سازمان یافته که حوزه روابط اجبارآمیز مبتنی بر آمریت و تبعیت است، جامعه مدنی عرصه مبادلات آزاد و قلمرو تشکل‌ها و مناسبات داوطلبانه می‌باشد. چنین تعبیری از جامعه مدنی بیانگر تمایل به محدود ساختن حیطه مداخله و اعمال نفوذ دولت از یک سو و دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی از سوی دیگر است.

جامعه مدنی به معنای مدرن آن مظهر توانمندی‌های جامعه برای پس راندن دولت از دخالت همه جانبه در گستره حیات اجتماعی، به منظور حراست از حقوق و آزادی‌های بنیادی فرد و اجتماع می‌باشد. «آیزنشتات» جامعه مدنی را در تعریف حداکثری به جوامع ماقبل مدرن نیز تسری می‌دهد. وی چهار شرط ساختاری و اجتماعی را برای جامعه مدنی در نظر می‌گیرد:

۱. استقلال نسبی حوزه اجتماعی از دولت؛

۲. دسترسی نسبتاً مستقل به دولت یا نخبگان حاکم؛

۳. وجود فضای عمومی نسبتاً مستقل؛

۴. حمایت قانونی (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۳).

هرچند دولت یک ساختار مجهز است و دائماً می‌کوشد تا جامعه را تحت کنترل خود درآورد، ولی میزان توانایی آن برای هدایت و کنترل جامعه به میزان قدرت آن بستگی دارد (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۳).

۶۸) به طوری که جامعه مدنی منفعل، موجب شکل‌گیری دولت اقتدارگرا و جامعه مدنی فعال، سبب پاسخگو بودن دولت می‌شود.

با مطالعه تاریخ معاصر ملاحظه می‌شود که در ایران هم، جامعه مدنی وجود داشته است. هرچند که این جامعه مدنی با آنچه در تصور غربی وجود داشته، تفاوت دارد و پیش از آنکه به نفع افراد شهروند و اجتماعات آنها باشد، جامعه مدنی نهادها و اجتماعات است (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۳).

جامعه مدنی در ایران تا آغاز نوسازی و غربی‌سازی در قرن بیستم، واحدی بود که از دو گروه عمده بانفوذ یعنی روحانیت و بازار تشکیل شده بود. روحانیون و بازاری‌ها، در محله‌ها و در میان مردم بودند؛ یعنی در «حوزه عمومی» زندگی مردم بودند. در ایران، برخلاف غرب که نظرات جامعه مدنی در «کافه‌ها» و «سالن‌های مهمانی» تجلی پیدا کرد (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۵). مخالفت اجتماعی علیه دولت در مجامع عمومی مثل مساجد، مدرسه‌ها، حمام‌های عمومی، منبرها و بازار آشکار شد و در مراسم مذهبی، تعزیه‌ها و عزاداری‌ها خود را نشان می‌داد (کمالی، ۱۳۸۱: ۳۵). بدین ترتیب، می‌توان گفت که جامعه مدنی در ایران، برپایه دو گروه منتقد، یعنی علمای شیعه و بازاری‌های سنتی استوار بود.

بازار در شهرهای ایرانی بعنوان محل خرید و فروش، سیمایی از شهرهای سنتی است که به طور نهادی از مسیر سرپوشیده‌ای تشکیل می‌شود و به ردیف مغازه‌های کوچکی که در دو طرف پر شده است جایی که بازاری‌ها کالاهای خود را در معرض دید می‌گذارند (احمدی، ۱۳۷۱: ۱۵). یکی از ویژگی‌های بسیار مهمی که از گذشته در بازار حاکم بوده، شرایط تعاملی است که بین مصرف‌کننده (خریدار) و تولیدکننده (فروشنده) وجود داشته است که تصمیمات خود را بصورت مستقل اتخاذ می‌کردند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). در این مقاله وقتی صحبت از بازار به میان می‌آید، مغازه‌داران، پیشه‌وران و کاسبکاران بازار قدیمی منظور هستند که با یاری جستن از تعدادی همکاران به سازمان‌دهی امور اقتصادی و تأمین مایحتاج مردم مشغول هستند.

دولت و جامعه مدنی در ایران

واژه دولت از ریشه لاتینی به معنای «ایستادن» و «وضع مستقر» است که از پیچیده‌ترین مفاهیم سیاست است و به آسانی با بسیاری از مفاهیم و نهادها در هم می‌آمیزد (وینسنت، ۱۳۷۶: ۳۶). دولت مدرن در ایران که از اواخر حکومت قاجارها به بعد شکل گرفت به دلایل مختلف از

جمله تضاد با جامعه سنتی، اغلب با چالش‌هایی در تقابل با جامعه مدنی مواجه شد. با توسعه دولت مدرن در ایران از یک سو و رشد جامعه مدنی از سوی دیگر، این چالش‌ها در دولت پهلوی دوم، که منظور از آن نهاد سلطنت و بخش‌های «اجرایی، قانونگذاری و قضایی» محمدرضا شاه می‌باشد، به اوج رسید که تحولات سیاسی-اجتماعی پس از آن را در پی داشت. تأمل در سرشت جامعه مدنی برخاسته از مدرنیته و بررسی صیوریت و تطور تاریخی آن بیانگر این واقعیت است که تحقق و تکوین تأسیسات و نهادهای مدنی جدید مستلزم وجود و استقرار نظام سیاسی و شکل‌بندی اجتماعی - اقتصادی ویژه‌ای است. به عبارت دیگر، نمی‌توان انتظار داشت که در چارچوب هر ساخت اقتصاد سیاسی و تحت هر شرایط اجتماعی جامعه مدنی امکان ظهور بیابد. بلکه جامعه مدنی تنها در گونه‌ای از اقتصاد سیاسی مجال بروز پیدا می‌کند که ساختار آن به تجدید حدود اعمال اقتدار دولت و بسط دامنه فعالیت و نقش‌آفرینی تجمعات مستقل مدنی فرصت دهد.

به نظر می‌آید صورت‌بندی خاص اقتصاد سیاسی ایران در سده بیستم که بر پایه محوریت نفت سازماندهی و استوار شد. در عمل، به رغم مزایا و منافع قابل توجهی که درآمدهای نفتی برای اقتصاد و جامعه ایران در پی داشته است به واسطه فراهم‌سازی فرصت‌های بی‌نظیر برای دخالت‌های فزاینده و پردامنه حکومت در وجوه گوناگون حیات جامعه ایرانی معاصر و در تنگنا گذاشتن زمینه‌های ابراز وجود و کوشش آزادانه نهادهای مستقل مدنی، عمدتاً نقشی منفی ایفا کرده است.

کنکاش در واقعیات اقتصاد سیاسی ایران به‌ویژه در دوره زمانی پس از ۱۳۲۰ بیانگر این نکته است که بخش نفت و گاز با تدارک جریان مستمری از تجارت خارجی، عرضه‌کننده خون حیاتی و نیروی جلوبرنده اقتصاد کشور بوده است. در مقطع مورد نظر با تبدیل شدن سیاست نفتی به قلب و محور استراتژی توسعه ایران تمامی مشغله‌ها و سیاست‌های اقتصادی دیگر تحت‌الشعاع قرار گرفت. به گونه‌ای که تصمیمات مرتبط با مدیریت، بهره‌برداری، تولید بازاریابی و قیمت نفت همواره در رأس دستور کار اقتصاد ملی و بالاترین اولویت بوده است (Amuzegar, 1997:50). مهمتر از همه، آنکه افزایش درآمدهای نفتی باعث گردید تا دولت به‌عنوان تنها مالک و صاحب منابع و ذخایر نفتی، از طریق تخصیص عواید حاصله به بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌صورت برنامه‌ریز، هدایت‌کننده و کارگزار اصلی جریان توسعه ملی کشور

درآید (Amuzegar, 1997: 62).

آمار و ارقام مربوط به عملکرد اقتصادی کشور در چند دهه گذشته آشکارا مرکزیت نفت در ساختار اقتصاد سیاسی کشور را نمایان می‌سازد. از اوایل دهه ۱۳۴۰ که دولت ایران به‌نحوی هماهنگ به پیشبرد توسعه سرمایه‌داری دست زد، دگرگونی بزرگی در اقتصاد ایران حادث شد. کلیه شاخص‌ها و نمودارهای معمولی رشد مبین چنین مسئله‌ای است. براساس قیمت‌های جاری "تولید ناخالص ملی" به نسبت ۸ درصد در دهه ۱۳۴۰، ۱۴/۲ درصد در ۱۳۵۰-۱۳۵۱، ۳۰/۳ درصد در ۱۳۵۱-۱۳۵۲ و ۴۲ درصد در ۱۳۵۲-۱۳۵۳ افزایش یافت. در فاصله ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ تولید ناخالص ملی از ۱۷/۳۰ میلیارد دلار به رقم تخمینی ۵۴/۶ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. اساس این تحول چیزی جز نفت نبود. نفت در ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ فقط ۱۷ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌داد ولی در سال مالی ۱۳۵۵-۱۳۵۶ به ۳۷ درصد رسید (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۴۷). سهم صادرات نفت و گاز در کل صادرات کشور در سال‌های دهه ۱۳۵۰ بیش از ۹۰ درصد بوده است.

بنابراین در قرن اخیر شاهد فرجه شدن دولت متکی بر منابع غنی زیر زمینی بوده‌ایم. طبیعی است که هرچه دستگاه حکومتی به هر شکلی بزرگتر شود، متمرکزتر و اقتدارگراتر شده و از کارایی آن کاسته می‌شود. در نهایت این دولت است که بدون توجه به منافع طبقات، روند توسعه سیاسی و اقتصادی را شکل داده و به جامعه تحمیل می‌کند. فرجه شدن دستگاه حکومتی از سوی دیگر موجب فاصله روزافزون آن از جامعه و مردم شده و از مشروعیت حکومت می‌کاهد.

مهمترین تأییراتی که اقتصاد مبتنی بر نفت در دوره پهلوی دوم بر تکوین جامعه مدنی در ایران داشته است را می‌توان بدین گونه شرح داد:

(۱) بازتولید ساخت سیاسی اقتداری و تمرکزگرا

استقرار و استواری ساخت سیاسی استبدادی نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر همواره مستلزم دسترسی به منابع و توانایی‌های ویژه‌ای بوده است تا بتوان با به‌کارگیری آنها هزینه‌های کنترل دولت بر جامعه تأمین شود. با شناسائی ذخایر عظیم نفتی و آغاز بهره‌برداری از آنها به تدریج درآمدهای حاصل از استخراج و فروش نفت به منبع

گرانبهایی برای دولت تبدیل گردید که با اتکاء به آن، به سهولت اعمال قدرت مستبدانه امکان پذیر می شد. و بدین ترتیب بود که با شکل گیری یک ساختار اقتصادی متکی به نفت زمینه ها و لوازم باز تولید استبداد تاریخی مهیا شد به گونه ای که شیوه های اقتداری و تمرکزگرایانه همچنان به عنوان خصیصه پایدار و برجسته سیاست و حکومت در جامعه ایرانی باقی ماند. درآمدهای هنگفت نفتی به دولت امکان داده است تا از هرگونه احساس مسئولیت و پاسخگوئی در مقابل مردم آسوده باشد و از منابع مالی تحت سیطره خویش برای کنترل سیاسی - اجتماعی جامعه و انحصار اهرم های قدرت بهره گیرد و قدرتش را از گزند تعرض رقیبان و همچنین طغیان جامعه مصون نگه دارد.

بوروکراتیزه کردن جامعه و بسط دامنه نفوذ قدرت سیاسی به تمامی عرصه های فعالیت اجتماعی از طریق ایجاد یک دستگاه دیوانسالاری عظیم و پر حجم و توسعه توانایی های نظامی، شیوه های عمده ای بوده اند که دولت با توسل به آنها کوشیده است تا استقلال و توانائی خود را تحکیم و استمرار بخشد. چهار برابر شدن درآمدهای نفتی در ۱۳۵۲ به دولت استبدادی شبه مدرنیست پهلوی فرصت داد تا با افزودن بر تعداد کارمندان دولتی حوزه های نفوذ خود را با تأسیس نهادهائی چون بانک های روستائی، تعاون روستائی، سپاه های بهداشت و دانش و ژاندارمری به عمق روستاها نیز تسری بخشد (Amjad, 1989:97-98).

ایجاد نظام تک حزبی بر مبنای این توجیه که لازمه صنعتی شدن ایران و ورود به دروازه های تمدن بزرگ پرهیز از تجملاتی چون اختلاف آراء و ایجاد اجماع ملی است، جزء دیگر سیاست بوروکراتیزه کردن جامعه بود. سیستم تک حزبی سبک اتوکراسی ایرانی که شاه نماینده و مظهر کامل آن محسوب می شد، در حقیقت ترفندی بود برای خشکانیدن ریشه های هر نوع مخالفت در مقابل موناشرشی حاکم و وادار ساختن مردم به مشارکت در فرایند سیاسی در راستای ایجاد تصور یک جامعه یکپارچه تحت لوای رهبریت سیاست و روحانی محمدرضا پهلوی (Milani, 1988:122-124). تشکیل سازمان امنیت کشور (ساواک) به عنوان نگهبان قدرت متمرکز و مستبدانه شاه، مأمور جلوگیری از فعالیت سیاسی احزاب و شخصیت های مستقل از حکومت، حلقه تکمیلی خط مشی مورد بحث بود (Amirarjomand, 1988:189).

حربه دیگر حکومت استبدادی برای استحکام و ایفاء خود گسترش و تقویت توانائی‌های نظامی بود که به مساعدت درآمدهای نفتی مقدور شد. افزایش سرسام‌آور خریدهای تسلیحات ایران در دهه ۱۳۵۰ مؤید چنین موضوعی است. بین سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۴۸ مخارج نظامی از ۶۷ میلیون دلار به ۸۴۴ میلیون دلار افزایش یافت، یعنی ۱۲ برابر شد. بین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۵ باز به همان نسبت افزایش یافته و به ۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بالغ شد (هلیدی ۱۳۵۸: ۷۹). چشمگیرتر از همه، وقتی که در ۱۳۵۲ درآمدهای نفت ۲۳۹ درصد افزایش یافت، بودجه دفاعی ۱۴۱ درصد و فروش‌های نظامی ایالات متحده به ایران ۱۰۳ درصد بالا رفت (امیراحمدی، ۱۳۷۲). کل مخارج نظامی ایران در ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ در حدود ۱۰۴۰۵ میلیون دلار تخمین زده شده که تقریباً یک سوم کل تولید ناخالص ملی ایران و کمی بیشتر از بودجه دفاعی بریتانیا (۹۰۹۷۴ میلیون دلار) است که تولید ناخالص ملی آن در آن تاریخ پنج برابر ایران بود (سمسون، ۱۳۵۷: ۲۸).

در مجموع سیطره دولت بر منابع نفتی و درآمدهای حاصل از آن منجر به شکل‌گیری یک ساخت سیاسی اقتداری و تمرکزگرا شده است که نه تنها سازگاری چندانی با جامعه مدنی ندارد بلکه مانع پیدایش و بازدارنده نیز بود. در چنین ساخت سیاسی پدرسالارانه‌ای که دولت منشاء تمامی "امتيازات و عطایا" و نه حافظ و تضمین‌کننده "حقوق و آزادی‌های" فردی و اجتماعی است، تأسیسات و تشکیلات مستقل مدنی فرصت و امکان چندانی برای ظهور و فعالیت ندارند (Madison, 1998: 174-176). قدرت دولت در نظام استبدادی ناشی از موقعیت و شرایط ویژه اقتصادی آن است، نه از مردم و جامعه. در واقع دولت به سرمایه‌داری دولتی متکی است و درآمد دولت به‌طور عمده از نفت و سایر رشته‌ها پر سود اقتصادی که اکثراً به‌صورت انحصاری در اختیار دولت است، تأمین می‌شود (اکبری ۱۳۵۸: ۱۱۶-۱۱۳).

۲) محدودسازی امکانات تکوین و توسعه بنگاه‌ها و مؤسسات مستقل اقتصادی

تکوین یک بخش خصوصی گسترده متشکل از تعداد زیادی بنگاه‌ها و مؤسسات مستقل اقتصادی شرط لازم و مقدمه واجب استقرار نهادها و تأسیسات مدنی است. وجود و حضور فعالانه تعداد کثیری بازیگران اقتصادی مستقل و تأثیرگذار به‌ویژه در بخش‌های تولید و توزیع

هم منجر به شکل گیری تأسیسات و تجمعات خودمختار اقتصادی فارغ از دخالت دولت می شود و هم مبنای اقتصادی و معیشتی مناسبی جهت تکوین جامعه‌ای غیروابسته به قدرت سیاسی را فراهم می آورد و عدم آن باعث می شود که طبقات و شئون اجتماعی مستقل پا نگیرد.

در ایران منابع گسترده ناشی از درآمدهای نفتی که منحصراً در اختیار دولت قرار دارد به قدرت سیاسی حاکم فرصت داده است تا عملاً غالب فعالیت‌ها و مناسبات اقتصادی جامعه را کنترل کنند. برنامه‌ریزی اهرم اصلی دولت جهات شکل دهی به چارچوب تعاملات و ساختار اقتصادی کشور بوده است که منابع مورد نیاز برای اجرای آن از محل درآمدهای هنگفت نفتی تأمین می شود. دولت به اتکاء عواید نفتی حتی معیشت روزمره مردم را تحت تأثیر سیاستگذاری‌ها و کنترل قاهرانه خود قرار می دهد. علاوه بر آن، دولت به سان یک کارفرما و سرمایه‌دار بزرگ عمل می کند که در امور تولید و توزیع بسیاری از کالاها و خدمات مشارکت مستقیم دارد. تعداد زیادی از شرکت‌ها و تأسیسات بزرگ صنعتی یا تحت حمایت دولت هستند یا آنکه مالکیت آنها مستقیماً به دولت تعلق دارد.

تجربه تاریخی ایران طی قرن بیستم نشان می دهد که درآمدهای عظیم نفتی به ابزار مؤثری مبدل شده که دولت با توسل به آن کل کالبد اجتماعی - اقتصادی کشور را تابع خود کرده است (امیر احمدی، ۱۳۷۲: ۷۶-۷۵)، در ایران دولت با چنگ انداختن بر ثروت‌های عظیم نفتی طراحی برنامه توسعه اقتصادی و صنعتی کشور را در اختیار گرفته و از آن به منزله ابزاری جهت گسترش حیطه اقتدار خود بهره جسته است (برکشلی، ۱۳۷۶: ۴۹)، در واقع جهت گیری استراتژی اقتصادی کشور به خصوص از نیمه دوم سده بیستم متأثر از درآمدهای نفتی، کاملاً از ملاحظات دولت تبعیت کرده است.

به کارگیری درآمدهای نفتی توسط دولت به عنوان ابزاری جهت شکل دهی و کنترل فراگیر ساخت اقتصادی جامعه به چند طریق مختلف امکانات تکوین و توسعه بنگاه‌ها و مؤسسات مستقل اقتصادی و نتیجتاً زمینه پیدایش نهادهای مدنی را محدود ساخته است. تضعیف انگیزه رقابت به واسطه تشکیل انحصارات بزرگ دولتی یا تحت حمایت دولت، افزایش هزینه‌های مبادلاتی تولید و سرمایه‌گذاری به دلیل عدم اطمینان و ناامنی در شرایط نبود یک دولت مسئول و فقدان رویه‌ها و حفاظت‌های قانونی گسترده، ایجاد یک بخش سرمایه‌داری خصوصی وابسته و

ناتوانی در ایجاد نوعی ارتباط توسعه‌ای میان بخش نفت و سایر بخش‌های اقتصادی عمده‌ترین پیامدهای مداخله دولت در اقتصاد هستند که به میزان زیادی موجبات عدم پیدائی و توسعه تجمعات اقتصادی خودمختار و مستقل را فراهم آورده‌اند.

۳) دگرگون‌سازی قشربندی اجتماعی براساس سیاستگذاری دیوانسالارانه

سازمان یافتگی اعضاء جامعه در قالب شئون و طبقات اجتماعی ریشه‌دار و برخوردار از پایگاه نسبتاً محکم اقتصادی از بارزترین شاخص‌ها و بسترهای اجتناب‌ناپذیر برای تکوین و توسعه نهادها و تأسیسات جامعه مدنی است و دولت را به الزامات و ضرورت‌های ناشی از ساختار اجتماعی و طبقاتی محدود و مقید می‌سازد.

ساخت اقتصادی و سیاسی ایران به واسطه سلطه جبارانه دولت بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی همواره به گونه‌ای بوده است که امکان شکل‌گیری یک قشربندی اجتماعی مبنی بر سازماندهی جامعه در چارچوب شئون و طبقات مستقل و بهره‌مند از استمرار تاریخی را نداده است. دولت نماینده هیچ طبقه دیگری، از تاجر و کاسب گرفته تا پیشه‌ور و رعیت نبوده بلکه این طبقات نیز گذشته از سلطه طبقات بالاتر تحت سلطه دولت قرار داشتند. به‌طور کلی در حالی که در اروپا دولت متکی به طبقات بود، در ایران طبقات متکی به دولت بوده‌اند. در اروپا هر چه طبقه بالاتر بود، دولت بیشتر به آن اتکاء داشت، در ایران هر چه طبقه بالاتر بود بیشتر به دولت اتکاء داشت. در حقیقت رابطه دولت و طبقات اجتماعی در ایران واژگونه بوده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۷).

وضعیت تاریخی یاد شده در طی قرن بیستم نیز به‌ویژه با دستیابی دولت به درآمدهای نفتی وسعت و حدت بیشتری یافت. دولت به‌منظور تضمین تداوم سلطه قاهرانه خود سعی کرده است تا عواید نفتی را به‌عنوان اهرمی نیرومند برای تجدید آرایش و سازماندهی دلخواه طبقات و نیروهای اجتماعی به‌کار گیرد. بنابراین در تاریخ معاصر جامعه ایرانی ما شاهد شکل‌گیری نوعی قشربندی اجتماعی نفتی بوده‌ایم که اساساً محصول سیاستگذاری دیوانسالارانه دولت بوده است. چنین آرایشی از شئون و طبقات اجتماعی نه تنها توان مقابله و ایستادگی در مقابل نفوذ رو به گسترش دولت را نداشته بلکه عمدتاً تابع و وابسته به آن بوده است. در نیمه دوم قرن بیستم با افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی، دولت با ایجاد یک دستگاه عظیم دیوانسالاری ضمن بوروکراتیزه کردن ابعاد مختلف حیات اجتماعی درصدد برآمد تا ساختار کهن طبقاتی را نیز از

طریق تصمیمات بوروکراتیک دگرگون سازد. سیاست‌های دولت منجر به آن شد تا ترکیبی از سرمایه‌داری دیوانسالارانه، ملاکان سابق، و بازاریان وابسته به کارآفرینان شکل‌بندی جدید اقتصادی - اجتماعی مبدل شوند (Amjad, 1989:30). نهایتاً ساختار طبقاتی که براساس سیاست‌گذاری دیوانسالارانه دولت در ایران شکل گرفت به ترتیب در روستاها شامل مالکان غایب، زمینداران مستقل و مزدبگیران روستایی و در شهرها دربرگیرنده طبقه بالا، طبقه متوسط حقوق‌بگیر و طبق کارگر بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۳۴-۵۲۷). سیاست‌های توزیعی دولت در قبال طبقات اجتماعی به‌ویژه طی دوران پهلوی با ایجاد نوعی شکاف طبقاتی وسیع به تکوین یک طبقه بالا متشکل از سرمایه‌داران و کارمندان دولت منتهی گردید که حامی اصلی دولت در جامعه به حساب می‌آمدند.

ماحصل سیاست‌گذاری بوروکراتیک دولت به منظور بازآرایی طبقات اجتماعی ضمن تضعیف بورژوازی ملی موجب پیدایش بورژوازی محافظه‌کار و وابسته شد که کمترین سهمی در مبارزه برای استقرار نهادهای دموکراتیک و تأسیس بنیادهای مستقل مدنی نداشته است. طبقه سرمایه‌داری مدرن ایران ترکیبی بوده است از یک طبقه سرمایه‌دار بوروکراتیک و یک بخش خصوصی کاملاً وابسته به دولت که زمینه اقتصادی و اجتماعی تداوم بقاء ساخت سیاسی اقتدارگرا را بازتولید کرده‌اند (Amjad, 1989:89).

انباشته شدن این وضع زمینه ساز بروز تنش‌های مکرر در تاریخ سیاسی و اجتماعی می‌گردد که به شکل‌های مختلف بست‌نشینی، مهاجرت، اعتراضات خیابانی، اعتصابات، قیام‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌ها رخ نموده است (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳۶). در ادامه با بهره‌گیری از نظریه جامعه مدنی و با مدنظر قرار دادن تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم، رابطه دولت و بازار در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رابطه بازار و دولت در ایران

۱. بازار در دوره قاجاریه

در نیمه دوم قرن نوزدهم یعنی در سالهای سلطنت ناصرالدین شاه اقتصاد جامعه ایران هر چه بیشتر در نظام جهانی سرمایه‌داری ادغام گردید، سرازیر شدن سیل کالا و سرمایه‌های خارجی و سیاست‌های اقتصادی ضد ملی دستگاه حکومتی و عوامل مختلف دیگر در این دوره بر بازاریان

آسیب‌های زیادی وارد کرد. شکاف میان بازرگانان، کاسبکاران و پیشه‌وران متوسط‌الحال که نه از حمایت دولت برخوردار بودند و نه حاضر به همکاری با بیگانگان و یا تجار بزرگ و بازرگانی که نقش دلال صاحبان سرمایه بیگانه را برعهده گرفته بودند از یک سو و خصومت شدید و پایان‌ناپذیر آنان با قدرت‌های خارجی و حکومت قاجار به تدریج موجب واکنش خودجوش و سازمان‌یافته آنان به شکل‌های مختلف بست‌نشینی، راهپیمایی، مهاجرت، تعطیلی و اعتصاب بازار و شورش خیابانی و نهضت‌های مردمی شد که در تمام اشکال مقاومت بین نیروهای اجتماعی سنتی یعنی، بازاریان و روحانیون همبستگی سازمانی و ایدئولوژیکی مشاهده می‌شود. بطورخلاصه رفتار بازار در دوره قاجاریه تا آغاز دوره پهلوی دوم بدین صورت دسته بندی می‌شود:

- ۱- دوره ناصرالدین شاه قاجار؛ تشکیل اولین اتحادیه تاجران ایران به نام «مجلس و کلاهی تجار» در سال ۱۲۵۹ ش در تهران که فرمان تشکیل این شورا توسط ناصرالدین شاه صادر شد. فعالیت این گروه، به دلیل مخالفت علما، حکام و تاجران مخالف تعطیل شد؛
- ۲- دوره قیام تنباکو (۱۲۶۸ ش)؛ جلوگیری از ورود عوامل انگلیسی به کشتزارهای تنباکو، آتش زدن انبارهای تنباکو، نوشتن عریضه و اعزام نماینده و تعطیلی بازار در نتیجه آن، بی‌تفاوتی اولیه و کشتار تظاهر کنندگان و لغو امتیاز تنباکو بود؛
- ۳- قضیه «نوز» بلژیکی (۱۲۷۸ ش)؛ اعتراض و تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به رهبری حاج محمد اسماعیل مغازه‌ای و حاج علی سلف فروش که نتیجه آن، توجه نکردن اولیه به اعتراض و وعده برکناری «نوز» بود؛
- ۴- تنبیه تاجران قند (۱۲۸۵ ش)؛ بسته شدن مغازه‌ها، تعطیلی بازار و تجمع و درگیری در مسجد شاه؛
- ۵- نهضت مشروطه (۱۲۸۵ ش)؛ بست نشینی، تظاهرات و تحصن، لغو تیولداری، ایجاد نظام انتخاباتی صنفی و کسب ۴۲ کرسی از ۱۰۰ کرسی مجلس؛
- ۶- حضور در مجلس مؤسسان و نقش سرنوشت‌ساز و سازمان‌یافته با روحانیون در سقوط احمد شاه و سلسله قاجار از دیگر فعالیت‌های بازار بوده است.

۲. بازار در دوره رضا شاه

در دوره رضاشاه به موازات رشد کمی و کیفی طبقه متوسط جدید ناشی از اصلاحات و اقدامات نوسازی آن دولت، طبقه متوسط سنتی نقش اقتصادی و شأن منزلت اجتماعی خود را تا اندازه‌ای از دست دادند. با روی کار آمدن رضا شاه پهلوی به علل مختلف شامل: ۱-تهاجم و نفوذ گسترده کالا و سرمایه خارجی، ۲-افزایش حرفه‌ها و تنوع کالاها، ۳- افزایش جمعیت و گستردگی نیازمندی‌های عمومی، ۴- فعالیت‌های سودجویانه و بلندپروازانه گروه‌های اجتماعی نوریسیده، ۵- تعقیب سیاست عدم حمایت بازار و بازاریان توسط دستگاه حکومتی و بالاخره با بورژوازی شدن جامعه، تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای، بوتیک‌ها، سوپر مارکت‌ها و پاساژها، بازار خصوصیت سنتی خود را به مثابه کانون اصلی اقتصادی شهری از دست داد (معدل، ۱۳۸۲: ۱۳۶-۱۳۵).

اقدامات رضاشاه همچون تأسیس کارخانه‌های مدرن نساجی، برقراری خدمت سربازی وظیفه اجباری، لغو مالیات تعدادی از اصناف واکنش‌های پراکنده‌ای در میان بازاریان برانگیخت (معدل، ۱۳۸۲: ۱۳۶-۱۳۵). دستگاه حکومتی رضاشاه به دو علت سیاسی نتوانست با بازاریان اعم از بازرگان و تجار و پیشه‌وران و کاسبکاران خرده پا ارتباط برقرار کند: ۱- بازار سنگر سنتی اسلام بود و بنابراین با ایجاد محدودیت برای فعالیت روحانیون کانون نارضایتی از دولت محسوب می‌شد، ۲- عدم امکان فعالیت سیاسی توسط بازاریان و نظارت دولت بر فعالیت بازاریان و اصناف به گونه‌ای که برگزاری هر جلسه‌ای و انجمنی بدون اطلاع پلیس محلی ممنوع بود.

در خلال اشغال ایران در دوره جنگ جهانی دوم بازرگانان کوچک و متوسط در مجموع از وضعیت نابسامان اقتصادی آسیب دیدند اما عده‌ای از بازاریان سودهای سرشار و بادآورده‌ای به چنگ آوردند. جامعه بازرگانی ایران در مجموع به دلیل ایفای نقش واسطه‌گی بازارهای محلی و نیازمندی‌های زمان جنگ سود برد، هرچند سایر بخش‌های اقتصادی کشور دستخوش نابسامانی و پریشانی شد.

۳. بازار در دوره پهلوی دوم

۳-۱- بازار در دهه ۱۳۳۰

در پی کناره گیری رضاشاه از سلطنت، بازار به عنوان پایگاه اجتماعی یک جنبش ملی عمل کرد. در سال ۱۳۲۳ در انتخابات مجلس چهاردهم، بازار از دکتر محمد مصدق حمایت کرد و بیشترین آراء را به نفع او به صندوق ریخت. در فروردین ۱۳۲۴ زمانی که مصدق اعلام کرد که نمایندگان فاسد هستند و مجلس کنام دزدان شده است، بازار بسته شد و به دانشگاه پیوست تا اتحاد خود را با قیام رهبر ملی گران نشان دهد (احمد اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

رهبران رؤسای اصناف در سال ۱۳۳۰ برای حمایت از ملی کردن صنعت نفت و شخص مصدق جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران را به رهبری حاج محمد راسخ افشار که رئیس صنف کفش فروشان بود، تشکیل دادند. به نوشته همایون کاتوزیان بخش اعظم هزینه‌های نهضت ملی کردن صنعت نفت را بازارهای تهران، مشهد و اصفهان تأمین کردند. حاج محمد مانیان و اعضای خانواده لباسچی در زمان مورد بحث فعال‌ترین بازاریان تهران برای نهضت بودند (از غندی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

در ۱۸ تیر ۱۳۳۱ انجمن تجار، اصناف و پیشه‌وران جلسه‌ای اضطراری برپا کرد که حدود ۵۰۰ نفر اعضای انجمن در آن شرکت کردند تا بازار را در اعتراض به تردید مجلس سنا در دادن رأی اعتماد به دکتر مصدق ببندند، همچنین هنگامی که دکتر مصدق بخاطر اختلاف با شاه در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا کرد، تظاهرات و شورش‌های توده‌ای که در آن بازاریان، علما و دانشجویان نقش بسزایی داشتند در تهران و سایر شهرهای بزرگ به وقوع پیوست. طی سه روز قیام سراسری از ۲۸ تا ۳۰ تیر بازارهای تهران و شهرهای بزرگ بسته شد و ۲۵ نفر از کسبه خرد، پیشه‌وران، کارآموزان کارگاه‌ها و شاگردان مغازه‌ها دستگیر شدند. بخش وسیعی از لایه‌های میانی بازاریان تا پایان دوره نخست وزیری مصدق با به راه انداختن تظاهرات، شرکت در انتخابات و همه پرسی ملی و خرید اوراق قرضه دولت مصدق از وی حمایت کردند (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

پس از کم‌رنگ شدن حمایت علما از مصدق و انشعابات و رهبری جبهه ملی بازار به لحاظ سیاسی به دو دسته تقسیم شد به گونه‌ای که تجار ثروتمند یا افراد متعلق به رده‌های پایین‌تر بازار از سلطنت‌طلبان حمایت کردند ولی یک گروه از بازاریان وفاداریشان را به مصدق حفظ کردند و در اعتراض به رژیم کودتا، مغازه‌های خود را بستند (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

بعد از اعتصابات عمومی بازار در حمایت از مصدق در ۲۱ آبان ۱۳۳۲ دولت قصد کرد که سقف بازار تهران را ویران سازد، دم آخر بازاریان قول دادند که پس از آن در جنبش‌های اعتراضی شرکت نکنند و بدون اجازه دولت مغازه‌های خود را تعطیل نکنند و دولت نیز در مقابل از قصد خود منصرف شد. علاوه بر این برای مجازات بازاریان مسیرهای خطوط اتوبوسرانی در تهران چنان تغییر داده شد که فقط یک خط اتوبوس به منطقه بازار رفت و آمد کند (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

رژیم بعد از کودتا جامعه تجار و اصناف را که ابزار عمده و اصلی بازار برای بسیج در زمان مصدق بود را منحل کرد (معدل، ۱۳۸۲: ۱۴۳) و از انجمن تجار تهران حمایت می‌کرد که شامل بسیاری از تجار بزرگ شهر بود. محبوبیت مصدق در بازار جنبه سیاسی و اقتصادی داشت: سیاست اقتصادی ملی‌گرایانه وی به ترویج برخی صنایع محلی و گسترش محصولات محلی کمک کرد به گونه‌ای که در نتیجه این سیاستها ارزش صادرات غیر نفتی تقریباً دو برابر شد (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۵). علاوه بر این نه تنها روند تورمی اقتصاد بلکه دسترسی آسان تجار به ارز حاصل از صادرات به طور مستقیم به کسان بسیاری در بازار سود می‌رساند (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۵). گذشته از این احساس بازاریان طی حکومت مصدق این بود که فرصتی برای مشارکت آنها در حیات سیاسی کشور داده شده است. حس داشتن ارزش سیاسی و مدنی به آنها دست داده بود که پیش از این بی سابقه بود (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

۳-۲- بازار در دهه ۱۳۴۰

پس از کودتا رژیم تا اوایل دهه ۱۳۴۰ سعی کرد از رویارویی مستقیم نظامی با بازاریان پرهیزد و ارتش را از مکان‌های تجاری خارج و حتی پس از سال ۱۳۳۶ که شورای عالی اصناف در تهران تشکیل شده بود، به اصناف اجازه داد تا افراد مورد نظر خود را برگزینند (تا اواخر دهه ۱۳۴۰ شورای عالی اصناف تهران با ۱۱۰ صنف مختلف و ۱۲۰ هزار عضو تشکیل شد) (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۶) و تنها یکبار در سال ۱۳۳۳ که رهبران صنفی در اعتراض به قرارداد نفتی با کنسرسیوم اعتصاب کردند از سیاست خود تخطی کرد و نیروهای نظامی وارد بازار شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۵۱۸).

پس از طرح و اجرای اصلاحات ارضی نیروها و لایه‌های اجتماعی فعال در بازار به دلیل

اصلاحات اقتصادی و حمایت دولت از بخش صنعتی و تولیدی، با تنگناها و محدودیت‌های زیادی روبرو شد. در واقع سیاست رسمی دستگاه حکومتی در راستای تضعیف بورژوازی ملی و خرده بورژوازی سنتی و تشویق و تقویت سرمایه داری مالی و صنعتی بود. دولت از یک طرف امکانات سرمایه گذاری بزرگ صنعتی را فراهم کرد و از سوی دیگر بازاریان را از لحاظ وام، میزان بهره و اجازه کار و قوانین اجرایی تحت فشار قرار داد. با تعیین قیمت کالاها، کاسبکاران، مغازه‌داران و پیشه‌وران تخطی کننده از نرخ مصوب را جریمه یا زندانی می کرد. ایجاد بانکها و مراکز جدید خرید کالا و گسترش سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای کوروش از دیگر عوامل ناراضی‌بانی بازاریان از دولت بود. دولت سیاست‌های اعتباری و نفتی را به زیان بازاریان و پیشه‌وران تنظیم می کرد و بازاریان را مسئول اصلی تورم قلمداد می کرد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

در سال ۱۳۴۲ شاهد ائتلاف مجدد بین مسجد و بازار یا روحانیون و بازاریان هستیم. نقطه اوج این مقاومت در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ تجلی پیدا کرد. دستگاه حکومتی هر نوع سیاست و روشی به کار گرفت، مؤثر واقع نگردید و بورژوازی سنتی و خرده بورژوازی شهری یعنی تجار خرده پا، پیشه‌وران و کاسبکاران همانند گذشته بعنوان پایه‌های قدرت مالی نهاد روحانیت و سنگر جنبش‌های مردمی نقش خود را بازی کرد.

۳-۳- بازار در دهه ۱۳۵۰

در سال ۱۳۵۰ یک قانون جدید با عنوان ضوابط صنفی با تمهیداتی ویژه برای بنیان نهادن اتاق اصناف شامل ۲۶ صنف با اعضای مشتمل بر ۲۰۰ هزار نفر در تهران تأسیس شد. یک استاندار سابق، یک سرهنگ شهربانی و سرانجام یک سرگرد شهربانی تحت فشار دولت بعنوان رییس اتاق اصناف انتخاب شدند. یکی از کارکردهای در نظر گرفته شده برای اتاق اصناف راه انداختن مبارزه‌ای با گرانفروشی بر ضد بازارها، صاحبان صنایع و تجار بزرگ بود. سه نهاد دولتی شامل مرکز تثبیت قیمت‌ها، اتاق اصناف و دادگاه ویژه رسیدگی به گرانفروشی متولی مبارزه با گران فروشی بودند. علاوه بر این تشکیل یک انجمن ملی برای حمایت از حقوق مصرف کننده برای اعمال مقررات مربوط به نظارت بر قیمت‌ها تشکیل شد و فرمانده سابق شهربانی کشور به ریاست این انجمن منصوب شد (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۶).

حزب رستاخیز ملت ایران هم که توسط رژیم در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد، اصناف را زیر پوشش اتاق بازرگانی هر شهر قرار داد و تجار و بازرگانان غیر بازاری و مورد تأیید خود را به تصدی آن گماشت و یک گروه ضربت ویژه در حزب رستاخیز تشکیل شد تا با ریاست وزیر بازرگانی و معاون دبیرکل حزب، مبارزه با گرانفروشی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند و گروه‌های بازرسی را به منظور نظارت بر قیمت‌ها به کار گرفت (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۷). در این راستا ده هزار دانش آموز را در غالب تیم‌های بازرسی برای جهاد علیه سودجویان، متقلبان و محتکران سرمایه‌دار بی‌ملاحظه روانه بازار کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۶۱۵). هنگامیکه معلوم شد اتاق‌های اصناف در اجرای چنین تمهیدات سرکوبگرانه‌ای همکاری لازم را از خود نشان نمی‌دهند، وزیر بازرگانی ۱۷ تن از رهبران اصناف را از اتاق تهران اخراج کرد و اغلب اتاق‌های اصناف در سراسر کشور منحل شد (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۸). به نوشته فرد هالیدی دادگاه‌های صنفی ۲۰ هزار فروشگاه را جریمه نقدی کردند، ۲۳ هزار نفر را به تبعید فرستادند و هشت هزار از کسبه خرده‌پا و مغازه‌دار که اکثر آنها بازاری بودند به زندان‌های بیست ماه تا پنج سال محکوم شدند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۴۸) و ۱۸۰ هزار تاجر خرده‌پای دیگر را تویخ کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۶۱۵).

حزب رستاخیز با اقداماتی چون گشودن شعبه‌هایی در بازار، گرفتن هدایای اجباری از تاجران خرده‌پا، تعیین حداقل دستمزدها برای کارگران، ملزم ساختن مغازه‌داران و صاحبان کارگاه‌ها به دادن فهرست کارکنان خود به وزارت کار و پرداخت ماهانه و هزینه بیمه درمانی آنان سعی در نفوذ به درون طبقه متوسط سنتی کرد. این حزب همچنین قانونی برای اصلاح تشکیلات اصناف وضع کرد، اصناف قدیمی را منحل و اصناف جدیدی تشکیل داد و اتاق‌های اصناف را که به شدت نظارت می‌شدند، جایگزین شورای عالی اصناف کرد.

افزون بر این دولت با تأسیس شرکت‌های دولتی برای وارد کردن و توزیع مواد غذایی اصلی به ویژه گندم، قند و شکر و گوشت، پایه اقتصادی بازار را آشکارا تهدید می‌کرد. بازاریان به لحاظ معیشتی و اقتصادی از این اقدامات دولت احساس خطر کردند و در واقع دولت با این یورش شدید به بازار و نهادهای دینی، پل‌هایی که در گذشته حلقه ارتباطی رژیم و جامعه بود را ویران کرد و بنابراین به حوزه‌ای حمله‌ور شد که رژیم‌های پیشین جرأت گام گذاشتن در آن را نداشتند. همچنین روزنامه‌های دولتی از ضرورت ریشه‌کن کردن بازار، احداث بزرگراه‌هایی از میان مراکز قدیمی شهر، از بین بردن حجره‌های پوسیده، جایگزین کردن سوپرمارکت‌های

کارآمد با قصابی‌ها، بقالی‌ها و نانواپی‌های بی‌ثمر و ایجاد فروشگاههای دولتی به سبک کاونت گاردن‌های لندن سخن به میان می‌آوردند. پس شگفتی‌آور نبود که مغازه‌داران بسیار ناراضی تهران اعتراض کنند که دولت می‌خواهد با تأسیس شرکت‌های دولتی و فروشگاههای زنجیره‌ای بزرگ، «ارکان جامعه ایران را از بین ببرد» (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۵۴۶-۵۴۵).

۳-۴- بازار در سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷

در آستانه انقلاب سال ۵۷ بازاری‌ها با تعطیل کردن مغازه‌ها، تحصن در مساجد و ساختمان‌های عمومی، پشتیبانی مالی از جنبش و شرکت در گردهمایی‌های توده‌ای و تظاهرات خیابانی بر ضد رژیم فعالیت کردند (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۹۱). بستن مغازه مؤثرترین تاکتیک مقاومت بازار در جریان تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بود. روشی که بلافاصله در اقتصاد شهر تأثیر می‌گذاشت و می‌توانست به ایجاد یک حالت بحرانی در بسیاری از شهرها منجر شود.

بازار در دی ماه ۱۳۵۶ در واکنش به مقاله توهین‌آمیز علیه روحانیت ضد رژیم در روزنامه اطلاعات، ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، به مناسبت چهلمین روز کشتار مردم قم و ... بسته شد. در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۵۷ بازار همراه با مؤسسات آموزشی اعتصاب کرد و مراسم به خشونت کشیده شد و شاه با لغو برنامه دیدار از اروپای شرقی به ۲ هزار نیروی مسلح دستور داد بازار را محاصره و برای برهم زدن گردهمایی از گاز اشک‌آور استفاده نمایند.

در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ در پانزدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با تشویق انجمن تجار و پیشه‌وران بازار تهران، اولین اقدام هماهنگ برای تعطیلی بازارها در سراسر کشور انجام شد. بازارهای تبریز، اصفهان و مشهد به طور کلی و هفتاد درصد بازار تهران و بخش‌های بزرگی از بازارهای چند شهر دیگر به طور کامل تعطیل شدند. بعد از ۲۴ مهر ۱۳۵۷ که نخستین تعطیلی موفق‌آمیز همه بازارها در سراسر کشور با فراخوان امام خمینی (ره) و سه تن از آیات عظام قم به مناسبت بزرگداشت چهلمین روز تظاهرات کنندگان غیر مسلح در جمعه سیاه به دست سربازان در میدان ژاله، بستن بازارها به یک قاعده منظم در انقلاب تبدیل شد (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

نقش بازار در انقلاب را می‌توان بطور کلی به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱- تقریباً دو سوم از ۲۵۰۰ تظاهرات گزارش شده طی انقلاب توسط علما و بازاریان ترتیب داده شد.

۲- تأمین منابع مالی گروه‌های انقلابی، حمایت از اعضای خانواده‌های کشته‌شدگان، مجروحان یا زندانیان اعتراض‌ها، پرداخت اجرت شاگردان مغازه‌ها، کارآموزان کارگاه‌ها و کارگران طی اعتصاب‌های مکرر بازار توسط تجار بازار، حمایت مالی از برگزاری تظاهرات، اعتصاب‌ها و شورش‌ها و انتشار و پخش روزنامه‌ها، اعلامیه‌ها و نوارها از اقدامات حمایت‌گرایانه مالی بازار در انقلاب بود.

۳- بیش از نصف شهدای انقلاب در تهران از لایه‌های پایین و متوسط رو به پایین بازاری‌های جوان و اعضای خانواده آنان بود.

۴- تشکیل کمیته‌های رفاهی در شهرهای مختلف به منظور تشکیل کمیته‌های گشت زنی و پاسداری از مناطق بازار بعنوان طلایه‌داران کمیته‌های انقلابی (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

رژیم برای رویارویی با بحران، استراتژی سه گانه پیچیده‌ای در پیش گرفت: ۱- کوشید با تهدید خشونت‌آمیز رهبران مخالف غیر مذهبی را مرعوب کند، ۲- برخی از سیاست‌هایی را که موجب خشم بازار و روحانیون میانه‌رو شده بود کنار گذاشت؛ جنگ ضد تورمی علیه تاجران جزء را پایان داد؛ تیم‌های بازرسی بدنام را منحل و مغازه‌داران زندانی شده به جرم سودجویی را رها نمود؛ طرح‌های ایجاد بازار بزرگ دولتی را کنار گذاشت و به بازاریان تهران اجازه داد تا یک انجمن تجار، بازرگانان و پیشه‌وران را تشکیل دهند؛ مقررات اخلاقی برای اعضای خانواده سلطنتی وضع کرد و در آن به ۵۰ تن از وابستگان خود دستور داد تا به فعالیت بازرگانی خود پایان دهند. نمایش فیلمهای مستهجن را ممنوع و وعده داد که مدرسه فیضیه را باز کند، ۳- جمشید آموزگار، نخست وزیر وقت، کوشید با حذف بعضی از طرح‌های هزینه‌بر، با کاهش هزینه روزافزون زندگی، تورم و نارضایتی‌ها را مهار نماید، اما ائتلاف تاریخ‌ساز طبقه متوسط سنتی (بازار و روحانیون) با طبقه متوسط جدید و نقش رهبری آیت‌الله خمینی (ره) در ایجاد این ائتلاف علیه دشمن مشترک و رادیکال شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور به پیروزی انقلاب اسلامی ایران که طبقه بورژوازی کمپرادر را از صحنه سیاسی کشور حذف و روحانیون و بازاریان را جایگزین آن نمود، انجامید (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۶۲۷).

رابطه دولت و بازار در عصر پهلوی دوم

بازار نیز مثل بسیاری از عرصه‌های صنعتی جامعه ایران، از تأثیر برنامه‌های نوسازی (مدرنیزه کردن) شاه در امان نماند. در سه برنامه نخست شاه (۱۳۴۶-۱۳۲۸) که اساساً معطوف به بخش کشاورزی بود، بازار نسبتاً دست نخورده باقی ماند و سلطه اقتصادی‌اش در مناطق شهری محفوظ ماند. طی این دوره مخالفت بازار با شاه و مشارکت بازار در اعتراض‌های سیاسی از جمله قیام خرداد ماه ۱۳۴۲ بیشتر صبغه اجتماعی - دینی داشت تا جنبه اقتصادی صرف؛ اما در برنامه‌های بعدی نوسازی از جمله اجرای برنامه چهارم توسعه (۱۳۵۰-۱۳۴۷) که در آن سمت‌گیری سیاست‌های اقتصادی متوجه بخش‌های صنعتی و خدمات شد، نقش بازار در شرایط تحولات جدید آسیب‌پذیر شد و بازار با بخش‌های رقیبی چون بوتیک‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و سوداگران جدید روبرو شد.

خرده بورژوازی بازار و به ویژه بخش افزارمندان و صنعتگران سنتی، بر خلاف صاحبان صنایع جدید از سیاست‌های حمایتی دولت در زمینه تأمین اعتبار، بخشودگی مالیاتی و حمایت گمرکی برخوردار نبودند. بسیاری از علما و روشنفکران مذهبی جدید از مواضع خرده بورژوازی در قالب حمایت از اسلام و فرهنگ اسلامی، ناسیونالیسم، ضدیت با امپریالیسم و سرمایه‌داری و تأکید بر خودکفایی اقتصادی حمایت می‌کردند. طبقه متوسط سنتی همواره پایگاه اصلی مقاومت در مقابل نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب در ایران بوده است. در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی خرده بورژوازی سنتی به ویژه بخش صنعتی آن رو به افول رفت. در سال ۱۳۵۵ حدود ۲۱۹۰۰۰ کارگاه سنتی وجود داشت که تنها ۲۴٪ محصول مصنوع داخلی را تولید می‌کردند. در مقابل ۶۶۲۶ کارگاه مدرن ۷۶٪ محصولات صنعتی را تولید می‌کردند. همچنین نسبت صادرات به واردات از ۳۰٪ در سال ۱۳۳۰ به ۱۹٪ در سال ۱۳۴۰ و به ۵٪ در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت. در واکنش به چنین تحولاتی بود که اقشار متوسط سنتی به تشکیل بانک‌های اسلامی و صندوق‌های قرض الحسنه و گروه‌های اسلامی مثل حزب ملل اسلامی دست زدند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

بطور خلاصه علت مخالفت خرده بورژوازی سنتی با دستگاه حکومت پهلوی دوم را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- ۲- سیاست درهای باز در مورد کالاهای خارجی و انواع فراورده‌های کشاورزی که صنایع دستی و سنتی را در مرز تهدید قرار داده بود؛
 - ۳- برکناری جامعه بازار از تصمیم‌گیری‌ها و حتی مشاوره در مورد سیاست‌های مالیاتی، واردات و صادرات که ارتباط مستقیم با منافع بازاریان داشت؛
 - ۴- سیاست‌های ضد روحانیت و ضد ملی شاه و سرنگونی دولت دکتر مصدق؛
 - ۵- تلاش سازمان امتیعی- پلیسی شاه برای ایجاد تفرقه میان بازاریان و متلاشی کردن همبستگی آنان؛
 - ۶- آسیب دیدن بازاریان از وابستگی فزاینده اقتصاد ایران به اقتصاد سرمایه داری جهانی و گسترش سرمایه داری صنعتی و نفوذ همه جانبه غرب در ایران؛
 - ۷- اقدامات دولت پهلوی در جهت کنترل کامل بر آنها (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۴۸).
- با این حال به رغم ظهور بخش‌ها و گروه‌های اقتصادی جدید، بازار نقش مهم خود در جامعه ایران را یکسره از دست نداد (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۹۰-۱۸۹) و توانست استقلال خود را در برابر دولت رانتیر پهلوی به دلایل زیر حفظ کند:
- ۱- بازار بیش از ۲۵۰ هزار مغازه و حجره و دو سوم داد و ستد خرده فروشی، سه چهارم تجارت عمده فروشی و ۵۰ درصد تولید صنایع دستی را در اختیار داشت؛
 - ۲- عدم وابستگی مالی گسترده به دولت و عدم امکان دخالت دولت به دلیل ماهیت داد و ستدی بازار؛
 - ۳- دامنه وسیع نفوذ بازار و بازاریان و گسترش آن به مناطق وسیع خارج از بازار، مناطق غیر شهری، روستاها و مراکز کوچک تجاری؛
 - ۴- نفوذ بازار بر هزاران دست فروش، دلال و خرده فروش کوچک علاوه بر کارگران خود؛

۵- پیوند سنتی اجتماعی، مالی، ایدئولوژیک و تاریخی با تشکیلات مذهبی و جلب حمایت نهاد مذهب (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

بنابراین برنامه‌های نوسازی محمدرضا شاه نتوانست موقعیت اجتماعی- اقتصادی بازارها را بطور کلی تضعیف کند و بازارها اهمیت خود به ویژه در کنترل مواد غذایی و کالاهای عمده مورد خرید و فروش دکانداران کوچک، را حفظ کردند و بصورت مرکز عمده اقتصادی در بخش‌های سنتی شهرها و بعنوان گروه مهمی از جامعه مدنی ایران باقی ماند، اما از لحاظ سیاسی به حاشیه رانده شد. شاه سیاست‌هایی را دنبال می‌کرد که نفوذ علما و بازار را در ایران کاهش دهد؛ اما برنامه‌های نوسازی شاه گروه‌های شهری و مهاجران تازه‌ای آفرید که از لحاظ اقتصادی و دیدگاه‌های سیاسی بیشتر به بازاریان نزدیک بودند تا به گروه‌های اجتماعی- اقتصادی مدرن (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

اجرای سیاست «از بین بردن بخش‌های سنتی شهر» منجر به پیوند محکمی بین بازارها و مغازه‌های کوچک (که تأسیس مراکز خرید مدرن موقعیت اقتصادی آنها را به خطر انداخته بود) و اتحاد آنان با روحانیت رادیکال و پیروزی انقلاب در ایران شد.

نتیجه

با توجه به آنچه ارائه شد، بازار نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران داشته است. به لحاظ اقتصادی- سیاسی بازار بعنوان یکی از ارکان جامعه مدنی در ایران در دوره پهلوی دوم تمایل به عدم دخالت دولت و تحدید قدرت دولت داشته است. این تمایل در کنار تضاد ایدئولوژیک در نهایت منجر به مواجهه بازار و دولت گردید. تحولات سیاسی- اجتماعی سبب شد که بازار به عنوان نماینده سنت‌گرایی تحت تأثیر روحانیت به مخالفت با دولت به عنوان نماینده و مروج مدرنیته بپردازد. دولت هم تلاش داشت با تضعیف، کنترل و تسلط بر بازار استقلال آن را از بین برده و آن را به خود وابسته نماید. سرانجام این چالش و تضاد به ضرر دولت پهلوی تمام شد و نهایتاً دولت حمایت بازاریان را از دست داد و بازار در ائتلاف با روحانیت به یکی از عوامل مؤثر در انقلاب ۱۳۵۷ بدل گردید.

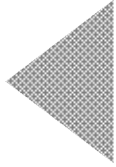
منابع

- _____ (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران مدرن**، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۷۶)، **ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب**، تهران: نشر قومس.
- _____ (۱۳۹۱)، **ایرانیان (دوران باستان تا دوره معاصر)**، تهران: نشر مرکز.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، تهران: نشر قومس.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷)، **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، تهران: نشر نیلوفر.
- اکبری، علی اکبر (۱۳۵۸)، **سرمایه‌درای دولتی و مسئله دولت**، تهران: مرکز نشر سپهر.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۲)، **اقتصاد سیاسی و نفت**، ترجمه علیرضا طیب، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی: ۷۶-۷۵**.
- _____ (۱۳۸۱)، **ایران بین دو انقلاب**، تهران: نشر نی.
- بهرانی، محمدحسین (۱۳۸۹)، **طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۰-۱۳۴۰)**، تهران: نشر آگه.
- _____ (۱۳۷۶)، **اوپیک و بحران‌های نفتی**، تهران: نشر نخستین.
- _____ (۱۳۷۳)، **نفت، اقتصاد بین‌الملل و امنیت ملی ایران، مجله سیاست دفاعی: ۳ و ۴**
- _____ (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۷)، **طبقه و کار در ایران**، ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه.
- _____ (۱۳۷۷)، **جامعه مدنی و دولت**، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۵۷)، **بازار اسلحه**، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۱)، **جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر**، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- _____ (۱۳۸۲)، **طبقه، سیاست و ایدئولوژی در ایران**، ترجمه محمدسالار کسرائی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- _____ (۱۳۸۳)، **اصناف و دولت: داستان‌های سرمایه‌های ایرانی: از افسانه تا تاریخ نگاری، مجله گفتگو، شماره ۴۱**.
- _____ (۱۳۷۶)، **نظریه‌های دولت**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۵۸)، **دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران**، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۲ الف)، **دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی: ۶۸-۶۷**.

- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲ ب)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

- Amirarjmand, Said(1988), *The Turban for the Crown: the Islamic Revolution in Iran* (New York: Oxford University Press).
- Amuzegar, Jahangir(1997), *Iran: An Economic Profile*, (Washington D.C., The Middle East Institute).
- Arjmand, Mohammad(1988), *Iran: From Royal Dictatorship to Theocracy*, New York: Green Wood Press.
- Madison, Gary Brent(1998), *The Political Economy of Civil Society and Human Rights*(London: Rutledge).
- Milani, M., Mohsen(1998) *The Making of Iran's Islamic Revolution, From Monarchy To Islamic Republic*(Boulder, Colorado: Westview Press)

تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشت و درمان شهرستان‌های استان همدان (با استفاده از تکنیک TOPSIS، AHP و تحلیل خوشه‌ای)



جمال محمدی^۱

کیوان باقری^۲

نصرت مرادی هوسین^۳

(تاریخ دریافت ۹۳/۹/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۴/۲۹)

چکیده

توسعه متعادل و متوازن فضاهای جغرافیایی، نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شناخت بهتر نیازهای جامعه و بهبود آنهاست. بنابراین امروزه، مدیریت از ارکان اصلی رشد و تعالی به شمار می‌رود و هرگونه ضعف و نقصان در این رکن پیامدهای زیانباری برای آن مجموعه به همراه خواهد داشت و می‌تواند عاملی برای افزایش شکاف بین بخش‌های مختلف توسعه مناطق باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت توسعه یافتگی بخش بهداشت و درمان و سطح‌بندی شهرستان‌های همدان است. رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق پس از شناسایی معیارهای مؤثر بر توسعه خدمات بهداشت و درمان جهت اختصاص وزن به هریک از آنها با توزیع پرسشنامه‌ای بر اساس نظر ۳۰

۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان، j.mohammadi@geo.ui.ac.ir

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، k.bagheri68@gmail.com

۳ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، nt.moradi@hotmail.com

نفر از کارشناسان بخش بهداشت و درمان اقدام به وزن دهی به هر کدام از شاخص‌ها بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی گردید. سپس با استفاده از روش TOPSIS توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها در بخش بهداشت و درمان مشخص گردید. برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه از نرم‌افزارهای SPSS، EXPERT CHOICE و GIS استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های بهداشت و درمان در استان همدان به صورت متوازن توزیع نشده است و اختلاف زیادی بین شهرستانهای استان از نظر توسعه خدمات بهداشتی ملاحظه می‌شود به طوری که همدان و فامنین به ترتیب در رتبه اول و دوم و شهرستان‌های کیوردآهنک و بهار از لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشت و درمان در رتبه‌های آخر قرار دارند و با توجه به اینکه موضوع سلامت از مهمترین اصول زندگی در عصر پر چالش قرن بیست و یکم می‌باشد، این مهم نیازمند توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه متعادل، شاخص‌های بهداشت و درمان، تحلیل فضایی، شهرستان‌های استان همدان.

مقدمه

امروزه مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورهاست. به طور کلی توسعه، فرایندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مستمر زندگی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن به شمار می‌آید (تقوایی و شاهپوندی، ۱۳۸۹: ۳۴). یکی از ارکان توسعه جمعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق است (فنی، ۱۳۸۲: ۷۸). وجود دوگانگی اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی و فرهنگی در فرایند توسعه و تحول جامعه، یکی از مباحث اساسی در ادبیات نوین است. این معضل یک نوع آسیب‌شناسی توسعه را مطرح می‌سازد که توجه و اهتمام به آن بیش از پیش لازم و ضروری است (سایه میری، ۱۳۸۰: ۳۱). زمانی که عدم تعادل در پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه شدت بیشتری به خود بگیرد به صورت تصاعدی عدم تعادل فضایی امکانات و جمعیت را دامن می‌زند و ضمن تشدید تمرکز شاخص‌ها در نقاطی که هم‌اکنون از معضل تمرکز در رنج هستند موجب رانش جمعیت و امکانات از مناطق محروم می‌شود

و گره‌های کور عدم تعادل در سطح فضای جغرافیایی را تشدید می‌نماید (محمدی و ایزدی، ۱۳۹۰: ۴۴). امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، جهت ارائه طرحها، برنامه‌ها و سیاست گذاری‌ها ضروری است، به گونه‌ای که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، بهداشتی و غیره می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی و عملی مهم در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در راه رسیدن به توسعه پایدار باشد (قنبری و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۲). به دنبال افزایش نگرانی‌های کشورهای مختلف از روند توسعه، ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهی شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن چرخه‌های طبیعی حیات در کره زمین طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، نگرانی‌ها در مورد وضعیت سلامت و اثرات سنگین آن بر اقتصاد و توسعه کشورها، خاصه کشورهای در حال توسعه رو به فزونی بود، به حدی که بسیاری از کارشناسان سازمان بهداشت جهانی بر ناکارآمد بودن نگرش‌های درمان محور در عرصه سلامت اذعان داشتند و چرخش در این نگرش را اجتناب‌ناپذیر ارزیابی کردند. مجموعه این نگرانی‌ها در نهایت، در سال‌های پایانی دهه ۷۰، منجر به تغییر نگرش در عرصه سلامت شد و در سال ۱۹۷۷ در پایان سی امین اجلاس جهانی بهداشت، که در آلماتای اتحاد شوروی سابق با شرکت ۱۳۴ کشور جهان تشکیل شد بود، اعلام گردید: «مهمترین هدف اجتماعی دولت‌ها و سازمان بهداشت جهانی در دهه‌های آینده باید آن باشد که همه مردم جهان تا سال ۲۰۰۰ میلادی به سطحی از سلامت دست یابند که زندگی آنان، از نظر اقتصادی و اجتماعی ثمربخش و مفید باشد (طحاری دستجردی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۹۰). برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی از جمله اهداف مهم هر جامعه است. این برابری و عدالت در خدمات بهداشتی و درمانی مفهومی چند بعدی است و نیل به آن از چالش‌های پیش روی سیاستگذاران این بخش است. از جمله ابعاد مهم عدالت در بخش خدمات بهداشتی و درمانی بحث برابری در توزیع خدمات این بخش است (فیروزپور و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۲). بنا بر اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از یک زندگی سالم، مولد و با کیفیت، توأم با طول عمر قابل قبول و عاری از بیماری و ناتوانی، حقی است همگانی که مسئولیت و تولیت آن برعهده دولت‌ها است و پیش شرط تحقق توسعه پایدار است. برای دست یافتن به توسعه پایدار، قطعاً انسان سالم نقش کلیدی و محوری دارد و بدیهی است حفظ و ارتقاء سطح سلامتی انسان، نیازمند یک نظام سلامت و کارآمد است. نیل به این مهم، مستلزم فراهم

آوردن بهترین سطح میانگین خدمات قابل دسترسی و کمترین تفاوت میان افراد و گروه‌ها در این دستیابی (عادلان بودن) است (ضرابی و شیخ بیگلو، ۱۳۹۰: ۱۰۹). منابع بهداشتی و خدمات مربوط به آن باید به صورت یکنواخت و منصفانه در اختیار مردم قرار گیرند (باقیانی مقدم و احرام پوش، ۱۳۸۳: ۴۷). اما توزیع ناعادلانه ثروت و حقوق اجتماعی برابر، مانع بهره‌مندی اکثریت جامعه از امکانات موجود بهداشتی - درمانی متناسب با نیازهای خود شده است (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۵). بر این اساس مطالعه نابرابری‌های موجود در سطح مناطق مختلف از لحاظ شاخص‌های بهداشتی و درمانی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای، تحت تأثیر قرار دهد. استان همدان به عنوان یکی از مناطق جغرافیایی ایران از لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشت و درمان وضعیت چندان مطلوبی در بین استان‌های کشور ندارد به طوری که از لحاظ شاخص‌های تعداد بیمارستان، تخت‌های فعال مؤسسات درمانی، مؤسسات درمانی فعال، تعداد داروخانه، متخصص اعصاب و روان، متخصص دندانپزشک، کارشناس بهداشت خانواده و تعداد آزمایشگاه و غیره همواره در بین استان‌های آخر قرار گرفته است. گذشته از این به نظر می‌رسد که همین امکانات و خدمات بهداشت و درمان موجود در استان نیز میان مناطق و شهرستان‌های آن به طور یکسانی توزیع نشده و برخی از شهرستان‌ها - به خصوص شهرستان‌های پر جمعیت تر و شهرنشین تر - در این زمینه از برخی دیگر برخوردارتر به نظر می‌آیند. بنابراین جا دارد ضمن تأکید بر برنامه‌ریزی به منظور توسعه امکانات و خدمات بهداشت و درمان در این استان، با شناسایی شکاف موجود میان شهرستان‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی را جهت برقراری عدالت فضایی و عدالت اجتماعی میان آن‌ها تدوین و اعمال کرد. در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های قابل مقایسه موجود، وضعیت بهداشت و درمان در شهرستان‌های استان همدان با هدف ارایه راهکارهایی جهت توسعه متوازن و متعادل خدمات بهداشت و درمان در این استان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه تعیین درجه توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی استان‌ها و شهرستان‌های کشور در تمامی بخش‌ها و یا به طور مجزا پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است اما در این مطالعات شاخص‌های

بهداشتی - درمانی به صورت مبسوط و گسترده مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

قدیری معصوم و حبیبی (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستانهای استان گلستان تعداد پزشکان، تخت بیمارستان، دندانپزشکان، داروخانه، آزمایشگاه، مراکز رادیولوژی، داروساز و افراد تحت پوشش بیمه خدمات درمانی را نسبت به جمعیت بررسی نموده‌اند.

حکمت‌نیا و موسوی (۱۳۸۵)، تعداد بیمارستان، تخت بیمارستانی، پزشک عمومی، پزشک متخصص، روانپزشک، ماما، تعداد داروخانه، آزمایشگاه، داروخانه شبانه روزی، روستاهای برخوردار از مرکز بهداشت و برخوردار از دامپزشک را در مقایسه با جمعیت یا مساحت و غیره را به عنوان شاخص‌های بهداشتی و درمانی معرفی می‌نمایند.

الیاس پور و همکاران (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان میزان توسعه یافتگی بخش بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان خراسان شمالی به روش تاکسونومی عددی در سال ۱۳۸۵ شهرستان‌های استان خراسان شمالی را بر اساس توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشت و درمان رتبه‌بندی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه یافتگی در میان شهرستان‌های استان خراسان شمالی متفاوت است و اختلاف زیادی بین شهرستان‌های مختلف وجود دارد.

ضرابی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی و تحلیل فضایی توسعه شاخص‌های خدمات بهداشت و درمان در سطح شهرستان‌های استان اصفهان پرداختند. یافته این پژوهش نشان داد که شاخص‌های بهداشت و درمان استان اصفهان بصورت متوازن توزیع نشده است و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌های استان از نظر توسعه خدمات بهداشتی و درمانی ملاحظه می‌شود. نتایج حاصل از رگرسیون چند گانه^۱ نشان داد که سهم شاخص نیروی انسانی متخصص در توسعه بهداشت و درمان شهرستان‌های استان بیش از سایر شاخص‌های پژوهش پیشگوی می‌نماید و شاخص‌های نیروی انسانی متخصص، نهادی و بهداشت روستایی به ترتیب سهم کمتری در پیشگویی توسعه بهداشت و درمان استان دارد.

سپهردوست (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر توسعه یافتگی از دیدگاه شاخص‌های سلامت به بررسی چگونگی توزیع شاخص‌های مهم بهداشتی - درمانی در کشور و سنجش

توسعه یافتگی استان‌ها از نظر برخورداری از امکانات بهداشتی- درمانی و بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت‌های درون استانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که حدود ۷۶٪ از تفاوت‌های منطقه- ای، ناشی از توزیع نامتعادل ۵ عامل اصلی شامل پزشک متخصص، مراکز بهداشتی- درمانی شهری، مراکز بهداشتی- درمانی روستایی، تعداد انشعابات فاضلاب شهری و خانه‌های بهداشت در مناطق استانی کشور می‌باشد.

بررسی و تحلیل یک بعد از شاخص‌های توسعه (شاخص‌های بهداشت و درمان) که موضوع پژوهش حاضر است بر اهمیت شناخت نابرابری‌های فضایی در سطح شهرستان‌های استان همدان از لحاظ شاخص‌های مورد نظر و برنامه‌ریزی جهت رفع این نابرابری‌ها در جهت تحقق عدالت اجتماعی تأکید دارد.

روش تحقیق

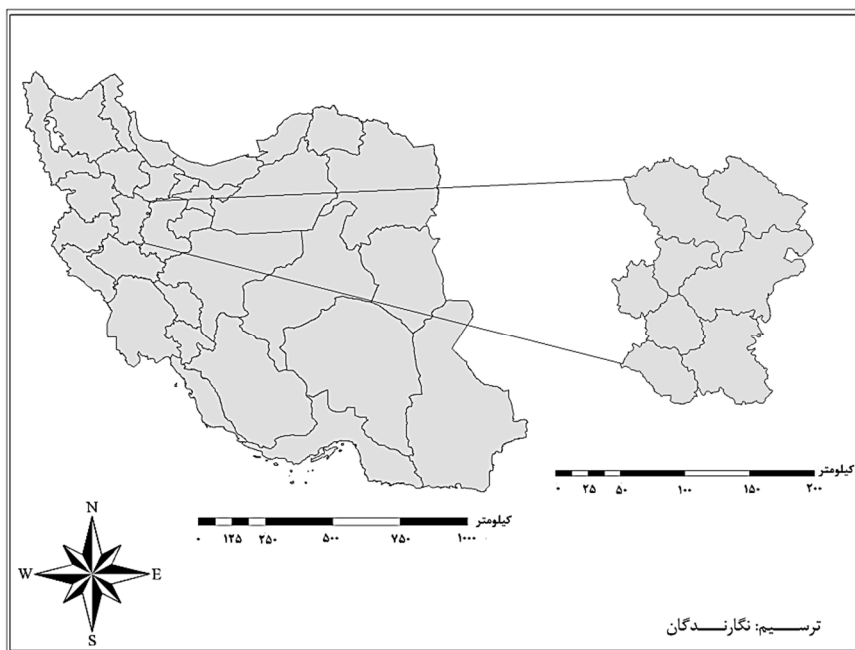
با توجه به شاخص‌های مورد بررسی رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی- تحلیلی و از نوع کاربردی است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و کلیه آمار و اطلاعات از مرکز آمار ایران و سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ استان گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش ۹ شهرستان استان همدان براساس تقسیمات اداری- سیاسی تشکیل می- باشد و شاخص‌های مورد بررسی ۲۱ شاخص بخش بهداشت و درمان بوده است. پس از استخراج شاخص‌ها با استفاده از تکنیک‌های TOPSIS و AHP به رتبه‌بندی شهرستان‌ها و میزان توسعه‌یافتگی آنها پرداخته و سپس با روش تحلیل خوشه‌ای شهرستان‌های استان در گروه‌های همگن به لحاظ توسعه شاخص‌های بهداشت و درمان سطح‌بندی شده‌اند. در این تحقیق برای تحلیل دقیق‌تر اطلاعات از نرم افزارهای SPSS و EXPERT CHOICE و EXCEL و GIS استفاده شده است.

قلمرو پژوهش

استان همدان در گستره‌ای با مساحت ۱۹۴۹۱ کیلومتر مربع و ۱۷۵۸۲۶۸ نفر جمعیت در غرب ایران قرار دارد. استان همدان از سمت شمال به استان‌های زنجان و قزوین، از سمت جنوب به استان لرستان، از سمت شرق به استان مرکزی و از سمت غرب به استان‌های کردستان و کرمانشاه

محدود شده است. این استان بین مدارهای ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ این استان دارای ۹ شهرستان، ۲۵ شهر، ۲۹ بخش و ۷۳ دهستان است (مرکز آمار ایران).

شکل (۱) - موقعیت جغرافیایی استان همدان در کشور ایران



مبانی نظری پژوهش

تمامی کشورها و جمعیت‌ها به دنبال توسعه‌اند و هریک به طریقی برای رسیدن به توسعه برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین توسعه را می‌توان پدیده‌ای انسانی قلمداد کرد که در سایه تلاش و بهره‌وری‌های بهینه انسانها در یک فضای جغرافیایی شکل می‌گیرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۸۰). بنابراین توسعه مفهومی است که توأمان، بر تغییر سازه‌هایی متعدد از جنبه‌های متنوع زندگی اجتماعی دلالت دارد و مستلزم طی فراگردی چند بعدی است که اهداف چند گونه‌ای را تعقیب می‌کند، اهدافی که با مطرح شدن متغیرها و نیازهای جدید اجتماعی تغییر می‌یابند و بر

مسئولیت‌های مدیران توسعه می‌افزاید، همانگونه که در دوران معاصر نیز متغیرهایی چون حفاظت از محیط زیست را بر معادله تصمیم آنان افزوده است. در واقع هدف از توسعه ایجاد زندگی پر ثمری برای انسانهاست که در زمینه فرهنگ جمعی آنها ارزیابی می‌شود، از اینرو می‌توان توسعه را فراگرد «دستیابی جوامع انسانی به ارزش‌های فرهنگی خود» دانست (الوانی و پرعزت، ۱۳۸۲: ۱۸).

با توجه به آنچه که گفته شد در حال حاضر نگرش تک بعدی به واژه توسعه مطرود بوده و چنین برداشتی از آن وجود ندارد. زیرا یک جامعه توسعه یافته باید از تمامی امکانات زیستی و بینش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که لازمه زیستن در این مقطع زمانی است، برخوردار باشد. با توجه به این مفاهیم واژه توسعه یادآور مفهوم عدالت اجتماعی می‌باشد. زیرا از دهه ۱۹۷۰ به بعد مفهوم واژه رشد کاملاً از واژه توسعه تفکیک یافته و هریک دارای مفاهیم خاص خود گردیده‌اند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۸۱). زیرا اگر توزیع «دستاوردهای توسعه» عادلانه نباشد یا اعضای جامعه چنین ادراک کنند که سهم آنان از «دستاوردها و عواید حاصل از توسعه» عادلانه نیست یا با «رویه‌های اجرایی» غیر عادلانه به آنها اختصاص می‌یابد یا در جامعه از «احترام برابر» برخوردار نیستند، جامعه با پیامدهای ذیل مواجه خواهد شد:

۱- افزایش فاصله طبقاتی و تعمیق شکاف فقر، به گونه‌ای که در بلند مدت به خدشه دار شدن کرامت انسانی می‌انجامد و موجب بی‌اعتنایی عامه مردم به «دستاوردهای توسعه» می‌شود (تهدید کرامت انسانی و خروج سرمایه‌های اجتماعی)

۲- کاهش روحیه فعالیت و تلاش در میان آن بخش از جامعه که خود را از دستاوردهای توسعه بی‌نصیب می‌یابد و موجب «بی‌اعتمادی عامه مردم به رویه‌های توسعه» می‌شود (کاهش عزم ملی).

۳- افزایش کژکارکردی‌های روانشناختی ناشی از تحمل بی‌عدالتی در جامعه که گاهی در قالب تعارضات خصمانه و گاهی نیز به صورت خمودگی و انفعال در برابر رویدادهای اجتماعی، تجلی می‌یابد و موجب «ادراک نابرابری حقوق و احترام در میان عامه مردم» می‌شود (کاهش سلامت روانی) (الوانی و پورعزت، ۱۳۸۲: ۲۲).

بررسی نابرابری و وجوه آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران قرار گرفته است. زیرا وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶). بنابراین مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها

چالشی در مسیر توسعه می‌باشد، بویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها تهدیدی جدی برای حصول توسعه متوازن و متعادل مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید (Shankar and Shah, 2003: 12). از این رو تمرکز زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلند مدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق پدید آید. این موضوع در جریان تولید مناطق پیشرفته و عقب مانده تأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابجایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و منطقه دیگر از توسعه باز می‌ماند. چرا که خروج عواملی نظیر سرمایه و نیروی انسانی متخصص از مناطق فقیر، ممکن است منجر به کاهش توان منطقه‌ای فقیر شود (Johnson, 1970: 118). خدمات بهداشتی را باید به عنوان یکی از اجزای تفکیک ناشدنی توسعه اجتماعی در نظر گرفت که باید اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های روشن داشته باشد و هر کشور براساس این اهداف و برنامه‌ها باید سیاستی را در پیش بگیرد که خدمات بهداشتی و درمانی را برای همه مردم جامعه تأمین کند. یکی از مشکلات مهم در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در کشورهای جهان سوم نیز کمبود امکانات و نیروی انسانی بهداشتی و توزیع نادرست آن‌ها در مناطق شهری و روستایی است (تقوایی و شاهوندی، ۱۳۸۹: ۴۲).

شناخت نیازهای بهداشتی - درمانی جامعه، اولین گامی است که باید در راه رفع اینگونه نیازها برداشت و در حقیقت بدون شناسایی این نیازها نمی‌توان خدمات بهداشتی - درمانی کامل ارائه نمود (نیک‌پور، ۱۳۵۸: ۱۱). منابع بهداشتی و خدمات مربوط به آن باید به صورت یکنواخت و منصفانه در اختیار همه مردم قرار گیرد (باقیانی مقدم و احرام‌پوش، ۱۳۸۳: ۴۷۹). اما توزیع ناعادلانه ثروت و حقوق اجتماعی نابرابر، مانع از آن شده است که اکثریت جامعه بتوانند از امکانات بهداشتی - درمانی متناسب با نیازهای خود بهره‌جویند.

شاخص‌های مورد بررسی

شناخت بهتر و دقیق‌تر از وضعیت مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت منوط به در دسترس داشتن اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم از یک سری شاخص‌ها استفاده می‌شود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). تعیین این

شاخص‌ها، مهمترین قدم در مطالعات توسعه ناحیه‌ای است و در واقع بیان آماری پدیده‌های موجود در ناحیه است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۱). شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های بهداشت و درمان استان همدان

ردیف	شاخص‌ها	ردیف	شاخص
۱	مؤسسات درمانی فعال	۱۲	تعداد پزشکان عمومی
۲	تخت‌های فعال مؤسسات درمانی	۱۳	متخصص داخلی
۳	خانه‌های بهداشت فعال روستایی	۱۴	متخصص قلب
۴	مراکز بهداشتی درمانی شهری	۱۵	متخصص اعصاب و روان
۵	مراکز بهداشتی درمانی روستایی	۱۶	متخصص چشم
۶	مراکز بهداشتی درمانی دولتی	۱۷	دندانپزشک
۷	تعداد آزمایشگاه	۱۸	پزشک داروساز
۸	تعداد داروخانه	۱۹	پرستار
۹	مراکز پرتونگاری	۲۰	کارشناس بهداشت خانواده
۱۰	مراکز توانبخشی	۲۱	بهورزان خانه‌های بهداشت روستایی
۱۱	تعداد پیراپزشکان	۲۲	-----

منبع: (سالنامه آماری ۱۳۹۰)

تشریح مدل‌های مورد استفاده

تکنیک TOPSIS

تکنیک TOPSIS یکی از روش‌های MADM است که M گزینه را با توجه به N معیار رتبه‌بندی می‌کند. این مدل برای اولین بار توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ معرفی گردید (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). الگوریتم TOPSIS یک تصمیم‌گیری چند شاخصه بسیار قوی برای اولویت بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌آل می‌باشد که به تکنیک وزن‌دهی، حساسیت بسیار کمی داشته و پاسخ‌های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی‌کند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶۲). مفهوم این مدل، انتخاب کوتاه‌ترین فاصله از راه حل

ایده آل مثبت و دورترین فاصله از راه حل ایده آل منفی به منظور حل مسائلی است که با ضوابط تصمیم گیری متعددی روبرو است (Jadidi & et. Al., 2008: 763). از محاسن این روش نسبت به سایر تکنیک‌های اولویت بندی مکانی، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معیارهای کمی و کیفی را به صورت توأمان در مبحث مکان یابی دخالت می دهد.
- خروجی آن می تواند ترتیب اولویت گزینه ها را مشخص و این اولویت ها را به صورت کمی بیان کند.
- تضاد و تطابق بین شاخص ها را در نظر بگیرد.
- روش کار، ساده و سرعت آن مناسب است.
- ضرایب وزنی اولیه را پذیراست.
- نتایج این مدل کاملاً منطبق با روش های تجربی است (شایان، ۱۳۸۵: ۳).

تکنیک AHP

یکی از کارآمدترین تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره، فرایند تحلیل سلسله مراتبی^۱ است که برای اولین بار توسط توماس آل ساعتی در سال ۱۹۸۰ مطرح شد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۴۷). در این مدل مسائل پیچیده را از طریق تجزیه آن به مسائل جزئی و سلسله مراتبی در ارتباط با هدف مسأله به شکل ساده تری درمی آید (صابری و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۴). فرایند تحلیل سلسله مراتبی متکی بر قضاوت هاست، در نتیجه نسبی است، زیرا قضاوت ها می تواند از یک شخص به شخص دیگر متفاوت باشد (Whitaker, 2001: 38). علاوه بر این استفاده از آن مستلزم استفاده از ریاضیات دست و پاگیر نیست، بنابراین درک آن آسان است و می تواند هر دو داده کمی و کیفی را کنترل کند (Cengiz, et. al, 2003: 390). این تکنیک به ما اجازه می دهد تا شاخص ها را به صورت زوجی با هم مقایسه کرده و امتیاز آنها را تنها نسبت به یک شاخص بسنجیم تا نهایتاً به یک امتیاز مجموع برای هر شاخص دست یابیم. بدیهی است که وزن دادن به شاخص ها در مقایسات زوجی راحت تر و مطمئن تر از حالات دیگر می باشد. هم چنین

استفاده از این مدل در جریان وزن‌دهی باعث می‌شود تا در ضمن ارزیابی، تعصبات دخیل نباشد (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۶).

تحلیل خوشه‌ای

تحلیل خوشه‌ای به عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های کمی در مطالعات ناحیه‌ای محسوب می‌شود، در واقع روشی برای سطح‌بندی مناطق، شهرها، روستاها و غیره است، به طوری که در این سطح‌بندی، مکان‌های واقع در یک سطح، شباهت زیادی با هم داشته، اما تفاوت قابل توجی با امکان‌های سطوح دیگر دارند (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۰: ۱۴۵). تحلیل خوشه‌ای که به عنوان یکی از روش‌های پرکاربرد در رشته‌های علمی است (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۱) اسبابی را برای طبقه‌بندی تجربی متغیرها به خوشه‌ها فراهم می‌کند (Toms, et. al, 2001, 87). به طوری که مناطقی که بیشترین شباهت را از نظر امتیازهای کسب شده دارند در یک خوشه دسته‌بندی می‌شوند (راهنما، ۱۳۷۲: ۳۵) و هدف آن تفکیک مجموعه‌ای از داده‌ها با خوشه‌های گسسته با خصوصیات مشترک است (Gallegos and Ritter, 2005: 134). تحلیل خوشه‌ای به دو روش خوشه‌ای سلسله مراتبی^۱ و خوشه‌ای غیرسلسله مراتبی^۲ صورت می‌گیرد (ذاکر حقیقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲). در این مقاله با توجه به داده‌های مورد استفاده و هدف پژوهش از روش خوشه‌ای سلسله مراتبی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق جهت سطح‌بندی شهرستان‌های استان همدان ۲۱ شاخص در بخش بهداشت و درمان مورد استفاده قرار گرفته است. پس از شناسایی مهمترین شاخص‌های اولیه، با تکمیل ۳۰ پرسش نامه توسط اساتید و کارشناسان بخش بهداشت و درمان میزان ارجحیت این شاخص‌ها نسبت به یکدیگر مورد سنجش قرار گرفت و در ادامه با استفاده از مدل AHP وزن نهایی شاخص‌های پژوهش محاسبه گردید.

۱-Hierarchical Cluster

۲-Nonhierarchical Cluster

جدول (۲) - جدول اوزان تعیین شده برای هر شاخص

وزن	شاخص		وزن	شاخص	
۰/۰۶۹	پزشک عمومی	X12	۰/۰۷۲	مؤسسات درمانی فعال	X1
۰/۰۵۳	متخصص داخلی	X13	۰/۰۶۴	تخت‌های فعال مؤسسات درمانی	X2
۰/۰۵۱	متخصص قلب	X14	۰/۰۶۷	خانه‌های بهداشت فعال روستایی	X3
۰/۰۴۹	متخصص اعصاب و روان	X15	۰/۰۵۹	مراکز بهداشتی درمانی روستایی	X4
۰/۰۴۶	متخصص چشم	X16	۰/۰۶۱	مراکز بهداشتی درمانی شهری	X5
۰/۰۴۸	دندانپزشک	X17	۰/۰۲۶	مراکز بهداشتی درمانی دولتی	X6
۰/۰۴۳	پزشک داروساز	X18	۰/۰۳۶	تعداد آزمایشگاه	X7
۰/۰۳۹	پرستار	X19	۰/۰۵۶	تعداد داروخانه	X8
۰/۰۲۰	کارشناس بهداشت خانواده	X20	۰/۰۵۴	مراکز پرتونگاری	X9
۰/۰۳۳	بهورزان خانه‌های بهداشت روستایی	X21	۰/۰۳۰	مراکز توانبخشی	X10
---	---		۰/۰۲۳	پیراپزشکان	X11

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

مرحله مدل TOPSIS و رتبه‌بندی شهرستان‌ها

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها (A_{ij})

در این مرحله جهت استفاده از تکنیک TOPSIS، باید ماتریس داده‌ها را بر اساس n آلترناتیو و k شاخص تشکیل دهیم. در این مرحله از آنجا که داده‌های خام مربوط به متغیرهای بهداشتی - درمانی را داشتیم، سعی شده است تا متغیرهای بهداشتی - درمانی به صورت شاخص ارائه شود که اصولاً شاخص‌ها از تقسیم متغیرها به یک مخرج مناسب و ثابت (در این پژوهش ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشد) حاصل می‌شود.

جدول (۳) - وضعیت شهرستان‌های استان همدان

به لحاظ شاخص‌های بهداشتی و درمانی به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر (ماتریس A_{ij})

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فانمین	کیودرآهنگ	ملایر	نهایند	همدان
X1	۰/۰۹۳	۰/۰۸۱	۰/۰۹۶	۰/۰۸۶	۰/۲۳۵	۰/۰۷۰	۰/۰۶۹	۰/۱۱۰	۰/۰۷۷
X2	۱۱/۱۲	۱/۶۹۵	۸/۴۷۹	۸/۱۵۹	۶/۱۲۰	۵/۴۴۸	۷/۳۹۶	۱۱/۵۵	۱۸/۱۴
X3	۹/۵۱۴	۶/۷۰۳	۱۰/۳۲۳	۷/۷۷۸	۱۰/۳۵	۷/۶۰۲	۹/۱۷۰	۸/۵۲۵	۴/۹۳۰
X4	۱/۵۵۳	۰/۹۵۸	۲/۰۶۵	۱/۱۲۷	۱/۷۸۵	۱/۱۱۰	۱/۶۱۸	۰/۹۹۶	۰/۸۷۰
X5	۱/۰۹۰	۱/۳۷۹	۱/۹۸۰	۲/۱۶۴	۰/۶۹۱	۱/۹۱۶	۱/۰۷۵	۱/۴۳۱	۱/۲۷۶
X6	۱/۳۰۸	۱/۱۳۰	۱/۸۳۱	۱/۳۷۴	۱/۴۱۲	۱/۲۵۷	۱/۱۸۱	۱/۱۵۶	۰/۸۷۴
X7	۰/۶۵۴	۰/۴۰۴	۰/۷۷۱	۰/۵۱۵	۰/۴۷۱	۰/۲۷۹	۰/۷۹۹	۰/۷۷۰	۱/۲۴۳

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فامنین	کیودرآهنگ	ملایر	نهادند	همدان
X8	۰/۲۸۰	۰/۰۸۱	۰/۲۸۹	۰/۰۸۶	۰/۲۳۵	۰/۲۱۰	۰/۲۰۸	۰/۲۷۵	۰/۵۲۲
X9	۰/۳۷۴	۰/۱۶۱	۰/۳۸۵	۰/۱۷۲	۰/۲۳۵	۰/۲۱۰	۰/۴۸۶	۰/۳۳۰	۰/۶۴۴
X10	۴۰/۴۶	۲۴/۳۰۰	۴۵/۴۷۸	۳۷/۷۸	۴۱/۱۹	۳۱/۷۱۰	۳۰/۲۱	۳۴/۲۳	۴۱/۲۳
X11	۴۰/۴۶	۲۴/۳۰۰	۴۵/۴۷۸	۳۷/۷۸	۴۱/۱۹	۳۱/۷۲۰	۳۰/۲۱	۳۴/۲۳	۴۱/۲۳
X12	۳/۴۵۸	۲/۶۶۴	۲/۸۹۱	۷/۳۸۶	۴/۰۰۱	۲/۹۳۴	۲/۶۳۹	۲/۳۶۶	۲/۵۷۷
X13	۰/۱۸۷	۰/۰۸۱	۰/۱۹۳	۰/۲۵۸	۰/۴۷۱	۰/۱۴۰	۰/۲۰۸	۰/۱۶۵	۰/۳۸۴
X14	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۱۴۰	۰/۲۰۸	۰/۱۶۵	۰/۳۸۴
X15	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۹	۰/۱۱۰	۰/۲۱۵
X16	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۱۰۴	۰/۰۵۵	۰/۱۶۹
X17	۰/۳۷۴	۰/۵۶۵	۰/۷۷۱	۰/۸۵۹	۰/۴۷۱	۰/۰۷۰	۰/۱۰۴	۰/۰۵۵	۰/۱۶۹
X18	۰/۰۹۳	۰/۰۸۱	۰/۰۹۶	۰/۰۸۶	۰/۹۴۲	۰/۲۷۹	۰/۱۰۴	۰/۱۱۰	۰/۳۲۲
X19	۸/۱۳۰	۲/۰۱۸	۸/۱۹۰	۴/۴۶۶	۶/۱۲۰	۴/۸۱۹	۵/۴۱۷	۵/۷۲۳	۱۴/۶۶
X20	۰/۸۴۱	۰/۹۶۹	۰/۲۸۹	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	۰/۸۳۳	۰/۵۵۰	۱/۱۰۵
X21	۱/۸۰۶	۱/۱۰۸	۱/۱۵۸	۱/۶۴۶	۱/۷۸۵	۱/۴۴۴	۱/۶۲۷	۱/۶۳۹	۱/۱۱۲

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

مرحله دوم: استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد، در این مرحله، جدول شماره

(۳) پس از تکمیل به صورت ماتریس 9×21 (A_{ij})، از طریق رابطه
$$I_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}}$$
 استاندارد

شده و ماتریس (R) را تشکیل می‌دهد (به عبارتی ماتریس R ، استاندارد شده ماتریس (A_{ij}) از طریق فرمول I_{ij} می‌باشد)

$$R_1 = \frac{7}{\sqrt{7^2 + 1^2 + 2^2 + 3^2 + 6^2 + 5^2 + 4^2}} = 0.592$$

جدول (۴) - جدول استاندارد شده شاخص‌ها (ماتریس R)

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فامنین	کیودرآهنگ	ملایر	نهادند	همدان
X1	۰/۲۷۶	۰/۲۳۸	۰/۲۸۴	۰/۲۵۳	۰/۶۹۴	۰/۲۰۶	۰/۲۰۵	۰/۳۲۵	۰/۲۲۶
X2	۰/۳۸۱	۰/۰۵۸	۰/۲۹۱	۰/۲۸۰	۰/۲۱۰	۰/۱۸۷	۰/۲۵۴	۰/۳۹۶	۰/۶۲۳
X3	۰/۳۷۴	۰/۲۶۳	۰/۴۰۵	۰/۳۰۵	۰/۴۰۷	۰/۲۹۹	۰/۳۶۰	۰/۳۳۵	۰/۱۹۴
X4	۰/۳۷۰	۰/۲۲۸	۰/۴۹۱	۰/۲۶۸	۰/۴۲۵	۰/۲۶۴	۰/۳۸۵	۰/۲۳۷	۰/۲۰۷
X5	۰/۲۴۰	۰/۳۰۳	۰/۴۳۵	۰/۴۷۶	۰/۱۵۲	۰/۴۲۱	۰/۲۳۶	۰/۳۱۵	۰/۲۸۱
X6	۰/۳۳۵	۰/۲۸۹	۰/۴۶۸	۰/۳۵۱	۰/۳۶۱	۰/۳۲۱	۰/۳۰۲	۰/۲۹۵	۰/۲۲۴
X7	۰/۳۸۲	۰/۲۳۵	۰/۴۵۰	۰/۳۰۱	۰/۲۷۵	۰/۲۴۴	۰/۳۴۴	۰/۳۵۳	۰/۳۵۸

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فامنین	کبودرآهنگ	ملایر	نهایند	همدان
X8	۰/۲۶۵	۰/۲۶۷	۰/۳۶۴	۰/۲۰۳	۰/۲۲۲	۰/۱۳۲	۰/۳۷۷	۰/۳۶۴	۰/۵۸۷
X9	۰/۳۴۳	۰/۰۹۹	۰/۳۵۴	۰/۱۰۵	۰/۲۸۸	۰/۲۵۷	۰/۲۵۵	۰/۳۳۷	۰/۶۳۹
X10	۰/۳۴۱	۰/۱۴۷	۰/۳۵۱	۰/۱۵۷	۰/۲۱۵	۰/۱۹۱	۰/۴۴۳	۰/۳۰۱	۰/۵۸۷
X11	۰/۳۶۶	۰/۲۲۰	۰/۴۱۲	۰/۳۴۲	۰/۳۷۳	۰/۲۸۷	۰/۲۷۳	۰/۳۱۰	۰/۳۷۳
X12	۰/۳۰۸	۰/۲۳۸	۰/۲۵۸	۰/۶۵۹	۰/۳۵۷	۰/۲۶۲	۰/۲۳۵	۰/۲۱۱	۰/۲۳۰
X13	۰/۲۴۱	۰/۱۰۴	۰/۲۴۸	۰/۳۳۲	۰/۶۰۶	۰/۱۸۰	۸/۲۶۸	۰/۲۱۲	۰/۴۹۴
X14	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۰/۳۰۶	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۴۳	۰/۱۱۰	۰/۳۴۹	۰/۴۳۸
X15	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹	۰/۲۹۲	۰/۵۷۰
X16	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸	۰/۲۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۲۰	۰/۳۲۹	۰/۱۷۴	۰/۵۳۲
X17	۰/۱۷۴	۰/۲۶۴	۰/۳۵۹	۰/۴۰۰	۰/۲۲۰	۰/۰۳۳	۰/۱۹۴	۰/۲۰۵	۰/۶۹۴
X18	۰/۰۸۸	۰/۰۷۶	۰/۰۹۱	۰/۰۸۱	۰/۸۸۸	۰/۲۶۴	۰/۰۹۸	۰/۱۰۴	۰/۳۰۴
X19	۰/۳۶۵	۰/۰۹۱	۰/۳۶۸	۰/۲۰۱	۰/۲۷۵	۰/۲۱۷	۰/۲۴۳	۰/۲۵۷	۰/۶۵۹
X20	۰/۴۰۸	۰/۴۷۰	۰/۱۴۰	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۴۰۵	۰/۲۶۷	۰/۵۳۶
X21	۰/۳۷۱	۰/۲۲۸	۰/۴۴۳	۰/۳۳۸	۰/۳۶۷	۰/۲۹۷	۰/۳۳۴	۰/۳۳۷	۰/۲۲۸

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

مرحله سوم: تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها (W_i) بر اساس $\sum_{i=1}^n w_i = 1$.

در این مرحله اقدام به تشکیل ماتریس (V) می‌شود. در واقع ماتریس (V) حاصل ضرب مقادیر استاندارد هر شاخص در وزن مربوط به خود می‌باشد (یعنی ماتریس R ضربدر جدول شماره (۲) (وزن هر کدام از شاخص‌ها) در این راستا شاخص‌های دارای اهمیت بیشتر از وزن بالاتری نیز برخوردارند.

جدول (۵) - جدول وزن دهی به شاخص‌ها (ماتریس v)

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فامنین	کبودرآهنگ	ملایر	نهایند	همدان	MAX	MIN
X1	۰/۰۲۰	۰/۰۱۷	۰/۰۲۰	۰/۰۱۸	۰/۰۵۰	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۰/۰۲۳	۰/۰۱۶	۰/۰۵۰	۰/۰۱۵
X2	۰/۰۲۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۲۵	۰/۰۴۰	۰/۰۴۰	۰/۰۰۴
X3	۰/۰۲۵	۰/۰۱۸	۰/۰۲۷	۰/۰۲۰	۰/۰۲۷	۰/۰۲۰	۰/۰۲۴	۰/۰۲۲	۰/۰۲۳	۰/۰۲۷	۰/۰۱۳
X4	۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	۰/۰۲۹	۰/۰۱۶	۰/۰۲۵	۰/۰۱۶	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۰/۰۲۹	۰/۰۱۲
X5	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۰۹	۰/۰۲۶	۰/۰۱۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷	۰/۰۲۹	۰/۰۰۹
X6	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶
X7	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۰۸
X8	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۰/۰۲۰	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۲۱	۰/۰۲۰	۰/۰۳۳	۰/۰۳۳	۰/۰۰۷
X9	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۸	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۰/۰۰۵

	اسدآباد	بهار	تویسرکان	رزن	فامنین	کیبودرآهنگ	ملایر	نهاوند	همدان	MAX	MIN
X10	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸	۰/۰۱۸	۰/۰۰۴
X11	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵
X12	۰/۰۲۱	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۴۵	۰/۰۲۵	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۴۵	۰/۰۱۵
X13	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۳۲	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	۰/۰۲۶	۰/۰۳۲	۰/۰۰۶
X14	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۰۶	۰/۰۱۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
X15	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۸	۰/۰۱۴	۰/۰۲۸	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
X16	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
X17	۰/۰۰۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۷	۰/۰۱۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۱۰	۰/۰۳۳	۰/۰۳۳	۰/۰۰۲
X18	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۳۸	۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	۰/۰۳۸	۰/۰۰۳
X19	۰/۰۱۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۱۰	۰/۰۲۶	۰/۰۲۶	۰/۰۰۴
X20	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰
X21	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸

منبع: (محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳)

مرحله چهارم: تعیین فاصله آمین آلترناتیو از آلترناتیو ایده‌آل (بالاترین عملکرد هر شاخص) که در ماتریس فوق در هر ستون در برابر گزینه MAX مشخص شده‌اند و همچنین در فرمول (A^+) نشان داده شده است.

$$A^+ = \{(\max_i v_{ij} | j \in j_1), (\min v_{ij} | j \in J)\}$$

جدول (۶) - جدول ایده‌آل‌های مثبت شاخص‌ها A^+

معیار	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11
max	۰/۰۵۰	۰/۰۴	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳	۰/۰۳۵	۰/۰۱۸	۰/۰۰۹
معیار	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20	X21	---
max	۰/۰۴۵	۰/۰۳۲	۰/۰۲۴	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸	۰/۰۳۳	۰/۰۳۸	۰/۰۲۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۵	---

منبع: (محاسبات نگارندگان بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳)

مرحله پنجم: تعیین فاصله i مین آلترناتیو حداقل (پایین‌ترین عملکرد هر شاخص) که هم در ماتریس V در برابر گزینه MIN و هم در فرمول (A^-) نشان داده شده است.

$$A^- = \{(\min_i v_{ij} | j \in j_1), (\max v_{ij} | j \in J)\}$$

جدول (۷) - جدول ایده آل های منفی شاخص ها A^-

معیار	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11
max	۰/۰۱۵	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵
معیار	X12	X13	X14	X15	X16	X17	X18	X19	X20	X21	---
max	۰/۰۱۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	---

منبع: (محاسبات نگارندگان بر اساس یافته های پژوهش، ۱۳۹۳)

مرحله ششم: تعیین معیار فاصله ای برای گزینه ایده آل (S_i^+) و گزینه حداقل (S_i^-). در این مرحله از طریق روابط زیر معیار فاصله ای برای آلترناتیو ایده آل (S_i^+) و آلترناتیو حداقل

$$S_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_i^+)^2} \quad (S_i^-) \text{ می سازیم.}$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_i^-)^2}$$

حاصل این روابط در جدول های شماره (۸) و (۹) نشان داده شده است.

جدول (۸) - جدول تعیین فاصله از حداکثرها

$S_1^* = 0/07316$	$S_2^* = 0/10173$	$S_3^* = 0/07382$	$S_4^* = 0/07403$	$S_5^* = 0/07539$
$S_6^* = 0/08960$	$S_7^* = 0/08142$	$S_8^* = 0/07644$	$S_9^* = 0/05872$	-----

منبع: (محاسبات نگارندگان بر اساس یافته های پژوهش)

جدول (۹) - جدول تعیین فاصله از حداقلها

$S_1^- = 0/04881$	$S_2^- = 0/01972$	$S_3^- = 0/05538$	$S_4^- = 0/05995$	$S_5^- = 0/06362$
$S_6^- = 0/03514$	$S_7^- = 0/04021$	$S_8^- = 0/04345$	$S_9^- = 0/08421$	-----

منبع: (محاسبات نگارندگان بر اساس یافته های پژوهش)

مرحله هفتم: در این مرحله از طریق رابطه $C_i^+ = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$ ضریب (C_i^+) را برای هر کدام از

شهرستان ها محاسبه کرده ایم که نتایج آن در جدول شماره (۱۰) قابل مشاهده می باشد.

مرحله هشتم: رتبه بندی آلترناتیوها بر اساس میزان C_i^+ . این میزان بین صفر و یک در نوسان

است. در این راستا $C_i^+ = 1$ نشان دهنده بالاترین رتبه و $C_i^+ = 0$ نیز نشان دهنده کمترین رتبه

است.

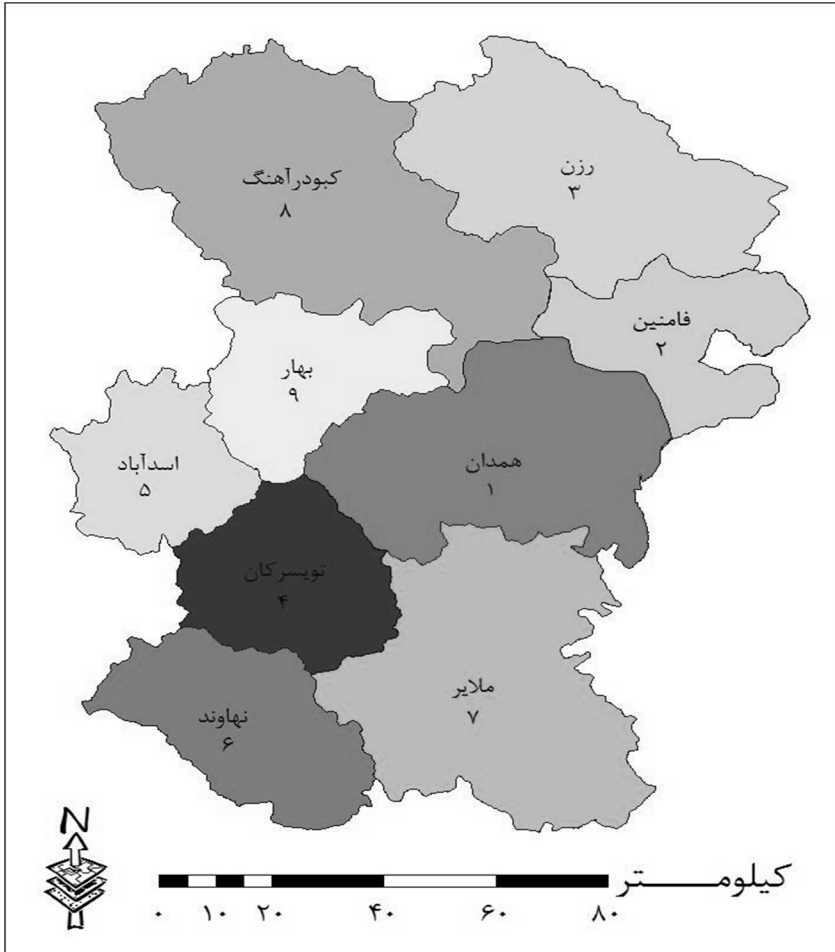
جدول (۱۰) - امتیاز و رتبه‌بندی نهایی شهرستان‌های استان همدان
بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

رتبه	امتیاز نهایی C_i^+	شهرستان
۵	۰/۴۰۰۱۵۸	اسدآباد
۹	۰/۱۶۲۳۷۵	بهار
۴	۰/۴۲۸۶۶۶	تویسرکان
۳	۰/۴۴۷۴۴۷	رزن
۲	۰/۴۵۷۶۵۹	فامنین
۸	۰/۲۸۱۶۶۷	کبودرآهنگ
۷	۰/۳۳۰۶۱۱	ملایر
۶	۰/۳۶۲۴۰۰	نهاوند
۱	۰/۵۸۹۱۷۲	همدان

منبع: (محاسبات نگارندگان)

بر اساس نتایج حاصل از تکنیک TOPSIS شهرستان‌های همدان با امتیاز نهایی ۰/۵۸۹۱۷۲ رتبه اول، فامنین با ۰/۴۵۷۶۵۹ دارای رتبه دوم و رزن با امتیاز نهایی ۰/۴۴۷۴۴۷ دارای رتبه سوم می‌باشند و سه شهر بهار با امتیاز نهایی ۰/۱۶۲۳۷۵، کبودرآهنگ با امتیاز ۰/۲۸۱۶۶۷ و شهرستان ملایر با امتیاز ۰/۳۳۰۶۱۱ به ترتیب دارای رتبه‌های آخر است که این مهم نیازمند برنامه‌ریزی‌های اساسی در زمینه توسعه زیرساخت‌های بهداشت و درمان در سطح شهر همدان است تا اینکه همه شهروندان بتوانند به نماگرهای بهداشت و درمان دسترسی عادلانه‌ای داشته باشند. نقشه زیر رتبه‌های شهرستان‌های استان همدان را در زمینه شاخص‌های بهداشت و درمان نشان می‌دهد.

شکل (۲): رتبه بندی شهرستان‌های استان همدان بر اساس شاخص‌های بهداشت و درمان

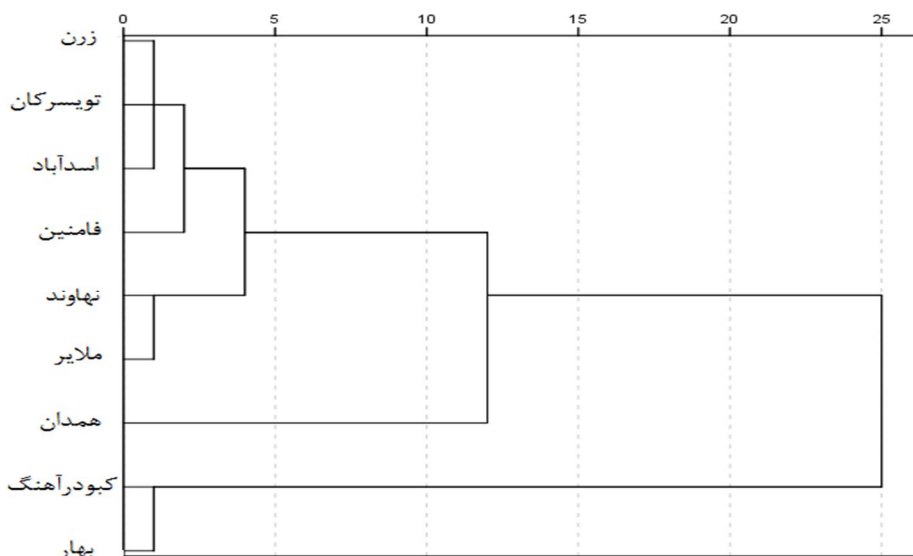


سطح بندی شهرستان‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌ای

پس از انجام مراحل تکنیک TOPSIS و محاسبه مجموع امتیازات هر یک از شهرستان‌ها و تعیین جایگاه آنها در زمینه شاخص‌های انتخابی، به سطح بندی شهرستان‌ها پرداخته شده است. برای سطح بندی شهرستان‌ها در گروه‌های همگن از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی به جهت کاربرد بیشتر در مطالعات جغرافیایی بهره گرفته شده است. بر این اساس با توجه به هدف

پژوهش و داده‌های آماری از روش پیوند متوسط که یکی از روش‌های تشکیل خوشه‌های تراکمی در روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی است بدین منظور با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌ای شهرستان‌های استان همدان از لحاظ شاخص‌های بهداشتی و درمانی و با توجه به امتیازات آنها در تکنیک تاپسیس به سه خوشه همگن (شهرستان‌های برخوردار، شهرستان‌های نیمه برخوردار، شهرستان‌های محروم) دسته‌بندی شده‌اند. (شکل شماره ۱).

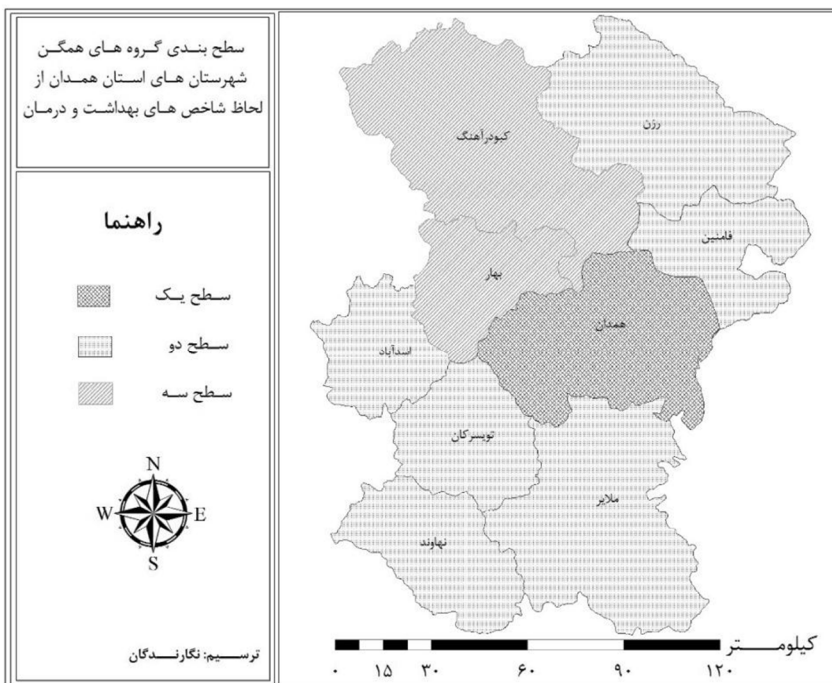
شکل (۳): نمودار شاخه درختی شهرستان‌های استان همدان



شهرستان همدان به تنهایی و با اختلاف قابل توجهی نسبت به سایر شهرستان‌ها در سطح اول قرار گرفته است که در اغلب شاخص‌های توسعه بهداشت و درمان وضعیت بهتری نسبت به سایر شهرستان‌ها دارد. سطح دوم شامل شهرستان‌های ملایر، نهادوند، فامنین، اسدآباد، تویسرکان و زرن است و در نهایت در آخرین سطح از توسعه شهرستان‌های بهار و کیودراهنگ قرار گرفته‌اند که این دو شهرستان از لحاظ شاخص‌هایی مانند خانه‌های بهداشت روستایی، مراکز بهداشتی درمانی روستایی، تخت‌های فعال مؤسسات درمانی، تعداد پزشکان متخصص و تعداد داروخانه‌ها دارای وضعیت بسیار بد بوده و اختلاف زیادی با سایر شهرستان‌ها دارند. سطوح همگن در بین

شهرستان‌های استان همدان به لحاظ شاخص‌های بهداشت و درمان در شکل شماره (۳) نشان داده شده است.

شکل (۴): سطح بندی گروه‌های همگن شهرستان‌های استان همدان



نتیجه گیری

امروز موضوع خدمات درمانی یک استراتژی ضروری و الزام آور برای ارتقای سلامتی همگانی و به شکل گسترده به عنوان راه حلی جهانی به منظور بهبود کیفیت بهتر زندگی و جمعیت در جهان به شمار می‌رود. از این رو پذیرفته شده که سلامتی از حقوق کلیه افراد جامعه می‌باشد و شاخص‌ها نشان دهنده سلامت در جامعه از عوامل مهم در نمایش سطح توسعه مناطق می‌باشد. در این ارتباط ضروری است که در اختصاص سهم اعتبارات مربوط به نماگرهای بهداشت و درمان با یک تجدید نظر اساسی نگرسته شود تا همه از فواید این مهم در زندگی اجتماعی‌شان

بهره ببرند. از آنجا که مقوله سلامت محور اصلی توسعه جوامع و مناطق در جهت حرکت به سمت یک زندگی با نشاط و کیفیت بالا می‌باشد بهبود سلامت و کیفیت زندگی به گستردگی فراوان و قابل دسترس بودن تسهیلات بهداشتی درمانی با هزینه‌های مناسب وابسته است. اما در این ارتباط آنچه که در این زمینه به نابرابری دامن می‌زند وسعت مناطق، پراکندگی جمعیت و جمعیت اندک در روستاهای دور افتاده از مراکز شهرستان‌ها یا استان‌ها می‌باشد. قابلیت دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی بر توانایی یک جمعیت برای به دست آوردن مجموعه مشخصی از خدمات مراقبتی در این خصوص متمرکز می‌شود. عدالت در سلامت به جلوگیری از ایجاد تفاوت‌های قابل اجتناب، و همچنین به وجود آوردن فرصت‌های یکسان بهره‌مندی از سلامت، اشاره دارد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و درمانی نقش مهمی در ارتقای سلامت، امنیت و آرامش جامعه داشته و از سویی شاخصی مهم در راستای تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید. در این راستا در مقاله‌ی حاضر تعداد ۲۱ شاخص بهداشتی درمانی در سطح ۹ شهرستان استان همدان با استفاده از مدل TOPSIS و AHP مورد بررسی قرار گرفته است تا میزان توسعه‌یافتگی و جایگاه هر کدام از شهرستان‌ها از لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی درمانی مشخص گردد. پس از شناسایی معیارهای مؤثر، جهت اختصاص وزن به هر یک از آنها بر اساس نظر ۳۰ نفر از کارشناسان بخش بهداشت و درمان اقدام به مقایسه زوجی معیارها با روش تحلیل سلسله مراتبی گردید. نتایج وزن دهی نشان داد که مؤسسات درمانی فعال با وزن ۰/۰۷۲، پزشک عمومی با وزن ۰/۰۶۹ و خانه‌های بهداشت فعال روستایی با وزن ۰/۰۶۷ بیشترین اهمیت را در بین معیارها دارند و به عنوان شاخص‌های اصلی توسعه بهداشت و درمان شناخته می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهرستان همدان با توجه به اینکه مرکز سیاسی اداری استان است با امتیاز ۰/۵۸۹۱۷۲ در رتبه اول توسعه شاخص‌های بهداشت و درمان قرار دارد و شهرستان‌های کبودرآهنگ و بهار با اختلاف زیادی نسبت به آن به ترتیب با امتیازهای ۰/۱۶۲۳۷۵ و ۰/۲۸۱۶۶۷ در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند و به لحاظ شاخص‌های بهداشتی درمانی شرایط نامناسبی دارند، که نیازمند توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای می‌باشد. نهایتاً توجه به نتایج حاصل از این پژوهش در ارتباط با توزیع فضایی مناسب و رسیدن به تعادل و تحقق عدالت فضایی در دسترسی به شاخص‌های بهداشتی درمانی در سطح شهرستان‌های استان همدان راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

راهکارها

با توجه به شکاف و نابرابری موجود میان شهرستان‌های استان، در وهله اول عمده‌ترین تأکید این پژوهش بر اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در راستای کاهش نابرابری‌ها میان شهرستان‌ها مبتنی است که در این زمینه یک اولویت‌بندی زمانی و مکانی از شهرستان‌ها به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

- برنامه زمانی کوتاه مدت باید شهرستان‌های واقع در سطح آخر توسعه خدمات بهداشت و درمان را در اولویت قرار دهد که به ترتیب شامل سه شهرستان بهار، کبودر آهنگ می‌باشند.

- شهرستان‌های نهادی، تویسرکان، اسدآباد، رزن، ملایر و فامنین که در سطح دوم توسعه قرار دارند، در اولویت دوم توسعه قرار می‌گیرند و مشمول برنامه‌های میان مدت توسعه خدمات بهداشت و درمان می‌شوند.

- شهرستان همدان که دارای وضعیت بهتری نسبت به سایر شهرستان‌ها در زمینه توسعه زیرساخت‌های بهداشت و درمان هستند را می‌توان در ظرف برنامه‌های طولانی مدت توسعه شاخص‌های خدمات بهداشت و درمان در استان قرار داد.

در نهایت جهت بهبود وضعیت شهرستان‌های محروم از لحاظ شاخص‌های بهداشتی درمانی در میان شهرستان‌های استان و برای اینکه خدمات بهداشت و درمان بتواند نقش مؤثری را در زمینه توسعه شهرستان‌ها ایفا کند، راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

افزایش تعداد مراکز درمانی و خانه‌های بهداشت روستایی که از شاخص‌های مهم این پژوهش بوده‌اند و می‌توانند سهم مهمی در ارتقای جایگاه نواحی محروم داشته باشند.

اولویت دادن به شهرستان‌های بهار و کبودر آهنگ در ارائه خدمات بهداشتی درمانی با توجه به اختلاف زیاد آنها با سایر شهرستان‌ها.

جلوگیری از تمرکز خدمات و زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی در شهرستان‌هایی که در وضع موجود در شرایط بهتری قرار دارند.

تعدیل در توزیع و پراکنش امکانات و تسهیلات بهداشتی درمانی با رویکرد عدالت‌محور و با توجه به فاکتور بسیار مهمی چون جمعیت.

اختصاص نیروی انسانی متخصص و غیرمتخصص به شهرستان‌های کمتر توسعه یافته.

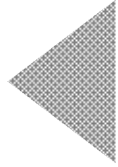
منابع

- الوانی، مهدی و علی‌اصغر پورعزت (۱۳۸۲)، عدالت اجتماعی، شالوده توسعه پایدار، **فصلنامه کمال مدیریت**، شماره ۲ و ۳ پاییز، صص ۲۹-۱۷.
- الیاس‌پور، بهنام؛ الیاس‌پور، داریوش و علی حجازی (۱۳۸۵)، میزان توسعه‌یافتگی بخش بهداشت و درمانی شهرستان‌های استان خراسان شمالی به روش تاکسونومی عددی در سال ۱۳۸۵، **مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی**، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۸-۲۳.
- باقیانی مقدم، محمدحسین و محمدحسن احرام پوش (۱۳۸۳)، **اصول و کلیات خدمات بهداشتی**، یزد، انتشارات شب‌نم دانش با همکاری انتشارات چراغ دانش.
- پورمحمدی، محمدرضا، رنجبرنبا، بهزاد، ملکی، کیومرث و شفاعتی، آرزو (۱۳۹۱). تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره ۱ اول، صص ۱-۲۴.
- تقوایی، مسعود و شاه‌یوندی، احمد (۱۳۸۹)، پراکندگی خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های ایران، **فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۵۳-۳۳.
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، **برنامه‌ریزی ناحیه‌ای**، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۹۰)، **کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای**، انتشارات علم نوین، چاپ دوم.
- ذاکر حقیقی، کیانوش؛ مسلسل، عبدالله و امیر رحمانی (۱۳۹۱)، ارزیابی توسعه‌یافتگی بخش مسکن در مناطق جنوبی استان همدان با استفاده از تحلیل خوشه‌ای، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۹-۷۰.
- راهنما، محمدرحیم (۱۳۷۲)، سطح‌بندی نظام شهری و توسعه منطقه‌ای: مطالعه موردی: استان خراسان، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۴.
- زنگی‌آبادی علی؛ عزیزاده، جابر و احمدیان، مهدی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (با استفاده از تکنیک TOPSIS و AHP)، **فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، سال چهارم، شماره اول، صص ۸۴-۶۹.
- سایه‌میری، معصوم و سایه‌میری، کورش (۱۳۸۰)، رتبه‌بندی وضعیت بهداشت و درمان شهرستان‌های ایلام با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی، **مجله علمی علوم پزشکی ایلام**، سال هشتم، صص ۵۴-۳۰.
- سپهردوست، حمید (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر توسعه‌یافتگی از دیدگاه شاخص‌های سلامت، **مجله مدیریت اطلاعات سلامت**، دوره هشتم، شماره دوم، صص ۸-۱.
- شایان، علی (۱۳۸۵)، **کاربرد تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره در انتخاب راهبرد مناسب جهت انجام پروژه فناوری اطلاعات**، سازمان مدیریت صنعتی ایران.

- ضرابی، اصغر و شیخ‌بیگلو، رعنا (۱۳۹۰)، سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۱۲۷.
- ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال و رخشانی نسب، حمیدرضا (۱۳۸۷)، تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشت و درمان، **فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۲۷، صص ۲۱۳-۲۳۳.
- طحاری دستجردی، محمدحسین؛ بابایی میدی، حمید و علی مروتی شریف‌آبادی (۱۳۹۰)، رتبه‌بندی استان‌های جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بهداشت و درمان، **دو ماهنامه مدیریت اطلاعات سلامت**، دوره نهم، شماره سوم، صص ۳۵۶-۳۶۹.
- فنی، زهره (۱۳۸۲)، شهرنشینی، توسعه شهری و شیوه‌های همزیستی با بیابان در ایران، **نشریه علمی-پژوهشی صفه**، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۳۲-۴۰.
- فیروزپور، شنو؛ شیوا، محمد و پور زمانی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، بررسی و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش بهداشت و خدمات بهداشتی استان‌های ایران، **مجله تحقیقات نظام سلامت**، صص ۱۱۷-۱۰۲.
- قدیری معصوم، مجتبی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان گلستان، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۳، صص ۱۷۰-۱۴۷.
- قبری هفت چشمه، ابوالفضل و حسن‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، شماره پنجم، صص ۲۲-۱.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۲)، **پژوهش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی (با استفاده از نرم‌افزار spss)**، انتشارات شریف، چاپ اول، تهران.
- محمدی، جمال و ایزدی، ملیحه (۱۳۹۰). رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس تصمیم‌گیری چند شاخصه، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دوازدهم، شماره ۴۴، ۱۹۸-۱۷۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، **نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن استان همدان**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۰۶-۱۷۹.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۰)، راهبردهای در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، بهار، صص ۲۹۲-۲۸۰.
- نیک پور، بهمن (۱۳۵۸)، **بهداشت و درمان در روستاهای چهارمحال و بختیاری**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- Gallegos, M.T., G.A., Ritter. (2005), Robust Method for Cluster Analysis, *The Annals of Statistics*, Vol. 33, No. 1.
- Johnson, E.A, *The organization of Space in Developing Country*, Mass, Cambridge.
- shankar, R. and Shah, A., (2003), Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities, *World Development*, Vol. 31, No. 8, pp. 1421–1441.
- O. Jadidi, T.S. Hong, F. Firouzi, R.M. Yusuff, N. Zulkifli(2008), *TOPSIS and Fuzzy Multiobjective Model Integration for Supplier Selection Problem*, Department of Mechanical and Manufacturing Engineering, University Putra Malaysia, 31 (2): 762-769.
- Toms, M.L., et al (2001), *Using Cluster Analysis for Deriving Menu Structures for Automotive Mobile Multimedia Applications*, SAE 2001 World Congress Detroit, Michigan March 5-8.
- Whitaker, R, (2001), *Validation examples of the Analytic Hierarchy Process and Analytic Network Process*, Creative Decisions Foundation, Pittsburgh, USA

تبیین مؤلفه‌های اصلی مدیریت کلان مساجد کشور



مهدی ناظمی اردکانی^۱

عباس بابایی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۳/۱۲/۱۵)

چکیده

بی‌گمان مهم‌ترین اصل لازم جهت مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی، ساماندهی آنهاست. نخستین گام در راه ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی تدوین مبانی، اصول، نقشه راه و ایجاد پیش و درک مشترک از هدف است. ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی عبارت از انسجام‌بخشی دستگاه‌های فرهنگی در قالب نظام فرهنگی از طریق اصلاح نقش‌ها و کارکردها و تحول در ساختارها و تنظیم روابط و مناسبات بین آنها، در جهت افزایش بهره‌وری و کاهش تعارض‌های کارکردی است. زمانی که مجموعه دستگاه‌های فرهنگی کشور در تعامل با مجموعه دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی کشور و جهان دیده شوند و نقش و وظیفه هر یک از دستگاه‌ها در تحقق اهداف کلان فرهنگی - نقشه جامع فرهنگی کشور - مشخص گردد، نظام جامع فرهنگی کشور ترسیم شده است. هدف این مقاله تبیین الزامات ساماندهی مساجد در نظام ج.ا.ا. است. این

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)، mnazemi32@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری رشته مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین(ع) (نویسنده مسئول)،
babaeeabbas54@yahoo.com

مقاله با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی مسائل و آسیب‌های مربوط به نهاد مسجد در سه حوزه کلی می‌پردازد: ۱. حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۲. عناصر، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط و دخیل در اداره مسجد؛ ۳. نهادها و سازمان‌های مذهبی و فرهنگی موازی با مسجد. این سه حوزه دربردارنده تمامی مسائل پیرامون مسجد است. براساس الگوی مفهومی ارائه شده، آسیب‌ها، علل بروز، پیامدها، و راه کارهای رفع آنها در این سه حوزه بررسی و الزامات ساماندهی مساجد در نظام اسلامی مشخص گردیده است.

واژگان کلیدی: ساماندهی، فرهنگ، دستگاه فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مسجد.

مقدمه

سیستم‌های اجتماعی که به جهت تشریک مساعی انسان‌ها و برای تسهیل دستیابی به اهداف او به وجود آمده‌اند، نقش مهمی را در جامعه کنونی بر عهده گرفته‌اند. بر این اساس باید بیش از پیش به نقش اثرگذار تمامی سیستم‌های اجتماعی کشور در جهت دستیابی به اهداف کلان فرهنگی توجه شود. با این وجود برخی از سیستم‌های اجتماعی نقش مؤثرتری بر فرهنگ دارند، که به عنوان دستگاه‌های فرهنگی شناخته می‌شوند.

با پذیرش نقش برجسته دستگاه‌های فرهنگی، لزوم ساماندهی آنها در جهت افزایش اثر بخشی این دستگاه‌ها بدیهی به نظر می‌رسد. با این همه، متأسفانه هنوز مجموعه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، یک مجموعه منسجم و مهندسی شده نمی‌باشند. بخشی از دستگاه‌های فرهنگی از گذشته باقی مانده‌اند و کارکردهایی سازگار با نیازهای فرهنگی امروز ندارند. این دستگاه‌ها عمدتاً وارداتی و تقلیدی بوده و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش شده که در آنها تحول صورت گرفته و تغییر کارکرد و ساختار پیدا کنند.

دسته‌ای از دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی نیز متناسب با نیازهای پس از انقلاب اسلامی، در عرض دستگاه‌های فرهنگی گذشته تأسیس شدند و در میان آنها، تعدادی توسعه یافته و مستقر می‌باشند و بعضاً هم در سایه سایر دستگاه‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند. فراتر از این‌ها، دستگاه‌های فرهنگی دینی کشور چون مساجد، هیئات، آستانه‌های مقدسه و حوزه‌های علمیه به عنوان نهادهای دیرپا و اصیل فرهنگی حضور دارند که هنوز جایگاه خود را به دست نیاورده‌اند. مسجد

از محوری‌ترین نهادهای دینی است. بررسی و مطالعه کامل پیرامون مجموعه نهادهای فرهنگی دینی مانند مسجد به صورت یک نظام جامع، قدم اول برای شکل‌دهی و مهندسی جایگاه مدیریت راهبردی آنها می‌باشد (ناظمی، ۱۳۸۹: ۱۱).

نقش کلیدی مسجد در شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی در صدر اسلام، امری غیرقابل انکار است. به گواهی تاریخ، پیامبر اکرم (ص) در اولین اقدام برای پایه‌گذاری حکومت اسلامی در مدینه، به ساخت مسجد همت گماشتند. مسجد، به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه و مرکز گردهمایی مسلمانان در طول تاریخ، افزون بر کارکرد عبادی، کارکردهای دیگری نظیر کارکرد آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی داشته است. این امر نشان از جایگاه و اهمیت بالای این مکان مقدس در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی دارد. می‌توان تأکیدات قرآن و روایات معصومان (ع) در مورد مسجد را نیز از همین منظر نگرینست. ساخت و آبادانی مسجد بارها مورد تأکید دین قرار گرفته و نتایج و آثار رفت و آمد به مسجد نیز در کلام معصومان (ع) به دفعات تکرار شده است (حر عاملی، ۴۰۹: ۱۹۷).

در طول تاریخ، جایگاه مسجد فراز و فرودهای فراوانی داشته است. نقطه اوج اثربخشی مسجد در جنبش‌های مذهبی و سیاسی تاریخ اسلام نمایان است؛ جنبش‌هایی مانند جنبش مختار، جنبش زیدبن علی و جنبش اصحاب فخ از مسجد آغاز شده است (الویری، ۱۳۸۶). در قرون جدید و با پیشگامی روشنگران و اصلاح‌گران اسلامی، مسجد پایگاهی مهم برای آغاز و هدایت جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بوده است (عابدی جعفری، ۱۳۸۴: ۲۱). در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، جایگاه رفیع مسجد در ایجاد حرکت‌های اجتماعی را بیش از پیش نمایان ساخت. در این انقلاب، مسجد به‌عنوان مهم‌ترین مرکز راهبری و اتاق فکر مبارزان، نقش سترگی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت. رهبران دینی انقلاب، مسجد را پایگاه اصلی خود قرار داده و با ایراد سخنرانی در مساجد، به روشنگری و هدایت آحاد افراد جامعه می‌پرداختند. در این دوره، مسجد به وضعیت ایده‌آل خود نزدیک و بیشترین کارکرد مورد انتظار آن در این دوره احیا شد.

به نظر می‌رسد به‌رغم جایگاه برجسته مسجد در آموزه‌های دین و نیز در تحولات تاریخی جوامع اسلامی، در عصر کنونی با ظهور فزاینده فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش ضریب نفوذ این فناوری‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، و نیز شکل‌گیری و

گسترش نهادهای فرهنگی موازی و رقیب، جایگاه کانونی نهاد مسجد دستخوش تغییراتی شده است. امروز در ایران اسلامی، مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه نشر دین، از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست. عدم اهتمام به ظرفیت‌های مسجد برای پیشرفت جامعه و عدم بهره‌گیری اقشار جامعه از ظرفیت‌های ارتباطی و اجتماعی مسجد، به‌عنوان اصیل‌ترین شبکه ارتباطی و زمینه‌ساز پیوند و اعتماد اجتماعی، سبب تنزل جایگاه و اهمیت این نهاد دینی در جامعه و بروز آسیب‌ها و چالش‌هایی در این زمینه شده است.

با توجه به اهمیت این واحد محوری فرهنگی و دینی در شئون اصلی کشور، ساماندهی مساجد عبارت است از انسجام‌بخشی مساجد در قالب نظام فرهنگی از طریق اصلاح نقش‌ها و کارکردها و تحول در ساختارها و تنظیم روابط و مناسبات بین آن‌ها، در جهت افزایش بهره‌وری و کاهش تعارض‌های کارکردی. در این مقاله به بررسی ساماندهی فعالیت‌های اصلی فرهنگی در مساجد می‌پردازیم.

ضرورت و اهمیت ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی

رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاهی کلان‌نگر، بارها به وجود ناهماهنگی بین دستگاه‌های فرهنگی کشور اشاره کرده و لزوم ساماندهی آن‌ها را به مسؤولان توصیه نموده‌اند (رهبر معظم انقلاب، ۸۶/۴/۶). دشمنان انقلاب اسلامی که در مواجهه با الهام‌بخشی این نهضت مقدس دینی، از طریق تهاجم سخت و محاصره اقتصادی راه به جایی نبردند، چاره را در براندازی نرم و شکل‌دهی ناتوی فرهنگی بجای ناتوی نظامی در مقابله با نظام ج.ا.ا و انقلاب اسلامی ایران یافته‌اند. ساماندهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و هماهنگی و مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی کشور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و باید با درایت، سرعت و دقتی فراوان به آن پرداخته شود.

حوادث غم‌بار هشت ماه هجوم رسانه‌ای گسترده و جنگ نرم هماهنگ دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، با هدف انجام کودتای رنگین، در پی خدشه به حماسه ملی انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و ناکامی نهایی آن‌ها به موجب رهبری داهیانیه مقام معظم رهبری و مقاومت جانانه پیروان ولایت، به خوبی نشانگر ضرورت و اهمیت تحول و ارتقا کارآمدی و انسجام هر چه بیشتر در مجموعه دستگاه‌های فرهنگی برای مقابله مستمر با جنگ نرم دشمن می‌باشد.

مقدمه لازم جهت مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی، ساماندهی آنهاست. نخستین گام در راه ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی تدوین مبانی، اصول نقشه راه و ایجاد بینش و درک مشترک از هدف، مختصات، و روش‌شناسی آن است. چرا که لازمه سامان رهروان، سامان راه توسط راهبر است. دستیابی به این مهم در گرو ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی کشور خواهد بود (نظام‌نامه ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی کشور، ۱۳۹۰).

تعریف مسجد

«مسجد» اسم مکانی است که سجده در آن انجام می‌شود، یعنی جای سجده (فرهنگ معین، ۱۳۷۷: ۴۱۰۶)، مانند خانه‌ای که به خاطر سجده برای خدا ساخته می‌شود. از مسجد به عنوان محلی که نام خدا را در آن می‌برند (عبادت) یاد شده است. «مساجد» هم جمع «مسجد» است که معبد مسلمانان است. در حقیقت مسجد مکانی است برای عبادت و راز و نیاز با خالق هستی که در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. مسجد مکان ارشاد و تبلیغ مسائل، معارف و احکام اسلام است. «مسجد خانه خدا و محل طرح مسائل دنیوی و اخروی مسلمین است».

از نظر شکلی نیز «مساجد اولیه مسلمین قطعه زمینی وسیع و مربع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و دارای مأذنه نبود. اما اکنون اغلب مساجد دارای قسمتی است میانی به نام صحن که گاهی نیز مسقف است و در اطراف آن چهار رواق دارد که وسیع‌ترین آن رواق قبله است که محراب نیز در آنجا قرار دارد. نخستین مسجد را حضرت محمد (ص) در مدینه و در کنار خانه خود ساخت. سپس خلفا و حاکمان و پادشاهان بر وسعت آن افزودند و در تزیین آن کوشیدند. در فاصله قرن اول و دوم هجری در عهد امویان با همکاری معماران بیزانسی شیوه معماری یونانی در ساختمان مساجد به کار رفت اما مسلمانان در آن تغییراتی دادند چنانکه به مرور زمان برخی از کلیساها به مسجد تبدیل شد. یعنی جهت بنا را از مشرق به سوی مکه تغییر دادند. در پاره‌ای مساجد، سنت معماری ایرانی عصر ساسانی نیز ملحوظ گشته است. نام برخی از مساجد مهم اسلامی عبارتند از: «مسجد الاقصی، مسجد الحرام، مسجد قبا، مسجد النبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهرشاد» (زرین چیان، ۱۳۸۱: ۲۲).

مسجد در قرآن

«در قرآن کریم کلمه مسجد مجموعاً ۲۸ مرتبه ذکر شده است. از کل آیاتی که کلمه مسجد در آن‌ها یاد شده در پانزده مورد، کلمه مسجد با پسوند «الحرام» (مسجد الحرام) و پنج مرتبه، مسجد به تنهایی آمده است، یک مورد نیز مسجد با پسوند «الاقصی» (مسجد الاقصی) و یک مرتبه، مسجد با پسوند «ضرار» (مسجد ضرار) آمده و در شش مورد کلمه مسجد به صورت جمع (مساجد) وارد شده است. بیشترین آیاتی که نازل شده و موضوع مسجد در آن مطرح گردیده، مشعر به مسجد به معنای خاص است و صریحاً درباره موضوع عام مسجد سخنی نگفته است. هر چند امکان بهره‌برداری از آنها جهت آشنایی با مسجد و شرایط آن مسدود نمی‌باشد» (باقی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

۱- قرآن معابد قبل از اسلام را مسجد خوانده است، یعنی جایی که خدا در آنجا خوانده شود. قرآن در یک جا به فرزندان حضرت آدم (ع) خطاب می‌کند «زینت‌های خود را هنگام مسجد رفتن برگزینید» (اعراف / ۳۱) و در جایی دیگر خطاب به بنی اسرائیل می‌گوید «داخل مسجد می‌شوند چنانکه اولین بار داخل شدند». (اسراء / ۷) این آیات نشانگر آن است که مسجد محل عبادت و عبادتگاه است.

۲- قرآن بر پایه عرف به مکانی که به اسم مسجد ساخته می‌شود، مسجد می‌گوید. هر چند که از تمام اهداف عالی مسجد تهی بوده و حتی نماز خواندن در آن ممنوع و حتی تخریب آن لازم باشد، مانند مسجد ضرار که قرآن با همین عبارت (مسجد ضرار) از آن یاد می‌کند.

۳- مسجد به معنای سجده‌گاه، اعضای هفتگانه سجده در بدن نیز در قرآن آمده است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «به درستی که مساجد (سجده‌گاه‌ها) از آن خداست و کسی را با خدا نخوانید». بنا بر قول مشهور معنای این آیه مواضع سجده است.

۴- چهارمین تعریفی که از کلمه مسجد در قرآن به دست می‌آید، این است که مسجد به معنای همین مسجد معمولی و عرفی است. البته گاهی به معنی مساجدی خاص، مثل مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد قبا و گاهی نیز به معنای عام آن یعنی همین مساجدی که در عرف امروز معمول است، متذکر گردیده است.

۵- مسجد به معنای بیوت (خانه‌های) پیامبران در قرآن وارد شده (باقی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

کارکردهای مساجد در طول تاریخ

واژه کارکرد در ادبیات علم جامعه‌شناسی به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد. یک رشته کنش اجتماعی منظم، کارکرد اجتماعی نامیده می‌شوند.

باید توجه نمود که این تعریف از «کارکرد»، تعریفی جامعه‌شناختی از ترجمه کلمه یادشده می‌باشد. همین واژه در ادبیات علم مدیریت نیز استفاده می‌شود. واژه یاد شده در ادبیات علم مدیریت معنای بسیار محدودتری نسبت به علم جامعه‌شناسی دارد که علمای مدیریت آن را مترادف «فعالیت اصلی» یا حتی «وظیفه کلی» برای یک بخش سازمانی دانسته‌اند.

هر چند کارکرد ابتدایی و اصلی مساجد، کارکرد نیایشی آن بوده است و از مساجد به عنوان محلی برای برگزاری آیین‌ها و عبادات جمعی استفاده می‌شده است اما به هیچ وجه این کارکرد، تنها کارکرد مساجد نبوده است. همان‌طور که قبل از این هم ذکر گردید روح جمعی در بسیاری از دستورهای اسلام و عبادات اسلامی وجود دارد و علاوه بر آن اسلام اهمیت بسیار زیادی برای اجتماع مؤمنین قائل است. یکی از دلایلی که تنها امور عبادی صرف در مساجد انجام نمی‌شده، تعریف اسلام از عبادت می‌باشد. اسلام هر عملی را که به قصد قربت به خداوند متعال انجام گیرد، عبادت برمی‌شمارد. با این پیش‌زمینه و همچنین به تأسی از سیره و سنت نبوی مساجد توانستند در زمینه‌های بسیاری در جوامع اسلامی نقش ایفا نمایند و خلأ وجودی بسیاری از نهادها را پر نمایند.

کارکرد عبادی

«خداوند هدف خلقت انسان را عبادت خود می‌داند و بهترین مکان برای این کار، مسجد است. از آیه کریم قرآنی «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ...» (بقره / ۱۱۴) استفاده می‌شود که مساجد محل عبادت و پرستش الهی است (ناظمی، ۱۳۷۹: ۱۵۵).

- مسجد شریف‌ترین مکان برای خضوع و سجده بر درگاه الهی و از خود گذشتن و به خدا رسیدن است و نماز از جمله عباداتی است که در مسجد انجام می‌گیرد و گزاردن نماز در آن نسبت به مکان‌های دیگر ثواب بسیار بیشتری دارد. به یقین اگر نماز به جماعت برگزار شود ثواب آن باز هم به مراتب بیشتر خواهد بود.
- از جمله عبادات در مسجد، نماز بزرگ جمعه است که کار عبادی - سیاسی مسلمانان است که هر هفته در شهرهای مهم کشور جمع می‌شوند، هم خدا را می‌پرستند و هم در برابر دشمنان دینی آمادگی خود را اعلام می‌دارند. نماز در مسجد آن قدر ارزش دارد که حتی انتظار در مسجد برای برپایی نماز، خود عبادت است و رسول خدا(ص) در این مورد می‌فرماید: «نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادامی که حدثی از او سرنزند. عده‌ای پرسیدند: ای رسول خدا حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن» (مجلسی، ج ۸۳: ۳۸۴).
- از دیگر عباداتی که در مسجد انجام می‌گیرد دعا و مناجات است، اعتکاف نیز عبادتی است که در مسجد انجام می‌گیرد. «مراسم دیگری مثل خطبه‌های اخلاقی و دینی، عزاداری امام حسین(ع)، ختم اموات و انواع جلسات ذکر و قرائت قرآن که به طور معمول در مساجد انجام می‌شوند به واسطه محتوا با ماهیت (نیایشی) مسجد سنخیت پیدا کرده‌اند» (باقی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۴۲).

کارکرد علمی آموزشی

- بعد از کارکرد نیایشی، قوی‌ترین کارکرد مساجد در طول تاریخ، کارکرد آموزشی آنها است. این کارکرد بالاخص در دوران قبل از پیدایش نهادهای مدرن بسیار پر رنگ بوده؛ به گونه‌ای که در اکثر جوامع مسلمان سیستم تعلیم و تربیت حول محور مساجد شکل گرفته بود.
- «در روایتی رسول اکرم(ص) می‌فرماید: هر نشستی در مسجد بیهوده است مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، سؤال از علم و دانش (مجلسی، ج ۷۷: ۸۶).

ما در تاریخ نیز می‌خوانیم که پیامبر در مسجد خویش آیه‌های قرآن، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. جلسات آموزشی نیز با عدم حضور آن حضرت ادامه می‌یافت؛ زیرا استاد و مدرس کلاس‌های آموزشی مسجد النبی، تنها پیامبر نبود. افراد دیگری نیز که از صلاحیت‌های علمی لازم برخوردار بودند، اداره این جلسات را بر عهده داشتند: عبدالله بن رواحه که شخصیتی علمی بود جلسات مربوط به توحید و معاد و مسائل اعتقادی را اداره می‌کرد.

برخورداری مسجد از کارکردهای مختلف و متنوع

با نگاهی گذرا به تاریخ از صدر اسلام تاکنون در می‌یابیم که مسجد از آغاز پیدایش تاکنون به عنوان مرکز ثقل رسالت پیامبر، منشأ تحولات و خدمات و پایگاهی برای ابلاغ پیام‌های الهی و وحی و بسط رسالت به شمار می‌رفته است. مسجد مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین بوده است و پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز بسیاری از دستورات الهی و مشورت‌های اجتماعی، نحوه اداره حکومت و سیاست‌های جنگی، بسترسازی فرهنگی، احکام و اعمال عبادی را در مسجد انجام می‌داده و در کنار اعمال و انجام فرایض دینی، مساجد به عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و آموزشی محسوب می‌شده است. در طول تاریخ نیز نه تنها از کارکردهای مسجد کاسته نشده بلکه به فراخور زمان و مکان بر تعداد کارکردهای آن نیز افزوده شده و مساجد بیش از پیش به نقش آفرینی و تحول‌سازی در سطوح جامعه ادوار گذشته پرداخته است.

پیامبرگرامی اسلام (ص) به عنوان اولین امام مسجد، هیچگاه نگاه تک بُعدی و کارکرد صرفاً عبادی و مناسکی به مسجد نداشتند. بلکه مسجد را به عنوان مکانی می‌دانستند که تمام امور مملکت را از آن‌جا اداره و هدایت می‌نمودند.

امروزه با توجه به اینکه نظام حاکم بر کشور ما یک نظامی است که غالباً شیوه‌ها و روش‌های حکومت‌داری آن برخاسته از مبانی دینی است و مسجد نیز پایگاه و خاستگاه بسط و ترویج دین‌داری و ولایت‌مداری است، بنابراین باید بسیاری از امور مختلف جامعه اسلامی در مسجد و به وسیله امام مسجد رتق و فتق گردد. حضرت امام خمینی (ره) نیز در همین ارتباط می‌فرمایند: «از مسجد باید امور اداره بشود. مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشد و اینطور نباشد که خیال کنند حالا که دیگر

ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است» (۱۳۵۹/۲۰/۴).

با مرور کارکردهایی که مسجد در طول تاریخ چه به شکل هم زمان و چه دوره‌ای انجام داده است، «می‌توان گفت مسجد دو نوع کارکرد اصلی و فرعی و یا دایمی و مقطعی داشته است. کارکرد اصلی و دائمی مسجد، کارکرد عبادی و مناسکی آن است که در طول تاریخ این کارکرد به‌طور مستمر همراه مسجد بوده و انقطاعی در این امر صورت نگرفته است. گرچه در راستای این کارکرد دورانی پرتسلط و گاهی دورانی با رکود و قصور داشته است که البته این امر نیز نشأت گرفته از شرایط جوامع، زمان، مکان و رویکردهای مسلمانان به امر عبادت بوده است. کارکردهای فرعی و مقطعی مسجد نیز دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها باعث تقویت این کارکردها در مسجد شده است. ویژگی اصلی این کارکردها در نوع رویکرد مؤمنان نسبت به فعالیت‌های موجود در آن نهفته است، چرا که اهل مسجد از باب آن که مؤمن‌اند در مقاطعی خاص انجام چنین اموری را برای خود واجب دیده و وظیفه خود پنداشته‌اند و این قبیل امور که مورد توجه مؤمنان با انگیزه‌های ایمانی و دینی است، چیزی نیست جز اموری که مؤمنان در اقدام به آن تقرب به درگاه الهی و تحصیل رضایت بارگاه ربوبی را در نظر دارند» (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۲).

از سوی دیگر اموری در جامعه اسلامی وجود دارد که در "مقاطعی از زمان جزو نیازهای ضروری جامعه قلمداد می‌شود ولی متولگی خاصی ندارد و نهادی خاص برای رتق و فتق آن در جامعه تأسیس نشده است. این گونه امور به محض ضرورت یافتن از نظر اجرا و اداره جزو امور قریبی خواهد بود که شارع مقدس، راضی به ترک آن نیست. لذا پرداختن به آن از واجبات کفایی است که بر متطوعینی که شرایط لازم را داشته باشند، متعین و در زمره امور عبادی قرار می‌گیرد که پرداختن به آن به قصد قربت و برای رضایت درگاه الهی خواهد بود و از آن جهت که در جامعه اسلامی این گونه امور قریبی و عبادی در مساجد تبلور می‌یابد، لذا اهل مسجد اولین اقدام‌کنندگان به آن امور هستند و در مکانی از مسجد، یا مجاورت آن و یا در صورت نیاز با احداث مکانی مناسب در مجاورت مسجد به آن می‌پردازند. امروزه تنوع‌پذیری در کارکردها و سهم‌پذیری در مسؤولیت‌ها برای رفع نیازهای ضروری جامعه در مسجد، نه تنها به قوت خود باقی است بلکه با تشکیل حکومت اسلامی و تقویت انگیزه‌ها و از طرفی ازدیاد مشارکت جوانان و

داوطلبان موقعیت بهتری را برای خود فراهم نموده است" (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴).

بر اساس بررسی‌های انجام شده در خصوص فعالیت‌ها، اعمال و افعال محقق شده در مساجد از آغاز شکل‌گیری آن تا به حال، کارکردهای متنوع زیر آورده شده است:

۱- کارکرد عبادی، ۲- کارکرد آموزشی، ۳- کارکرد فرهنگی، ۴- کارکرد تبلیغی، ۵- کارکرد علمی، ۶- کارکرد تعلیم و تربیت، ۷- کارکرد سیاسی، ۸- کارکرد اجتماعی، ۹- کارکرد ارزشی، ۱۰- کارکرد اخلاقی، ۱۱- کارکرد قضایی، ۱۲- کارکرد نظامی و امنیتی، ۱۳- کارکرد ارتباطی و رسانه‌ای، ۱۴- کارکرد هنری، ۱۵- کارکرد خدماتی - امدادی (تعاون)، ۱۶- کارکرد رفتاری، ۱۷- کارکرد روانی (روحی)، ۱۸- کارکرد درمانی، ۱۹- کارکرد بهداشتی، ۲۰- کارکرد تأمینی (پناهگاه) و بازدارندگی، ۲۱- کارکرد ادبی، ۲۲- کارکرد تاریخی، ۲۳- کارکرد تحولی (مبارزاتی)، ۲۴- کارکرد گردشگری و زیارتی، ۲۵- کارکرد اقتصادی، ۲۶- کارکرد ترغیبی (تشویقی)، ۲۷- کارکرد جبرانی، ۲۸- کارکرد ورزشی، ۲۹- کارکرد تکمیلی، ۳۰- کارکرد تأییدی و انکاری و ... (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴).

نقش کیفیت برنامه‌ها و خدمات مسجد در جذب افراد

با بررسی‌های به عمل آمده در یک پژوهش، این نتیجه حاصل شده است که بین ابعاد و شاخص‌های کیفیت خدمات، کیفیت برگزاری نماز و کیفیت تعامل امام و فعالان مسجد با مردم و محله مهمترین ابعاد کیفیت برنامه‌ها و خدمات مسجد می‌باشد. در بعد تنوع برنامه‌های مسجد، مهمترین برنامه، برنامه‌های نیایشی مانند نماز جماعت است. در بعد کیفیت خدمات نیز قابلیت اطمینان برگزاری نماز، حائز بیشترین توجه می‌باشد. توجه ویژه به این برنامه در مسجد و بهبود برگزاری و رفع کاستی‌های آن از نیازهای کنونی مساجد است. برگزاری تمامی وعده‌های نماز جماعت، تعیین جانشین برای امام مسجد در مواقع عدم حضور، برگزاری نماز جماعت به فاصله نزدیک به اذان، کوتاه کردن فاصله زمانی بین دو نماز، رعایت اعتدال و اختصار در نماز جماعت از پیشنهادهای لازم برای ارتقای کیفیت این شاخص است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵).

در همین راستا کم توجهی ارتباطی به نمازگزاران، اثربخشی مسجد را قویاً کاهش می‌دهد. تقویت مهارت انسانی امام مسجد در جهت حفظ و افزایش رابطه‌ای قوی با مخاطبان حاضر در مسجد و حتی افراد محله از دیگر راهکارهای افزایش اثربخشی مسجد است. عرضه الگو چه در

ابعاد آراستگی ظاهری، معنویت باطنی و کردار مبتنی بر تقوا به همراه تلاش و پشتکار زیاد برای امام مسجد ضروری است.

یکی از شاخص‌های با اهمیت در بعد کیفیت تعاملات، مسؤولیت محلی مسجد یا رعایت حقوق همسایگان است. متأسفانه در بسیاری از مساجد کشور به این قضیه عنایتی نمی‌شود و نتیجه آن، ایجاد نگرشی منفی نسبت به مقوله همجواری با مسجد است. از آنجا که در شرع مقدس اسلام تنها صدایی را که می‌توان از بلندگوی مسجد پخش کرد اذان است، پخش صدای قرائت قرآن، دعا و برخی مراسم از بلندگوی مساجد می‌تواند به عاملی در تضییع حقوق همسایگان مسجد بدل شود.

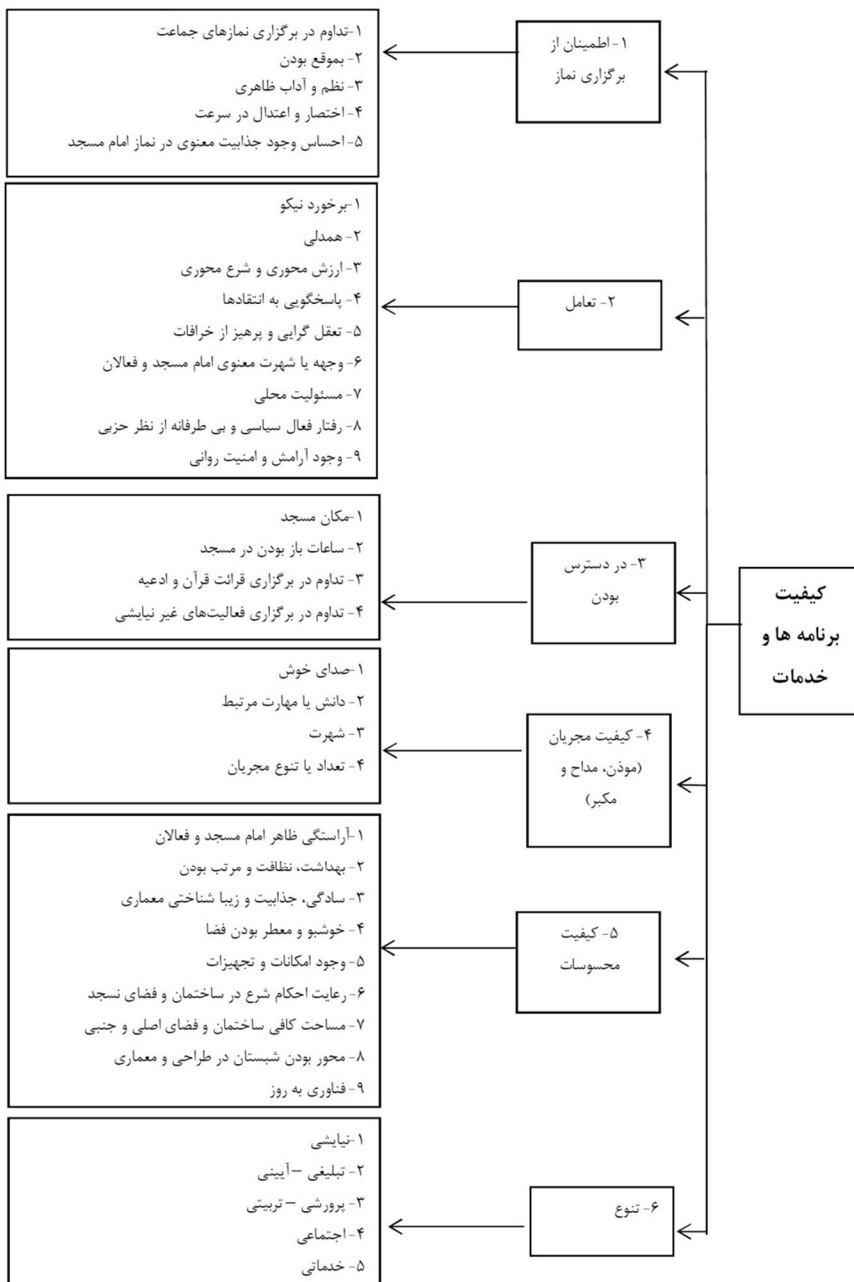
شاخص مهم دیگر در کیفیت خدمات مسجد، نداشتن رفتار حزبی یا قومی در مسجد است. با توجه به اینکه هر فردی سلیقه خاص سیاسی یا قومی دارد، در وقایعی مانند انتخابات رسمی در کشور، طرفداری و جانبداری از فرد یا گروه خاص می‌تواند باعث ایجاد انشقاق یا کدورت در مأمومین مسجد شود. نکته دیگری که می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات و برنامه‌ها منجر شود، تلاش برای ارتقای کیفیت مجریان است. در این زمینه باید برای بهبود شاخص‌های کیفیت مجریان از استادان، سخنرانان و مداحان توانمند و مشهور دعوت به عمل آید و مؤذنان و مکتبان خوش صدا در مسجد به قرائت اذان و دعا بپردازند.

مهمترین شاخصی که در بعد در دسترس بودن وجود دارد، مکان مسجد است. مکان‌یابی مناسب مساجد در محلات با در نظر گرفتن آسانی دسترسی به مساجد و مسجدمحور شدن محلات است. در این زمینه لازم است دستگاه‌های مربوط از جمله وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مکان‌یابی مناسبی برای مساجد را در طرح‌های توسعه شهری و روستایی مد نظر داشته باشند.

نکته بعدی در بعد کیفیت برنامه‌ها و خدمات مسجد توجه به وضعیت ظاهری و فیزیکی مسجد است. تأمین امکانات و تجهیزات مساجد از جمله وسایل سرمایشی و گرمایشی مناسب و حتی تجهیزات فناورانه روز مانند پروژکتور نقش مهمی را در این زمینه برعهده دارند. بعضی از شرایط، شرایط لازم و حداقلی برای حضور در مسجد است. رعایت شایسته نظافت و بهداشت مساجد اگر باعث جذب مخاطب بیشتر نشود، مطمئناً باعث حذف عامل دفع مخاطب به دلیل نبود محیط نا مناسب است. همچنین یکی از آسیب‌ها در بعد محسوسات در برخی مساجد، وجود تجملات

بر خلاف توصیه‌های شرع مقدس اسلام است. در این زمینه باید از تجمل‌گرایی در مساجد به دلیل تعارض آن با توصیه‌های دین و رعایت سادگی پرهیز شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶). نکته دیگر در تنوع برنامه‌های مساجد، تلاش برای تبدیل مساجد تک کارکردی به چند کارکردی از طریق افزایش تعداد برنامه‌های آنهاست. پیشرفت‌های فناوری و به وجود آمدن انواع سرگرمی‌ها همچون تلویزیون، رایانه و بازی‌های الکترونیکی ضرورت طراحی برنامه‌های جذاب خاص جوانان و نوجوانان را بیش از پیش نموده است. البته با توجه به محدودیت‌های فضای عبادی مسجد می‌توان برخی از این برنامه‌ها را فقط توسط مدیران مسجد هدایت کرد و آنها را در خارج از مسجد و در فضاهای مناسب همچون فضاهای فرهنگی و ورزشی و با نظارت کافی اجرا نمود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶).

نمودار کیفیت برنامه‌ها و خدمات مساجد



حوزه‌های مرتبط با مسجد

مسائل مربوط به مسجد در حوزه‌های گوناگونی رقم می‌خورد. این حوزه‌ها را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

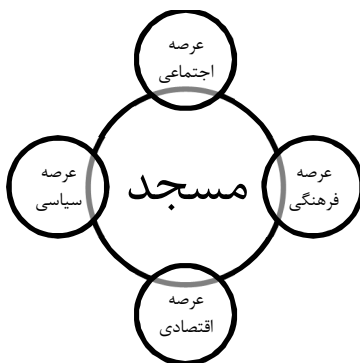
۱- عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران؛

۲- عناصر، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط و یا دخیل در اداره مسجد؛

۳- نهادها و سازمان‌های فرهنگی و مذهبی موازی با مسجد (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۳)

بخش عمده‌ای از مسائل مسجد به اوضاع و شرایط امروز جامعه ایران مربوط می‌شود. مسائل مسجد با مسائل گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیوند وثیقی دارد. بسیاری از آسیب‌ها، علل، پیامدها و راه کارهای بهبود و ارتقاء جایگاه مسجد در این حوزه‌ها قرار می‌گیرند. مسائلی نظیر مدیریت کلان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز در این حوزه با مسجد در ارتباط است.

شکل زیر بیانگر تعامل مسجد با این حوزه‌هاست:



نحوه ارتباط مسجد با عرصه‌ها و ساحت‌های مختلف جامعه

مدیریت مسجد از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است و به دانش و مهارت و شایستگی‌های قابل توجهی نیازمند می‌باشد. مدیریت عبارت است از: «فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته‌شده، که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می‌گیرد» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۶۳). بنابراین، مدیریت مسجد عبارت است از: «اداره یک

سازمان معنوی از طریق هماهنگ‌سازی منابع انسانی، مالی و مادی، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی (موظف رستمی، ۱۳۸۱: ۲۰). در واقع اداره مسجد با هماهنگ‌سازی و انسجام‌بخشی منابع انسانی، مالی و امکانات آن در جهت تحقق اهداف الهی مسجد می‌باشد (ناظمی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

مدیریت مسجد در سه سطح کلان، میانه و خرد قابل بررسی است. در لایه کلان مدیریت مساجد، حاکمیت و رأس نظام و نیز دولت و مجلس قرار می‌گیرند. در سطح مدیریت میانه مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی و سازمان‌های متولی امور مساجد جای می‌گیرند. مدیریت خرد مسجد نیز مدیریت بر لایه داخلی مسجد با محوریت امام جماعت است. در واقع، امام جماعت را مدیر مسجد می‌دانند.

مسجدداری از شئون ولی فقیه است. دولت اسلامی نیز وظیفه آبادانی و ساخت مسجد را عهده‌دار است. متولیان امور فرهنگی نیز در اموری نظیر تولید محتوا، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد دخیل‌اند. متولیان مستقیم اداره مسجد هم در جامعه ما پرشمارند؛ در لایه درونی مدیریت مسجد نیز امام جماعت، هیئت امناء، خادم، بسیج، کانون‌های فرهنگی - هنری، مأمومین و مخاطبان هم حضور دارند (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۸).

تبیین جایگاه سیاستگذاری‌های کلان نظام در حوزه مسجد

متأسفانه باید بپذیریم که تاکنون نتوانسته‌ایم آنچه‌شان که شایسته شأن و منزلت مسجد است، انتظار به حق اهالی مسجد را در عرصه سیاستگذاری‌های کلان نظام در حوزه مسجد در قالب برنامه‌های توسعه برآورده سازیم. شاید مهمترین دلیل آن را در کنار خلاء حضور یک نهاد رسمی و دولتی که خود را به عنوان مسئول مستقیم در این امر مهم پنداشته و مسئول تهیه قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها و نیز پیگیری مدام جهت تصویب و اجرای آن بداند، به عدم وجود نهادی مدنی و قدرتمند که توان و ظرفیت کمک در تهیه و تدوین برنامه‌های اصولی و مدون در فضایی مشارکت و تعامل با دستگاه‌های دولتی که در برگیرنده تمامی مسائل مبتلا به مساجد و جامع‌الاطراف در حوزه مسجد باشد، بدانیم. تا زمانی که این دو نهاد (دولتی و مردمی) در فضای مشترک مسجد نتوانند در ارتباط با ایجاد مدیریتی کارآمد و اثربخش که هدف غایی آن تشکیل «مسجد طراز اسلامی» در تمامی سطوح و لایه‌ها باشد، به رسمیت برسند، نمی‌توانند تمام شرایط،

بسترها و ابزار لازم را جهت اعتلاء جایگاه مساجد فراهم سازند و نقصان و کاستی‌ها را چه در حوزه سخت‌افزاری مساجد و چه در حوزه نرم‌افزاری و چه در حوزه منابع انسانی رفع نمایند و روز به روز به ارتقاء سطح کمی و کیفی فعالیت‌ها و برنامه‌های این پایگاه مقدس بپردازند (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

در ارتباط با چگونگی ایفای مسئولیت دولت در مساجد دو نظریه کاملاً متفاوت وجود دارد. عده‌ای معتقد بر عدم دخالت دولت در امر مسجد می‌باشند و این حضور را زمینه روگردانی و کاهش استقبال مردم در مدیریت و مشارکت فعال در مساجد می‌دانند. دلایلی را که این گروه برای صحت و تأیید نظرات خویش می‌آورند، به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد:

۱. مسجد یک نهاد مدنی و غیردولتی است و غالب مساجد کشور از صدر اسلام تا کنون توسط مردم با شکل‌دهی کمک‌های نقدی و جنسی و جاری ساختن سنت حسنه وقف بنا شده است. در ادوار گذشته که این همه مساجد در نهایت زیبایی و ظرافت ساخته شده است، مردم تمامی ذوق و سلیقه‌های خود را در مساجد به کار برده‌اند، دولت‌ها نقشی آن چنانی در ایجاد یا کمک به آن نداشته‌اند. (اگر چه مساجدی که در قالب مساجد سلطانی یا ارگ و ... مشهور بوده‌اند و توسط دولت‌ها ساخته شده‌اند، این ناشی از اهمیت و جایگاهی بود که مسجد در بین مردم دارا بوده و شاهان و سلاطین سعی نموده‌اند از طریق ساخت مساجد تظاهر به تدین و دینداری و استفاده از احساسات عام مردم نمایند). وقتی مردم خودشان هزینه ساخت و نگهداشت مساجد را می‌پردازند، تمایلی ندارند که در زمان بهره‌برداری، نهادهای دولتی و ... در مدیریت و اداره آن و چگونگی انتخاب ائمه جماعات و فعالیت و اجرای برنامه دخالت نماید. این عامل موجب کم میلی و عدم رغبت در ساخت و تجهیز مساجد می‌شود.

۲. عده‌ای که موافق حضور دولت هستند، اعتقاد دارند مساجد با توجه به گستردگی و وسعتی که در سطح کشور دارند، در توان مردم نیست (با توجه به شرایط معیشتی و وضع اقتصادی موجود) که بتوانند این حجم عظیم را ساخت و تجهیز و بازسازی نمایند. به همین خاطر ضروری است دولت به کمک مساجد بشتابد. به اعتقاد این گروه مردمی اداره شدن مساجد، یعنی همه چیز مساجد یله و رها باشد و دولت هیچگونه کمکی به این پایگاه‌های معنویت و انسان‌سازی ننماید؛ نگرشی درست و

عمیق به مقوله مسجد نیست و در تأیید ادعای خویش می‌گویند مگر دفاع مقدس ما مردمی نبود، آیا دولت نقشی در آن نداشت؟ مگر کشاورزی ما که مورد حمایت دولت است، مردمی نیست.

۳. به اعتقاد آنان همین دیدگاه (مردمی اداره کردن مسجد) سبب شده تا برخی شرکت‌های دولتی با مساجد معامله تجارتخانه‌ای نمایند. با عنایت و ملحوظ داشتن دو نظریه فوق آنچه که در این میان بیش از همه لازم و ضروری به نظر می‌رسد، تعیین حدود و ثغور دخالت دولت در مساجد است. دولت نباید در حوزه مدیریت مسجد وارد شود. مدیریت و اداره مسجد باید به عهده خود مردم و از طریق مدیریت نمایندگان آن‌ها که در هیئت اماناء مسجد تجلی پیدا می‌کنند، باشد؛ دولت باید از طریق پشتیبانی غیرمستقیم در این حوزه وارد شود. دولت به جای کمک مستقیم که بحث دخالت را تداعی می‌کند، می‌تواند از طریق تقبل بعضی از هزینه‌های جاری مسجد به طور غیرمستقیم کمک و پشتیبانی لازم را از مساجد به عمل آورد (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

با استقرار نظام جمهوری اسلامی، مسئولیت دولت‌ها به عنوان قوه مجریه در خصوص احداث و ارائه پشتیبانی‌های عمومی مساجد و نه مدیریت مساجد انکار ناپذیر است. دولت‌ها باید مسجیدی باشند نه اینکه مسجدها دولتی شوند.

تعیین راهبرد برای ارتقاء و تحول در مدیریت مسجد

برای تعیین راهبرد برای ارتقاء و تحول در مدیریت مسجد لازم است که در مرحله نخست بدانیم مسجد در یک نظام تبلیغ جامع اسلامی معنا پیدا می‌کند که شامل عبادات، پرداخت وجوه شرعی، حفظ شعائر، توجه به ایام مقدس، و از همه مهم‌تر به عنوان یک مرکز فرهنگی با محوریت روحانیت است و در مرحله بعدی اگر می‌خواهیم در شرایط امروز مساجد را احیاء کنیم و آن را مرکز تعامل مردم با عالمان دینی قرار دهیم، بویژه مکانی برای جذب کودکان، نوجوانان و جوانان، باید بسیاری از خدماتی که دولت عرضه می‌کند، حول محور مساجد سازماندهی شوند تا زمینه پیوند دین و زندگی فراهم شود؛ مانند مشاوره خانوادگی، مشاوره تحصیلی، مشاوره اشتغال، خدمات ورزشی، خدمات آموزشی، فعالیت‌های هنری و ...

در این راستا بدیهی است که فعالیت دستگاه‌های مختلف دولتی و غیر دولتی مانند وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری، آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، فرهنگسراها و ... با یک برنامه‌ریزی و همگرایی مناسب در مساجد باید به صورت تخصصی صورت گیرد و در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌ها باید همواره اصل تفکیک وظایف به طور دقیق رعایت گردد تا در یک مسئله خاص مرتبط با مسجد موجب ایجاد اختلاف نشود؛ مشخص شدن دقیق حوزه‌های عملکردی دستگاه‌ها، نه تنها تهدید نیست بلکه فرصتی بسیار مناسب برای فعال‌سازی بهتر و شایسته‌تر مساجد کشور است. در این صورت کارایی و به روز رسانی فعالیت‌های مختلف مساجد به نحو مطلوبی انجام می‌گیرد و عموم مردم هر محله بر محور مسجد، نیازهای اجتماعی خود را تأمین شده می‌یابند.

مساجد صرفاً با بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی از کارایی لازم برخوردار نیستند؛ بلکه در کنار روش‌های تبلیغ سنتی دین، روش‌های نوین تبلیغی، فضای مجازی و شبکه‌های سایبری نیز ضروری است. نوع مخاطبین مساجد نسبت به گذشته که صرفاً مخاطبین عوام بودند بسیار متفاوت شده است و امروز جمع کثیری از حاضرین و فعالین مساجد را اقشار تحصیلکرده دانشگاهی و با سواد تشکیل می‌دهند. به همین دلیل لازم است دستگاه‌های مختلف با سیاست‌های صحیح، زمینه‌های هم‌افزایی سطح دانش دینی و معنوی اهالی مسجد را فراهم کنند که این هم‌افزایی در سایه کار تخصصی و علمی و به صورت رشته‌های تخصصی صورت می‌گیرد. در غیر این صورت، تداخل وظایف و برنامه‌ها و در نتیجه ایجاد تشتت در مدیریت مساجد، تهدیدی جدی برای این اماکن محسوب می‌شود؛ در حالی که زمینه‌های فرصت، بیشتر از تهدیدات احتمالی است و بر ماست که این تهدیدات را تبدیل به فرصت‌ها کنیم و این امر با مدیریت صحیح کلان‌نگر در ساماندهی حوزه‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و منابع انسانی مساجد امکان‌پذیر می‌باشد (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۵).

الف: ارکان داخلی مسجد

اجزا و عناصر داخلی مسجد شامل امام جماعت، هیئت امنا، خادم، بسیج، کانون‌های فرهنگی - هنری و مخاطبان می‌شود.

۱- امام جماعت

امام جماعت و یا «پیش‌نماز» به فردی اطلاق می‌شود که مردم در نماز جماعت، به او اقتدا می‌کنند. امام جماعت مدیر مجموعه مسجد است. به همین دلیل، محور اصلی اداره مسجد محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئولیت امام جماعت در مساجد مسئولیت مهمی است.» (۷۳/۸/۴). «مسجد یک رییس دارد، یک مدیر طبیعی دارد و آن امام جماعت است. چون قوام مسجد با آن آقای پیشنماز است.» (۷۵/۲/۳۱).

۲- هیئت امنا

از دیگر عناصر لایه داخلی مدیریت مسجد، هیئت امنا است. هیئت امنا را می‌توان شورای مدیریت مسجد نیز نامید. نظارت بر برنامه‌ریزی‌ها، حل مشکلات، برگزاری مراسم و برنامه‌های جانبی و مدیریت منابع مالی مسجد با همکاری امام جماعت به عهده این شورا است.

۳- خادم

به شخص یا اشخاصی گفته می‌شود که در مساجد به امور نظافت، نگهداری، خدمات‌رسانی به مراجعه‌کنندگان و مانند آن اشتغال دارند.

۴- بسیج و کانون‌های فرهنگی - هنری

سابقه حضور بسیج و شکل‌گیری پایگاه‌های بسیج در مسجد مقارن با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از پایان جنگ، پایگاه‌های بسیج به‌عنوان نهادی تثبیت‌شده در کنار مساجد، به فعالیت خود ادامه دادند و به تدریج به فعالیت سیاسی و فرهنگی پرداختند. کانون‌های فرهنگی نیز در دهه اخیر به جمع عناصر دخیل در مدیریت مسجد پیوسته است (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۹).

ب. سازمان‌ها و نهادهای مرتبط

در ارتباط با مسجد، برخی از سازمان‌ها و نهادها یا به‌عنوان متولی امور مساجد شناخته می‌شوند،

یا به علت متولی بودن در امور فرهنگی، با مساجد در ارتباط اند.

۱- سازمان‌ها و نهادهای متولی امور مساجد

از جمله ویژگی‌های مساجد در ایران، تعدد متولیان مستقیم اداره مسجد است. نهادهایی مانند مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ذی‌حق دانستن خود در تولید امور مساجد، به سلیقه خود در اداره مساجد دخالت می‌کنند. تعداد متولیان مسجد در ایران بین سیزده تا هفده نهاد می‌باشند (کاشانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۲ و ۹۸).

۲- نهادهای متولی امور فرهنگی

گروهی دیگر از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی کشور هستند. این قبیل نهادها، به‌رغم عدم دخالت مستقیم در اداره مسجد، به‌عنوان نهادهای زمینه‌ساز حضور فعال، پویا و اثربخش مسجد در جامعه، نقش به‌سزایی دارند. ضعف عملکرد متولیان امور فرهنگی می‌تواند برای مساجد آسیب‌زا باشند. این نهادها در امری نظیر تولید محتوا، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد و مانند آن دخالت دارند. حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما از جمله این نهادها محسوب می‌شوند. در میان این نهادها، جایگاه حوزه علمیه به دلیل تربیت روحانیون و ائمه جماعت مساجد از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳- مراکز و سازمان‌های موازی

در جامعه امروز ایران نهادها و سازمان‌های متعددی در حوزه دین و فرهنگ به فعالیت مشغول هستند. این سازمان‌ها در عرض مساجد به فعالیت مشغولند. به همین دلیل از جهت کارکرد با مساجد هم‌پوشانی کارکردی دارند. بر این اساس، در این مقاله از آنها به نهادهای موازی مسجد تعبیر شده است. تعامل، تقابل و یا رقابت مسجد با نهادهای موازی، بخش دیگری از الگوی مفهومی آسیب‌شناسی را شامل می‌شود. این نهادها، به غیر از حسینیه‌ها و برخی رسانه‌ها، قدمت

چندانی ندارند و غالباً آغاز حیاتشان به دهه‌های اخیر برمی‌گردد (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۳).

الف- حسینه و اماکن مذهبی

به مراکز برگزاری مراسم و آئین عزاداری اهل‌بیت (ع) و سایر مراسم مذهبی مانند قرائت ادعیه و مجالس وعظ و سخنرانی اطلاق می‌شود. علاوه بر حسینه، مکان‌های دیگری نظیر «فاطمیه»، «مهديه»، «حسنيه»، «عباسيه»، «زینبیه» نیز برای برگزاری مراسم مذهبی وجود دارد. عمومیت و فراگیری حسینه‌ها، سبب رواج و کاربرد بیشتر این اصطلاح از سایر اماکن مذهبی شده است.

ب- فرهنگ سرا

«فرهنگ‌سرا» به مجموعه‌ای فرهنگی و هنری اطلاق می‌شود که برای ارائه خدمات فرهنگی به شهروندان، توسط شهرداری‌ها ساخته می‌شود. فرهنگ‌سرا دارای کارکردهایی مانند برگزاری جشنواره‌ها، برگزاری کارگاه‌های مختلف اعم از هنری، فرهنگی و اجتماعی، نمایشگاه‌های عرضه محصولات هنری - فرهنگی هستند. فرهنگ‌سرا امروزه مهم‌ترین نهاد موازی مسجد در حوزه فرهنگ است و در آسیب‌شناسی وضعیت کنونی مساجد ایران باید به آن توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

ج- رسانه‌ها

امروزه رشد شگفت‌آور فناوری‌ها و رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی مدرن و اقبال گستردهٔ اقشار گوناگون جامعه به این رسانه‌ها، افزون بر ایجاد فرصت‌های خاص و بی‌بدیل، تهدیدها و چالش‌های مهمی را نیز فراوری جوامع گوناگون نهاده است. در این زمینه، جوامع دینی با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. فضای کلان حاکم بر این رسانه‌ها (ماهواره و اینترنت)، فضایی متکثر، سکولار و اباحه‌گرا است. از این رو، بحث نسبت رسانه مدرن و مسجد (به عنوان نهادی دینی) از اهمیت خاصی برخوردار است و چگونگی تعامل و یا رقابت این دو نهاد، یکی از مباحث مهم در الگوی آسیب‌شناسی مسجد است. مباحث این بخش در دو بعد محتوا و زمان قرار می‌گیرند؛ یعنی گاهی رابطه محتوای رسانه با مسجد مورد نظر است و گاهی تداخل زمانی

استفاده از رسانه با زمان حضور و فعالیت در مسجد مورد توجه است.

د- نمازخانه‌ها

نمازخانه‌ها از جمله نهادهای موازی مسجد هستند که تنها کارکرد آنها، برگزاری نماز جماعت و یا اقامه فرادای نمازهای روزانه است. امروزه تعداد نمازخانه‌های کشور، به اندازه تعداد مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات و به تازگی مراکز تجاری و تفریحی می‌رسد. رشد روزافزون تعداد نمازخانه‌ها و انتقال اصلی‌ترین کارکرد مساجد به این مکان‌ها، سبب شده است نمازخانه‌ها به عنوان یکی از رقبای مسجد به‌شمار بیایند.

ه- مصلی‌ها

یکی دیگر از مکان‌های متعامل یا رقیب با مسجد، مصلی‌ها هستند. مصلی به مکان‌های برگزاری نماز جمعه و اعیاد فطر و قربان اطلاق می‌شود. در تهران و برخی از شهرهای بزرگ، هزینه‌های هنگفتی برای ساخت این مکان‌ها اختصاص یافته است. مصلی در واقع رقیب جدی مسجد جامع است؛ چراکه مهم‌ترین کارکرد مسجد جامع برگزاری نماز جمعه در آن است.

و- مجتمع‌های فرهنگی

مجتمع فرهنگی نهادی مشابه فرهنگ‌سراست، با این تفاوت که کارکردهای بیشتری دارد. مجتمع‌های فرهنگی اصطلاحی است که به مجموعه‌ای چند کارکردی اطلاق می‌شود. مراکز تفریحی، تجاری، ورزشی و آموزشی از اجزای تشکیل‌دهنده این مجتمع‌ها هستند. امروزه مجتمع‌های فرهنگی را یکی دیگر از مراکزی می‌دانند که با مسجد موازی‌کاری می‌کند.

وضعیت موجود مساجد کشور و چالش‌های پیش رو

الف- سرانه مسجد

در خصوص تعداد مساجد موجود در سطح کشور آمارهای متعددی از سوی مراکز مختلف اعلام شده است که به نظر می‌رسد هیچکدام از آنها از دقت و صحت لازم برخوردار نیستند؛ از

جمله: در سرشماری سال ۱۳۸۱ مرکز آمار ایران عدد ۶۱۶۲۳ برای تعداد مساجد ذکر شده است. تعداد مساجد در سرشماری طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تابستان ۱۳۸۲ در قالب فهرستگان مساجد انجام گرفته است که عدد ۵۸۷۶۲ را نشان می‌دهد. آمار دیگری که توسط سامانه جامع اطلاعات مساجد توسط سازمان اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است، بالغ بر ۶۵۰۰۰ عدد می‌باشد. البته آمار تعداد بیش از ۷۰۰۰۰ عدد نیز اعلام شده است که با توجه به کاهش آمار ساخت و ساز مساجد در دهه‌های هفتاد و هشتاد نسبت به دهه شصت و نیز بررسی دقیق‌تر و کارشناسانه این آمار کمی واقعی و صحیح به نظر نمی‌رسد.

با توجه به آمارهای تقریبی مذکور در حالت خوشبینانه و نیز با توجه به تکمیل شناسنامه مساجد به تفکیک هر مسجد، به نظر می‌رسد آمار سازمان اوقاف به واقعیت نزدیک‌تر باشد. اگر بخواهیم به نقطه حداقل مطلوب یعنی برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت یک مسجد برسیم، در حال حاضر با توجه به جمعیت ۷۵۱۴۶۶۶۹ نفر (بر اساس آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۰ کشور)، با کمبود تعداد ۱۰۰۰۰ مسجد در سطح کشور مواجه هستیم. انتظار می‌رود حداقل تعداد ۴۰۰۰ مسجد در طی چهار سال از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بخشی از این تعداد به میزان ۳۰ درصد یعنی به تعداد ۱۲۰۰ مسجد، توسط کمک‌های مردمی و با نظارت و حمایت غیر مستقیم دولت (معاف بودن مسجد از پرداخت هزینه خدمات عمومی و عوارض نیز کمک بلاعوض در قبال میزان مبلغ آورده توسط روستائیان، تشویق و ترغیب وقف و اهداء زمین و...) ساخته شود و ۷۰ درصد بقیه تعداد ۲۸۰۰ مسجد با حمایت و پشتیبانی دولت و نیز بسترسازی جهت دریافت کمک‌های مردمی از طریق وضع قوانین و مقررات قابل اجرا (محاسبه کمک‌های مردمی دریافت شده از سوی اصناف، صاحبان مشاغل و بازار و... به عنوان مالیات و...) احداث گردد.

از سوی دیگر با توجه به پراکنش جغرافیایی و آمایش سرزمینی مساجد، بیشترین مساجد موجود در مناطق روستایی قرار دارد و مناطق شهری از نظر تعداد کمی از آمار پایین‌تری برخوردار می‌باشند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود با توجه به بالا بودن قیمت زمین و نیز هزینه ساخت و ساز مسجد، عمده حمایت دولت در این زمینه در مناطق شهری به ویژه مناطق حاشیه شهرها و شهرک‌های مسکونی و نیز نقاط پرتراکم داخل شهری که فاقد مسجد می‌باشند (حداقل

آزادسازی و در اختیار گذاشتن زمین و امکانات خدماتی و رفاهی و... صورت پذیرفته و در اولویت اول قرار گیرند (جعفری، مصاحبه با ایسنا، ۱۳۹۲: ۱).

ب- ائمه جماعات مساجد

بر اساس نص صریح روایت وارده از رسول گرامی اسلام (ص) افضل الناس فی المسجد الامام؛ برترین فرد در مسجد امام جماعت می‌باشد. امام جماعت به عنوان محور و ستون قائم خیمه مسجد محسوب می‌شود. عدم حضور امام جماعت در مسجد ضمن اینکه فعالیت‌های تبلیغی و دینی مسجد را با مشکل جدی مواجه می‌کند، خلاء حضور ایشان نیز مشکلات و انحرافات جدی را نیز موجب خواهد شد. توجه به آمار ذکر شده مساجد (۶۵۰۰۰ عدد) حداقل برای هر مسجد یک روحانی به عنوان امام جماعت نیاز می‌باشد. این تعداد در صورتی است که روحانی به طور تمام وقت و ۲۴ ساعته در خانه عالم مسجد یا در مجاورت آن سکونت داشته باشند و سه وعده نماز صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشاء را اقامه نماید، که متأسفانه باید گفت که به دلایل مختلف (دوری محل سکونت نسبت به مسجد، شاغل بودن، تدریس یا تحصیل و...) عملاً چنین امکانی وجود نداشته و غالب ائمه جماعات تنها در یک وعده و تعداد کمی نیز در دو وعده و بسیار اندک نیز در سه وعده کامل در مسجد مورد نظر و واحد به اقامه نماز می‌پردازند. اگر بخواهیم به شرایط مطلوب در این زمینه برسیم، حداقل دو برابر مساجد موجود نیازمند به امام جماعت می‌باشیم که به طور تقریبی ۱۳۰۰۰۰ نفر بر آورد می‌شود که این مهم از چالش‌های جدی می‌باشد که مساجد کشور با آن مواجه می‌باشند.

بر اساس آمار غیررسمی و تخمینی که از سوی چند مرکز تبلیغی مرتبط در این ارتباط دریافت شده است، تعداد کل ائمه جماعت فعال مساجد در ایام غیر تبلیغ در سطح کشور بین حدود ۱۸ هزار تا ۲۱ هزار برآورد می‌شود. حدود تقریبی اقامه نماز جماعت صبح ۴۰۰۰ و نماز ظهر و عصر ۱۴۰۰۰ و مغرب و عشاء ۱۷۰۰۰ مورد بوده و این تعداد در ایام تبلیغی محرم و صفر و رمضان به حدود تقریبی ۵۰ هزار نفر ارتقاء می‌یابد. (بر اساس آمار حدود ۴۵ هزار روحانی که در ایام تبلیغی محرم و رمضان به سراسر کشور اعزام می‌شوند و عنایت به این نکته مهم که مکان تبلیغی اکثریت قریب به اتفاق آنها مساجد و مهمترین فعالیت تبلیغی نیز اقامه نماز جماعت می‌باشد). برای رسیدن به نقطه مطلوب در دوره برنامه پنجساله پنجم انتظار است که رقم حدود

۲۱ هزار نفر فعلی به ۲۵ هزار نفر در پایان چهار ساله دولت یازدهم برسد.

دکتر رسول عباسی در کتاب "مسجد طراز اسلامی" شایستگی‌های امام جماعت را به چهار مؤلفه کلی تقسیم نموده است که عبارتند از: هدفداری، فضایل اخلاقی، دانش و مهارت‌ها و تمایل (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). سپس هر یک از این مؤلفه‌ها را تحت شاخص‌های روشنی تبیین می‌نماید:

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
هدفداری	انگیزه هدایت دیگران، انگیزه خودسازی و تهذیب نفس
فضایل اخلاقی	خُلُق نیکو و حُسن معاشرت، سعه صدر و مدارا، امانتداری و مسئولیت‌پذیری، صداقت و وفای به عهد، عدالت فقهی و تقوا، اخلاص، تواضع، نظم و وقت شناسی: حضور منظم و نظم در انجام امور، عدالت در رفتار با مردم و توجه به همه افراد، ساده‌زیستی و احتراز از تجملات دنیا، وقار و ثبات شخصیت، شجاعت و استقلال رأی، ولایت‌پذیری، خودباروری و قاطعیت، حُسن شهرت، آراستگی و جذّابیت ظاهری
دانش و مهارت	پیشگامی در ارتباطات، مخاطب شناسی، شنود مؤثر، ارتباطات مؤثر، فنّ خطابه، هوش عاطفی و هیجانی، دید کلان و تفکر راهبردی، تفکر تحلیلی و توانایی درک و تشریح اهداف و ارزش‌های مسجد، تفکر خلاق، آگاهی، بصیرت و بینش سیاسی، دانش دینی (فقه، اصول، کلام، تفسیر و ...)، شناخت خرده فرهنگ‌ها، قرائت صحیح نماز و قرآن
تمایل	اهتمام به حلّ مشکلات و امور مردم، تلاش و پشتکار در مسجد

علاوه بر ویژگی‌های مذکور، شاخص‌ها و خصوصیات دیگری نیز از امام جماعت مسجد طراز انتظار می‌رود که عبارتند از:

مقبولیت اجتماعی: پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و این که او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. رسول مکرّم اسلام (ص) می‌فرماید: «تَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْأَبِيحُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَىٰ مَوْلَاهُ وَالنَّاشِزُ عَنْ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعٌ الزَّكَاةِ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلُّوْنَ بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ ... هشت طایفه‌اند که خداوند از آنها نمازی را نمی‌پذیرد: بنده فراری تا وقتی که به سوی مولایش برگردد، زن ناشزه‌ای که همسرش بر او

خشمناک باشد، منع کننده زکات، امام [جماعت] قومی که نماز بخواند با اینکه مردم از وی کراهت داشته باشند و...» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۹).

رحیم نوبهار با استناد به همین شاخص، معتقد است که باید انتخاب امام جماعت مسجد به مردم - اعم از همسایگان و مجاوران مسجد- واگذار شود. " واگذار نمودن انتخاب امام جماعت مساجد به مردمی که مجاور و همسایه مسجد هستند، سبب می‌شود تا مردم کسی را که واقعاً دوست می‌دارند به امام جماعت برگزینند. ضمن این که معمولاً شناخت مردم به دلیل ارتباط نزدیک با افراد، واقعی‌تر و درصد خطای آن یا مرکزی که بخواد در این باره تصمیم بگیرد، کمتر است. این امر همچنین نظام اسلامی را از وجود مرکزی که بخواد در این باره تصمیم‌گیری کند، بی‌نیاز می‌سازد" (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۵).

توجه به وظایف امام جماعت

امام جماعت علاوه بر مدیریت صحیح مسجد و اقامه نماز جماعت، لازم است مواردی را مدنظر قرار دهد: مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان، تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات، حفظ آرامش مسجد، ارائه برنامه‌هایی که بر جذابیت مسجد بیافزاید، تشکیل هیأت امنای شایسته، رفع موانع جذب جوانان به مسجد (مهدوی ارفع، ۱۳۹۳: ۱۸).

ج- کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد

تعداد دقیقی از کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد کشور در دسترس نیست. بر اساس آمارهای اعلامی از سوی مراکز فعال فرهنگی در مساجد کشور نزدیک به ۲۰۰۰۰ کانون فرهنگی هنری زیر نظر ستاد عالی نظارت بر کانونهای فرهنگی، هنری مساجد کشور و نیروی مقاومت بسیج و سازمان تبلیغات اسلامی و نیز دیگر نهادها مشغول به فعالیت می‌باشند. با توجه به جایگاه این کانونها در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد برای رسیدن به نقطه مطلوب باید برای هر مسجد یک کانون دایر و فعال گردد (جعفری، مصاحبه با ایسنا، ۱۳۹۲: ۲).

د- کتابخانه‌های مساجد

برای کتابخانه‌های مساجد تعریف دقیقی وجود ندارد؛ اگر کتابخانه به معنای حداقلی آن، وجود

بیش از ۵۰۰۰ عنوان کتاب و یک کتابدار مستقل بدانیم، تعداد تقریبی کتابخانه‌های مساجد به ۵۰۰۰ عدد نمی‌رسد (البته باید به وجود کتابخانه‌های شبستانی مساجد سازمان تبلیغات و نیز کتابخانه‌های باز کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد وزارت ارشاد اشاره شود که به دلیل برخورداری از تعداد اندک کتاب شامل عنوان کتابخانه به معنای واقعی نمی‌شوند) برای رسیدن به نقطه مطلوب برای هر مسجد یک کتابخانه باید ساخته شود.

ه- توسعه فضای مجازی و شبکه سایبری در مساجد

امروزه لزوم بهره‌مندی از فضای سایبر توسط مراکز فرهنگی و دینی بر کسی پوشیده نیست؛ با عنایت به اینکه در عصر مجازی و عصر ارتباطات و اطلاعات قرار داریم، گسترش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی در فضای مجازی توسط فعالان مسجدی بسیار ضروری است. این مهم توجه ویژه را می‌طلبد. بر اساس آمار موجود در حال حاضر تعداد ۱۰۰۰۰ مسجد در سطح کشور در قالب پورتال ملی مساجد و ... در این عرصه فعال هستند. انتظار برای گسترش کمی و کیفی در دوره چهار ساله تعداد ۱۰۰۰۰ مسجد می‌باشد که میانگین سالانه آن تعداد ۲۵۰۰ مسجد را در بر می‌گیرد. مهمترین اقدام دولت در این خصوص فراهم‌سازی بسترهای شبکه ارتباطی برای مسجد از جمله وصل مساجد به فیبر نوری و امکانات نرم‌افزاری و برنامه و نیز پشتیبانی سخت‌افزاری و خدماتی در این حوزه می‌باشد (جعفری، مصاحبه با ایسنا، ۱۳۹۲: ۲).

و- خانه‌های عالم (مساجد)

خانه‌های عالم برای مساجد از دو حیث قابل بررسی می‌باشد؛ خانه‌هایی که در چند ساله اخیر به صورت نظام‌مند و با توافق وزارت کشور و سازمان تبلیغات اسلامی ساخته شده است که آمار دقیق آن ۴۳۲۱ بوده و عمدتاً در مناطق روستایی ساخته شده‌اند و دیگری خانه‌هایی هستند که از گذشته‌های دور تا به حال در کنار مساجد ساخته شده‌اند که آمار دقیقی از آن در دسترس نمی‌باشد و به نظر می‌رسد تعداد ۱۰ درصد حدود ۶۰۰۰ مسجد را شامل شود. امید است در دوره چهار ساله دولت یازدهم تعداد خانه‌های عالم بر اساس پیشنهاد استقرار تعداد ۷۵۰۰ نفر روحانی مستقر و طرح هجرت تا پایان دوره دولت در سال ۹۶ افزایش تعداد ۳۱۷۹ عدد برای هماهنگی با تعداد روحانیون مستقر و هجرتی طی این سالها ساخته شود. در کنار این خانه‌های عالم با توجه به پیشنهاد ساخت تعداد ۴۰۰۰ مسجد در طی این چهار سال،

ساخت همین تعداد خانه مسکونی امام جماعت مسجد همزمان با مساجد جدیدالاحداث نیز ضروری می‌باشد. این تعداد خانه‌های امام جماعت مسجد و احتساب تعداد خانه‌های عالمی که پیشنهاد ساخت آنها داده شده کل این اماکن مسکونی به ۷۱۷۹ عدد می‌رسد.

ز- بیمه خدام مساجد

جایگاه خدام در اداره مسجد به صورت مطلوب از حیث نظافت و بهداشت و پاکیزه‌گی و تعمیر و نگهداری تأسیسات مساجد بر کسی پوشیده نیست. اگر به وضعیت معیشتی و خدماتی این نیروهای خدوم به نحو مناسب رسیدگی شود، شاهد افزایش انگیزه این عزیزان در ارائه خدمات بهتر و در نتیجه افزایش جاذبه و اقبال عمومی خواهیم بود. یکی از مهمترین دغدغه‌های فعلی خادمان مساجد وضعیت بیمه آنها می‌باشد. براساس آخرین اطلاعات نسبتاً دقیق موجود، تعداد کل خادمان بیمه شده مساجد ۲۷۰۰۰ نفر در سراسر کشور است و انتظار است طی چهار سال پیش روی این تعداد به کل مساجد کشور که به دو برابر یعنی ۵۴۰۰۰ خادم ارتقاء یابد یعنی میانگین سالانه تعداد ۶۷۵۰ نفر خادم را در بر می‌گیرد (جعفری، مصاحبه با ایسنا، ۱۳۹۲: ۲).

ح- نگهداشت وضعیت موجود مساجد

همانگونه که ذکر شد تعداد فعلی مساجد در سطح کشور حدود ۶۵۰۰۰ باب است که برای نگهداشت حداقلی وضعیت تنها در حوزه سخت‌افزاری مساجد به طور تقریبی در حال حاضر مبلغی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد تومان مورد نیاز است. اگر تورم و افزایش سالانه هزینه‌ها را در نظر بگیریم این مبلغ هر ساله مبلغ بیشتری می‌شود.

آسیب شناسی وضعیت موجود مساجد

۱- با توجه به رشد جمعیت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بسیاری از شهرها و شهرک‌های جدید فاقد مسجد هستند و به عبارت دیگر تناسب رشد جمعیت و رشد ساخت مساجد برقرار نبوده است.

۲- مساجد علاوه بر اینکه سرمایه عظیم معنوی می‌باشند، سرمایه مادی قابل توجهی نیز محسوب می‌شوند و از این سرمایه به خوبی نگهداری و استفاده نمی‌شود.

۳- متأسفانه از مجموع مساجد ذکر شده یک سوم آن دارای امام جماعت ثابت هستند و بقیه یا فاقد امام جماعت‌اند یا تعطیل شده‌اند. از جمعیت ۱۸ الی ۲۱ هزار نفری ائمه جماعات حدود ۹ هزار نفر دارای تحصیلات خارج حوزه می‌باشند (ناظمی، ۱۳۸۹: ۶۵).

۴- وضعیت اقامه نماز در مساجد شرایط مطلوبی ندارد. در کمتر از یک درصد از مساجد نماز صبح برپا می‌شود و اکثر مساجد نماز مغرب و عشاء را به جماعت برگزار می‌کنند. در تعدادی از مساجد اقامه نماز صورت نمی‌گیرد و تعطیل می‌باشند.

۵- نظام کارآمدی برای تأمین معیشت ائمه جماعات مساجد وجود ندارد.

۶- رها کردن مساجد به عنوان سرمایه عظیم مادی و معنوی جامعه اسلامی، به گونه‌ای که مرکزیتی واحد برای اداره آن وجود ندارد و در عین حال نهادها و ارگان‌های فراوانی در اداره مسجد حضور دارند که بدون هماهنگی کامل مشغول فعالیت‌اند.

۷- بودجه‌ای که برای مساجد اختصاص می‌یابد توسط دستگاه‌هایی از قبیل: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، سازمان بسیج مستضعفین، دبیرخانه ستاد عالی کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد و ... بصورت بهینه هزینه نمی‌گردد.

نخستین گام مؤثر در اعتلای جایگاه مساجد، توجه به موضوع مدیریت واحد و کلان و بحث نیروی انسانی مجرب آموزش دیده و دلسوز است که بدین ترتیب، حدود و ثغور قانونی و میزان فعالیت نهادهای مرتبط، ذیل راهبری مدیریت کلان مسجد نیز خودبخود حل خواهد شد و در همین راستا توسعه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مساجد نیز در بستری هموار و رو به رشد درخواهد غلطید (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۱۶).

۸- جمعیت نمازگزاران مساجد رو به کاهش می‌باشد. در بعضی از مساجد فقط افراد مسن حضور دارند و از جوانان خبری نیست. جوانان حتی برای دعا و نیایش و اقامه نماز از مساجد استفاده نمی‌کنند. از دلایل این امر می‌توان به مواردی اشاره کرد:

✓ کم محتوا بودن برنامه‌های مساجد؛

✓ رفتارهای تند و نامناسب دست اندرکاران مساجد؛

- ✓ نامناسب بودن مسجد به لحاظ ظاهری (کثیف بودن فرش‌ها، در و دیوار و ...).
- ✓ طرفداری نادرست از جریان‌های سیاسی و دخالت آشکار بعضی از ارگان‌ها در امور مسجد؛

✓ اختصاص یافتن مسجد به قشر یا اقشار معین؛

✓ ناتوانی در پاسخگویی به شبهات و مسائلی که جوانان با آن روبرو هستند.

۹- مشارکت مردم در اداره مسجد پایین است.

۱۰- رقبای مسجد از قبیل فرهنگسراها، صدا و سیما، پارک‌ها، ورزشگاه‌ها، مدارس و آموزشگاه‌ها در بعد نیروی انسانی و بودجه دارای مزیت‌های بیشتری هستند.

۱۱- منابع مالی مساجد به گونه‌ای است که حتی هزینه آب و برق مساجد را نیز تأمین نمی‌کند.

۱۲- مساجد به دلیل فقدان مرکزیت هوشمند و اندیشه‌ورز جهت سیاستگذاری، هدایت و نظارت بر امور مساجد، سلیقه‌ای اداره می‌شوند (ناظمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

مدیریت کلان مساجد و الزامات آن

عدم شکل‌گیری جایگاه مدیریت کلان در مساجد کشور به یکی از مشکلات و موانع اصلی رونق و توسعه مساجد تبدیل شده است. مدیریت حاکم بر مساجد کشور موجبات تضعیف مدیریت در درون مسجد شده و امام جماعت به عنوان مدیر اصلی مسجد نمی‌تواند به خوبی رسالت خود را ایفا می‌کند.

بدیهی است که فعالیت دستگاه‌های مختلف در مساجد باید به صورت تخصصی صورت گیرد و در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌ها باید همواره اصل تفکیک وظایف به طور دقیق رعایت گردد تا در یک مسئله خاص مرتبط با مسجد موجب ایجاد اختلاف نشود. مشخص شدن دقیق حوزه‌های عملکردی دستگاه‌ها، نه تنها تهدید نیست بلکه فرصتی بسیار مناسب برای فعال‌سازی بهتر و شایسته‌تر مساجد کشور است.

مساجد را با توجه به سابقه دیرینه در حوزه کارکردهای متنوع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی نمی‌توان به عنوان واحد و مرکز سازمانی محسوب نمود. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که

یک دستگاه اجرایی خاص توان مدیریت کامل و جامع در تمام اضلاع و ابعاد مساجد را داشته باشد؛ بلکه نیاز به حضور دستگاه‌های چندگانه در توسعه مساجد احساس می‌شود تا کارایی و به روزرسانی فعالیت‌های مختلف مساجد به نحو مطلوبی انجام گیرد و عموم مردم هر محله بر محور مسجد، نیازهای اجتماعی خود را تأمین شده ببیند.

مساجد صرفاً با بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی از کارایی لازم برخوردار نیستند؛ بلکه در کنار روش‌های تبلیغ سنتی دین، روش‌های نوین تبلیغی، فضای مجازی و شبکه‌های سایبری نیز ضروری است. نوع مخاطبین مساجد نسبت به گذشته که صرفاً مخاطبین عوام بودند، بسیار متفاوت شده است و امروز جمع‌کثیری از حاضرین و فعالین مساجد را اقشار تحصیلکرده دانشگاهی و باسواد تشکیل می‌دهند. به همین دلیل لازم است دستگاه‌های مختلف با سیاست‌های صحیح، زمینه‌های هم‌افزایی سطح دانش دینی و معنوی اهالی مسجد را فراهم کنند که این هم‌افزایی در سایه کار تخصصی و علمی و به صورت رشته‌های تخصصی صورت می‌گیرد. در غیر این صورت، تداخل وظایف و برنامه‌ها و در نتیجه ایجاد تشتت در مدیریت مساجد، تهدیدی جدی برای این اماکن محسوب می‌شود؛ در حالی که زمینه‌های فرصت، بیشتر از تهدیدات احتمالی است و بر ماست که این تهدیدات را تبدیل به فرصت‌ها کنیم و این امر با مدیریت صحیح کلان‌نگر در ساماندهی حوزه‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و منابع انسانی مساجد امکان‌پذیر می‌باشد (موظف رستمی، ۱۳۹۲: ۵).

الزامات مدیریت کلان مساجد

اگر بخواهیم مساجد را مدیریت راهبردی و ساماندهی بکنیم باید طرح و برنامه‌ای برآمده از مبانی نظری حکومت اسلامی داشته باشیم که همه چیز را در جامعه به مساجد پیوند بزند. الزامات زیر در جهت تحقق این مهم ارائه می‌شود:

۱- بیست و شش دستگاه به عنوان متولیان امور مسجد و اداره‌کنندگان این واحد اجتماعی وجود دارد که اگر به صورت مجموعه‌ای منسجم در کنار هم قرار گیرند و رده‌ای راهبردی تشکیل دهند، مساجد به هماهنگی می‌رسند. با توجه به فعالیت دستگاه‌های متعدد در حوزه مساجد، باید ارتباط تنگاتنگی بین این دستگاه‌ها به وجود آید تا باعث کاهش موازی‌کاری و بازدهی بهتر کار شود.

مدیران دستگاه‌های فرهنگی اصلی ذریبط (۹ دستگاه شامل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، وزیر آموزش و پرورش، وزیر ورزش و جوانان، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد و سه نفر از شخصیت‌های حقیقی از ائمه جماعات و محققین به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی) باید به صورت شورای سیاست‌گذاری که در رأس آن نماینده مقام معظم رهبری قرار دارد، این حوزه را راهبری نموده و برنامه‌های کلان این حوزه را تدوین و تصویب کنند. اصلی‌ترین وظیفه این شورا تقسیم کار ملی بین دستگاه‌های فرهنگی کشور برای توسعه مساجد است (ناظمی، ۱۳۸۹: ۹۲).

۲- حوزه‌های علمیه باید به صورت تخصصی در زمینه تربیت ائمه جماعات کار کرده و این خلاء را پر نمایند.

۳- مراکز رسیدگی به امور مساجد استان‌ها که با مسئولیت نمایندگان محترم ولی فقیه در استان‌ها چند سالی در این حوزه فعال شده‌اند به صورت علمی و تخصصی به ساماندهی امور مساجد به ویژه صدور احکام ائمه جماعات مساجد بپردازند.

۴- ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد به صورت تخصصی امور فرهنگی و هنری مساجد را ساماندهی کند.

۵- سازمان تبلیغات اسلامی در امر تبلیغ و اجرای برنامه‌های مناسکی و عبادی بخصوص راهبردی هیأت‌های مذهبی در مساجد فعال باشد.

۶- وزارت جوانان و ورزش به ایجاد فضاهایی برای گذران مطلوب اوقات فراغت و ورزش به ویژه برای نوجوانان و جوانان مسجدی اهتمام بورزد.

۷- وزارت آموزش و پرورش به مباحث آموزشی غیر رسمی با هدف تکمیلی، جبرانی و تقویتی و... برای نوجوانان و جوانان مسجدی بپردازد.

۸- دستگاه‌های قضایی در حوزه مباحث حقوقی مساجد به صورت تخصصی وارد شده و بخش زیادی از دعاوی را با بهره‌گیری از پشتوانه معنوی مسجد و امام جماعت آن بقیه سازوکارهای مناسب برطرف کند.

۹- دستگاه‌هایی مانند سازمان اوقاف و امور خیریه که در حوزه سخت‌افزاری مساجد فعالند، به صورت تخصصی به امر ساماندهی امور سخت‌افزاری مساجد و آمایش سرزمینی و جایابی

مساجد مشغول باشند.

۱۰- شهرداری‌ها و شورای اسلامی شهرها مساجد را به عنوان مراکز خدمات عمومی منظور کرده و امکانات و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کنند.

۱۱- دستگاه‌های پشتیبان مانند دستگاه‌های مسئول در امر انرژی، آب، برق، گاز و ... وظایف خویش در قبال مساجد را با توجه به نوع تخصص به درستی بشناسند و به آن‌ها عمل کنند.

۱۲- ایجاد شبکه گسترده مساجد کشور طراحی و اجراء شود.

۱۳- مساجد تراز اسلام معرفی شوند، چرا که برای رسیدن به مساجد در تراز اسلام باید مساجد موفق در این زمینه را شناسایی و به عنوان الگو معرفی شوند.

۱۴- با فرهنگ‌سازی در ستاد عالی کانون‌های مساجد کشور، باید تلاش شود تا مردم نسبت به اهمیت مسجد، نماز و حضور در مسجد آگاهی پیدا کنند.

۱۵- توانمندسازی مساجد و متنوع نمودن کارکردهای آن یکی دیگر از اولویت‌های کاری کانون فرهنگی و هنری مساجد باید قرار گیرد چرا که در حال حاضر مساجد تنها کارکرد عبادی دارند و به کارکردهای متنوع و زیاد آن توجه نشده است.

۱۶- آماده سازی و جوان‌سازی مساجد برای ایجاد فضای جذاب جهت زمینه سازی برای حضور هر چه بیشتر جوانان در مساجد.

۱۷- خلأیی که در حوزه دستگاه‌های موجود ما هست، این است که رابطه کارکرد آنها با کارکرد مسجد تعریف نشده است. این دستگاه‌ها و ساختارها همه با فرض عدم وجود مسجد سازماندهی شده‌اند. در قانون برنامه و بودجه کشور هیچ جایگاهی برای این موضوع دیده نشده است. باید در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مسجد به عنوان واحد محوری فرهنگی در نظام فرهنگی دیده شود (ناظمی، ۱۳۷۹: ۲۳۴).

با رعایت موارد ذکر شده می‌توانیم بگوییم مدیریت راهبری مساجد با وجود اصل وحدت در عین کثرت در مساجد شکل خواهد گرفت و این مهم بستر ساز توسعه همه جانبه و روزآمد مساجد کشور خواهد بود.

نتیجه گیری

ساماندهی واحدهای فرهنگی دینی کشور از جمله مساجد از طریق انسجام بخشی دستگاه‌های فرهنگی در قالب نظام فرهنگی با اصلاح نقش‌ها و کارکردها و تحول در ساختارها و تنظیم روابط بین آن‌ها می‌باشد. بی‌شک رونق مساجد و گسترش حضور اقشار مختلف جامعه در مسجد و تأثیرپذیری آنان از فرهنگ مسجد متأثر از عوامل گوناگونی است؛ این عوامل در سطح کلان ریشه در مدیریت راهبردی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند. در سطح میانه نیز ریشه در حوزه مدیریت سازمان‌های فرهنگی به گونه عام و به مدیریت نهادهای متولی اداره مسجد به صورت خاص و در سطح خرد مدیریت امام جماعت، عملکرد هیئت امنا و خادم و تشکل‌های مسجد دارند. به این مسائل باید موازی‌کاری نهادها و سازمان‌های فرهنگی و مذهبی را نیز افزود.

مدیریت کلان جامعه در حوزه‌های اساسی کشور رابطه‌ای تأثیرگذار با رکود و یا رونق مسجد در ایران دارد. توجه به فعالیت‌های فرهنگی کارآمد، شناخت جایگاه تأثیرگذار و فرهنگ‌ساز مسجد در جامعه، توجه ویژه به ظرفیت‌های نهفته در مسجد برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کشور و شرایط لازم برای ارتقاء جایگاه مسجد است.

تعدد متولیان اداره امور مساجد در ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های وضع کنونی مسجد در ایران است. کم‌کاری، موازی‌کاری، پرداختن به امور حاشیه‌ای مسجد و از جمله مسائلی است که در مدیریت کلان و میانه مسجد می‌بایست مورد تحلیل آسیب‌شناسانه قرار گیرد. مدیریت خرد مسجد نیز نیازمند بررسی‌های علمی است. ارائه راه‌کارهای عملی و مفید در این حوزه می‌تواند موجب حضور گسترده اقشار مختلف جامعه در مساجد شود. مدیریت خرد مسجد بیش از همه، در منظر عموم مردم قرار دارد. کارآمدسازی این بخش و ایجاد تعامل سازنده آن با مخاطبان مسجد، از عوامل مهم و تأثیرگذار در افزایش میزان حضور و اثرپذیری مردم از مسجد است.

بیان این نکته ضروری است که وجود مساجد پررونق در جامعه ایران، تضمین‌کننده پیشرفت و تعالی آحاد جامعه و نیز نظام اسلامی خواهد بود. برای دستیابی به چنین جایگاه ارزشمند و اعتلای مساجد کشور، ساماندهی این نهاد مقدس دینی و تحول در شیوه‌های حمایتی دولت از مساجد امری انکارناپذیر است؛ این انتظار نه فقط در تعیین اعتبار و بودجه و تأمین هزینه می‌باشد،

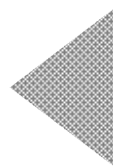
بلکه ضروری‌تر از آن، هماهنگی دستگاه‌های دولتی و نهادها در بازگرداندن کارکردهای سلب شده و پشتیبانی از مساجد می‌باشد.

منابع

- _____ (۱۳۷۹)، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب، *مجله زائر*، شماره ۷۰، مرداد.
- _____ (۱۳۹۰)، *نظام‌نامه ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی*، کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی.
- الویری، محسن (۱۳۸۶)، «مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار»، *نامه صادق*، ش ۳۱، بهار و تابستان، صص ۹۳-۱۱۰.
- آذر، عادل؛ مؤمنی، منصور (۱۳۸۰)، *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- باقی، عمادالدین و همکاران (۱۳۸۱)، *پرستشگاه در عهد سنت و تجدد*، مجموعه مقالات، تهران: نشر سرایی.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲)، *فرهنگ شناسی*، نشر قطره، چاپ دوم تهران.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۹۲)، *ستاد عالی کانون‌های مساجد*، مصاحبه با خبرگزاری ایسنا در خصوص وضعیت مساجد کشور.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۴)، *آسیب شناسی جامعه دینی*، قم، نشر معارف.
- خمینی، روح ا... (۱۳۷۱)، *صحیفه نور*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، *الزامات ساماندهی فعالیت‌های اصلی حوزه مسجد*، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۲)، *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران، انتشارات عطار.
- شکوهی، فاطمه (۱۳۸۲)، بررسی عملکرد آموزشی مساجد، *ماهنامه مسجد*، شماره ۷۱، آبان‌ماه.
- صالحی امیری (۱۳۸۷)، *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صدوق (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، ج ۱.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۸۴)، «طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد به عنوان

- یک سازمان داوطلبانه مذهبی»، **مصباح**، ش ۶۰، شماره آذر و دی، صص ۱۲۶-۷۳.
- عباسی، رسول و همکاران (۱۳۹۳)، تدوین الگوی کیفیت خدمات در مدیریت مسجد، **دو فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت اسلامی**، سال ۲۲، شماره ۲، پاییز و زمستان.
 - عباسی، رسول (۱۳۹۰)، **مسجد طراز اسلامی**، تهران، چاپ ستاد عالی هماهنگی و نظارت عالی بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد.
 - کرم‌اللهی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، **تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران**، سال سوم، شماره سوم، گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
 - محمدیان (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی ایران یا نهضت مسجد، مصاحبه با **ماهنامه مسجد**، شماره ۷۱، آبان.
 - موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، **آیین مسجد**، تهران، انتشارات گویه.
 - موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **نقش مساجد در تحقق شعار سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی**، سازمان تبلیغات اسلامی.
 - ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹)، **مدیریت راهبردی مساجد**، تهران، نشر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول.
 - ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰)، **آسیب‌شناسی افق مفهومی مؤلفه‌های مدیریت راهبردی فرهنگی در کشور**، تهران، نشر دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول.
 - ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰)، **درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور**، تهران، نشر شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول.
 - ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰)، **مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی کشور**، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول.
 - نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، **رابطه نظام اسلامی و مساجد**، قم، مؤسسه فرهنگی تبیان.

سنجش و ارزیابی وضعیت فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT با کمک شاخص آمادگی شبکه‌ای NRI



صادق بافنده ایماندوست^۱

علی مفیدی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۹/۱ - تاریخ تصویب ۹۴/۲/۲۰)

چکیده

بی‌شک، فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT در تعاملات اقتصادی و اجتماعی هر کشور نقش تأثیرگذار دارد. شاخص آمادگی شبکه‌ای NRI، از چهار زیرشاخص تشکیل شده است. این زیرشاخص‌ها، شرایط محیطی و آمادگی اجتماع در استفاده از ICT و نیز میزان کاربرد واقعی آن را برای نقش‌آفرینان اصلی (فرد، بنگاه و دولت) اندازه‌گیری نموده و هم‌چنین در نهایت تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات در اجتماع و اقتصاد را محاسبه می‌نماید. سه زیرشاخص محیط، آمادگی و استفاده به عنوان محرک‌ها در نظر گرفته شده و باعث ایجاد زیرشاخص چهارم به عنوان تأثیرات می‌گردد. این چهار زیرشاخص از ده ستون و پنجاه و چهار نشانگر تشکیل شده است. مجمع جهانی اقتصاد به طور سالانه با نمره‌گذاری در این نشانگرها رتبه هر

۱- دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، imandoust@gmail.com

۲- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه پیام نور

کشور را با نمره‌های بین ۷-۱ مشخص می‌نماید. در گزارش سال ۲۰۱۳ مجمع جهانی اقتصاد و در بین ۱۴۴ کشور، ایران با نمره ۳/۴۳ در رتبه ۱۰۱ قرار دارد. با توجه به مطالب اخیر می‌توان گفت که شاخص آمادگی شبکه‌ای NRI معیار کامل‌تری برای ارزیابی و مطالعه تأثیرات اقتصادی و اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. در این مقاله سعی شده است ساختار شاخص آمادگی شبکه‌ای، به همراه ۵۴ نشانگر آن معرفی شود.

واژگان کلیدی: شاخص آمادگی شبکه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابرتصال.

مقدمه

بر اساس تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD در سال ۲۰۰۲ میلادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ ICT مجموعه صنایع تولیدی و خدماتی است که برای نگهداری، انتقال و نمایش داده‌ها و اطلاعات به صورت الکترونیکی استفاده می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات توانایی بالقوه برای افزایش بهره‌وری، ایجاد مشاغل جدید و بهبود کیفیت زندگی را دارد و نیز باعث افزایش منفعت به هزینه در همه بخش‌های تولیدی شده و به صورت مداوم روش‌های جدیدی را برای خلق ارزش بیشتر از طریق کارایی در استفاده از منابع طبیعی، مالی و انسانی در سطوح فردی، بنگاه‌ها و دولت ارائه داده است (گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد^۲، ۲۰۱۳: ۴۲). فناوری اطلاعات و ارتباطات توانسته تا حد زیادی روابط اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و این در حالی است که هنوز ۹۹٪ از اشیاء در دنیای فیزیکی به اینترنت متصل نشده‌اند و ما در ابتدای زمانی هستیم که از آن به همه چیز اینترنت^۳ (IOE) تعبیر می‌شود (گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: IX). در این دنیای جدید، نه تنها کاربران بیشتر فعالیت‌های روزمره را از طریق شبکه و اشتراک اطلاعات انجام می‌دهند، بلکه

۱- Information & Communication Technology

۲- Global Information Technology Report World Economic Forum (GITR-WEF)

۳- Internet of Everything (IOE)

اشیاء نیز با اتصال به اینترنت در خدمت کاربران قرار می‌گیرند. مک کینزی^۱ (۲۰۱۳) پیش‌بینی می‌کند، تا سال ۲۰۲۵ میلادی تأثیرات اقتصادی ناشی از IOE بین ۲/۷ تا ۶/۲ تریلیون دلار باشد (گزارش پهن باند اتحادیه جهانی مخابرات^۲، ۲۰۱۳: ۱۷). عدم محدودیت مکانی و زمانی در ارائه خدمات از طریق اینترنت، بیشتر از یک اتصال است و ابراتصال^۳ نامیده می‌شود. دو گزارش آخر فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، اهمیت ابراتصال را بیان می‌کند. گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۲ با عنوان "زندگی در دنیای ابراتصال"^۴ و عنوان گزارش سال ۲۰۱۳ "رشد و اشتغال در دنیای ابراتصال"^۵ می‌باشد. مجمع جهانی اقتصاد^۶ از سال ۲۰۰۲ میلادی شاخص آمادگی شبکه ای (NRI)^۷ را معرفی و مقدار عددی آن را برای کشورهای جهان محاسبه نموده است. بر اساس این شاخص، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات تنها منحصر به استفاده از ICT نبوده و به شاخص‌های محیط و آمادگی نیز بستگی دارد. شاخص آمادگی شبکه‌ای، میزان آمادگی کشورها برای بهره‌برداری از فرصت‌های ایجاد شده از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات را در مقاطع سالیانه ارزیابی می‌نماید. این شاخص به دنبال ایجاد درک بهتر از تأثیر ICT بر رقابت پذیری ملل، نه تنها به عنوان یک صنعت، بلکه به عنوان موتور محرکه صنایع و به عنوان بستر اصلی هر حرکت اقتصادی است. موفقیت کشورها در بکارگیری مؤثر از ICT و نیز رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی، علاوه بر میزان استفاده به شرایط زیر نیز بستگی دارد:

شرایط محیط شامل: شرایط بازار، ساختارهای نظارتی و نیز شرایط مستعد برای جذب نوآوری و کارآفرینی.

شرایط آمادگی شامل: زیرساخت‌های سخت افزاری، میزان و سطح مورد نیاز مهارت استفاده از

۱- McKinsey

۲- The State of Broadband 2013

۳- Hyperconnect

۴- Living in a Hyperconnected World

۵- Growth and Jobs in a Hyperconnected World

۶- World Economic Forum

۷- Networked Readiness Index

ICT درسه سطح فرد، بنگاه و دولت ونیز توانایی مادی (استطاعت پذیری) در استفاده از خدمات ICT.

دراین مقاله ساختار شاخص آمادگی شبکه‌ای، به همراه زیرشاخص‌ها^۱، ستون‌ها^۲ و ۵۴ نشانگر^۳ تشکیل دهنده آن ارائه می‌شود. با کمک شاخص آمادگی شبکه‌ای می‌توان میزان اختلاف و تفاوت کشورها در بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار داد. شکاف دیجیتالی^۴ معرف تفاوت کشورها در ستون‌های ده گانه شاخص آمادگی شبکه‌ای می‌باشد. در انتها نیز، نمره و رتبه شاخص آمادگی شبکه‌ای به همراه زیرشاخص‌های محیط، آمادگی، استفاده و تأثیرات کشورهای برگزیده مطابق با گزارش سال ۲۰۱۳ ارائه می‌شود.

۱- ساختار شاخص آمادگی شبکه‌ای

شاخص آمادگی شبکه‌ای از چهار زیرشاخص، ده ستون و پنجاه و چهار نشانگر تشکیل شده است. سه زیرشاخص اول، محرک‌های ICT و زیرشاخص چهارم به عنوان تأثیرات ICT تعریف می‌شود. شاخص آمادگی شبکه‌ای، عوامل محیطی را از میزان استفاده و سطح آمادگی و نیز اندازه تأثیرات آن جدا می‌کند. از سوی دیگر وزن و اهمیت تمام زیرشاخص‌ها و ستون‌ها در محاسبه و تعیین شاخص آمادگی شبکه‌ای یکسان فرض می‌شود. شکل (۱) ساختار شاخص آمادگی شبکه‌ای را نشان می‌دهد. در این شکل چهار زیرشاخص: محیط، آمادگی، استفاده و تأثیرات به همراه ده ستون مربوطه نمایش داده شده است. ستون‌ها از بالا به پایین شماره‌گذاری می‌شوند. ستون اول قوانین و نظارت، ستون دوم کسب و کار و نوآوری و ستون دهم تأثیرات اجتماعی می‌باشد.

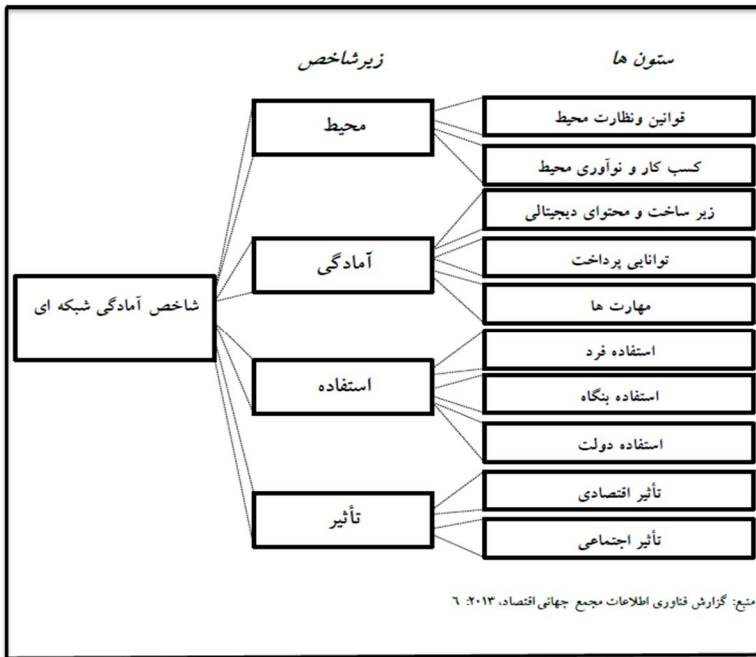
۱- Sub Index

۲- Pillars

۳- Indicator

۴- Digital Divide

شکل (۱) - ساختار شاخص آمادگی شبکه‌ای



۱-۲- محاسبه شاخص آمادگی شبکه‌ای و معرفی نشانگرها

محاسبه شاخص آمادگی شبکه‌ای طبق رابطه (۱) و از طریق متوسط نمرات چهار زیرشاخص محیط، آمادگی، استفاده و تأثیرات بدست می‌آید. هم‌چنین رابطه (۱) نشان می‌دهد که میزان تأثیرگذاری زیرشاخص‌ها بر شاخص آمادگی شبکه‌ای یکسان می‌باشد. به عبارت دیگر در محاسبه NRI وزن زیرشاخص‌ها یکسان می‌باشد.

رابطه (۱):

$$\text{نمره NRI} = \frac{1}{4} (\text{نمره زیرشاخص محیط}) + \frac{1}{4} (\text{نمره زیرشاخص آمادگی}) + \frac{1}{4} (\text{نمره زیرشاخص استفاده}) + \frac{1}{4} (\text{نمره زیرشاخص تأثیرات})$$

۱-۲-۱- زیرشاخص محیط

نمره زیرشاخص محیط از طریق رابطه (۲) محاسبه می‌شود.

رابطه (۲)

نمره زیرشاخص محیط = $\frac{1}{2}$ (نمره قوانین و نظارت محیط) + $\frac{1}{2}$ (نمره کسب و کار و نوآوری محیط)

این زیرشاخص، ساختار نظارتی و بازار کشور مورد نظر را در پشتیبانی از وضعیت ICT اندازه‌گیری می‌کند. یک محیط پشتیبان بایستی تأثیرات ICT را در بهبود وضعیت رقابتی حداکثر نماید (گزارش مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۳: ۷). وضعیت محیطی از طریق دو ستون و هجده نشانگر اندازه‌گیری می‌شود:

ستون اول: قوانین و نظارت محیط

این ستون بوسیله ۹ نشانگر، توسعه و گسترش ICT را از طریق ساختارهای قانونی و نظارتی (شامل حقوق مالکیت معنوی، استقلال قضایی و کارایی قوانین در اجراء فرآیندها) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در جدول (۱) نشانگرهای این ستون ارائه گردیده است.

جدول (۱) - نشانگرهای ستون اول (قوانین و نظارت محیط)

۱-۰۲: قوانین مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT (*)	۱-۰۱: اثر گذار بودن قوانین در انجام کارها (*)
۱-۰۴: کارایی سیستم حقوقی در رفع منازعات (*)	۱-۰۳: استقلال قضایی (*)
۱-۰۶: محافظت از مالکیت معنوی (*)	۱-۰۵: کارایی سیستم حقوقی در نظارت‌های چالش انگیز و سخت (*)
۱-۰۸: تعداد روال‌ها و تشریفات برای اجرایی نمودن یک قرارداد	۱-۰۷: نرخ تکثیر نرم افزار غیر مجاز به نرم افزار نصب شده
	۱-۰۹: تعداد روزهای مورد نیاز برای اجراء یک قرارداد

حقوق مالکیت معنوی شامل مقرراتی است که حق بهره‌برداری مادی از یک فعالیت نو و مبتکرانه را ایجاد می‌کند و آن را مورد حمایت قرار می‌دهد. اغلب کشورها به دو دلیل اصلی، قوانینی را جهت حمایت از مالکیت‌های فکری و معنوی تدوین کرده‌اند که اولی القای وضعیت

و بیان قانونی به حقوق اقتصادی و اخلاقی مخترعان در اختراعاتشان و نیز حقوق عامه مردم در دستیابی به آن اختراعات است و دلیل دوم ارتقای خلاقیت و کاربرد نتایج آن و نیز تشویق مشارکت مردم در توسعه اجتماعی و اقتصادی است.

ستون دوم: کسب و کار و نوآوری محیط

این ستون از طریق ۹ نشانگر، شرایط لازم برای کارآفرینی در کسب و کار و نیز توسعه نوآوری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نشانگرهای این ستون مطابق جدول (۲) می‌باشد.

جدول (۲) - نشانگرهای ستون دوم (کسب و کار و نوآوری محیط)

۲-۰۱: دسترسی به آخرین فناوری (*)	۲-۰۲: دسترسی به ریسک سرمایه (*)
۲-۰۳: درصد نرخ مالیات کل به سود	۲-۰۴: تعداد روزهای مورد نیاز برای شروع یک کسب و کار (*)
۲-۰۵: تعداد روال و تشریفات مورد نیاز برای شروع یک کسب و کار(*)	۲-۰۶: شدت رقابتی بودن محیط(*)
۲-۰۷: نرخ ثبت نام تحصیلات دانشگاهی	۲-۰۸: کیفیت روش‌های مدیریتی(*)
۲-۰۹: تهیه و تدارک دولت در محصولات فناوری پیشرفته	

۱-۲-۲- زیرشاخص آمادگی

نمره زیرشاخص آمادگی متوسط نمرات ستون‌های زیرساخت و محتوای دیجیتالی، توانایی پرداخت و مهارت‌ها می‌باشد و مطابق رابطه (۳) محاسبه می‌شود. سخت افزار مناسب، قیمت گذاری بهینه مطابق با قدرت پرداخت کاربران و داشتن مهارت لازم، از مهم‌ترین عوامل در افزایش نمره زیرشاخص آمادگی می‌باشد.

$$\text{نمره زیرشاخص آمادگی} = \frac{1}{3} (\text{نمره زیرساخت و محتوای دیجیتالی}) + \frac{1}{3} (\text{نمره توانایی پرداخت}) + \frac{1}{3} (\text{نمره مهارت‌ها}) \quad (3)$$

این زیرشاخص از طریق ۱۲ نشانگر، میزان آمادگی جامعه در استفاده موثر و مفید از زیرساخت‌های ICT را اندازه گیری می‌نماید.

ستون سوم: زیرساخت و محتوای دیجیتال

این ستون از طریق نشانگرهای زیر، میزان آمادگی سخت‌افزاری کشورها در استفاده مؤثر از ICT را اندازه‌گیری می‌نماید. این نشانگرها مطابق جدول (۳) می‌باشد.

جدول (۳) - نشانگرهای ستون سوم (زیرساخت و محتوای دیجیتال)

۳-۰۲: درصد نسبت پوشش شبکه تلفن همراه به جمعیت	۳-۰۱: تولید الکتریسته $\frac{kwh}{capita}$ (سرانه تولید الکتریسته برحسب کیلووات ساعت)
۳-۰۵: دسترسی به محتوای دیجیتال (**)	۳-۰۳: نسبت پهنای باند اینترنت بین الملل $\frac{kb}{s}$ به تعداد کاربران
	۳-۰۴: نسبت تعداد سرورهای اینترنت در یک میلیون جمعیت

از سال ۲۰۰۵ میلادی شکاف و تفاوت پهنای باند اینترنت بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته رو به افزایش بوده است. کشورهای توسعه یافته در مدت پنج سال یعنی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ میلادی توانسته‌اند پهنای باند اینترنت را از ۱۱۰۰۰GB/S به نزدیک ۸۰۰۰۰GB/S برسانند (گزارش اتحادیه جهانی مخابرات، ۲۰۱۱: ۴).

ستون چهارم: توانایی پرداخت

قدرت پرداخت کاربران در استفاده از ICT توسط نشانگرهای جدول (۴) محاسبه می‌شود.

جدول (۴) - نشانگرهای ستون چهارم (توانایی پرداخت)

۴-۰۳: شاخص میزان رقابت پذیری در بخش‌های تلفن و اینترنت	۴-۰۱: تعرفه تلفن همراه سلولی $\frac{ppp\$}{min}$
	۴-۰۲: تعرفه اینترنت پهن باند ثابت $\frac{ppp\$}{month}$

تعرفه اینترنت پهن باند ثابت یکی از نشانگرهای ستون توانایی پرداخت می‌باشد. اگرچه میزان

۱- ICT Facts and Figures (2011)

۲- Purchasing Power Parity

تعرفه در کلیه کشورها روندی نزولی داشته است اما مقدار آن برای کشورهای در حال توسعه همچنان بالاست. مقدار آن برای کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۲ میلادی GNI Per Capita ۳۰/۱ می باشد که در مقابل مقدار GNI per capita ۱/۷ برای کشورهای توسعه یافته رقم بالایی است. ضمن آن که ضریب نفوذ اینترنت پهن باند ثابت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۲۷ و ۶ می باشد. تعرفه اینترنت پهن باند ثابت در جهان از مقدار ۱۱۵/۱ در سال ۲۰۰۸ میلادی به ۲۱/۵ در سال ۲۰۱۲ رسیده و کاهش ۸۲٪ را نشان می دهد (گزارش اتحادیه جهانی مخابرات^۱، ۲۰۱۳: ۴).

ستون پنجم: مهارت‌ها

سطح مهارت لازم کاربران، توسط نشانگرهای جدول (۵) اندازه گیری می شود.

جدول (۵) - نشانگرهای ستون پنجم (مهارت‌ها)

۵-۰۲: کیفیت آموزش علوم و ریاضیات (*)	۵-۰۱: کیفیت سیستم آموزشی (*)
۵-۰۴: نرخ باسوادی بزرگسالان	۵-۰۳: نرخ ثبت نام آموزش‌های ثانویه

۱-۲-۳- زیرشاخص استفاده

این زیرشاخص از طریق ۱۶ نشانگر، کاربردهای ICT را در سه سطح فرد، بنگاه و دولت مورد ارزیابی قرار می دهد. نمره زیرشاخص استفاده با رابطه (۴) محاسبه می شود.

$$\text{نمره زیرشاخص استفاده} = \frac{1}{3} (\text{نمره استفاده فرد}) + \frac{1}{3} (\text{نمره استفاده بنگاه}) + \frac{1}{3} (\text{نمره استفاده دولت})$$

ستون ششم: استفاده فرد

میزان استفاده فرد از فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط نشانگرهای جدول (۶) محاسبه می شود.

جدول (۶) - نشانگرهای ستون ششم (استفاده فرد)

۶-۰۱: تعداد مشترکین تلفن همراه در هر ۱۰۰ نفر	۶-۰۲: درصد افراد استفاده کننده از اینترنت
۶-۰۳: درصد خانوارهای دارنده رایانه	۶-۰۴: درصد خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت
۶-۰۵: تعداد مشترکین اینترنت پهن باند ثابت در هر ۱۰۰ نفر جمعیت	۶-۰۶: تعداد مشترکین اینترنت پهن باند همراه در هر ۱۰۰ نفر جمعیت
۶-۰۷: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (*)	

اروپا و آفریقا با ۷۷٪ و ۷٪ دارای بالاترین و پایین‌ترین درصد خانوارهای متصل به اینترنت می‌باشند. این مقدار برای آسیا و اقیانوسیه ۲۳٪ می‌باشد. یکی از مهم‌ترین تجهیزات تأثیرگذار در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تلفن‌های همراه می‌باشد. تا پایان سال ۲۰۱۳ میلادی از جمعیت ۷/۱ میلیاردی جهان تعداد ۶/۸ میلیارد مشترک تلفن همراه بوده، که ۳/۵ میلیارد آن در آسیا و اقیانوسیه می‌باشند (گزارش اتحادیه جهانی مخابرات، ۲۰۱۳: ۴).

ستون هفتم: استفاده بنگاه

میزان استفاده بنگاه از ICT توسط نشانگرهای جدول (۷) اندازه گیری می‌شود.

جدول (۷) نشانگرهای ستون هفتم (استفاده بنگاه)

۷-۰۱: میزان جذب فناوری توسط بنگاه (*)	۷-۰۲: ظرفیت نوآوری (*)
۷-۰۳: تعداد اختراعات کاربردی ثبت شده در هر یک میلیون نفر جمعیت	۷-۰۴: میزان استفاده از اینترنت در معاملات بنگاه - بنگاه (*)
۷-۰۵: میزان استفاده از اینترنت در معاملات بنگاه - مصرف کننده (*)	۷-۰۶: توسعه آموزش کارمندان (*)

ستون هشتم: استفاده دولت

جدول (۸) - نشانگرهای ستون هشتم (استفاده دولت)

۸-۰۱: اهمیت ICT در چشم انداز آینده دولت (*)	۸-۰۲: شاخص خدمات بر خط دولت
۸-۰۳: میزان موفقیت دولت در ترویج ICT (*)	

۱-۲-۴- زیرشاخص تأثیرات

زیرشاخص‌های محیط، آمادگی و استفاده به عنوان تحریک‌کننده‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشند. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات منجر به تأثیراتی در حوزه اقتصاد و اجتماع می‌شود. رابطه (۵) نمره زیرشاخص تأثیرات را نمایش می‌دهد. این زیرشاخص از طریق ۸ نشانگر، تأثیرات ICT را اندازه‌گیری می‌نماید.

$$(۵) \quad \text{نمره زیرشاخص تأثیرات} = (\text{نمره تأثیرات اقتصادی}) + \frac{1}{2} (\text{نمره تأثیرات اجتماعی})$$

ستون نهم: تأثیرات اقتصادی

جدول (۹) - نشانگرهای ستون نهم (تأثیرات اقتصادی)

۹-۰۱: تأثیر ICT بر خدمات و محصولات جدید (*)	۹-۰۲: تعداد اختراعات کاربردی ثبت شده در ICT در هر یک میلیون نفر جمعیت
۹-۰۳: تأثیر ICT بر مدل‌های سازمانی جدید (*)	۹-۰۴: درصد نسبت اشتغال در فعالیتهای دانش‌محور براشتغال کل نیروی کار

ستون دهم: تأثیرات اجتماعی

جدول (۱۰) - نشانگرهای ستون دهم (تأثیرات اجتماعی)

۱۰-۰۱: میزان تأثیر ICT بر دسترسی به خدمات اصلی (*)	۱۰-۰۲: میزان دسترسی به اینترنت در مدارس (*)
۱۰-۰۳: میزان تأثیر ICT بر کارایی دولت (*)	۱۰-۰۴: شاخص مشارکت الکترونیکی

در مورد تهیه و محاسبه نشانگرها دو موضوع مهم در نظر گرفته می‌شود: اول اینکه نیمی از نشانگرها به صورت کیفی بوده و برای تعداد زیادی از کشورها در دسترس نمی‌باشند. از آن جا که ارائه این ۲۷ نشانگر برای محاسبه NRI حیاتی می‌باشد، مدیران مجمع جهانی اقتصاد از طریق نظرسنجی‌های اجرایی بر روی ۱۵۰۰۰ کسب و کار این ۲۷ نشانگر را به صورت کمی ارائه می‌دهند. این نشانگرها با علامت (*) مشخص شده‌اند. باقیمانده نشانگرها به صورت کمی و توسط منابع دیگری تهیه شده‌اند (گزارش مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۳: ۸). دوم اینکه نشانگرهای گروه اول در محدوده نمره ۷-۱ بوده و به راحتی قابل استفاده می‌باشد. اما دسته دوم که توسط منابع دیگر مانند اتحادیه جهانی مخابرات، سازمان ملل و یا بانک جهانی تهیه شده‌اند، در محدوده ۷-۱

نبوده و بایستی تبدیل شوند. نمره شاخص آمادگی شبکه‌ای برای کشورهای برگزیده در جدول (۱۱) آورده شده‌اند. در بین ۱۴۴ کشور که در آنها شاخص آمادگی شبکه‌ای محاسبه شده است، ۲۲ کشور اول از گروه کشورهای توسعه یافته هستند. یونان در گروه کشورهای توسعه یافته، دارای پایین‌ترین نمره می‌باشد. قطر، امارات متحده و بحرین از اولین کشورها در گروه خاورمیانه و شمال آفریقا و یمن آخرین کشور در این گروه می‌باشد. در گروه کشورهای در حال توسعه آسیایی، مالزی اولین کشور است. قزاقستان اولین کشور در گروه کشورهای مشترک‌المنافع می‌باشد و وضعیت بهتری را نسبت به روسیه دارد. نمره فرانسه از اعضای مهم اتحادیه اروپا، از قطر و امارات پایین‌تر است. سه کشور آخر از صحرای آفریقا می‌باشند. ایران با نمره ۳/۴۳ در رتبه ۱۰۱ قرار دارد. نمره و رتبه زیرشاخص‌های محیط، استفاده، آمادگی و تأثیرات کشورهای برگزیده به همراه ستون‌های مربوطه در جداول (۱)، (۲)، (۳) و (۴) پیوست ارائه گردیده‌اند.

جدول (۱۱) - نمره و رتبه شاخص آمادگی شبکه‌ای در کشورهای برگزیده ۲۰۱۳

رتبه	کشور	نمره	گروه
۱	فنلاند	۵/۹۸	توسعه یافته
۲	سنگاپور	۵/۹۶	توسعه یافته
۳	سوئد	۵/۹۱	توسعه یافته
۴	هلند	۵/۸۱	توسعه یافته
۵	نروژ	۵/۶۶	توسعه یافته
۶	سوئیس	۵/۶۶	توسعه یافته
۷	بریتانیا	۵/۶۴	توسعه یافته
۸	دانمارک	۵/۵۸	توسعه یافته
۹	آمریکا	۵/۵۷	توسعه یافته
۱۰	تایوان	۵/۴۷	توسعه یافته
۱۲	جمهوری کره	۵/۴۶	توسعه یافته
۲۱	ژاپن	۵/۲۴	توسعه یافته
۲۳	قطر	۵/۱۰	خاورمیانه
۲۴	بلژیک	۵/۱۰	توسعه یافته
۲۵	امارات	۵/۰۷	خاورمیانه
۲۶	فرانسه	۵/۰۶	توسعه یافته

رتبه	کشور	نمره	گروه
۲۹	بحرین	۴/۸۳	خاورمیانه
۳۰	مالزی	۴/۸۲	در حال توسعه آسیا
۳۱	عربستان	۴/۸۲	خاورمیانه
۴۰	عمان	۴/۴۸	خاورمیانه
۴۳	قزاقستان	۴/۴۳	مشترک المنافع
۴۵	ترکیه	۴/۲۲	اروپای شرقی
۴۷	اردن	۴/۲۰	خاورمیانه
۵۴	روسیه	۴/۱۳	مشترک المنافع
۵۶	آذربایجان	۴/۱۱	مشترک المنافع
۵۸	چین	۴/۰۳	در حال توسعه آسیا
۶۰	برزیل	۳/۹۷	آمریکای لاتین
۶۲	کویت	۳/۹۴	خاورمیانه
۶۴	یونان	۳/۹۳	توسعه یافته
۶۸	هند	۳/۸۸	در حال توسعه آسیا
۷۶	اندونزی	۳/۸۴	در حال توسعه آسیا
۸۰	مصر	۳/۷۸	شمال آفریقا
۹۴	لبنان	۳/۵۳	خاورمیانه
۱۰۱	ایران	۳/۴۳	خاورمیانه
۱۰۵	پاکستان	۳/۳۵	در حال توسعه آسیا
۱۱۲	تاجیکستان	۳/۲۹	مشترک المنافع
۱۳۲	لیبی	۲/۷۷	خاورمیانه
۱۳۹	یمن	۲/۶۳	خاورمیانه
۱۴۴	بروندی	۲/۳۰	صحرای آفریقا

منبع: گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۱

جدول (۱۲) تغییرات نمره و رتبه شاخص آمادگی شبکه‌ای پانزده کشور اول ۲۰۱۱-۲۰۱۴

۲۰۱۱		۲۰۱۲		۲۰۱۳		۲۰۱۴		کشور
نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	
۵/۴۳	۳	۵/۸۱	۳	۵/۹۸	۱	۶/۰۴	۱	فنلاند
۵/۵۹	۲	۵/۸۶	۲	۵/۹۶	۲	۵/۹۷	۲	سنگاپور
۵/۶	۱	۵/۹۴	۱	۵/۹۱	۳	۵/۹۳	۳	سوئد
۵/۱۹	۱۱	۵/۶	۶	۵/۸۱	۴	۵/۷۹	۴	هلند
۵/۲۱	۹	۵/۵۹	۷	۵/۶۶	۵	۵/۷	۵	نروژ
۵/۳۳	۴	۵/۶۱	۵	۵/۶۶	۶	۵/۶۲	۶	سوئیس
۵/۳۳	۵	۵/۵۶	۸	۵/۵۷	۹	۵/۶۱	۷	آمریکا
۵/۱۹	۱۲	۵/۴۶	۱۳	۵/۴	۱۴	۵/۶	۸	هنگ کنگ
۵/۱۲	۱۵	۵/۵	۱۰	۵/۶۴	۷	۵/۵۴	۹	انگلیس
۵/۱۹	۱۰	۵/۴۷	۱۲	۵/۴۶	۱۱	۵/۵۴	۱۰	کره
۵/۱۴	۱۴	۵/۲۲	۲۱	۵/۳۷	۱۶	۵/۵۳	۱۱	لوکزامبورگ
۵/۱۴	۱۳	۵/۳۲	۱۶	۵/۴۳	۱۳	۵/۵	۱۲	آلمان
۵/۲۹	۷	۵/۷	۵/۴۷	۵/۵۸	۸	۵/۵	۱۳	دانمارک
۵/۳	۶	۵/۴۸	۱۱	۵/۴۷	۱۰	۵/۴۷	۱۴	تایوان
۴/۹۵	۱۹	۵/۲۵	۱۸	۵/۲۴	۲۱	۵/۴۱	۱۶	ژاپن

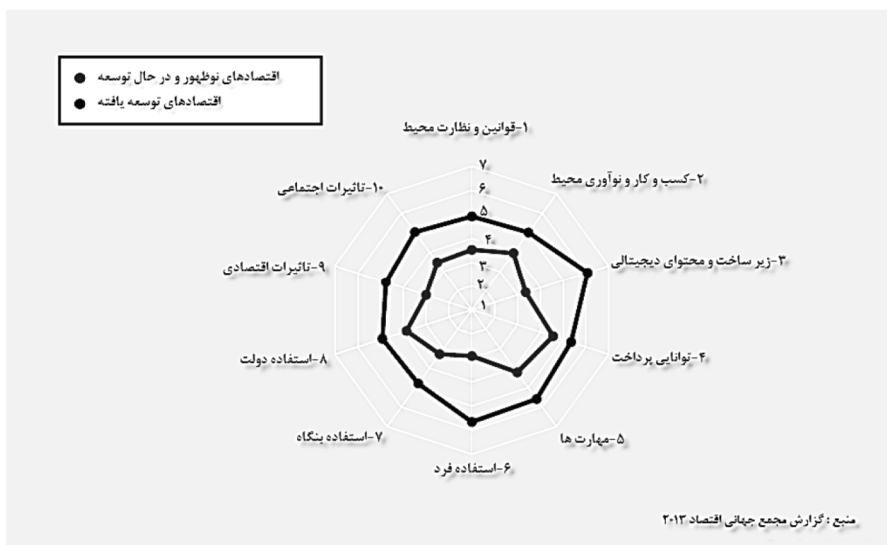
منبع: گزارش سالانه فناوری اطلاعات و ارتباطات مجمع جهانی اقتصاد

مطابق با جدول (۱۲)، بالاترین نمره و رتبه شاخص آمادگی شبکه‌ای در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۴ متعلق به گروه کشورهای توسعه یافته می‌باشد.

۲- شکاف دیجیتالی

هدف اصلی و مهم در محاسبه شاخص آمادگی شبکه‌ای، اندازه‌گیری توانایی کشورها در استفاده از ICT به منظور توسعه و بهبود رقابت‌پذیری می‌باشد (گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۷). ستون‌ها و نشانگرهای محاسبه شده برای کشورها، تفاوت و وجود شکافی را برای اقتصادهای در حال توسعه و توسعه یافته آشکار می‌سازد. فاصله بین کشورها در هر ستون را شکاف دیجیتالی می‌نامند. شکل (۲) شکاف دیجیتالی موجود بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را نشان می‌دهد.

شکل (۲) - شکاف دیجیتالی بین ستون‌های NRI در سال ۲۰۱۳



در بین ۱۰ ستون شاخص آمادگی شبکه‌ای بیشترین اختلاف و فاصله در ستون سوم زیرساخت و محتوای دیجیتالی و ستون ششم استفاده فرد بوده و بیشترین اختلاف نمره بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ۲/۷ می‌باشد. جدول (۱۳) ضریب نفوذ فناوری‌های مختلف ۱۴۴ کشور که در آنها شاخص آمادگی شبکه‌ای محاسبه شده است را نشان می‌دهد. از این تعداد ۱۰۹ کشور در حال توسعه و ۳۵ کشور توسعه یافته می‌باشند.

جدول (۱۳) - ضریب نفوذ فناوری‌های مختلف در سال ۲۰۱۱

نام و عنوان فناوری	اقتصادهای در حال توسعه (۱۰۹ کشور)	اقتصادهای توسعه یافته (۳۵ کشور)	همه کشورها (۱۴۴)	نسبت اقتصادهای توسعه یافته به در حال توسعه
تعداد مشترکین همراه سلولی در هر ۱۰۰ نفر	۸۱/۳	۱۱۰/۷	۸۵/۷	۱/۴
تعداد مشترکین پهن باند ثابت در هر ۱۰۰ نفر	۵/۱	۲۸/۷	۸/۷	۵/۷
تعداد مشترکین پهن باند همراه در هر ۱۰۰ نفر	۸/۸	۶۴/۸	۱۷/۰	۷/۳
درصد افراد استفاده کننده از اینترنت	۲۵	۷۷/۳	۳۲/۸	۳/۱
درصد خانوارهای دارای رایانه	۲۲/۲	۷۷/۷	۳۱/۲	۳/۵

منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۸

کوچکترین شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در تعداد مشترکین تلفن همراه سلولی است. ضریب نفوذ برای کشورهای در حال توسعه ۸۱/۳ و توسعه یافته ۱۱۰/۷ بوده که به ضریب نفوذ جهانی آن یعنی ۸۵/۷ بسیار نزدیک می‌باشد. به بیان دیگر تعداد مشترکین تلفن همراه سلولی در کشورهای توسعه یافته ۱/۴ برابر بیشتر از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. بزرگترین شکاف نیز در تعداد مشترکین پهن باند همراه بوده است. ضریب نفوذ پهن باند همراه برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۶۴/۸ و ۸/۸ می‌باشد که تفاوت نسبتاً بزرگی را نشان می‌دهد. به ازاء هر یک مشترک پهن باند همراه در کشورهای در حال توسعه، در کشورهای توسعه یافته ۷/۳ مشترک وجود دارد. ضریب نفوذ پهن باند ثابت در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیز دارای تفاوت زیاد ۵/۷ برابری می‌باشند. شکاف دیجیتالی در استفاده از اینترنت و دسترسی به رایانه نیز به ترتیب ۳/۱ و ۳/۵ می‌باشد. جدول (۱۳) بیانگر شکاف در

دسترسی به^۱ ICT بوده و پر نمودن این شکاف باعث بهره‌مندی از مزایای کامل فناوری اطلاعات و ارتباطات نمی‌شود. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و بعضی از کشورهای مشترک‌المنافع پیشرفت‌های زیادی در پر کردن میزان دسترسی به ICT داشته‌اند. شکل (۲) معرف شکاف دیجیتالی بوده و کم کردن این شکاف در تمام ستون‌ها باعث می‌شود تا کشورها بتوانند به‌طور کامل از تأثیرات اقتصادی و اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات منتفع گردند. کم کردن شکاف دیجیتالی نسبت به کم کردن شکاف در دسترسی به ICT نیازمند کوشش و تلاش بیشتری می‌باشد (گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۸).

۳- ارزیابی شاخص آمادگی شبکه‌ای ایران

نمره و رتبه زیرشاخص‌های مربوط به ایران مطابق جدول (۱۴) می‌باشد

جدول (۱۴) - نمره و رتبه زیرشاخص‌های ایران در سال ۲۰۱۳

رتبه	نمره	زیرشاخص
۷۲	۳/۹	محیط
۱۰۹	۳/۷	آمادگی
۱۰۶	۳/۱	استفاده
۹۹	۳/۱	تأثیرات

منبع: (گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۲۰۰)

جدول (۱۵) - نمره و رتبه ستون‌های ایران در سال ۲۰۱۳

رتبه	نمره	ستون
۶۷	۳/۷	قوانین و نظارت محیط
۸۰	۴	کسب و کار و نوآوری محیط
۹۷	۳/۱	زیرساخت و محتوای دیجیتالی
۱۱۵	۳/۱	توانایی پرداخت
۶۹	۴/۸	مهارت‌ها
۱۰۸	۲/۲	استفاده فرد
۱۱۹	۳	استفاده بنگاه
۷۱	۴	استفاده دولت
۱۰۶	۲/۸	تأثیرات اقتصادی
۹۴	۳/۴	تأثیرات اجتماعی

منبع: (گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۲۰۰)

بهترین رتبه ایران در زیرشاخص محیط و پایین‌ترین رتبه در زیرشاخص آمادگی می‌باشد. پایین بودن رتبه ایران در زیرشاخص آمادگی لزوم توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به بهبود وضعیت زیرساخت‌ها و افزایش مهارت‌ها را یادآوری می‌کند. جدول (۱۵) نمره و رتبه ایران را در ستون‌های ده‌گانه نشان می‌دهد. در قسمت محرک‌ها، ستون‌های استفاده بنگاه، توانایی پرداخت و استفاده فرد، دارای رتبه‌های پایینی می‌باشند. ستون‌های قوانین و نظارت محیط، مهارت‌ها و استفاده دولت نیز دارای بالاترین رتبه هستند. پایین‌ترین رتبه در این ستون‌ها مربوط به استفاده در سطح بنگاه می‌باشد.

جدول (۱۶) - تغییرات نمره و رتبه شاخص آمادگی شبکه‌ای ایران ۲۰۱۰-۲۰۱۴

رتبه	نمره	سال
۱۰۴ (در بین ۱۴۸ کشور)	۳/۴۲	۲۰۱۴
۱۰۱ (در بین ۱۴۴ کشور)	۳/۴۳	۲۰۱۳
۱۰۴ (در بین ۱۴۲ کشور)	۳/۳۶	۲۰۱۲
۱۰۱ (در بین ۱۳۸ کشور)	۳/۴۱	۲۰۱۱
۱۰۱ (در بین ۱۳۸ کشور)	۳/۴۱	۲۰۱۰

منبع: گزارش سالانه فناوری اطلاعات و ارتباطات مجمع جهانی اقتصاد

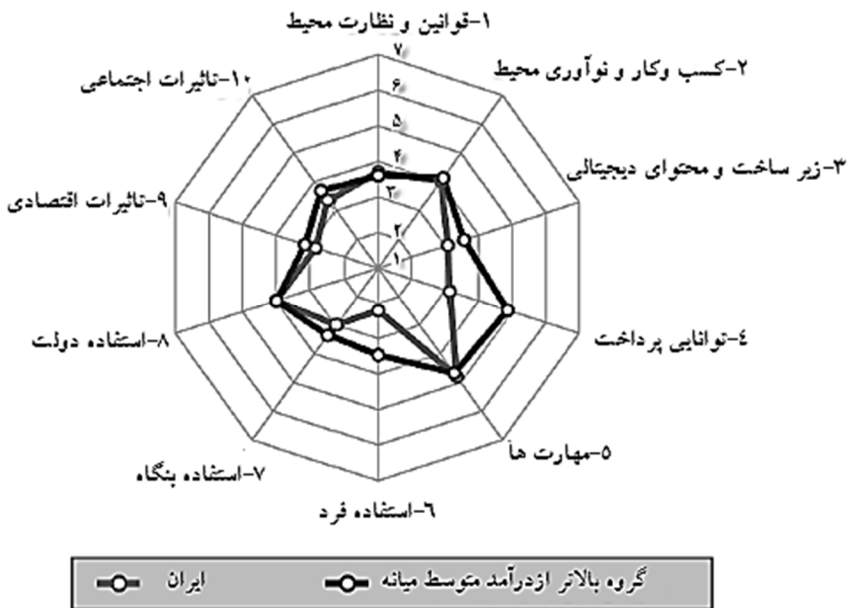
جدول (۱۶) تغییرات شاخص آمادگی شبکه‌ای ایران را نشان می‌دهد. عدم تغییر محسوس در نمره و رتبه ایران در سال‌های اخیر، بیانگر نادیده گرفتن تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌های اقتصاد و اجتماع می‌باشد.

۳-۱- ایران و شکاف دیجیتالی

شکل (۳) تفاوت در ستون‌های ده گانه شاخص آمادگی شبکه‌ای ایران را با کشور مرجع در گروه درآمد بالاتر از متوسط میانه^۱ نشان می‌دهد. مطابق شکل فوق بیشترین شکاف در ستون‌های چهارم (توانایی پرداخت) و ششم (استفاده فرد) می‌باشد. ایران در زیر شاخص محیط و نیز ستون استفاده دولت از فناوری اطلاعات و ارتباطات دارای وضعیت بهتری می‌باشد.

۱- High-Income Group Average

شکل (۳) - شکاف دیجیتالی ایران



منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۲۰۰

نتیجه گیری و توصیه های سیاست گذاری

اولین گام در دستیابی به موفقیت در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در اختیار داشتن زیرساخت مناسب است که مؤلفه های عمومی شناسایی آن، آمادگی الکترونیکی است. آمادگی الکترونیکی در واقع پتانسیل به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور پیاده سازی روش هایی است که بتوانند سبب ارتقای فرایند توسعه اقتصادی و افزایش رفاه جامعه شود. ایران در دهه اخیر در زمینه های بهبود محیط سیاست گذاری و محیط کسب و کار و استفاده دولتی فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفت قابل توجهی داشته است. اما در زمینه های زیرساخت شبکه ارتباطی و اطلاعاتی (افزایش سرانه تولید برق کشور، ضریب نفوذ تلفن همراه، ضریب نفوذ اینترنت، پهنای باند، پوشش شبکه تلفن همراه) و میزان دسترسی به محتوای دیجیتالی و استطاعت پذیری (متناسب بودن قیمت خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات با درآمد افراد) و میزان استفاده فردی و تجاری و همچنین تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، نمره و رتبه پایینی دارد. بهبود و ارتقای نمره شاخص آمادگی شبکه ای (رشد متوازن در تمام زیرشاخص ها) را می توان

مهمترین وظیفه سیاست‌گذاران در بلندمدت دانست. اما در کوتاه‌مدت، توجه به زیرشاخص آمادگی شبکه از جمله کاربردهای فردی (دسترسی به اینترنت پرسرعت خانگی و افزایش پهنای باند خانگی)، زیرساخت و محتوای دیجیتالی و توانایی پرداخت (استطاعت‌پذیری) از اهم فعالیت‌هایی است که باید تمرکز بیشتری بر ارتقای آنها صورت گیرد.

منابع

- Bilbao. B, Dutta. S (2013), *The Global Information Technology Report: Growth and Jobs in a Hyperconnected World*, World Economic Forum.
- Bilbao. B, Dutta. S (2014), *The Global Information Technology Report: Rewards and Risks of Big Data*, World Economic Forum.
- Bilbo. B, Dutta. S (2012), *The Global Information Technology Report: Living in a Hyperconnected World*, World Economic Forum.
- Deloitte, GSMA, Cisco (2012), *What is the Impact of Mobile Telephony on Economic Growth*.
- Dutta. S, Mia. I (2009), *The Global Information Technology Report: Mobility in a Networked World*, World Economic Forum.
- Dutta. S, Mia. I (2010), *The Global Information Technology Report: ICT for Sustainability*, World Economic Forum.
- Dutta. S, Mia. I (2011), *The Global Information Technology Report: Transformation, World Economic Forum*.
- El- Darwiche. B, Singh. M (2012), *Digitization and Prosperity*, booz&co.
- ITU, UNESCO (2013), *The State of Broadband 2013: Universalizing Broadband*.
- Manyika. J Chui. M (2013), *Disruptive Technologies: Advances That Will Transform Life, Business, and the Global Economy*, Mckinsey Global Institute.
- OECD (2000), *A New Economy? (The Changing Role of Innovation And Information Technology In Growth)*.
- THE WORLD BANK, ITU (2013), *The little Data Book on Information and Communication Technology*.

پیوست‌ها

جدول (۱) - نمره و رتبه زیر شاخص محیط و ستون‌های مربوطه کشورهای برگزیده ۲۰۱۳

زیر شاخص محیط			ستون اول : قوانین و نظارت محیط		ستون دوم : کسب و کار و نوآوری محیط	
رتبه	کشور	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۱	سنگاپور	۵/۹۸	۱	۵/۹۷	۱	۵/۸۰
۲	نیوزیلند	۵/۶۵	۲	۵/۹۲	۶	۵/۳۸
۳	فنلاند	۵/۵۹	۳	۵/۸۴	۷	۵/۳۴
۴	هلند	۵/۵۳	۶	۵/۶۷	۵	۵/۴۰
۵	سوئد	۵/۴۸	۵	۵/۶۷	۱۱	۵/۳۰
۶	بریتانیا	۵/۴۸	۷	۵/۶۲	۸	۵/۳۳
۷	سوئیس	۵/۴۶	۸	۵/۶۰	۹	۵/۳۲
۸	هنگ کنگ	۵/۴۴	۱۵	۵/۲۷	۲	۵/۶۱
۹	نروژ	۵/۴۲	۹	۵/۵۲	۱۰	۵/۳۱
۱۰	کانادا	۵/۴۲	۱۲	۵/۳۶	۳	۵/۴۷
۱۴	قطر	۵/۱۹	۱۸	۵/۱۰	۱۲	۵/۲۹
۱۶	آمریکا	۵/۱۱	۲۲	۴/۹۴	۱۳	۵/۲۹
۱۸	مالزی	۵/۰۸	۲۴	۴/۸۸	۱۶	۵/۲۵
۱۹	امارات متحده	۵/۰۵	۲۶	۴/۸۴	۱۷	۵/۲۵

زیرشاخص محیط			ستون اول : قوانین و نظارت محیط		ستون دوم : کسب و کار و نوآوری محیط	
۲۴	تایوان	۴/۹۷	۳۳	۴/۵۱	۴	۵/۴۴
۲۵	عربستان	۴/۸۷	۲۹	۴/۶۸	۲۵	۵/۰۷
۲۸	بحرین	۴/۸۳	۴۰	۴/۳۹	۱۴	۵/۲۷
۳۲	جمهوری کره	۴/۷۰	۴۲	۴/۲۵	۲۳	۵/۱۴
۳۷	عمان	۴/۶۱	۳۴	۴/۴۷	۳۳	۴/۷۵
۴۲	اردن	۴/۳۵	۴۸	۴/۰۵	۴۰	۴/۶۵
۴۶	ترکیه	۴/۳۱	۵۴	۳/۹۷	۴۳	۴/۶۴
۶۶	قزاقستان	۳/۹۳	۷۷	۳/۶۳	۶۴	۴/۲۳
۶۹	کویت	۳/۹۰	۷۱	۳/۶۷	۷۱	۴/۱۳
۷۱	چین	۳/۸۸	۵۶	۳/۹۷	۱۰۵	۳/۷۸
۷۲	ایران	۳/۸۶	۶۷	۳/۷۰	۸۰	۴/۰۳
۷۷	آذربایجان	۳/۸۴	۶۶	۳/۷۲	۸۶	۳/۹۶
۷۸	اندونزی	۳/۸۳	۸۲	۳/۵۷	۷۳	۴/۱۰
۸۰	تاجیکستان	۳/۸۰	۴۷	۴/۰۶	۱۲۱	۳/۵۴
۸۶	لبنان	۳/۷۴	۱۳۳	۲/۷۶	۳۵	۴/۷۳
۹۹	مصر	۳/۶۲	۹۶	۳/۳۹	۹۸	۳/۸۵
۱۰۲	روسیه	۳/۵۸	۱۰۸	۳/۲۴	۹۰	۳/۹۲
۱۰۷	برزیل	۳/۵۳	۷۸	۳/۶۳	۱۲۶	۳/۴۲

زیر شاخص محیط			ستون اول: قوانین و نظارت محیط		ستون دوم: کسب و کار و نوآوری محیط	
۱۱۶	پاکستان	۳/۴۲	۱۲۳	۳/۰۳	۱۰۲	۳/۸۱
۱۳۸	یمن	۲/۹۱	۱۴۰	۲/۵۱	۱۳۳	۳/۳۰
۱۴۴	چاد	۲/۵۹	۱۳۹	۲/۵۹	۱۴۴	۲/۵۸

جدول (۲) - نمره و رتبه زیر شاخص آمادگی و ستون‌های مربوطه کشورهای برگزیده ۲۰۱۳

زیر شاخص آمادگی			ستون سوم: زیر ساخت و محتوای دیجیتالی		ستون چهارم: توانایی پرداخت		ستون پنجم: مهارت‌ها	
رتبه	کشور	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۱	فنلاند	۶/۵۱	۲	۶/۸۷	۱۹	۶/۲۲	۱	۶/۴۵
۲	ایسلند	۶/۴۳	۱	۶/۸۷	۵	۶/۵۵	۹	۵/۸۷
۳	سوئد	۶/۳۸	۴	۶/۸۳	۷	۶/۴۸	۱۰	۵/۸۴
۴	آمریکا	۶/۲۵	۷	۶/۸۰	۱۵	۶/۳۱	۲۰	۵/۶۲
۵	کانادا	۶/۱۷	۵	۶/۸۱	۴۳	۵/۶۹	۶	۶/۰۲
۶	نروژ	۶/۱۵	۳	۶/۸۴	۲۳	۶/۰۹	۲۷	۵/۵۲
۷	دانمارک	۶/۰۴	۱۴	۶/۴۰	۲۲	۶/۰۹	۱۸	۵/۶۳
۸	سوئیس	۶/۰۲	۸	۶/۷۱	۶۸	۵/۲۵	۴	۶/۱۰
۹	اتریش	۶/۰۱	۹	۶/۶۰	۳۷	۵/۸۹	۲۴	۵/۵۵
۱۰	بریتانیا	۵/۹۹	۱۳	۶/۴۲	۳۵	۵/۹۰	۱۵	۵/۶۶
۱۱	سنگاپور	۵/۹۶	۱۹	۶/۲۰	۵۵	۵/۵۰	۲	۶/۱۸

زیرشاخص آمادگی			ستون سوم: زیرساخت و محتوای دیجیتالی		ستون چهارم: توانایی پرداخت		ستون پنجم: مهارت‌ها	
۲۳	جمهوری کره	۵/۵۶	۲۰	۶/۱۳	۸۳	۴/۸۸	۱۴	۵/۶۷
۲۸	ژاپن	۵/۳۶	۲۴	۵/۸۴	۹۲	۴/۵۰	۱۳	۵/۷۳
۳۲	روسیه	۵/۲۹	۴۳	۴/۷۲	۱۸	۶/۲۳	۶۱	۴/۹۱
۳۵	بحرین	۵/۲۷	۳۹	۴/۹۷	۴۶	۵/۶۴	۴۴	۵/۲۰
۳۶	ترکیه	۵/۲۷	۴۸	۴/۵۶	۴	۶/۵۹	۸۱	۴/۶۵
۳۹	عربستان	۵/۲۳	۳۶	۵/۰۶	۶۵	۵/۳۵	۳۷	۵/۲۹
۴۰	امارات متحده	۵/۲۳	۳۰	۵/۴۶	۸۹	۴/۷۰	۲۵	۵/۵۴
۴۴	قطر	۵/۰۶	۳۵	۵/۲۲	۱۰۳	۳/۹۲	۵	۶/۰۴
۵۰	قزاقستان	۴/۹۸	۶۳	۴/۱۴	۳۶	۵/۹۰	۶۲	۴/۹۱
۵۱	آذربایجان	۴/۹۸	۷۵	۳/۸۳	۲۰	۶/۱۶	۵۷	۴/۹۶
۵۵	اردن	۴/۹۷	۸۱	۳/۵۵	۲۷	۶/۰۳	۳۴	۵/۳۳
۵۶	عمان	۴/۹۲	۶۶	۴/۰۵	۳۴	۵/۹۰	۶۸	۴/۸۱
۵۷	مالزی	۴/۸۷	۷۳	۳/۸۵	۵۰	۵/۵۸	۴۳	۵/۲۰
۵۸	کویت	۴/۸۷	۴۵	۴/۶۴	۷۱	۵/۱۸	۷۱	۴/۷۹
۶۶	چین	۴/۷۶	۸۳	۳/۴۶	۴۰	۵/۸۲	۵۳	۵/۰۱
۶۸	هند	۴/۷۰	۱۱۱	۲/۸۰	۱	۷	۹۵	۴/۳۱
۷۱	اندونزی	۴/۶۶	۸۹	۳/۲۶	۳۹	۵/۸۲	۶۳	۴/۸۸

زیرشاخص آمادگی			ستون سوم: زیرساخت و محتوای دیجیتالی		ستون چهارم: توانایی پرداخت		ستون پنجم: مهارت‌ها	
۷۴	برزیل	۴/۵۳	۶۲	۴/۱۶	۷۶	۵/۰۱	۹۱	۴/۴۲
۸۲	مصر	۴/۴۱	۹۳	۳/۱۹	۸	۶/۴۷	۱۱۵	۳/۵۶
۸۶	لبنان	۴/۲۹	۸۸	۳/۲۷	۹۵	۴/۱۲	۲۸	۵/۴۹
۹۳	پاکستان	۴/۱۱	۱۰۴	۳	۲۱	۵/۱۵	۱۲۹	۳/۱۹
۱۰۹	ایران	۳/۶۹	۹۷	۳/۱۳	۱۱۵	۳/۱۳	۶۹	۴/۷۹
۱۱۷	یمن	۳/۲۴	۱۲۳	۲/۴۳	۸۸	۴/۷۵	۱۳۸	۲/۵۴
۱۴۴	سیرالئون	۱/۷۴	۱۳۱	۲/۱۱	۱۴۱	۱	۱۴۴	۲/۱۰

منبع: گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۳

جدول (۳) نمره و رتبه زیرشاخص استفاده و ستون‌های مربوطه کشورهای برگزیده ۲۰۱۳

زیرشاخص استفاده			ستون ششم: استفاده فرد		ستون هفتم: استفاده بنگاه		ستون هشتم: استفاده دولت	
رتبه	کشور	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۱	سوئد	۶	۳	۶/۵۳	۴	۵/۸۹	۸	۵/۵۶
۲	فنلاند	۵/۹۷	۶	۶/۴۰	۳	۵/۹۷	۱۰	۵/۵۵
۳	سنگاپور	۵/۸۶	۱۱	۶/۱۳	۱۴	۵/۱۸	۱	۶/۲۹
۴	جمهوری کره	۵/۸۶	۷	۶/۳۹	۱۱	۵/۳۱	۳	۵/۸۹
۵	هلند	۵/۷۸	۵	۶/۴۲	۸	۵/۵۳	۱۵	۵/۳۹
۶	دانمارک	۵/۷۵	۱	۶/۶۵	۷	۵/۵۶	۲۴	۵/۰۵

زیرشاخص استفاده			ستون ششم : استفاده فرد		ستون هفتم : استفاده بنگاه		ستون هشتم : استفاده دولت	
۷	نروژ	۵/۷۵	۲	۶/۶۲	۱۲	۵/۲۳	۱۴	۵/۳۹
۸	سوئیس	۵/۷۰	۱۰	۶/۱۵	۱	۶/۱۱	۳۱	۴/۸۶
۹	ژاپن	۵/۶۲	۱۳	۵/۸۸	۲	۶/۰۱	۲۷	۴/۹۸
۱۱	بریتانیا	۵/۵۹	۹	۶/۱۷	۱۵	۵/۰۵	۹	۵/۵۵
۱۳	ایالات متحده	۵/۵۱	۱۸	۵/۶۶	۱۰	۵/۳۷	۱۱	۵/۴۹
۱۵	تایوان	۵/۴۵	۲۰	۵/۶۶	۱۳	۵/۱۹	۱۲	۵/۴۹
۱۶	قطر	۵/۳۵	۱۶	۵/۸۲	۲۷	۴/۴۷	۵	۵/۷۵
۲۰	هنگ کنگ	۵/۱۸	۱۲	۵/۹۱	۱۹	۴/۷۷	۳۰	۴/۸۷
۲۲	فرانسه	۵/۱۳	۲۴	۵/۵۲	۱۸	۴/۸۶	۲۵	۵/۰۲
۲۳	امارات متحده	۵/۰۷	۳۶	۴/۹۰	۲۸	۴/۳۱	۲	۵/۹۹
۲۴	کانادا	۵/۰۴	۲۷	۵/۴۴	۲۴	۴/۵۴	۲۲	۵/۱۴
۲۹	مالزی	۴/۸۳	۴۶	۴/۴۴	۲۶	۴/۴۹	۷	۵/۵۷
۳۰	بحرین	۴/۸۳	۳۰	۵/۱۳	۵۶	۳/۵۹	۴	۵/۷۸
۳۱	عربستان	۴/۷۴	۴۷	۴/۳۹	۳۰	۴/۱۰	۶	۵/۷۳
۳۷	عمان	۴/۳۶	۵۰	۴/۳۱	۵۲	۳/۶۲	۲۱	۵/۱۴
۴۲	قزاقستان	۴/۱۸	۵۴	۴/۰۶	۸۵	۳/۳۴	۲۳	۵/۱۳

زیرشاخص استفاده			ستون ششم: استفاده فرد		ستون هفتم: استفاده بنگاه		ستون هشتم: استفاده دولت	
۴۴	برزیل	۴/۰۸	۵۸	۳/۹۷	۳۴	۳/۹۰	۴۸	۴/۳۸
۵۲	آذربایجان	۳/۹۹	۶۴	۳/۶۸	۵۸	۳/۵۷	۳۴	۴/۷۱
۵۵	کویت	۳/۹۴	۴۰	۴/۸۳	۸۳	۳/۳۵	۱۰۵	۳/۶۳
۵۶	روسیه	۳/۹۱	۴۵	۴/۵۱	۹۵	۳/۲۴	۷۴	۳/۹۹
۵۸	چین	۳/۸۰	۸۳	۲/۹۶	۳۵	۳/۸۶	۳۸	۴/۵۸
۶۰	اردن	۳/۷۹	۶۶	۳/۵۵	۵۵	۳/۵۹	۵۶	۴/۲۲
۶۲	ترکیه	۳/۷۸	۶۸	۳/۵۱	۴۸	۳/۶۵	۶۰	۴/۱۸
۷۲	آفریقای جنوبی	۳/۵۳	۸۱	۲/۹۹	۳۳	۳/۹۱	۱۰۲	۳/۷۰
۸۱	هند	۳/۴۱	۱۲۱	۱/۹۷	۴۵	۳/۷۰	۴۰	۴/۵۵
۹۸	لبنان	۳/۲۱	۶۳	۳/۷۰	۱۱۶	۳/۰۲	۱۳۴	۲/۹۰
۱۰۶	ایران	۳/۰۶	۱۰۸	۲/۲۰	۱۱۹	۲/۹۹	۷۱	۴
۱۱۸	پاکستان	۲/۸۹	۱۲۳	۱/۸۳	۹۱	۳/۲۷	۱۱۰	۳/۵۶
۱۴۲	یمن	۲/۲۷	۱۳۵	۱/۵۷	۱۳۷	۲/۶۸	۱۴۱	۲/۵۶
۱۴۴	بروندی	۲/۰۴	۱۴۴	۱/۳۳	۱۴۳	۲/۳۱	۱۴۲	۲/۴۷

منبع: (گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۳: ۱۴)

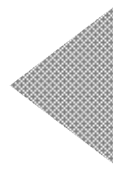
جدول (۴) - نمره و رتبه زیرشاخص تأثیرات و ستون‌های مربوطه کشورهای برگزیده ۲۰۱۳

زیرشاخص تأثیرات			ستون نهم: تأثیرات اقتصادی		ستون دهم: تأثیرات اجتماعی	
رتبه	کشور	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۱	سنگاپور	۶/۱۳	۲	۵/۹۸	۱	۶/۲۸
۲	هلند	۶/۰۰	۴	۵/۹۳	۳	۶/۰۸
۳	فنلاند	۵/۸۶	۱	۵/۹۹	۹	۵/۷۴
۴	سوئد	۵/۷۷	۳	۵/۹۳	۱۰	۵/۶۲
۵	جمهوری کره	۵/۷۱	۱۲	۵/۲۴	۲	۶/۱۹
۶	تایوان	۵/۶۵	۷	۵/۴۹	۶	۵/۸۲
۸	بریتانیا	۵/۴۸	۱۴	۵/۰۹	۴	۵/۸۶
۹	سوئیس	۵/۴۴	۵	۵/۸۰	۲۴	۵/۰۸
۱۰	ایالات متحده	۵/۴۳	۱۱	۵/۳۲	۱۱	۵/۵۵
۱۶	کانادا	۵/۱۴	۱۶	۴/۹۳	۱۷	۵/۳۵
۱۷	ژاپن	۵/۱۲	۸	۵/۳۶	۳۱	۴/۸۸
۱۹	امارات متحده	۴/۹۴	۲۸	۴/۱۳	۷	۵/۷۵
۲۰	فرانسه	۴/۸۶	۱۷	۴/۹۲	۳۲	۴/۷۹
۲۳	قطر	۴/۸۰	۳۳	۳/۸۵	۸	۵/۷۵
۲۷	مالزی	۴/۵۲	۲۹	۴/۰۲	۲۵	۵/۰۲
۳۱	عربستان	۴/۴۳	۴۲	۳/۶۴	۱۸	۵/۲۲
۳۲	بحرین	۴/۳۹	۵۲	۳/۳۹	۱۶	۵/۳۸

۳۷	قزاقستان	۴/۱۸	۶۶	۳/۲۸	۲۳	۵/۰۹
۴۱	عمان	۴/۰۴	۶۱	۳/۳۴	۳۴	۴/۷۵
۵۰	برزیل	۳/۷۴	۵۰	۳/۴۰	۴۸	۴/۰۸
۵۳	روسیه	۳/۷۲	۵۴	۳/۳۸	۵۰	۴/۰۶
۵۴	اردن	۳/۷۰	۴۹	۳/۴۲	۵۴	۳/۹۸
۵۵	چین	۳/۶۹	۸۳	۳/۰۸	۴۲	۴/۲۹
۵۶	هند	۳/۶۷	۴۳	۳/۶۳	۷۳	۳/۷۱
۵۹	آذربایجان	۳/۶۵	۵۹	۳/۳۵	۵۷	۳/۹۴
۶۲	مصر	۳/۶۰	۶۷	۳/۲۸	۵۸	۳/۹۳
۶۴	ترکیه	۳/۵۴	۶۸	۳/۲۶	۶۳	۳/۸۲
۸۳	ارمنستان	۳/۳۱	۶۹	۳/۲۶	۹۰	۳/۳۷
۹۹	ایران	۳/۰۹	۱۰۶	۲/۸۲	۹۴	۳/۳۶
۱۰۱	کویت	۳/۰۴	۱۲۵	۲/۶۰	۸۵	۳/۴۷
۱۰۲	تاجیکستان	۳/۰۳	۱۱۱	۲/۷۵	۹۸	۳/۳۱
۱۰۶	پاکستان	۲/۹۷	۹۹	۲/۸۸	۱۱۳	۳/۰۵
۱۱۶	لبنان	۲/۸۶	۱۰۲	۲/۸۵	۱۲۰	۲/۸۶
۱۴۲	الجزایر	۲/۱۱	۱۴۳	۲/۰۸	۱۴۱	۲/۱۵
۱۴۳	یمن	۲/۰۸	۱۴۲	۲/۲۰	۱۴۳	۱/۹۶
۱۴۴	بروندی	۲/۰۶	۱۴۱	۲/۲۳	۱۴۴	۱/۹۰

منبع: (گزارش فناوری اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳: ۱۵)

نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار روستایی



دکتر حمید برقی^۱

سمیه محمود صالحی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۳/۱ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

چکیده

با توجه به اهمیت نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها به ویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی، روستاها از جایگاه ویژه‌ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردارند و بدون سازماندهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهند شد. گسترش شهرنشینی و افزایش مشکلات آن مانند اسکان غیر رسمی، بیکاری و آلودگی محیط، سکونت در محیط‌های روستایی را به عنوان یک گزینه مطلوب مطرح ساخته است. با وجود این توسعه روستایی پایدار مستلزم وجود مدیریت روستایی نهادمند و کارآمد است. هدف از این مقاله بررسی نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار روستایی با استفاده از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و تحلیلی است.

از این رو مدیریت روستایی یکی از مهمترین ابعاد توسعه روستایی است و همچنین نقش بسیار

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، h.barghi@geo.ui.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، salehi9269aa@gmail.com

مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی برعهده دارد، نتایج تحقیق حاکی از این است که نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص تا سال ۱۳۴۰ و در دهه‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را برای روستاییان ایجاد نموده است. در مدیریت محلی نوین روستایی، دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولت اقدامات مؤثری در توسعه روستایی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی-اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری‌ها را تشکیل می‌دهند که این سه فعالیت عمده دهیاری‌ها در چارچوب توسعه روستایی قرار می‌گیرند و دهیاری‌ها بیشترین تأثیر را در توسعه مدیریت روستایی از جهات عمرانی داشته است.

واژگان کلیدی: مدیریت روستایی، توسعه پایدار، توسعه روستایی، روستا.

مقدمه

اساساً حوزه‌های روستایی، به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیرنظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاها و روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱). حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاها و روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسائل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می‌یابد. از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه‌ای، شهری و روستایی است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲). مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند. مدیریت روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با

مشارکت مردم و از طریق تشکیلات، سازمان‌های روستایی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (نعمتی و بدری: ۱۳۸۵: ۳). مدیریت محلی نوین روستایی یعنی دهیاری‌ها تحت نظارت مستقیم مردمی نمایندگان اهالی روستا (شوراهای اسلامی) و کنترل و سیاستگذاری دولت (بخشداری‌ها و فرمانداری‌ها) در روستاهای کشور ایفای نقش مدیریتی می‌نمایند؛ لذا با عملکرد شایسته دهیاری‌ها می‌توان در جهت توسعه پایدار روستایی گام برداشت (استلاجی، ۱۳۹۱: ۱).

بیان مسأله

روستانشینی شکل ویژه‌ای از استقرار و معیشت انسانی و جلوه بارزی از حیات اقتصادی و اجتماعی است که با نظامی کم و بیش پایدار در طی قرون متمادی دوام یافته است. امروزه نیز با وجود مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری و روند شتابان تبدیل نقاط روستایی به شهر، هنوز بیش از نیمی از جمعیت جهان در نقاط روستایی زندگی می‌کنند و البته سهم عرصه‌های روستایی از فضاها طبیعی و زیستی بسیار بیشتر از این است. به هر حال با توجه به نقشی که نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها به ویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی ایفا می‌کنند، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردارند و بدون سازماندهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهند شد. از این رو توجه به مدیریت روستایی در نظام برنامه‌ریزی و توسعه فضاهای روستایی لازم و ضروری می‌باشد (بدری و موسوی، ۱۳۸۸).

همچنین در اقتصاد کشور ما روستا و روستایی از اهمیت بالایی برخوردار است. نقش تک تک اعضای خانواده در اقتصاد روستایی بر خلاف خانواده شهری در اقتصاد شهر، بسیار قابل توجه است. فعالیت‌های روستاییان بیشتر در رشته‌های زراعت، باغبانی، دامپروری و صنایع دستی است که عده‌ای هم در رشته صید، شکار و جنگل فعالیت می‌کنند. تولید محصولات کشاورزی، اساسی‌ترین وجه از کارکردهای هر روستا با منطقه روستایی را تشکیل می‌دهد (مهدوی و احمدی‌زاده هندخاله، ۱۳۹۰: ۹).

روستا کوچکترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پاینده بودن افراد به قوانین

عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد. اصولاً در جوامع انسانی شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است و به خصوص اگر جامعه، زیرجامعه‌ای از جوامع فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیرگذارتر خواهد بود. علیرغم وجود مسایل عدیده، ساماندهی و تقویت تشکیلات مدیریتی در تداوم نظام اجتماعی با چشم‌اندازی مثبت از توسعه همراه بوده و عدم وجود آن (تشکیلات مدیریتی) یا ضعیف و ناکارآمد بودن آن، نتیجه کاملاً معکوس خواهد داشت (مهدوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۳: ۱-۲).

بدین منظور پژوهش حاضر سعی دارد تا با بررسی نمونه‌هایی از مباحث و کلیات نظری و پایه‌ای و با مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار نواحی روستایی بپردازد.

اهداف پژوهش

هدف کلی: بررسی نقش مدیریت نوین روستایی در توسعه پایدار نواحی روستایی
 اهداف اختصاصی:

- بررسی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی
- بررسی سیر تحولات مدیریت روستایی در ایران

مبانی نظری

روستا

روستا در فرهنگ معین معادل «رستاک» در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، روستاق، رسدق یا رزداق می‌باشد و هم ارز ده یا قریه تعبیر شده است؛ همچنین «ده»، آبادی کوچک در خارج شهر و در مقابل آن، شهر آبادی بزرگ که دارای خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و دکان‌ها و سکنه بسیار باشد، تعریف شده است. در فرهنگ صبا «ده»، «روستا»، «قریه» هم عرض یکدیگر بوده و برابر با «آبادی کوچک در خارج شهر که دارای چندین خانه روستایی باشد» تعریف شده است. همچنین روستا نقطه سکونتی کوچک با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و منابع طبیعی نیز تعریف شده است (راهب، ۱۳۸۶: ۴).

مجموعه زیستی سکونتی است که نوع معیشت آن تا حدود زیادی با شهر متفاوت بوده و عمدتاً بر اساس فعالیت‌های کشاورزی، صنایع دستی و استوار است و همچنین سیمای ظاهری آن نیز با شهر متفاوت بوده و نهادهای اداری و دولتی موجود در آن از تنوع کمتری برخوردار است (اردستانی، ۱۳۸۷: ۵۷).

توسعه

توسعه تحولی است اقتصادی اجتماعی که در عالم واقع برای ایجاد یک تحول جدید و بی‌سابقه رخ داده است (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱). رشد و توسعه جوامع انسانی در زمان و مکان و با توجه به زیست و فعالیت بخشی از آنها در فضاهای روستایی، برنامه‌ریزی و توسعه روستایی مفهوم و مصداق پیدا می‌کند (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است، از این رو در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. آنچه مسلم است این ضرورت در همه جا به طور همسان مطرح نمی‌شود و امکانات و منابع نیز در همه جا یکسان نیست (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۰).

توسعه به معنی کلی فرایند بهبود وضع زندگی و برنامه‌ریزی به معنی هر نوع اقدام از پیش اندیشیده شده در این فرایند، همیشه همراه و همگام بشر بوده و پدیده جدیدی نیست. اندیشه پیشرفت در همه ادوار زندگی انسان وجود داشته و انسانها برای بهبود وضع زندگی خویش مجبور به اندیشیدن بوده‌اند. تغییرات در شکل محتوای زندگی بشر در طول تاریخ مبین اندیشه توسعه و برنامه‌ریزی در نهاد بشر بوده است. زیرا اگر برنامه‌ریزی و توسعه همراه زندگی انسان نبود، تکامل زندگی اجتماعی از غارنشینی و کوچ‌نشینی به یکجانشینی و شهرنشینی با تمام ابعاد و ویژگی‌های خاص خود صورت نمی‌گرفت. اما توسعه به مفهوم کوشش آگاهانه، نهادی شده و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی ابعاد متنوع حیات، به گونه‌ای که امروز به آن نگریده می‌شود از دستاوردهای منحصر به فرد قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ میلادی در شوروی سابق آغاز گردید (رضوانی، ۱۳۸۳: ۳۱).

توسعه نواحی روستایی

توسعه روستایی ارتقای اقتصادی و اجتماعی مردم روستایی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است. توسعه روستایی پدیده مستقلی است که در یک دیدگاه کلی با نقش مناطق روستایی در توسعه ملی که در رابطه با ظرفیت تولید نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، مرتبط است. چون نیاز به تعادل بین شهر با روستا به صورت عام و کشاورزی وضعیت به طور خاص وجود دارد، در اقتصادهای جهانی و یکپارچه این تعادل ممکن است تنها در یک واحد گنجانده شود که آن از تسهیلات اجتماعی منفرد و متمایز بسیار وسیع‌تر خواهد بود و در نتیجه کارکردهای متفاوتی را خواهند داشت.

توسعه روستایی فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. فرآیندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌نماید که در آنها قدرت و توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان تقویت نماید تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به شکل مناسب‌تر تغییر دهند (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

با توجه به تعریف توسعه پایدار به صورت عام این تعریف در فضای زیست معینی با ساختارها و کارکردهای خاص خود مانند روستا روندی است اجتماعی و اقتصادی که در جهت تشویق و ترویج مطالعات و بررسی‌های روستایی و برنامه‌ریزی‌های رشد و پیشرفت این جوامع به منظور بهبود محیط روستایی و ارتقای شرایط اقتصادی اجتماعی و مناسب ساختن آن برای زیستن و بهزیستی انسان عمل می‌کنند (تقوی: ۱۳۸۱، ۱۶۵).

توسعه پایدار

توسعه پایدار آن توسعه‌ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تأمین کند، بدون آن که توان‌های محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد و هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادتمندتر ذکر می‌شود که این مهم در گرو مدیریتی نوگرا در محیط روستایی است (مهدوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۳: ۴).

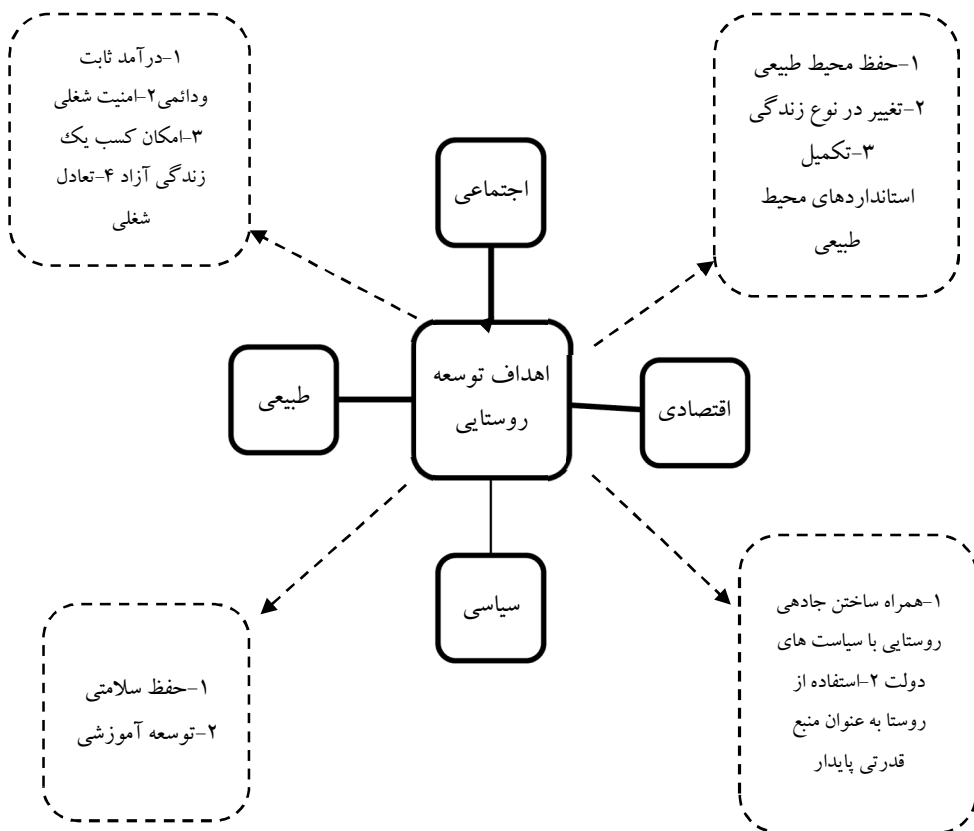
توسعه پایدار فرایند توسعه‌ای است که از نظر اقتصادی پویا و پربازده، از نظر زیست محیطی، غیرمخرب، از نظر اجتماعی، عادلانه و قابل قبول و از نظر فناوری متناسب و مطلوب باشد (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳). رابرت آلن توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرده است که هدف آن ارضای مستمر نیازهای انسانی و بهسازی کیفیت زندگی انسان‌ها در جامعه است (سلطانی عرب شاهی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). به عبارت دیگر توسعه پایدار، فرآیند حفاظت و نگهداری از سیاره زمین و بوم‌سازان موجود در آن که به توسعه انسانی مطلوب و عادلانه منجر می‌شود (یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷).

ضرورت و اهداف توسعه روستایی

فرایند توسعه روستایی عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد کم درآمد ساکن در روستاها و خودکفا ساختن آنها در روند توسعه کلی یک کشور است. در برخی از تعاریف مفهوم توسعه روستایی در انطباق با برنامه‌های توسعه ملی با هدف دگرگون‌سازی اجتماعی اقتصادی جوامع روستایی تشریح شده است. در همین راستا از توسعه روستایی به عنوان عنصری حیاتی برای توسعه ملی و راه حل نهایی مشکل بیکاری و تراکم جمعیت شهری یاد می‌شود که در عمل به بهبود سطح زندگی روستاییان در ابعاد مختلف درآمد، اشتغال، آموزش، بهداشت، تغذیه، مسکن و گسترش توانایی بخش روستایی در تثبیت و تشریح روند پیشرفت در طول زمان می‌انجامد (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

به طور کلی اهداف توسعه روستایی را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

شکل (۱) - اهداف توسعه روستایی



در کل توسعه‌ای که در مناطق روستایی به دنبال آن هستیم باید دارای خصوصیات زیر باشد:

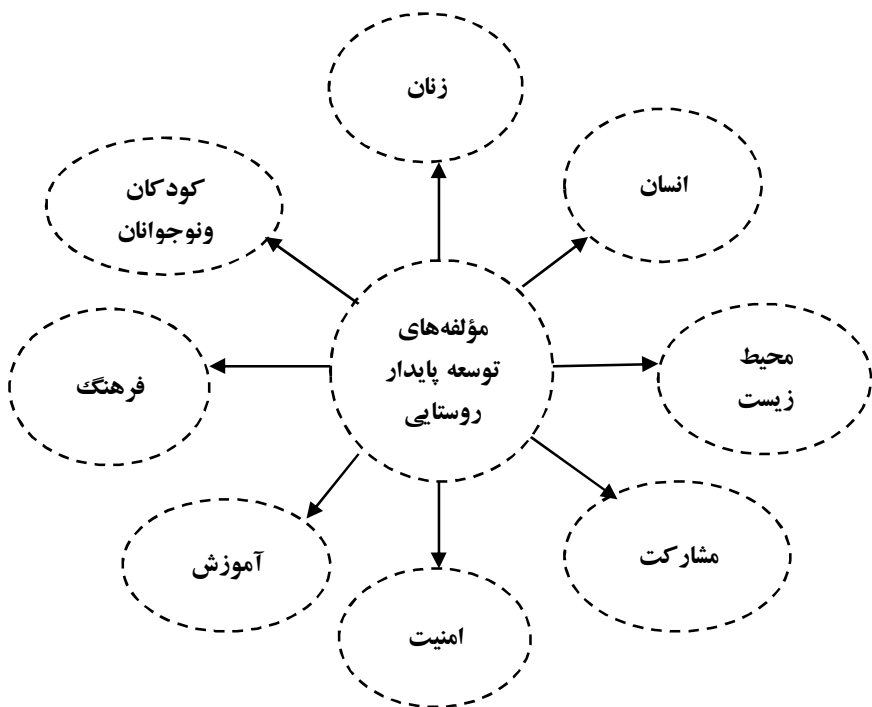
- ۱) توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد. (۲) مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشند که از آن متغیر می‌شوند (۳) توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی‌شان یا نیازهای ضروری زندگی‌شان مطمئن سازد (۴) توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد. (۵) توسعه باید باعث تشویق و خوداتکایی شود. (۶) توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۷۶).

مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی

برای رسیدن به توسعه پایدار توجه به چند مؤلفه اساسی در دستور کار «نشست سران زمین» قرار گرفت که انسان در رأس آنها قرار دارد. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

- انسان (تأکید بر رفتار اجتماعات محلی) - محیط زیست (شامل عناصر بوم شناختی پایه)
- زنان (به مثابه نیمی از جمعیت) - کودکان و نوجوانان (به مثابه تصمیم‌گیرندگان آینده جامعه)
- فرهنگ (شامل نگرش، رفتار و ارزش‌های معنوی) - آموزش (فرآیندهای توانمندسازی و ...)
- امنیت (اجتماعی، غذایی و ...) - مشارکت (در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و منافع)

شکل (۲) - مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی



اهداف توسعه روستایی با نگرش جدید در توسعه روستایی

جامعیت فرایند توسعه روستایی، آزادی انتخاب و برابری برای دسترسی به فرصت‌ها، مردم‌گرایی، مشارکت و درون‌زایی، رسیدن به هدف نهایی انسان یعنی رضایت از زندگی، توانمندسازی، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی و اطلاعات، ایجاد ارتباط کارآمد درون‌گروهی بین کنشگران توسعه و مردم محلی و کیفیت محیط زیست از اهداف توسعه روستایی با نگرش جدید در توسعه روستایی است (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴-۵).

مفهوم مدیریت روستایی و جایگاه آن در توسعه روستایی

یکی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است. ده به عنوان کوچکترین واحد سیاسی در تقسیمات کشوری الگوهای مدیریتی متنوعی را در دوران‌های مختلف تجربه کرده است (چوپیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۸). از مهمترین ابعاد توسعه روستایی، مدیریت روستایی است که نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی بر عهده دارد. مدیریت روستایی با مدیریت شهری تفاوت‌های زیادی دارد چرا که شهر و روستا دو محیط مختلف هستند به همین دلیل نمی‌توان اصول و قوانین مدیریت کلاسیک شهری را برای روستا به اجرا درآورد (لشنی پارسا، ۱۳۸۵: ۲).

به طور کلی مدیریت روستایی به معنی برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی و اقدامات توسعه‌ای و هماهنگی نظارت بر اقدامات انجام شده است به طوری که فرایند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت کند که در سطح متعارف جامع زمینه و محیط مناسبی را برای زندگی راحت‌تر و کارآمدتر روستاییان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی فراهم شود (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۱۵). مدیریت روستایی در فرآیند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامع و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (آموزگار، ۱۳۹۱: ۲۰). این سازمان‌ها و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی است. هدف‌هایی که مردم آن را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند. همچنین باید ادعان کرد که مدیریت روستایی فرایند چندجانبه است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های

روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

امروزه مدیریت توسعه روستایی را فصل مشترک مدیریت محلی و مدیریت دولتی در مناطق روستایی می‌دانند چرا که از یک سو سازمان‌های دولتی که در روستا حضور دارند نوعی از مدیریت دولتی هستند که به عنوان عامل بیرونی می‌خواهند در درون روستا تحول ایجاد کنند و از سویی دیگر در درون روستا نوعی مدیریت محلی وجود دارد که در فرهنگ ریش سفیدی می‌توان آن را مشاهده کرد. در این نوع مدیریت هیچ اثری از دولت دیده نمی‌شود و به عنوان عامل درونی می‌تواند روستا را متحول کند. چون در مدیریت توسعه روستایی نوعی نظام محلی وجود دارد که با مدیریت محلی دارای فصل مشترک می‌باشد. در این مدیریت است که مشخص می‌شود که جامعه روستایی چه می‌خواهد و مدیریت دولتی برای رفع نیازمندی‌های روستاییان چه فعالیتی را باید انجام دهد. لذا در مدیریت توسعه روستایی نوعی حالت چرخشی وجود دارد که ارتباط مدیریت محلی را با مدیریت سازمانی و دولتی در هم ادغام می‌کند (عمادی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۰). با این حساب می‌توان گفت که شرط‌های اصلی تحقق عملی مدیریت محلی که لازمه توسعه پایدار به شمار می‌آید، در این موارد خلاصه می‌شود:

۱- توانایی فنی و مدیریتی حکومت محلی؛

۲- مشروعیت سیاسی در تصمیم‌گیری؛

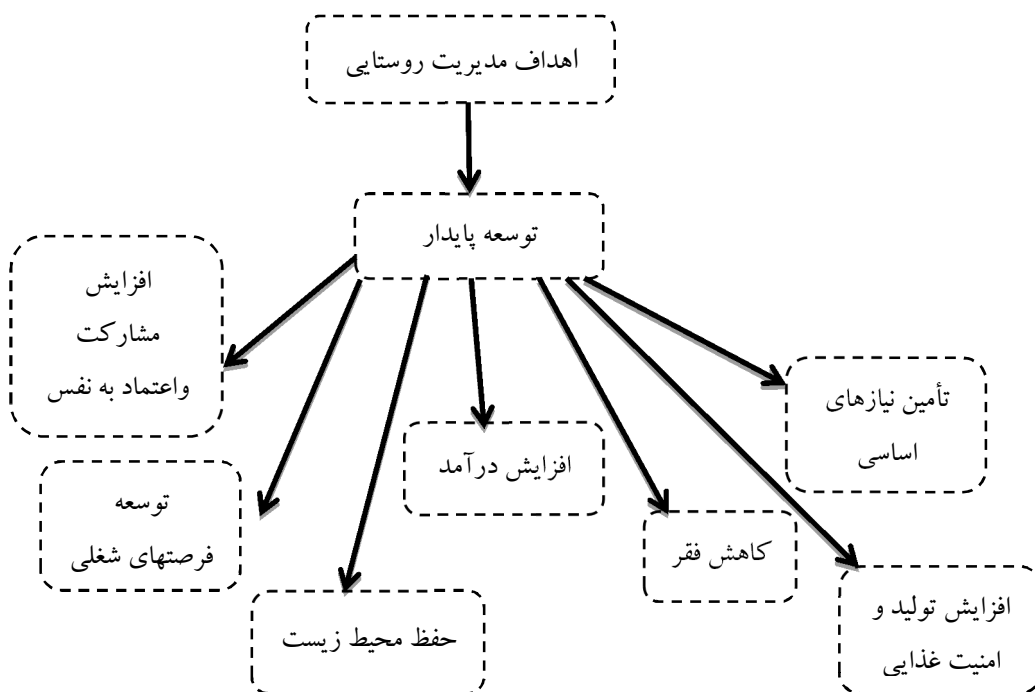
۳- دسترسی به منابع؛

۴- دارا بودن چارچوب حقوقی (آموزگار، ۱۳۹۱: ۲۳).

اهداف مدیریت روستایی

هدف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه پایدار است. پس مدیریت روستایی داری نقاط مشترکی با اهداف توسعه روستایی و توسعه پایدار است. این اهداف مشترک عبارتند از:

شکل (۳): اهداف مدیریت روستایی



منبع: (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

راهبردهای توسعه روستایی

راهبردهای توسعه روستایی را می‌توان تحت سه عنوان رادیکال، تکنوکرات و اصلاح طلب دسته بندی کرد:

استراتژی رادیکال: این نوع استراتژی، استفاده از برنامه‌های سرمایه‌داری را در توسعه روستایی به شدت رد می‌کند و به تحول اساسی در ساخت اجتماعی، اقتصادی جامعه متکی است. هدف آن ایجاد شکلی از سوسیالیسم است که روستاییان بدون اتکا و توجه به یک نیروی خاص، به طور شراکتی به تولید بپردازند. اهداف استراتژی رادیکال عبارت است از مشارکت بیشتر مردم، برابری اقتصاد و رشد سریع‌تر (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۳: ۷۳).

طبق این رویکرد علت فقر روستایی ناشی از ساختارهای اجتماعی است. به سخن دیگر عواملی وجود دارند که فقر را ایجاد می‌کنند و تداوم می‌بخشند. برای شروع برنامه‌های توسعه روستایی

ابتدا باید این عوامل را از میان برد. با این اقدام توزیع مجدد قدرت سیاسی، ثروت و محصولات زمینه را برای امر ریشه کنی فقر روستایی و توسعه فراهم می‌کند. این استراتژی وجود تکنولوژی کاربر و کوچک را برای ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و افزایش بیشتر کارایی کشاورزی روستایی پیشنهاد می‌کند (آموزگار، ۱۳۹۱: ۳۱).

استراتژی تکنوکراتیک: این نوع استراتژی شکلی از الگوی توسعه روستایی کاپیتالیستی است. در این استراتژی هدف اساساً افزایش محصول و تولید است. از جمله عواملی که می‌تواند این هدف را محقق سازد، مکانیزاسیون و تأکید بر کشاورزی صنعتی با مقیاس وسیع است. این الگوی توسعه روستایی نه بر رعایای کوچک بلکه بر زارعین بزرگ و عمده و زمین‌داران ممتاز تمرکز دارد، از این رو الگوی رشد سرمایه را ترویج می‌کند.

استراتژی اصلاح طلبانه: روش‌های اصلاح‌گرایانه توسعه روستایی روش‌هایی تعدیلی بین استراتژی‌های توسعه رادیکال و تکنوکرات است. این استراتژی تلفیقی از روش‌های دگرگون‌ساز سوسیالیستی و روش‌های اصلاحی کاپیتالیستی است. تمرکز این رویکرد بر رعایای متوسط و زارعین نوآور است. ایدئولوژی حاکم بر آن، ناسیونالیست است. بدیهی است چنین سیاست‌هایی اشکال مختلفی به خود می‌گیرد اما در اصل، شامل کوشش‌هایی برای توزیع مجدد قدرت، درآمد و دسترسی به منابع است (طالب عنبری، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۲۹).

مدیریت توسعه روستایی قبل از انقلاب اسلامی

قبل از پیروزی انقلاب شش برنامه تهیه و تنظیم شد که پنج برنامه اجرا گردید و برنامه ششم به دلیل تقارن با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ اجرا نشد. اولین برنامه که در سال ۱۳۲۷ آغاز شد، با فکر و نگرش برنامه‌ریزی در کشور از طریق ایجاد سازمان برنامه و بودجه با مکانیزم انجام کار و ایجاد نظم در امور اقتصادی مطرح گردید. برنامه دوم با همان روش تهیه شد، ولی به عنوان شالوده‌ریز توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور شهرت یافت. گفتنی است که برنامه اول و دوم شامل تعدادی مشخص از طرح و پروژه بود که با اعتبارات دولتی و توسط دولت به اجرا درآمده و مردم مشارکت و مداخله‌ای در این زمینه نداشتند. برنامه سوم اولین برنامه نظام یافته و جامع بود که تمامی بخش‌ها را در بر می‌گرفت و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آن دیده می‌شد. در این برنامه نظام برنامه‌ریزی تکامل یافت و به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ایجاد سازمان عمران توجه

خاصی مبذول گردید (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲: ۲). در برنامه چهارم نیز نظام برنامه‌ریزی از غنای خاصی برخوردار شده و مشارکت دولت و بخش خصوصی در آن دیده شد و سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی پیشی گرفت. قطب‌های توسعه صنعتی، کشاورزی و جهانگردی مورد توجه قرار گرفت و تمرکز سرمایه‌گذاری در آنها انجام یافت. نظام برنامه‌ریزی در برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های گذشته تکامل یافته‌تر شد. دفاتر برنامه و بودجه در استانها ایجاد گردید. انجمن‌های استان و شهرستان به وجود آمدند و فعال شدند و طرح آمایش سرزمین به عنوان فکری جدید در نظام برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گرفت (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲: ۳).

در زمینه عمران روستایی باید متذکر شویم که در برنامه عمرانی هفت ساله اول (۳۴-۱۳۲۷)، بخش معینی برای عمران روستایی وجود نداشت؛ لیکن برنامه‌هایی برای روستاها منظور شد که دیدگاه‌های اجرایی توسعه زراعی را در بر می‌گرفت و مظاهر عمده آن، نمایش ماشین‌آلات کشاورزی مثل تراکتور، موتورهای آبکش و بذور و کودهای شیمیایی و آموزش روش‌های بکارگیری آنها بود. اما بدلیل عدم ارتباط بین مروجان و زارعان، به هیچ وجه این طرح به اهداف تعیین شده در زمینه توسعه کشاورزی دست نیافت (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۶۸). در برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴) توجه به عمران روستایی بیش از برنامه اول بود، زیرا یکی از بندهای فعالیت برنامه مزبور به «عمران دهات و اراضی بایر» اختصاص یافته بود و اعتباری جهت عمران روستاها منظور شده بود و مأموران چند پیشه بنام «دهیار» در برخی از روستاها در مقیاس محدودی مستقر شدند. این دهیاران تحت نظارت کارشناسانی که در چند زمینه کشاورزی و روستایی تخصص داشتند، فعالیت می‌کردند. حوزه فعالیت کارشناسان که معمولاً ۸۰ روستا بود، یک حوزه عمرانی نامیده می‌شد و دهیار حدود ۱۰ روستا را زیر پوشش داشت. در برنامه دوم تعداد حوزه‌های عمرانی به ۴۸ و تعداد دهیاران ۱۹۱۹ نفر رسید ولیکن موانع اصلی توسعه نظیر عوامل اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی همچنان پابرجا باقی ماند (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۷۶). در برنامه سوم عمرانی کشور (۴۶-۱۳۴۱) که تدوین و اجرای آن با اجرای قانون اصلاحات ارضی و از هم گسیختگی نظام اقتصادی - اجتماعی دهات و تصویب قانون تشکیل انجمن‌های ده اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات تقارن داشت، بدلیل فقدان اهداف مشخص در عمران روستایی و قلت سرمایه‌گذاری، کار مهمی انجام نشد. به طور کلی می‌توان گفت که در این سه برنامه فصل

خاصی از منابع عمرانی به روستاها اختصاص نیافت (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲: ۳). عمده‌ترین اقدام رژیم گذشته در زمینه عمران روستایی در برنامه عمرانی چهارم و پنجم صورت گرفت. طی برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۷) برای اولین بار فصل خاصی با ۶/۵ میلیارد ریال اعتبار برای عمران و نوسازی دهات در نظر گرفته شد. در این برنامه به «تعمیم عدالت اجتماعی و توزیع ثمرات رشد و توسعه اقتصادی کشور بین روستائیان از طریق آبادی دهات و ایجاد تأسیسات همگانی و تأمین و تسهیل وسایل زندگی روستائیان و آماده کردن دهات برای همگامی با تحولات و پیشرفت‌های سریع اقتصادی» مورد تأکید بود. با توجه به نحوه توزیع اعتبارات در این برنامه می‌توان گفت که عملاً هدف و الگوهای توسعه، صنعتی کردن کشور و در حاشیه قرار دادن کشاورزی بود (آسایش، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۱). در این برنامه اعتبارات تخصیص یافته به عمران روستایی محدود بود و خود گویای این واقعیت است که با در نظر گرفتن جمعیت روستایی، این اعتبارات نمی‌توانست هدف‌های ترسیم شده در قالب هدف‌های ملی را تحقق بخشد.

جدول (۱)- توزیع اعتبارات عمران روستایی در برنامه چهارم عمرانی کشور (میلیون ریال)

جمع کل	سهم انجمن دهات	سهم اعتبار برنامه	نوع عملیات عمرانی
۲۳۷۵	۶۷۵	۲۷۰۰	الف) تأمین آب مشروب - تأمین آب آشامیدنی سالم - لوله کشی
۱۶۰۰	۸۰۰	۸۰۰	ب) تأسیسات بهداشتی روستاها - تأسیسات جمع‌آوری و مصرف و دفع فضولات - احداث حمام یا تبدیل خزینه به دوش - احداث غسالخانه
۲۲۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	پ) بهسازی محیط و خانه‌های روستایی - تأسیسات همگانی و بهسازی محیط دهات - بهسازی خانه‌های روستایی و تسهیل وسایل زندگی
۱۵۶۰	۲۶۰	۱۳۰۰	ت) خانه‌های نمونه روستایی - احداث خانه‌های نمونه روستایی - کمک به خانه‌سازی روستایی از طریق وام
۱۰۸۰	۱۸۰	۹۰۰	
۱۴۰۰	۷۰۰	۷۰۰	
۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	
۵۰	-	۵۰	
۹۵۰	-	۹۵۰	
۱۳۴۱۵	۴۳۱۵	۹۱۰۰	جمع

منبع: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۴۹)

در برنامه عمرانی پنجم (۵۶-۱۳۵۲) گسترش خدمات اجتماعی به روستاها به عنوان یکی از اهداف عمده در فصل امور اجتماعی تلقی شد. همچنین توزیع متعادل سرمایه گذاری‌های زیربنایی، خدمات و تسهیلات رفاهی به منظور کاهش فاصله بین شهر و روستا، پی‌ریزی شهرهای آینده کشور، تقلیل تعداد بی‌شمار دهات از طریق ادغام یا تجمیع و بالاخره بهره‌مند ساختن اکثر جمعیت روستایی از خدمات و تسهیلات فوق، یکی از اهداف عمده این برنامه بشمار می‌رفت و بدین منظور نقاط روستایی کشور به سه دسته (شهرک‌ها، مراکز دهستان و دهات) طبقه‌بندی شد که برای هر یک از آنها پروژه‌های خاصی در نظر گرفته شد. (قدیری معصوم، نجفی کانی، ۱۳۸۲: ۴-۳) اعتبارات عمران روستایی در برنامه پنجم ۳۷/۸ میلیارد ریال بود که توزیع آن در برنامه‌های مختلف به شرح زیر است:

(جدول ۲) - توزیع سرمایه‌گذاری‌های ثابت و اعتبارات عمران روستایی در برنامه پنجم (میلیارد ریال)

سرمایه گذاری ثابت			اعتبارات عمرانی		زمینه‌های برنامه
جمع	بخش خصوصی	بخش عمومی	درصد	مقدار	
۱۹/۳	۱/۳	۱۸	۴۷/۴۰	۱۸	تأمین آب آشامیدنی
۱۲/۸	۰/۸	۱۲	۳۱/۷۰	۱۲	راههای روستایی
۱/۱	۰/۱	۱	۲/۶۵	۱	تأسیسات بهداشتی
۴/۳	۰/۳	۴	۱۰/۶۰	۴	تأسیسات حفاظتی
۱	-	۱	۲/۶۵	۱	تعلیمات عمومی و تحقیقات روستایی
-	-	-	۴/۸۰	۱/۸	خدمات عمومی
۳۸/۵	۲/۵	۳۶	۱۰۰	۳۷/۸	جمع

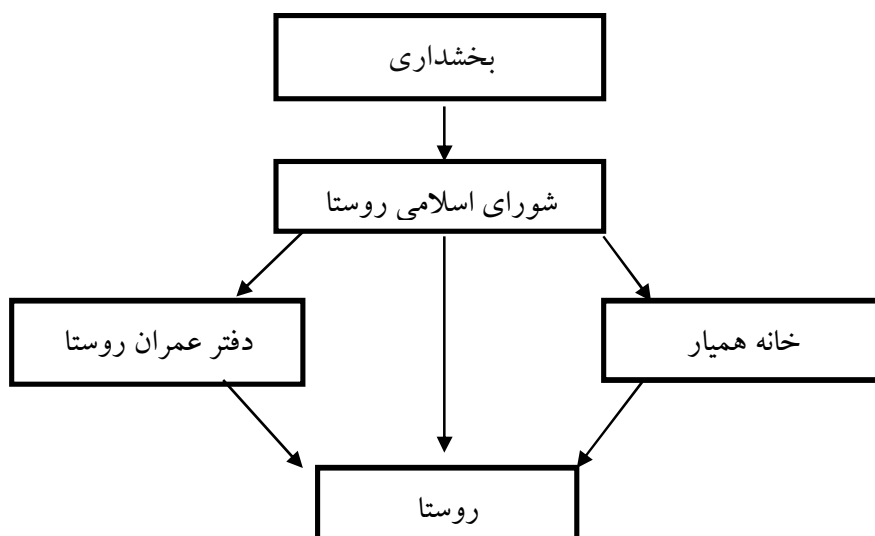
منبع: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۵۴)

مدیریت توسعه روستایی بعد از انقلاب اسلامی

افزایش تضادهای طبقاتی و نارضایتی مردم از شرایط اقتصادی-اجتماعی و سیاسی، که در چارچوب نظریه نوسازی با رویکرد تکنوکراتیک و برنامه‌ریزی عقلانی غیر مشارکتی و متکی به

منابع نفتی انجام شده بود، سرانجام سبب فروپاشی نظام سلطنتی و پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ شد. با این حادثه و بلافاصله بعد از آن جنگ تحمیلی فرصت برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب در کشور را فراهم نساخت. به همین دلیل در دهه اول انقلاب به دلیل جنگ و بی‌ثباتی و امکان تدوین برنامه در روستاها با یک نوع از هم گسیختگی ساختار اقتصادی و تزلزل ساختار امنیتی برای سرمایه‌گذاری و افزایش رشد جمعیت روبرو شد. البته به دلیل پیروی از مدیریت مبتنی بر ارزش‌مداری در سال‌های اولیه دولت وقت با هدف محرومیت‌زدایی توجه ویژه‌ای به مناطق روستایی شد و زیرساخت‌های عمرانی با تأسیس نهادهای تازه مانند جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام ایجاد شد و مدیریت روستایی حداقل در حیات دولت (مدیریت راهبردی) جایگاهی را به خود اختصاص داد و سخنگویی را در حاکمیت بدست آورد. در این دوره بخش کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه قرار گرفت (افتخاری، ۱۳۸۶) و اهداف و سیاست‌های کلی توسعه در زمینه عمران روستایی، در این دوره ایجاد رشد اقتصادی، ارتقای سطح سلامت، تأمین حداقل نیازها و سازماندهی فضایی بود (شیرازی: ۱۳۷۵، فصل ۷).

شکل (۴) - مدیریت روستایی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷-۱۳۵۷)



پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۵ چند قانون مرتبط با مدیریت روستایی تصویب شد. قانون نخست تحت عنوان «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور» مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۰ است که مدیریت روستایی را بر عهده نهاد جدیدی با عنوان «شورای اسلامی» واگذار نمود که در این قانون مدت اعتبار آن دو سال تعیین شد و در تبصره یک ماده (۲) این قانون آمده است که انتخابات شوراهای روستایی توسط جهاد سازندگی و زیر نظر وزارت کشور انجام می‌شود. قانون دوم که متأسفانه فرصت اجرا نیافت «قانون اصلاح تشکیلات شورای اسلامی کشور» می‌باشد که در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۹ به تصویب رسید. در قانون مذکور مدت اعتبار شورا چهار سال تعیین شد و برگزاری انتخابات کلیه شوراهای اسلامی همچنان به وزارت کشور محول گردید (طالب، ۱۳۶۵: ۵۵-۵۰). در این مقطع متأسفانه به مقام اجرایی مدیریت روستایی توجهی نشد و جهادسازندگی در این زمینه وارد عمل گردید. شایان ذکر است که در روستاهای بالای ۱۵۰۰ نفر علاوه بر شورای اسلامی، خانه همیار هم بوجود آوردند که طبق قانون موظف بود تا علاوه بر اجرای مصوبات شورا، برنامه سالانه عمرانی، بهداشتی، خدماتی و ... را تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورای اسلامی روستا اعلام نماید. در روستاهایی که به دلایلی از قبیل فقدان مشروعیت مردمی یا ضعف مدیریتی شورا، زمینه توان لازم برای جلب مشارکت و همکاری روستاییان فراهم نشد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شورای «عمران بهسازی» و «دفتر عمران روستایی» را تشکیل داد. در سال ۱۳۷۵ نیز قانونی با عنوان «قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شورای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران» به تصویب رسید. بر اساس این قانون مدیریت روستایی نیز به شورای اسلامی واگذار گردید. در این قانون برخلاف دو قانونی که قبلاً اشاره شد، مسئولیت اجرایی مدیریت روستایی بر عهده مقامی بنام «دهیار» گذاشته شده است که از طرف شورا به مدت چهار سال انتخاب می‌شود. صدور حکم دهیار با پیشنهاد شورا به وسیله بخشدار صادر می‌گردد و عزل او با رأی اکثریت اعضاء شورای اسلامی (وفق آیین نامه مربوط به صدور حکم و عزل توسط بخشدار) صورت می‌گیرد. بنابراین در این دوره نظام سلسله مراتبی مدیریت روستایی از مقطع بخش با مدیریت بخشدار، شورای اسلامی روستا و دو تشکل هم‌عرض خانه همیار و دفتر عمران تا سال ۱۳۷۷ شکل می‌گیرد (مهدوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۳: ۷۹).

جدول (۳) - چالش‌ها، اهداف و محورهای فعالیت برنامه‌های عمرانی

دوره‌ها	چالش اصلی	چالش‌های فرعی	اهداف توسعه روستایی	روش نظری	روش عملی و محورهای فعالیت
دوره اول ۰ انقلاب مشروطه تا ۱۳۲۷ برنامه‌های اول و دوم عمرانی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - کالبدی - فیزیکی	- پایین بودن بهره‌وری کشاورزی - فقر شدید و درآمد پایین - عدم وجود فرصت‌های شغلی - غلبه نظام بزرگ مالکی و ارباب رعیتی - شهرگرایی و آغاز مهاجرت روستایی - کیفیت مسکن پایین و آسیب‌پذیری بالا - عدم تعادل‌های زیست محیطی	- رشد اقتصادی در قالب کشاورزی - از بین بردن نظام بزرگ مالکی - ساماندهی فضایی روستا	- نوسازی با دخالت حداکثری دولت در مدیریت برنامه‌ریزی	- ساماندهی فعالیت‌های کشاورزی - ایجاد قطب‌های کشاورزی - از بین بردن نظام بزرگ مالکی اربابی - شروع فعالیت‌های عمرانی در روستا
دوره دوم برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم عمرانی	- اقتصادی - اجتماعی - کالبدی - زیرساختی	- فقر شدید و درآمد پایین - بیکاری - اقتصاد کشاورزی سنتی - نابرابری‌های اجتماعی - شهرگرایی شکلی و کمی - مهاجرت روستایی - شروع آشننگی مدیریت در روستاها - رفاه پایین - فقدان زیرساخت‌ها و خدمات و تسهیلات - کیفیت پایین مسکن و نابسامانی فضایی	- رشد تولید کشاورزی - بالا بردن سطح زندگی - توزیع عادلانه درآمدها - تعدیل شکاف‌های اقتصادی - اجتماعی - تأمین زیرساخت‌ها، تسهیلات و خدمات رفاهی - بهسازی روستاها - کاهش فاصله شهر و روستا	- نوسازی با تشدید دولت‌گرایی - صنعتی‌شدن - شهرگرایی - اقتصاد نفتی - جهت‌گیری کشاورزی به اقتصاد - سرمایه‌داری - طرح نیازهای اساسی در چهارچوب نظریه‌های نوسازی	- مکانیزاسیون کشاورزی - تجاری کردن بخش کشاورزی - توسعه قطب‌های کشاورزی و ایجاد کشت و صنعت‌ها - تقویت نظام خرده‌مالکی - از بین بردن نظام ارباب رعیتی - تشویق روستاییان به مشارکت - ایجاد تسهیلات همگانی و زیربنایی - کاهش فاصله شهر و روستا - توجه به تعدیل شکاف‌های اقتصادی - اجتماعی - بهسازی و نوسازی روستاها - تقلیل نقاط روستایی
دوره سوم	از انقلاب اسلامی تا پایان برنامه اول توسعه	چالش اقتصادی چالش تامین نیازهای اساسی،	نوسازی با رویکرد اصلاح‌طلبانه و توسعه اقتصادی با صنعتی شدن با رویکرد جایگزینی واردات	کشاورزی محور توسعه در اولین مراحل توسعه صنعتی تشدید دولت‌گرایی و	- تنوع فرصت‌های شغلی - پیاده نمودن نظام‌های مناسب بهره‌برداري - یکپارچه‌سازی کشت - تأمین مراقبت‌های بهداشتی برای عموم

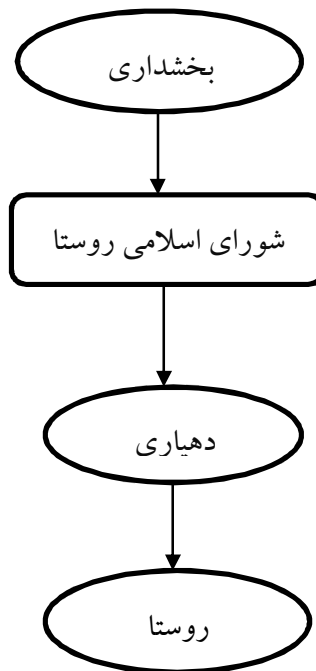
دوره‌ها	چالش اصلی	چالش‌های فرعی	اهداف توسعه روستایی	روش نظری	روش عملی و محورهای فعالیت
	بهداشت و سلامت جامعه	محرومیت بالا - کیفیت پایین مساکن - تضادها و شکاف‌ها بین شهر و روستا - توزیع نامناسب جمعیت و فعالیت‌ها		شکل‌گیری نهادهای جدید از جمله جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب، کمیته امام	- تدوین معیارهای ساخت و ساز مناسب - تقویت شهرهای کوچک به عنوان حلقه اتصال شهر و روستا - جلوگیری از مهاجرت - اجرای طرح‌های ساماندهی
از آغاز برنامه دوم تا برنامه چهارم	چالش اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی چالش کالبدی و فضایی	- فقر شدید - اقتصاد کشاورزی سنتی - تمرکزگرایی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی - حاشیه کشیده شدن مردم روستایی و سطح رفاه و خدمات پایین - کیفیت پایین سکونتگاه‌های روستایی - در معرض خطرات زیستی بودن فضای روستایی - الگوی نامنظم استقرار سکونتگاه‌های روستایی به لحاظ ساختار و سازمان فضایی	- نوسازی با رویکرد اقتصاد آزاد و با تاکید بر اقتصاد کینزی (کلاسیک) - تاکید بر کارآیی اقتصادی و رفاه تأمین اجتماعی	- تقویت دموکراسی اقتصادی و سیاسی (مردم‌گرایی و مشارکت بین نهادهای دولتی و مردم) - تقویت سیاستگذاری منطقه‌ای و عدم تمرکز حداقلی	- تحول ساختاری در نظام تولید - ارائه اعتبارات خرد - ایجاد و توسعه صنایع کوچک و دستی در مناطق روستایی - واگذاری برخی از اختیارات و فعالیت‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای مردمی و غیر دولتی - افزایش و تشویق مشارکت مردم - برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی - ارتقای نقش روستائیان در اداره امور روستاها - سطح بندی و ارائه خدمات و تجهیز فضاهای روستایی - بهسازی، ایمن‌سازی و اصلاح کالبدی - تعیین کاربری‌های اراضی مراکز دهستان و روستاهای مرکزی - توسعه یکپارچه فضاهای، اصلاح ساختار کالبدی و بهبود کیفیت سکونتگاه‌های روستایی، و اصلاح الگوی استقرار جمعیت - بهبود کیفیت زیست، برنامه بهسازی و نوسازی روستاها - برنامه ساماندهی روستاهای پراکنده با سیاست ادغام و تجمع - توسعه هماهنگ و یکپارچه مناطق.

دهیاری عامل اجرایی شوراهای اسلامی روستا

قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور، در یک ماده و سه تبصره در تیرماه ۱۳۷۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از دو سال در بهمن ماه ۱۳۸۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها به تصویب هیئت وزیران رسید. با تصویب این مقررات در کنار قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری، زمینه‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری و تحقق نهاد جدید مهمی در جامعه روستایی کشور تکمیل شد. در بیانی کلی، دهیاری سازمانی است که بخش‌هایی از مدیریت محلی روستا را برعهده دارد و اگرچه قانون تأسیس دهیاری‌ها و نیز اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها، هیچکدام تعریفی از سازمان دهیاری‌ها ارائه نداده‌اند، ولی با نگاهی کلی به شیوه انتخاب دهیار، از طریق شورای اسلامی روستا، وظایف و اختیارات دهیار، به خوبی مشخص می‌شود که سازمان دهیاری نهادی مستقل است که به اتکای مشارکت اهالی، در چارچوب مدیریت محلی فعالیت می‌کند. دهیاری از دولت مستقل است و چنانچه در ماده پنج اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها آمده است برای مدت چهارسال توسط شورا انتخاب می‌شود. از سوی دیگر شورای اسلامی هم نهادی است که با رأی مستقیم مردم انتخاب شده و نتیجه خواست و اراده مردم است. بنابراین با کمی دقت مشخص می‌شود که دهیار که با رأی و تصمیم شورای اسلامی روستا انتخاب می‌شود به صورت غیر مستقیم منتخب مردم است. به عبارت دیگر دهیار به تصمیم و انتخاب مردم تعیین می‌شود نه به انتخاب دولت. دهیاری نهاد منصوب دولت نیست بلکه منتخب اهالی است و به همین دلیل است که باید بگوییم دهیاری نهادی مستقل است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۳). قصد دولت این نیست که تشکیلات خود را گسترده‌تر کند یا هزینه‌ها را اضافه کند، بلکه هدف آن تعریف مدیریت‌های مستقل روستایی در زمینه اداری و مالی است که بتواند به روستاها خدمت بدهند. وظایف دهیاری به سه طبقه اصلی، وظیفه اداری، وظیفه خدمات روستایی و وظیفه عمران روستایی تقسیم می‌شود. دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولت به منظور رفع نیازمندی‌های عمومی، جمع‌آوری زباله، ارائه خدمات عمومی و توسعه معابر اقداماتی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی-اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری‌ها را تشکیل می‌دهند. این سه فعالیت عمده دهیاری‌ها در چارچوب توسعه روستایی قرار می‌گیرند. همچنین در ماده ۱۰ اساسنامه وظایف دهیار و دهیاری به وظایف دهیار در توسعه

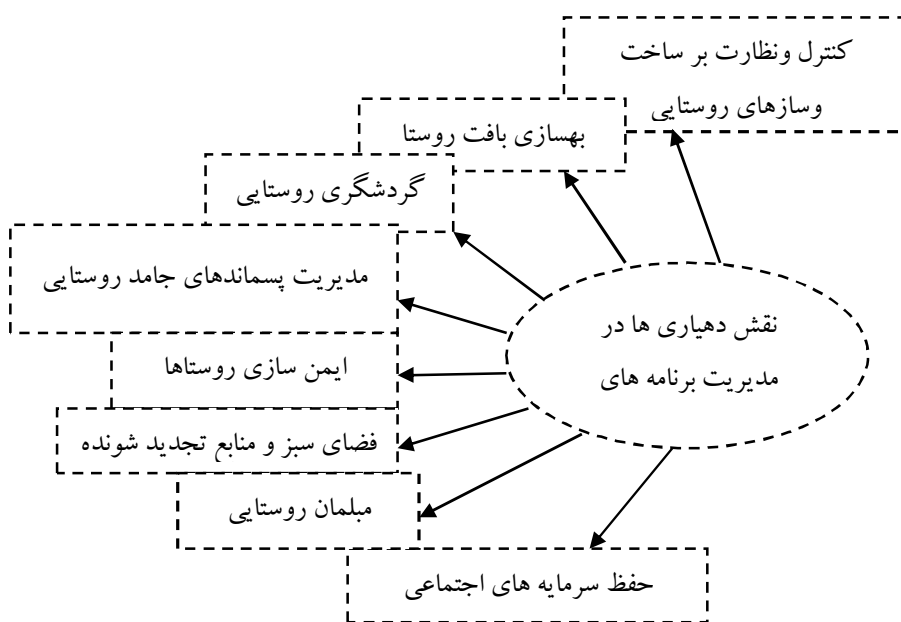
پایدار روستایی و اداره روستا به طور مبسوط پرداخته شده است. در بازمینی وظایف و اختیارات شورا و دهیاری این نکته روشن می‌گردد که شورا وظیفه شناخت و رسیدگی به مسائل جامعه روستایی را دارند و برای این کمبودها و مشکلات طرح و برنامه‌ای می‌ریزند و وظیفه دهیاری اجرای این مصوبات شورا و وظایف جانبی دیگری که قانونگذار بر عهده وی قرار داده است. در این هر دو وظیفه می‌توان از همکاری و قابلیت‌های مردم استفاده کرد. اگر زمینه‌های توسعه پایدار را در بخش‌های زیست محیطی، فعالیت‌های اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی در نظر بگیریم، در این بخش‌ها زمینه‌های همکاری و تعامل گسترده‌ای بین دهیاری، شورا و تعاونی‌ها می‌تواند برقرار باشد؛ چرا که زمینه فعالیت‌های فوق با مشارکت بسیار دست یافتنی و سهل است. مدیریت روستا می‌تواند با آموزش مردم زمینه را برای توسعه پایدار فراهم نماید (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

شکل (۵) - مدیریت روستایی پس از تأسیس دهیاری‌ها (از سال ۱۳۷۷ تا کنون)



با توجه به ساختار و تشکیلات دهیاری‌ها و شرح وظایف آن باید اذعان داشت که الگوی تأسیس دهیاری در روستاها از ساختار کنونی مدیریت شهری کشور که مشتمل بر دو نهاد شورای شهر و شهرداری می‌باشد، اقتباس شده است و وابستگی تاریخی شهرداری به وزارت کشور برای دهیاری‌ها نیز تکرار شده است (مهدوی و نجفی، ۱۳۸۴: ۳۰). در واقع فلسفه تشکیل دهیاری‌ها در روستاهای کشور پاسخ به برخی از نیازمندی‌ها بوده که در عرصه توسعه روستایی مطرح است.

شکل (۶) - نقش دهیاری‌ها در مدیریت برنامه‌های توسعه



منبع: (استلاجی، ۱۳۹۱: ۱۰)

بررسی وضعیت موجود دهیاری‌های کشور و ارزیابی عملکرد آن‌ها

همانطور که اشاره شد الگوی تأسیس دهیاری در روستاها از ساختار کنونی مدیریت شهری کشور که مشتمل بر دو نهاد شورای شهر و شهرداری است، اقتباس شد و وابستگی تاریخی شهرداری به وزارت کشور برای دهیاری‌ها نیز تکرار شده است. بر اساس قانون مقرر گردید که

روستاهای بالای بیست خانوار دهیاری تأسیس نمایند. این روستاها ۵۳/۴ درصد از کل روستاهای کشور را شامل می‌شوند که ۹۵/۳ درصد از کل جمعیت روستایی کشور را در خود جای داده‌اند. طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ ایران دارای ۶۸۱۲۲ آبادی است که مجموعاً ۲۳/۰۲۶/۰۰۰ نفر جمعیت را در بر می‌گیرد و از این تعداد آبادی ۴۶/۶ درصد آن در طبقه جمعیتی یک تا بیست خانوار قرار دارند، در صورتی که فقط ۴/۷ درصد جمعیت روستایی کشور را خود جای داده‌اند.

جدول (۴) - طبقه‌بندی جمعیتی آبادی‌های کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵

ردیف	طبقات جمعیتی (خانوار)	آبادی (درصد)	جمعیت (درصد)
۱	۱-۱۹	۴۶/۶	۴/۷
۲	۲۰-۹۹	۳۵/۵	۲۵/۳
۳	۱۰۰-۱۹۹	۱۰/۲	۲۱
۴	۲۰۰-۴۹۹	۶/۱	۲۷
۵	۵۰۰-۹۹۹	۱/۳	۱۳
۶	۱۰۰۰ و بالاتر	۰/۳	۹
	جمع	۱۰۰	۱۰۰

منبع: (مهردوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۴: ۱۰)

متأسفانه تا زمستان سال ۱۳۸۲ صدور مجوز تأسیس دهیاری در کشور تابع ضوابط و مقررات معین و ثابتی نبوده است و پراکندگی ناموزون دهیاری‌ها مؤید مطلب مذکور است. در کل کشور تعداد ۳۵۶۷۲ روستای بالای بیست خانوار وجود دارد که تا آبان ماه ۱۳۸۳ برای ۱۳۶۷ روستا مجوز تأسیس دهیاری صادر گردید. محاسبه تعداد دهیاری مصوب برای روستاهای بالای بیست خانوار کشور نشان می‌دهد که برخی از استان‌ها مانند گلستان برای ۹۹/۵ درصد، کرمانشاه ۸۲/۸ درصد و استان‌های خراسان جنوبی، شمالی و رضوی به ترتیب برای ۷۹/۸، ۶۹/۴ و ۶۷ درصد از روستاهای واجد شرایط خود، مجوز تأسیس دهیاری دریافت نموده‌اند؛ در حالی که استان‌های دیگری نظیر اردبیل برای ۱۳/۵ درصد، سیستان و بلوچستان برای ۱۴/۱ درصد و کهگیلویه و

بویراحمد برای ۱۴/۹ درصد از روستاهای واجد شرایط خود مجوز تأسیس دهیاری اخذ کرده‌اند (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴: ۱۱).

جدول شماره (۵) و (۶) عملکرد دهیاری‌ها را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و مدیریتی از دیدگاه جامعه روستایی نشان می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب از چهار مؤلفه عملکرد خدماتی، مدیریتی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی است.

جدول (۵) - برآوردهای استاندارد و سطح معنی‌داری بارهای عاملی گویه‌های زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد

متغیرها و شاخص‌های سنجش شده (معرف‌های مشاهده شده)					زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها	
سطح معنی‌داری	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	وزن رگرسیون	گویه‌ها (نام و ترکیب)		
			۰/۵۹۶	فعالیت‌های مختلف پیرامون توسعه کشاورزی	X1	اقتصادی
۰۰/۰	۰/۲۶۴	۶/۹	۰/۷۶۶	ایجاد و توسعه کارگاه‌های تولیدی	X2	
۰۰/۰	۰/۳۲۲	۷/۳۸	۰/۸۸۶	ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی	X3	
۰۰/۰	۰/۲۷۶	۶/۸	۰/۷۴۸	فراهم کردن زمینه‌های سرمایه‌گذاری	X4	
۰۰/۰	۰/۲۰۶	۵/۶	۰/۵۷	کمک به تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی	X5	
۰۰/۰			۰/۶۵	حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی	X6	اجتماعی- فرهنگی
۰۰/۰	۰/۱۷۳	۶/۸۶	۰/۷۹۶	برپایی کلاس‌های آموزشی و عقیدتی	X7	
۰۰/۰	۰/۱۶۸	۶/۵	۰/۷۰۳	برگزاری مراسم و جشن‌های محلی	X8	
۰۰/۰	۰/۱۷۵	۶/۲۷	۰/۶۶۱	رسیدگی به امور جانبی مدارس و معلمان	X9	
۰۰/۰			۰/۳۸۳	کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی	X10	خدماتی
۰۰/۰	۰/۴۳۳	۳/۸۵	۰/۶۹۸	فراهم کردن خدمات رفاهی	X11	

متغیرها و شاخص‌های سنجش شده (معرف‌های مشاهده شده)					زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها	
سطح معنی‌داری	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	وزن رگرسیونی	گویه‌ها (نام و ترکیب)		
				مختلف		
۰۰ .	۰/۶۰۸	۴/۰۱	۰/۸۱۸	خدمات بهداشتی و همکاری با خانه بهداشت	X12	مدیریتی
۰۰ .			۰/۶۸۶	هماهنگی، همفکری و همکاری با شورا	X13	
۰۰ .	۰/۱۲۳	۸/۳۱	۰/۷۷۸	برقراری و حفظ امنیت عمومی در روستا	X14	
۰۰ .	۰/۱۴۶	۷/۹۴	۰/۷۳۹	آشنایی با مشکلات و توانایی برای رفع آن‌ها	X15	
۰۰ .	۰/۱۲۵	۸/۶۲	۰/۸۲۳	تلاش برای رفع اختلافات و دعاوی مردم	X16	
۰۰ .	۰/۱۱۵	۹/۸	۰/۸۰۶	مشورت و فراهم کردن زمینه مشارکت مردم	X17	
۰۰ .	۰/۱۴۳	۶/۸	۰/۶۴۱	تلاش برای حفظ و بهبود محیط زیست روستا	X18	

منبع: یافته‌های محقق

جدول (۶) - اثرهای کلی (مستقیم و غیر مستقیم) متغیرهای مشاهده شده و زیرمقیاس‌ها بر مقیاس ارزیابی عملکرد

متغیرها / زیرمقیاس	ارزیابی کلی عملکرد	عملکرد اقتصادی	عملکرد اجتماعی - فرهنگی	عملکرد خدماتی	عملکرد مدیریتی
عملکرد اقتصادی	۰/۶۶۱	۰	۰	۰	۰
عملکرد اجتماعی - فرهنگی	۰/۷۵۱	۰	۰	۰	۰
عملکرد خدماتی	۰/۹۴۹	۰	۰	۰	۰
عملکرد مدیریتی	۰/۹۲۳	۰	۰	۰	۰
X1	۰/۴۷۱	۰/۷۱۳	۰	۰	۰
X2	۰/۴۴۸	۰/۶۷۸	۰	۰	۰
X3	۰/۵۴۹	۰/۸۳۱	۰	۰	۰
X4	۰/۵۰۴	۰/۷۶۳	۰	۰	۰

۰	۰	۰	۰/۵۹۹	۰/۳۹۵	X5
۰	۰	۰/۶۶۶	۰	۰/۵	X6
۰	۰	۰/۷۲۶	۰	۰/۵۴۵	X7
۰	۰	۰/۶۸۷	۰	۰/۵۱۶	X8
۰	۰	۰/۹۶۶	۰	۰/۷۲۶	X9
۰	۰/۳۹۹	۰	۰	۰/۳۷۹	X10
۰	۰/۳۰۸	۰	۰	۰/۲۹۲	X11
۰	۰/۸۲۴	۰	۰	۰/۷۸۲	X12
۰/۶۴۶	۰	۰	۰	۰/۵۹۶	X13
۰/۷۸۵	۰	۰	۰	۰/۷۲۵	X14
۰/۷۷۹	۰	۰	۰	۰/۷۱۹	X15
۰/۷۸۵	۰	۰	۰	۰/۷۲۵	X16
۰/۷۹۴	۰	۰	۰	۰/۷۳۳	X17
۰/۶۲۲	۰	۰	۰	۰/۵۷۴	X18

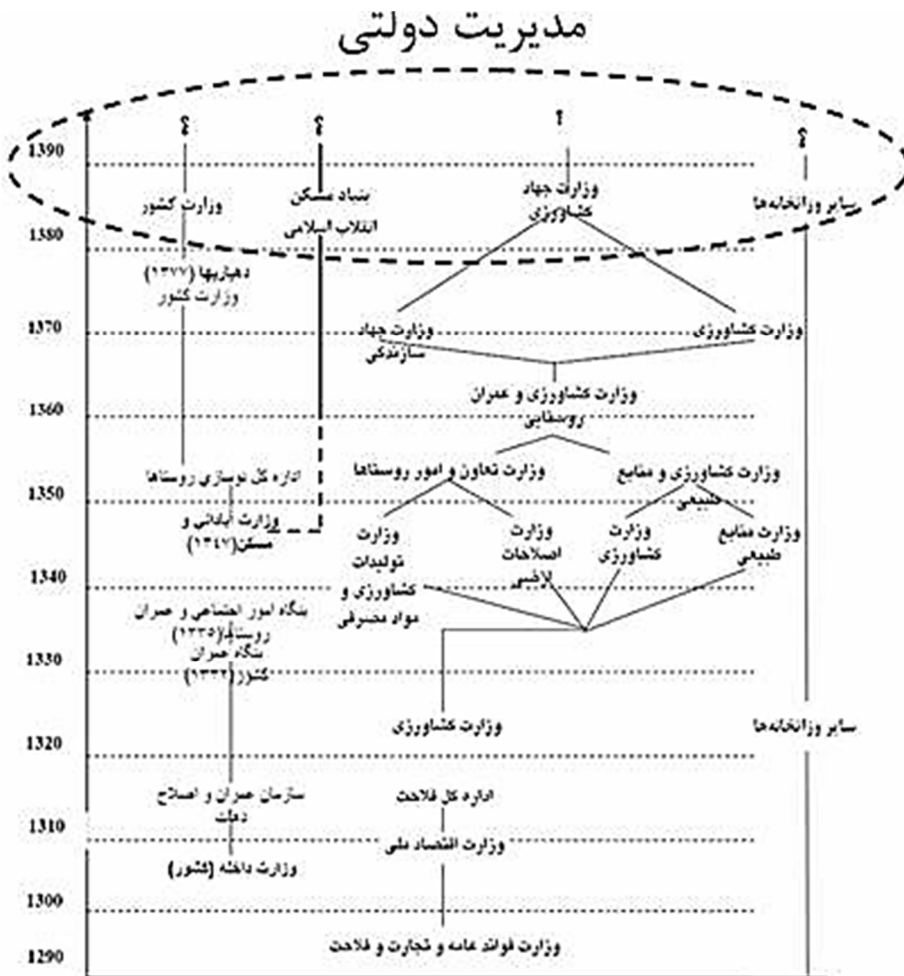
منبع: یافته‌های محقق

بر این اساس مشاهده می‌شود که بیشترین اثرهای غیر مستقیم بر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب مربوط به متغیرهای مشاهده شده X12 (فراهم کردن زمینه برای خدمات بهداشتی)، X17 (مشورت با مردم)، X9 (فراهم کردن خدمات جانبی برای امر آموزش)، X16 (تلاش برای حل اختلافات و دعاوی)، X14 (برقراری و حفظ امنیت عمومی)، X15 (آشنایی و اراده برای حل مشکلات موجود) و در مقابل کمترین آن‌ها نیز به ترتیب مربوط به متغیرهای X11 (فراهم کردن خدمات رفاهی)، X10 (کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی)، X5 (تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی)، X2 (ایجاد و توسعه کارگاه‌های تولیدی)، X1 (فعالیت در رابطه با توسعه کشاورزی) است. با توجه به این ضرایب می‌توان نتیجه گرفت که کمترین میزان تأثیر مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و امور اجرایی بوده و بیشترین تأثیرها نیز مربوط به اقدامات مدیریتی و امور عمومی هستند.

مدیریت توسعه روستایی در دوره جهاد سازندگی

با عنایت به رویکردهای حاکم بر برنامه‌ریزی‌ها در کشور و مشکلات و چالش‌های مناطق روستایی در چندین دهه برنامه‌ریزی قبل از انقلاب ایران از یک سو و سر درگمی در مدیریت شکل گرفته از دهه ۱۳۴۰ و همزمان با اجرای اصلاحات ارضی از سویی دیگر منجر به این سیاست شد که با ایجاد یک نهاد جدیدی با مدیریت خودجوش به نام جهادسازندگی که توجه ویژه‌ای به قشر روستایی داشته باشند و روستا و روستایی به لحاظ وظایف دولت‌ها، جایگاهی را در ساختار اداری کلان کشور داشته باشد، ایجاد شد (رضوی و علینی، ۱۳۷۹: ۲۴). در این بین جهاد سازندگی در کنار سایر وزارتخانه‌ها به ویژه وزارت کشاورزی به عنوان نیرویی مکمل با اهداف و فلسفه مدیریتی جدید در زمینه فراهم ساختن زمینه‌های حضور و مشارکت گسترده روستاییان در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی مکان‌های زیست خود، به عنوان پایگاه تولید و یکی از محورهای توسعه با ارائه امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و زیرساختی برای محرومیت‌زدایی و کاهش شکاف‌های توسعه‌ای و عدم توازن و تعادل‌های فضایی در سطح ملی و محلی حرکت شتاب‌زایی را دنبال کرد (رضوی و علینی، ۱۳۷۹: ۴۴). اما با ادغام دو وزارتخانه جهادسازندگی و کشاورزی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی جایگاه تصمیم‌گیری روستا از وزارت به یک معاونت کاهش پیدا کرد و در ادامه این روند معاونت به اداره کل تقلیل یافت و سرانجام در سال ۱۳۸۸ این اداره کل نیز با سایر واحدها ادغام شدند که در نتیجه حرکت مدیریت جدیدی روستایی و بازآفرینی مدیریت توسعه روستایی در ساختار اداری دولت جایگاه خود را به حداقل سپرد و بدین ترتیب حدود ۳۲ درصد از جمعیت کشور با داشتن بیش از ۷۰ درصد عرصه جغرافیایی و از داشتن نمایندگی و سخنگو در مدیریت راهبردی کشور محروم شدند (شکل ۱).

شکل (۷) - نمودار تحولات ساختار تشکیلاتی مدیریت دولتی توسعه روستایی ایران طی دهه‌های گذشته



منبع: (افتخاری و سجاسی، ۱۳۹۰)

سیر تاریخی مدیریت روستایی در ایران

آغاز شناخت ده به عنوان یک واحد در تقسیمات سیاسی به دوران مشروطیت بازمی‌گردد. با تصویب قانون تشکیلات ایالات و ولایات در سال ۱۲۸۵ ه. ق، ده به عنوان کوچکترین واحد حکومتی پذیرفته شد و کدخدایان به نمایندگی مالکان روستا در روستاها ایفای نقش می‌کردند و به توصیه مالک در پاره‌ای امور مانند سربازگیری، سرشماری‌ها، اخذ مالیات و ... در خدمت

کارگزاران دولتی بودند و در همین سالها قوانین مربوط به مدیریت روستاها تغییر کرد و قانون کدخدائی در سال ۱۳۱۴ و قانون عمران روستایی در سال ۱۳۱۶ به تصویب رسید (مزینی، ۱۳۷۴: ۸۱-۸۲). به طور کلی تا قبل از اصلاحات ارضی در ایران، مالکان مدیران و صاحبان اصلی روستا بشمار می‌آمدند و اداره امور روستاها را در دست داشتند. در دوران حکومت پهلوی، دولت علیرغم آن که تلاش می‌کرد تا نقشی در مدیریت روستاها ایفا نماید، ولی مالکان همچنان قدرت اصلی در روستاها محسوب می‌شدند. با اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ که طی سه مرحله ایجاد گردید، از اقتدار مالکان کاسته شد و نیروهای دولتی در قالب سپاه ترویج، سپاه بهداشت، انجمن ده، خانه انصاف و خانه فرهنگ روستایی در روستاها حضور یافتند و شرکت‌های تعاونی روستایی نیز جهت پرکردن خلاء مدیریت مالی که با کوتاه کردن دست مالکان در روستاها بوجود آمده بود، شکل گرفتند (مهدوی، ۱۳۷۷: ۳۵). اما متأسفانه این نهادها به جهات متعدد نتوانستند خلاء به وجود آمده ناشی از عدم حضور مالک را جبران کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز شوراهای روستایی بدون بازوی اجرایی تشکیل شدند و برای حل مشکل ناشی از عدم حضور مدیر اجرایی در روستاها، خانه همیار و دفتر عمران روستایی بوجود آمد که توفیق چندانی حاصل نکرد و متعاقب آن، قانون تأسیس دهیاری خودکفا در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید تا بتوانند به عنوان یک تشکیلات اجرایی در روستاها ایفای نقش نمایند (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۳: ۶).

جدول (۳): سیر تاریخی مدیریت روستایی در ایران

وظایف	ویژگی‌ها	دوره
مدیریت در حوزه اجتماعی، سیاسی و حقوقی ناظر در حوزه اقتصادی روستا تنظیم روابط میان مردم و ارباب تنظیم روابط میان مردم و اقشار و طبقات جامعه کمک به دولت به صورت مقطعی در دو بعد اخذ مالیات و سربرازگیری کمک به مدیریت حوزه عمران	چند بعدی یکپارچگی و هماهنگی علیرغم کثرت مدیریت درونزا (انتخابی، انتصابی یا هر دو) عدم دخالت دولت در مدیریت مدیریت خود اتکا و متکبر	مدیریت روستا تا مشروطه
مدیریت در حوزه، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و عمرانی تنظیم روابط میان مردم- ارباب و دولت بسترسازی و همراهی با سرمایه‌گذاری دولت برای سرمایه‌گذاری دولتی	چند بعدی یکپارچه و هماهنگ کننده علیرغم کثرت مدیریت انتصابی با لحاظ کردن نظر مردم- ارباب دخالت حداقلی دولت با توجه به ساختارها مدیریت خود اتکا	مدیریت روستا از مشروطه تا سال ۱۳۴۲
مدیریت دستوری و پشتیبانی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، حقوقی و عمرانی تنظیم رابطه میان مردم و دولت بسترسازی و همراهی با سایر مدیریت‌های روستایی برای سرمایه‌گذاری دولتی	تجزیه شدن مدیریت و کاهش قدرت و هماهنگی شکل‌گیری قدرت موازی گسترش مدیریت دولتی حرکت به سوی دخالت حداکثری دولت در مدیریت روستا مدیریت اجرایی، دستوری و انتصابی تا انتخابی	مدیریت روستا از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۷
مدیریت با برنامه‌ریزی متمرکز پشتیبانی کننده همه حوزه‌های توسعه روستایی تنظیم کننده رابطه میان مردم و دولت بسترسازی و انجام سرمایه‌گذاری دولتی انجام وظایف همه‌جانبه دولت با حداکثر ملاحظه در سطح روستا حمایت و پشتیبانی از برنامه‌های دولت توسط مدیریت محلی (شورا و دهیار)	تجزیه شدن مدیریت و کاهش قدرت و هماهنگی شکل‌گیری قدرت موازی و جدید بی اعتنایی به تجارب بومی مدیریت روستا گسترش مدیریت دولتی به همراه مدیریت انتخابی همسو با مدیریت دولتی گسترش مدیریت دوگانگی در مدیریت اجرایی (انتصابی تا انتخابی)	مدیریت روستا از سال ۱۳۵۷ تا به امروز

منبع: (افتخاری، ۱۳۸۱)

چالش‌ها و راه‌حل‌های مدیریت روستایی

با توجه به بررسی‌ها در خصوص تقسیم بندی‌های انجام گرفته در مورد چالش‌های مدیریت روستایی در ایران عمده‌ترین این مشکلات را به شرح موارد زیر می‌توان بیان نمود که راه‌حلهایی هم وجود دارند که اگر با برنامه‌ریزی صورت گیرد می‌توانند توسعه پایدار روستایی را به ارمغان آورند:

جدول (۵) - چالش‌ها و راه‌حل‌های مدیریت توسعه روستایی از مشروطیت تا کنون

دوره	چالش	راه حل
(دوره نخست): دوره مشروطه تا اصلاحات ارضی	فقر شدید اقتصادی و فرهنگی با حاکمیت مدیریت کاربزمای استبدادی	تأکید بر اصلاح قوانین بر مبنای رویکرد افزایش تولیدات کشاورزی و معادل گرفتن فضای روستا با تولید
(دوره دوم): از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی	فقر شدید اقتصادی و آغاز بیکاری و شدت یافتن مهاجرت و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی با حاکمیت فضای مدیریت برزخی و رویکرد دولت‌مداری	تغییر ساختارها در چارچوب نظریه نوسازی و تفکیک فضای سکونتگاه و فضای تولید و فعالیت‌ها به عنوان دو فضای مکمل
(دوره سوم): از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز	فقر شدید اقتصادی، تشدید بیکاری، مهاجرت و گسترش حاشیه‌نشینی با حاکمیت مدیریت توسعه مبتنی بر دولت خیرخواه و تلقی مدیریت توسعه به مثابه جعبه ابزار قابل نقل و انتقال و دارای کاربرد روستایی	تأکید بر کشاورزی و نیازهای اساسی و مشارکت حداقلی و پذیرش سیاست‌گذاری منطقه‌ای در چارچوب نظریه نوسازی

منبع: (افتخاری و سجاسی، ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی مؤلفه‌های مختلف مدیریتی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و غیره را در برمی‌گیرد و در این زمینه یکی از مهمترین ارکان مؤلفه‌های مدیریتی به ویژه مدیریت مشارکتی است. با این دیدگاه هرچند از اهمیت توسعه روستایی در فرایند توسعه ملی سخن به میان می‌آید، اما به واسطه نبود برنامه مشخص و استراتژیک توسعه در کشور عملاً در برنامه‌های کلان عمرانی، توجه لازم و کافی به روستاها پیوسته مورد غفلت بوده است. در همین ارتباط گرایش به نوین‌سازی و رویکردهای به اصطلاح مدرنیستی به روندهای عمران و پیشرفت از علل این غفلت بوده است. دهیاری‌ها تحت نظارت مردمی اهالی روستاها (شوراهای اسلامی) و کنترل و سیاست‌گذاری دولت (بخشداری‌ها و فرمانداری‌ها) در روستاهای کشور ایفای نقش مدیریتی می‌نماید؛ با عملکرد شایسته دهیاری‌ها می‌توان در جهت توسعه پایدار روستایی گام برداشت. در واقع دلیل تشکیل دهیاری‌ها در روستاهای کشور پاسخ به برخی از نیازمندی‌ها بوده که در عرصه توسعه روستایی مطرح است. تجربه پنج برنامه عمرانی قبل از انقلاب در ایران نشانگر آن است که هرچند در اغلب موارد به اهداف توجه خوبی شده اما اغلب این برنامه‌ها به اهداف خود دست نیافته‌اند. علت اصلی این شکست تعیین نادرست سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و

عدم اجرای صحیح برنامه‌ها بود.

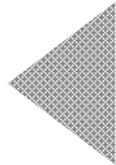
تا قبل از پیروزی انقلاب شش برنامه تهیه و تنظیم شد که پنج برنامه اجرا گردید و برنامه ششم به دلیل تقارن با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ اجرا نشد. همانطور که گفته شد برنامه اول و دوم شامل تعداد مشخصی طرح و پروژه بود که با اعتبارات دولتی و توسط دولت به اجرا درآمده و مردم مشارکت و مداخله‌ای در این زمینه نداشتند. برنامه سوم اولین برنامه نظام‌یافته جامع بود که تمامی بخش‌ها را در برمی‌گرفت و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آن دیده می‌شد. عمده‌ترین اقدام رژیم گذشته در زمینه عمران روستایی در برنامه عمرانی چهارم و پنجم صورت گرفت به طوری که نظام برنامه‌ریزی در برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های گذشته تکامل یافته‌تر شد. در دهه اول انقلاب به دلیل جنگ و بی‌ثباتی، امکان تدوین برنامه در روستاها با یک نوع از هم‌گسیختگی ساختار اقتصادی و تزلزل ساختار امنیتی برای سرمایه‌گذاری و افزایش رشد جمعیت روبرو شد. در این دوره بخش کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه قرار گرفت و اهداف و سیاست‌های کلی توسعه در زمینه عمران روستایی، در این دوره ایجاد رشد اقتصادی، ارتقای سطح سلامت، تأمین حداقل نیازها و سازماندهی فضایی بود. با به تصویب رسیدن قانونی به عنوان «قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شورای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران» مدیریت روستایی نیز به شورای اسلامی واگذار گردید. در این قانون، مسئولیت اجرایی مدیریت روستایی برعهده مقامی بنام «دهیار» گذاشته شد. وظایف دهیاری به سه طبقه اصلی، وظیفه اداری، وظیفه خدمات روستایی و وظیفه عمران روستایی تقسیم می‌شود. دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولت به منظور رفع نیازمندی‌های عمومی، جمع‌آوری زباله، ارائه خدمات عمومی و توسعه معابر اقداماتی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی-اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری‌ها را تشکیل می‌دهند. این سه فعالیت عمده دهیاری‌ها در چارچوب توسعه روستایی قرار می‌گیرند که با توجه به نتایج تحقیق، دهیاری‌ها بیشترین تأثیر را در توسعه مدیریت روستایی از جهات عمرانی داشته است.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی**، تهران، اطلاعات.
- استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۱)، "بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها" فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۲.
- افتخاری وهمکاران (۱۳۸۶) "نگرش نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهاده‌های تأثیرگذار"، تهران، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۰، شماره ۲.
- آسایش، حسین (۱۳۷۴)، "نقش سرنوشت‌ساز روستا در توسعه اقتصاد ملی"، **ماهنامه جهاد**، شماره ۱۷۵.
- بدری، سید علی و موسوی، سید عارف (۱۳۸۸)، "مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها"، چاپ اول، اشتیاق نور.
- برقی و همکاران (۱۳۹۱)، "برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری در منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: جزیره قشم)"، **مجله برنامه‌ریزی فضایی**، سال دوم، شماره سوم.
- تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰)، "بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی؛ مورد پژوهش: بخش کونانی شهرستان کوه‌دشت"، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۲۸.
- حسین کریم، محمد و هاشمی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، "نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی دهستان ساروق، شهرستان اراک"، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۲، شماره ۲.
- حسینی ابری، سید حسین (۱۳۸۰)، "مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران"، دانشگاه اصفهان.
- خاتون آبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، **جنبه‌هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش)**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۴)، "جایگاه مدیریت روستایی در برنامه چهارم"، **مجله دهیاری**، شماره ۵۱.
- راهب، غزال (۱۳۸۶)، "درنگی در مفهوم روستا"، **نشریه محیط‌شناسی**، سال سی و سوم، شماره ۴۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، تهران: نشر قومس.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۹۰)، **بازآفرینی مدیریت توسعه روستایی در ایران**، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷)، **مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت، تهران.
- سلطانی عرب‌شاهی، محسن (۱۳۸۳)، **مدیریت توسعه (رشته مدیریت)**، انتشارات استادی تهران.
- شیرازی، اصغر (۱۳۷۵)، **سیاست توسعه اسلامی: مسئله کشاورزی در ایران**؛ ترجمه عبدالرسول مرتضوی؛ تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهادسازندگی.

- عمادی، محمدحسین (۱۳۷۹)، **چالش‌ها و راهبردهای ارتقای بهره‌وری در منابع روستایی**، (از مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی ۱۳۷۸)، انتشارات اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری.
- فیروزنیا، قدیر و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)، **جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران**، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی.
- قاسمی بادی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، "تحلیل عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی مطالعه موردی: روستاهای بخش امامزاده (بدرود) شهرستان نطنز، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر رضوانی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- قاضیان، حسین (۱۳۷۱)، "درباره تعریف توسعه" نشریه علوم سیاسی، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۶۳ و ۶۴.
- قدیری معصوم، مجتبیو نجفی کانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، "جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه‌های عمرانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی"، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۴۴.
- مزینی، منوچهر (۱۳۷۴)، **مدیریت شهری و روستایی در ایران**، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان زمین و مسکن.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۲)، **برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران**، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- مهدوی، مسعود و احمدی زاده هندخاله، تقی (۱۳۹۰)، نقش بازارهای هفتگی استان گیلان در توسعه روستایی و زایش شهرهای جدید در استان «مطالعه موردی: شهرستان صومعه سرا»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال هشتم، شماره ۲۹.
- مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، "تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی"، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۳.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۷)، **مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران**، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- نعمتی، مرتضی و بدری، سیدعلی (۱۳۸۶)، "ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی: استان گلستان، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۹.
- یوسفی‌نژاد، مجید (۱۳۸۰)، "بررسی دیدگاه‌های مدیران منابع طبیعی نسبت به توسعه پایدار"، **ماهنامه جنگل و مرتع**، شماره ۵۰.

آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول بر اساس مبانی مدیریت تحول سازمانی



فرشته هدایتی^۱

رحمت الله خوارزمی^۲

(تاریخ دریافت ۹۳/۱۰/۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۲/۲)

چکیده

آموزش و پرورش، سرمایه نسل امروز و آینده ما است. سرمایه‌ای که نمی‌توان قیمتی بر آن نهاد و همان چیزی است که بشر را از تاریکی و جهل به عصر روشنایی سوق داده است. آموزش با توانمند ساختن افراد، دانش مورد نیاز پویایی در جامعه را فراهم می‌کند. عدم اطمینان یکی از وجوه بارز جامعه عصر حاضر بوده و احتمالاً باقی خواهد ماند. در چنین شرایطی مراکز آموزشی به عنوان حساس‌ترین سازمان‌های هر جامعه، باید پاسخگوی تغییرات و تحولات محیطی باشند. در پی پاسخ‌گویی سازمان‌های آموزشی نسبت به تغییرات محیطی در جهان دائماً متغیر امروز، خود نیز نیازمند اصلاحات، تغییرات، و شاید هم تحولات باشد. خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت موضوع توسط مسئولان ارشد نظام آموزش و پرورش کشور، سند تحول بنیادین و برنامه راهبردی و دراز مدت برای تحول همه جانبه و پایدار در آموزش و پرورش کشور تدوین و برای

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، fereshte_hedayati@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد واحد رودهن

اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ شده است. سند تحول با ۲۳ هدف کلان و ۱۳۱ راهکار ناظر به شش زیر نظام: رهبری و مدیریت، برنامه درسی و آموزشی، ارتقای منابع انسانی، فضا و تجهیزات، منابع مالی و پژوهش و ارزشیابی است. این مقاله با تمرکز بر زیر نظام رهبری و مدیریت، در صدد است بر اساس مبانی مدیریت تحول سازمانی، مدل تغییر مدل تغییر برنامه‌ریزی شده بورک لیتوین را معرفی، ضمن پرداختن به "تغییر تدریجی" و "تغییر تحولی"، متغیرهای دخیل در ایجاد این تغییرات را مشخص نموده و براساس این مدل به آسیب شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول بپردازد. امید است تمرکز بر این مجموعه امکان اجرای برنامه‌های سند تحول را تسریع و تسهیل نماید.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، تغییر سازمانی، تغییر برنامه‌ریزی شده، بورک لیتوین.

مقدمه

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود. ساخت و کار^۱ این انتقال، آموزش و پرورش است. نظام آموزش و پرورش، پدیده اجتماعی عامی است که در تمام جوامع امروز یافت می‌شود (علاقه‌بند، ۱۳۹۲). آموزش و پرورش^۲، سرمایه نسل امروز و آینده ما است. سرمایه‌ای که نمی‌توان قیمتی بر آن نهاد و همان چیزی است که بشر را از تاریکی و جهل به عصر روشنایی سوق داده است. از طریق آموزش و پرورش نه تنها می‌توانیم کیفیت زندگی^۳ و مهارت‌های مردم را بهبود ببخشیم، بلکه به جامعه‌ای منصفانه‌تر و ملتی پیشرفته و خلاق دست خواهیم یافت (یونسکو، ۱۹۹۸، به نقل از رؤوف، ۱۳۷۸). آموزش و پرورش با توانمند ساختن

۱- Mechanism

۲- Education

۳- Quality of Life

افراد، دانش مورد نیاز پویایی در جامعه را فراهم می‌کند. آموزش و پرورش ذهن افراد را نسبت به مسایل بسیاری که در اطراف خود با آنها مواجه می‌شود؛ باز نموده و امکان مباحثه‌های سالم پیرامون موضوعات دشوار را نیز فراهم می‌نماید. آموزش و پرورش مهارت حل مساله، مهارت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری را توسعه می‌بخشد، در واقع آموزش پله‌ای برای ورود به دنیای واقعی محسوب می‌شود (رووآن^۱، ۲۰۱۴). در جهان امروز توسعه و تعالی کشورها و ملت‌ها به وجود انسان‌های شایسته و کارآمدی وابسته است که در شرایط همواره متغیر امروزی، بتوانند موجب بقا و توسعه جامعه شوند. این موضوع چنان اساسی و مهم است که نمی‌توان آن را به فعالیت‌های غیرعمدی و صرفاً جریان تربیت غیررسمی وا گذاشت؛ بلکه باید سازوکاری مناسب (تربیت رسمی نظام‌مند) برای تربیت آحاد اجتماع اندیشید. از این رو نمی‌توان تعالی جامعه را به تربیت گروهی نخبه منوط و متکی ساخت بلکه این امر منوط به توسعه و تعالی بیشترین ظرفیت‌های وجودی افراد اجتماع است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

عدم اطمینان یکی از وجوه جامعه عصر حاضر است و احتمالاً به همین شکل هم باقی خواهد ماند. آموزش و پرورش می‌تواند ما را در فهم آنچه انسانیت درباره خود آموخته است یاری رساند، می‌تواند ما را یاری کند تا وجود خود را در متن قرار دهیم، می‌تواند ما را برای تغییر مهیا کند یا می‌تواند ما را برای تصمیم‌گیری درباره آینده خود یاری رساند. البته آموزش و پرورش تنها پاسخ و داروی همه دردها نیست. اما بدون آموزش هم پاسخی نخواهیم داشت. به هریک از بلاهای عصر بیندیشید: انحطاط اخلاقی، بیکاری، فقر شدید، نابودی محیط زیست، افزایش خرافات، بنیادگرایی تبعیض‌نژادی، خشونت شهری و مانند آن، هر کدام از آنها وجدان بشر را به چالش فرا می‌خوانند و می‌طلبد که سفری درونی برای تغییر اندیشه‌ها و قلب‌ها آغاز شود. هر یک از آموزش و پرورش تمنا می‌کنند که ظرفیت انسان را تعالی بخشد (یونسکو، ۱۳۷۸). بدین ترتیب مراکز آموزشی به عنوان مهمترین و حساس‌ترین سازمان‌های هر جامعه

محسوب می‌شوند و باید پاسخگویی تغییرات محیطی باشند (رحیمیان و هدایتی، ۱۳۹۲). در پی پاسخگویی سازمان‌های آموزشی نسبت به تغییرات محیطی در جهان دائماً متغیر امروز، سیستم‌های آموزشی در هر جامعه‌ای نیازمند اصلاحات، تغییرات، و شاید هم تحولات باشد. در این راستا نیز جامعه ما مستثنی نبوده و طبعاً نیازمند تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش می‌باشد.

آموزش و پرورش

آموزش^۱ در لغت به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران است، به طوری که این معلومات و مهارت‌ها به کار آیند و موجب تحول^۲ و دگرگونی در رفتار شوند (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۸: ۲۸). آموزش به طور کلی دانش^۳ و مهارت‌های ادراکی و غیر ادراکی افراد را ارتقاء می‌بخشد. رسالت آموزش را می‌توان بصورت زیر خلاصه نمود: یادگیری برای "دانستن، برای بودن، برای انجام دادن و برای با هم زیستن" که همه اینها شرایط لازم برای یادگیری مادام‌العمر را فراهم می‌آورد (نادری، ۱۳۸۳: ۶۰). آموزش با انتقال معلومات و مهارت به فراگیران موجب تحول و دگرگونی در رفتار می‌شود، پرورش نیز به معنای فراهم آوردن زمینه برای شکوفایی توانایی‌های درونی و استعدادهاى طبیعی است. آموزش که به عنوان وسیله یا زمینه‌ساز پرورش است، همراه با پرورش به صورت دو مفهوم مترادف معادل با واژه تربیت، که آن نیز به معنای پروردن و بارآوردن است به کار برده می‌شود. لذا آموزش و پرورش امری مختص انسان‌ها است (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۸). آموزش و پرورش از قوی‌ترین اهرم برای آزادسازی وجود انسان از بندگی و رها کردن مردم از عقب‌ماندگی برخوردار است. یادگیری و تجربه توأم با آگاهی منشاء سرمایه‌های معنوی هستند که می‌توانند رقابت پذیری و عملکرد اقتصادی را تعالی بخشند. در

۱- Training

۲- Transformation

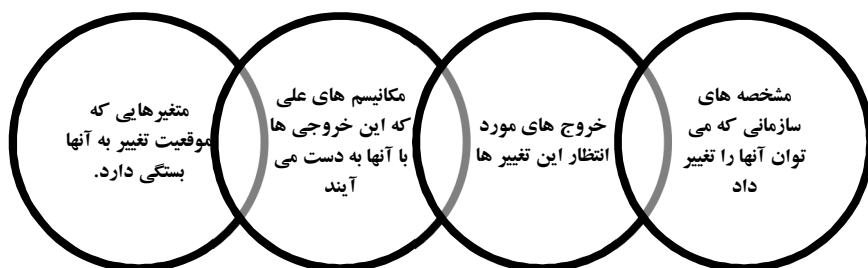
۳- Knowledge

نتیجه می‌توان ادعا کرد که آموزش و پرورش به عنوان زیربنایی‌ترین نهاد در جامعه، شرط اصلی و تردید ناپذیر توسعه همه جانبه کشور است. چنانچه در اعتلای حقیقی این نهاد مقدس توفیق لازم حاصل نشود، در هیچ یک از عرصه‌های دیگر موفق نخواهیم شد (ملکی، ۱۳۸۹: ۳۴۵).

توسعه و تحول سازمانی

توسعه جهانی، اقتصادی و فناوری سبب شده است که تغییر مشخصه غیر قابل اجتنابی از زندگی سازمانی باشد (کامینگز و ورلی، ۱۳۹۱). تغییر بدین معناست که وضعیت جدید عوامل با وضعیت سابق آنها فرق کند. میزان تغییر می‌تواند کم یا زیاد باشد. برحسب گستردگی و وسعت آن می‌تواند بر عناصر متعددی از سازمان، یا فقط بر تعداد محدودی از آنها اثر گذارد. تغییر می‌تواند سریع (ناگهانی) باشد و یا آهسته و تدریجی محقق شود. وضعیت جدید ناشی از تغییر می‌تواند ماهیتی کاملاً متفاوت از حالت سابق داشته باشد (تغییر بنیادی) یا وضعیت جدید می‌تواند همان ماهیت اولیه همراه با شکل و ویژگی‌های جدیدی (تغییر تدریجی) باشد. تحول در سازمان هر نوع تغییری را در بر می‌گیرد. تحول سازمان عبارت است از یک فرایند تغییر برنامه‌ریزی شده؛ شامل تغییر فرهنگ سازمانی به سوی فرهنگی که در آن فرایندهای گروهی و جمعی نهادینه شده‌اند (فرنچ و بل، ۱۳۸۰). تغییرات برنامه‌ریزی شده، شامل فعالیت‌هایی برای اجرایی شدن اثر بخش توسعه سازمان می‌باشد. برای هدایت فعالیت‌ها در زمینه تغییر برنامه‌ریزی شده باید اطلاعاتی پیرامون مسائل زیر داشته باشیم (شکل شماره ۱).

شکل (۱) - اطلاعات مورد نیاز برای هدایت فعالیت‌ها در زمینه تغییر برنامه‌ریزی شده



تغییر برنامه‌ریزی شده، فرایندی بلند مدت است که مستلزم نوآوری، یادگیری قابل ملاحظه، برخورد مناسب در قبال زمان، تعهد و اشتیاق به اصلاح و بهبود تغییرات است (کامینگز و ورلی، ۱۳۹۱). هدف غائی برنامه‌های تحول سازمان، بهینه‌سازی سیستم از طریق حصول اطمینان از هماهنگی و سازگاری اجزای سیستم می‌باشد. هنگامی که ساختار، استراتژی، فرهنگ و فرایندها با هم سازگار نیستند، عملکرد، ضعیف خواهد بود. بر اساس دیدگاه سیستمی، تغییر یک جزء سیستم (مثلاً استراتژی)، تغییر در اجزای دیگر سیستم از قبیل ساختار، فرایندها و فرهنگ را ضروری می‌سازد. فرایندها و فرهنگ سازمانی در بیشتر برنامه‌های تحول سازمان از عوامل مهمی هستند که توجه زیادی به آنها معطوف می‌شود. لذا می‌توان نتیجه گرفت که تحول سازمان، به عنوان فرایندی از تغییر مداوم که هرگز پایانی ندارد، در نظر گرفته شود. به عبارتی دیگر تحول سازمان برنامه یا اقدامی خواهد بود که سازمان را به سمت یک جایگاه بالاتر حرکت می‌دهد و به همین ترتیب در اقدام‌های بعدی سازمان مجدداً به جایگاه بالاتری از اثربخشی انتقال می‌یابند (فرنچ و بل، ۱۳۸۰).

توسعه و تحول سازمانی در سیستم مدارس

فشارهای اجتماعی ناشی از پیچیدگی اجتماعی بیشتر و نیاز به افزایش رقابت در اقتصاد جهانی به بهبود اثربخشی آموزشی در سال‌های اخیر کمک کرده است. برای مثال تغییرات جمعیت‌شناسی سبب تنوع فرهنگی شده است. دیگر روندهای اجتماعی نظیر افزایش نرخ طلاق و یا خانواده‌هایی که والدین هر دو شاغل هستند، سبب شده که فرزندان آنها بازدهی خوبی در مدارس نداشته باشند و در این شرایط سخت‌تر، از مدارس انتظار می‌رود بهتر کار کنند. برخی در پاسخ به چالش‌هایی که امروزه بخش آموزش همگانی با آن مواجه است، خواهان تغییر همه جنبه‌های شبکه بوروکراتیکی هستند که بر آموزش مستولی شده است. استانداردهای بالاتر برای کودکان، مفاد آموزشی مناسب‌تر، رویکرد آموزشی بهتر، اندازه کوچک‌تر کلاس‌های درسی، سیستم‌های اندازه‌گیری قابل اعتمادتر، ... را می‌توان برخی اصلاحات آموزشی نام برد. معلمان، مدارس را سازمان‌های کاملاً منحصر به فردی تلقی می‌کنند که از انواع دیگر سازمانی متمایز است، اما فعالان تغییر سازمانی، مدارس را سیستمی بوروکراتیک و نمونه می‌دانند که شبیه دیگر انواع سازمان‌ها نیست (کامینگز و ورلی، ۱۳۹۱).

مطالعات مقایسه‌ای نشان می‌دهد که این دو نگرش، هر دو معتبرند. مدارس در برخی از مشخصه‌ها با همه سیستم‌های باز مشترک می‌باشند، و می‌توان آنها را با توجه به متغیرهایی که همه سازمان‌ها در آن شبیه هستند عارضه‌یابی کرد، و تغییر داد. از طرفی مدارس با توجه به واقعیاتی چون کاری که انجام می‌دهند و فناوری که برای انجام کار از آن استفاده می‌کنند، از دیگر سازمان‌ها متمایزند. با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های مدارس با دیگر سازمان‌های کسب و کار، یک برنامه توسعه و تحول سازمان که برای صنعت و کسب و کار طراحی شده نه به طور کامل مناسب این سازمان‌هاست و نه کاملاً نامناسب است. توجه داشته باشیم که وظیفه اولیه مدارس، متحول کردن جوانان از طریق یادگیری است و برنامه‌های توسعه‌ای باید با نیازهای خاص این سیستم متناسب شود (کامینگز و ورلی، ۱۳۹۱).

تحول بنیادین در آموزش و پرورش

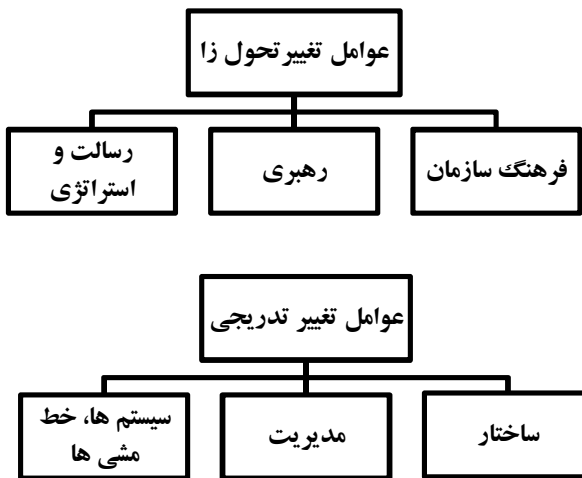
تحولات محیطی در عصر حاضر با سرعت حیرت‌انگیز، تار و پود زندگی فردی و اجتماعی آدمی را درنوردیده و همه امور پیدا و پنهان جامعه را دگرگون کرده است. در این دنیای متحول و متلاطم تنها افراد، سازمان‌ها و نهادهایی می‌توانند به حیات خویش امیدوار باشند که تحولات را درک کرده و پاسخ مناسب و مثبت به آنها بدهند. در این میان آموزش و پرورش نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و باید پاسخگوی تحولات محیطی باشد. خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت موضوع توسط مسئولان ارشد نظام آموزش و پرورش کشور، سند تحول بنیادین و برنامه راهبردی و دراز مدت برای تحول همه جانبه و پایدار در آموزش و پرورش کشور تدوین و برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ شده است. منظور از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق و ریشه‌ای، همه جانبه، نظام‌مند و سیستمی، آینده‌نگر، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی می‌باشد (نویسندگان، ۱۳۹۱).

مدل‌ها و تئوری‌های تغییر برنامه‌ریزی شده (تحول سازمانی)

تحول سازمان نوعی تغییر برنامه‌ریزی شده است که در بافت سازمان صورت می‌گیرد. مدل‌ها و نظریه‌ها، ویژگی‌های مهم برخی از پدیده‌ها را در قالب کلمات و تصاویر نشان می‌دهند، و ویژگی‌ها را به عنوان متغیرها توصیف می‌نمایند و روابط بین متغیرها را معین می‌سازند. یکی از مدل‌های تغییر برنامه‌ریزی شده که می‌تواند چارچوبی برای اندیشه و تفکر پیرامون ایجاد تحول در سیستم آموزش و پرورش فراهم نماید، مدل عملکردی فردی و سازمانی بورک لیتوین است. این مدل متغیرهای دخیل در ایجاد تغییر سطح اول یا "تغییر تدریجی" و تغییر سطح دوم یا "تغییر تحول‌گرا" را مشخص می‌کند. تغییر سطح اول نوعی تغییر تدریجی است که ویژگی‌ها و اشکال سازمان تغییر داده می‌شوند، اما ماهیت سازمان به قوت خود باقی می‌ماند. تغییر تحول‌گرا تغییری بنیادی است که در آن ماهیت سازمان به طرقی تغییر داده می‌شود (فرنچ و بل، ۱۳۸۰).

برای درک این مدل، تمیز بین جوّ و فرهنگ سازمانی و همین طور تمیز بین تغییر تدریجی و تحول‌گرا، ضروری است. جو سازمانی، ارزیابی دسته جمعی افراد از یک سازمان است. آیا سازمان جای مناسب یا نامناسب برای کار کردن است، آیا جو حاکم بر سازمان، دوستانه و تلاشگرانه است یا جوی است سرد که کم کاری را تشویق می‌کند؟ این برداشت‌ها بر اعمال مدیریت و سیستم‌های سازمانی متکی هستند؛ آنها نسبتاً متغیرند و همراه با تغییرات در فرایندهای سازمانی که به آنها اتکا دارند، تغییر خواهند کرد. فرهنگ سازمانی نیز نوعی ارزیابی دسته جمعی از سازمان است، اما فرهنگ مبتنی بر یک سلسله پیش فرض‌ها، هنجارها و ارزش‌های نسبتاً پایداری است که افراد نوعی توافق بر آنها دارند (فرنیچ و بل، ۱۳۸۰). برنامه‌های تغییری که بر رهبری، رسالت، و استراتژی و فرهنگ سازمان متمرکز می‌شوند، تغییر بنیادی یا تغییر تحول‌زا در فرهنگ سازمان به وجود می‌آورند. از طرف دیگر، برنامه‌های تغییری که بر شیوه‌های مدیریت، ساختار و سیستم (خط مشی و رویه‌ها) تأکید می‌ورزند، تغییری تدریجی یا تغییری در جو سازمانی به وجود می‌آورند. بنابراین دو مجموعه مجزا از پویایی‌های سازمانی (شکل شماره ۱) وجود دارند. یک دسته از آنها، به سطح مبادله‌ای رفتار انسان یا تعاملات و مبادلات روزانه‌ای که جو سازمان را به وجود می‌آورند، مرتبط می‌شود. دسته دوم به فرایندهای ایجاد تحول در انسان ارتباط پیدا می‌کنند، این فرایندهای تحول‌زا برای تغییر واقعی در فرهنگ سازمان ضروری می‌باشند.

شکل (۲) - عوامل تغییر تحول‌زا و تغییر تدریجی



مدل بورک لیتوین روشی پیشرفته و مهم برای اندیشیدن در باب تغییر برنامه‌ریزی شده است (فرنج و بل، ۱۳۸۰). با توجه به این مدل می‌توان برای ایجاد تحول بنیادین در سیستم آموزشی دلیلی علمی ارائه داد. این مدل تغییر نشان می‌دهد که برای ایجاد تحول بنیادین باید به متغیرهایی همچون فرهنگ، رهبری و رسالت و استراتژی توجه نمود.

عوامل تغییر بنیادی در مدل بورک لیتوین

بر اساس مدل تغییر برنامه‌ریزی شده بورک لیتوین، متغیرهای رهبری، فرهنگ، رسالت و استراتژی منجر به تغییر بنیادی در سازمان می‌گردند. رهبری^۱ یکی از اساسی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین موضوع در تحقیقات سازمانی و مدیریتی محسوب می‌شود. یک رهبر زیر دستان خود را با وجود داشتن استعدادها و توانایی‌های متنوع و مهارت‌های مختلف تربیت کرده، بر آنها تأثیر می‌گذارد و در واقع یک رهبر پیروانش را متوجه مأموریت اصلی سازمان می‌کند و در آنها

میل، علاقه، شور و شوق، انرژی معنوی، عاطفی و فیزیکی ایجاد می‌کند، تا در یک تلاش هماهنگ برای رسیدن به رسالت و اهداف سازمان تلاش کنند. رهبری چشم‌اندازی از آینده روشن را به زیردستان خود عرضه می‌کند به طوری آنها بتوانند به درک و تفسیر آینده پردازند (وینستون^۱، پاترسون^۲، ۲۰۰۶). توجه داشته باشیم که مفهوم رهبری تحولی بر تغییر بنیادی نظر داشته و با تأکید بر الهام‌دهی منجر به عملکرد سطح بالا می‌گردد. به زعم برنز (۱۹۷۸)^۳ رهبری تحولی^۴، رابطه مبادله‌ای ساده‌ای بین رهبر و پیروانش یا زیردستانش نیست، بلکه ایجاد انگیزه در زیردستان برای تحقق اهداف سطح بالاست (بورخام^۵، ۲۰۱۰). باس^۶ (۱۹۹۰) معتقد است که رهبری تحولی زمانی اتفاق می‌افتد که رهبران علایق و انگیزه کارکنان خود را وسعت بخشند و آنها را نسبت به اهداف و رسالت گروه یا سازمان آگاه کنند و همچنین آنها را تشویق کنند تا به موقعیتی فراتر از منافع شخصی خود فکر کنند (کاهیل^۷، ۲۰۰۲). نورتوز^۸ (۲۰۰۱) معتقد است که رهبری تحولی به فرایند تغییر و تحول افراد اطلاق می‌شود. رهبری تحولی توانایی برانگیختن افراد جهت تغییر و بهبود است (هال^۹ و همکاران، ۲۰۰۸). باس و اولیو^{۱۰} (۱۹۹۴) چهار مفهوم اصلی برای تعریف رهبری تحولی در نظر گرفتند:

- نفوذ آرمانی که به شکل ویژگی‌های رفتاری است و یک رهبر را قادر می‌سازد که چشم‌انداز ایجاد کند و آنرا توسعه بخشد و هم چنین اعتماد ایجاد کند و الهام بخشد؛

۱- Winston

۲- Patterson

۳- Burns

۴- Transformational leadership

۵- Burkham

۶- Bass

۷- Cahil

۸- Northouse

۹- Hall

۱۰- Avolio

- ایجاد انگیزه با خلق انتظارات سطح بالا و ترسیم چشم‌انداز آینده و استفاده از نشانه‌هایی جهت تلاش مضاعف برای تحقق آن؛
- به چالش کشیدن پیروان با ایده‌های جدید و تحریک قوه نوآوری زیردستان؛
- توجه ویژه به احساسات و نیازهای رشد و پیشرفت آنها، احترام و تحریک فکری پیروان (کاهیل، ۲۰۰۲).

"فرهنگ" یکی دیگر از عوامل مهم مورد توجه در تغییر بنیادین محسوب می‌شود. فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، درک و استنباط و شیوه‌های تفکر یا اندیشیدن که اعضای سازمان در آنها وجوه مشترک دارند. آن نشان‌دهنده بخش نانوشته و محسوس سازمان است (دفت، ۱۳۸۳). همچنین فرهنگ سازمانی نیز، درک یا پنداشت کلی اعضا از سازمان است، سیستمی از استنباط مشترک است که اعضاء نسبت به یک سازمان دارند. در واقع فرهنگ سازمان نمایانگر همان ارزش‌های اصولی است که اکثر اعضای سازمان در آنها مشترک یا سهیم هستند، و این ارزش‌های اصلی هنگامی که به مقیاس وسیع مورد توجه همگان قرار گیرد، معرف فرهنگ قوی در آن سازمان خواهد بود. اگر ارزش‌های مشترک با ارزش‌هایی که موجب افزایش اثربخشی سازمان می‌شوند، هماهنگ و سازگار نباشند، فرهنگ مانعی بر سر راه تغییر و تحول محسوب می‌گردد. از طرفی همچنین فرهنگ می‌تواند بر تلاش‌هایی که در راه اجرای تغییرات رخ می‌دهد، اثر بگذارد. فرهنگ‌هایی که نسبت به ایجاد تغییر دیدگاه مثبت دارند، امکان ایجاد تغییر و تحول را امکان‌پذیرتر می‌نمایند (راینر، ۱۳۹۰). رسالت و استراتژی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد تحول بنیادی محسوب می‌شود. استراتژی عبارت است از یک برنامه عملی که به موجب آن شیوه تخصیص منابع و فعالیت‌های سازمان در رابطه با محیط و در راه نیل به هدف هایش تعیین می‌گردد (دفت، ۱۳۸۳). ساختار سازمان وسیله‌ای است، که مدیریت می‌تواند با استفاده از آن به هدف‌های خود دست یابد. از آنجا که استراتژی کلی سازمان تعیین‌کننده هدف‌ها است، معقول این است که بین استراتژی و ساختار رابطه‌ای نزدیک وجود داشته

باشد (راینز، ۱۳۹۰).

آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول بر اساس عوامل تغییر بنیادی

بحث آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول عمدتاً با مسائل و مشکلاتی که در این زمینه سر و کار دارد. برای شناخت انواع آسیب‌ها در این زمینه همان‌گونه که بیان شد، از نظریه تغییر برنامه‌ریزی شده بورک لیتوین استفاده شده است. برای عملی شدن تغییرات نوع اول یا بنیادین بر اساس مدل تغییر برنامه‌ریزی شده بورک لیتوین، متغیرهای رهبری، فرهنگ، رسالت و استراتژی باید مورد توجه قرار بگیرند. بر اساس نظریه بورک لیتوین آسیب اول از طریق عدم توجه به مقوله رهبری و تمایز بین مفهوم رهبری و مدیریت مشخص خواهد شد. توجه داشته باشیم که سازمان‌های آموزشی دائماً در حال تغییر هستند. عناوین درس، هدف، محتوا، روش تدریس، معلومات معلم، ... در حال تغییراند. بدین ترتیب مراکز آموزشی به عنوان مهمترین و حساس‌ترین سازمان‌های هر جامعه محسوب می‌شوند و باید پاسخ‌گوی تغییرات محیطی باشند و مسئولیت این امر بر عهده مدیران آموزشی است. در این راستا بهترین سبکی که مدیران آموزشی می‌توانند اتخاذ کنند مدیریت توأم با رهبری است. بویژه سبک رهبری تحولی، رهبران آموزشی را تجهیز می‌کند تا در برابر چالش‌های ناشی از محیط پیچیده، مدارس خود را به خوبی هدایت کنند (رحیمیان و همکار، ۱۳۹۲). رهبری و مدیریت متفاوتند؛ اما هر دو مهم هستند. مدیریت آموزشی مجموعه فعالیت‌های هدایت شده به قصد استفاده اثربخش از منابع سازمانی به منظور تحقق هدف‌های سازمانی است و رهبری فرایند تأثیرگذاری بر دیگر افراد به منظور ساماندهی فعالیت‌ها در یک گروه است. رهبری در راستای تغییر، ولی مدیریت فعالیت برای نگهداری و حفظ سازمان تلقی می‌شود. اگر بخواهیم مدارس اثربخش عمل کنند و به اهدافشان برسند، لذا لازم است اهمیت برابر به رهبری و مدیریت داده شود (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳).

عامل مهم دیگر در تحقق تغییر بنیادین مقوله فرهنگ است. فرهنگ یکی از مفاهیم کلیدی رهبری آموزشی محسوب می‌شود. مفهوم فرهنگ طی دهه ۱۹۹۰ و در قرن بیست و یکم، بیش از

پیش‌اهمیت یافته است. این توجه فوق‌العاده ممکن است نتیجه نارضایتی، از محدودیت‌های مدل‌های رهبری و مدیریتی باشد که در آن‌ها بر جنبه‌های ساختاری و فنی مدارس و آموزشگاه‌ها تأکید می‌شود. تمرکز بر جهان ارزش‌ها مقابله موثر با مفروضات دیوان سالارانه است که به ایجاد تصویر متعادلی از نهادهای آموزشی کمک می‌کند. فرهنگ بیشتر با جنبه‌های غیر رسمی سازمان مرتبط است تا عناصر رسمی آن. این جنبه‌ها بر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای افراد در سازمان و چگونگی ادغام این ادراکات فردی در قالب معانی مشترک متمرکز است. استفاده از توصیف‌های فرهنگی در متون آموزشی مهم است، زیرا نشان می‌دهد که به سازمان‌هایی نیاز داریم که قادر باشند ارزش‌های مشترک موجود را به صورت ملموس‌تر به هم مرتبط کنند (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳). این ارزش‌های مشترک تحت عنوان گزاره‌های ارزشی در سند تحول بیان شده است. این ارزش‌ها، بایدها و نبایدهایی اساسی است که لازم است که تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آن‌ها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آن‌ها باشند. این ارزش‌ها بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حضرات اهل بیت (علیهم السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). این ارزش‌ها بنیان رفتار و نگرش‌های افراد را در مدارس و آموزشگاه‌ها شکل می‌دهند (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳). لذا رهبران و مدیران آموزشی می‌توانند با توجه به این ارزش‌ها فرصت‌های برابر، خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های مناسب را در سیستم‌های آموزشی توسعه دهند. و همچنین با انتخاب و به کارگماری کارکنانی که ارزش‌ها و باورهای یکسان دارند. این امر به همسازی فرهنگی منجر می‌شود و در این صورت به مرور زمان فرهنگ مدرسه یا سیستم آموزشی در جهتی که مدیر یا رهبر تلاش کرده است، تغییر خواهد کرد و به اجرای برنامه‌های سند تحول کمک خواهد شد (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳). مدرسه در چشم‌انداز افق چشم انداز ۱۴۰۴، جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه و پاک، یا به عبارتی

تحقق حیات سالم؛ که رهبران آموزشی می‌توانند این چشم انداز را به همه عوامل و ذی‌نفعان مدرسه منتقل نمایند. عموماً توجه کمی به فرایند ترسیم چشم انداز در مدارس می‌شود. در حالی که می‌توان گفت اگر افراد در ترسیم چشم‌انداز درگیر شوند، احتمالاً بیشتر آن را درک می‌کنند و برای تحقق بخشیدن به آن می‌کوشند (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳).

رسالت و استراتژی عامل دیگر در اجرای برنامه‌های سند تحول طبق مدل بورک لیتوین محسوب می‌شود. رسالت یا مأموریت هر سازمان علت اصلی تشکیل و دلیل تأسیس آن است. رسالت سازمان، مقصد اصلی و منحصر به فردی است که نوع فعالیت‌های آن را از سایر سازمان‌ها متمایز می‌سازد (رضاییان، ۱۳۹۰). سازمان آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنی نبوده و به عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌ها بوده و همچنین این نهاد مأموریت دارد زمینه دستیابی دانش‌آموزان به مراتبی از حیات طیبه را فراهم نماید (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

راهبرد یا استراتژی یک برنامه جامع برای عمل است و رهنمودهایی برای تخصیص منابع در مسیر کسب هدف‌های بلندمدت سازمانی ارائه می‌دهد. راهبردهای خوب باید به طور مستقیم از تحقق رسالت و هدف‌های سازمان حمایت کنند؛ به طوری که راهبردهای سطوح کلان، و عملیاتی باید کاملاً هماهنگ باشند (رضاییان، ۱۳۹۰). آرمانی بودن بودن راهکارها و یا عدم هماهنگی بین راهبردهای سطح کلان و عملیاتی را می‌توان به عنوان یک آسیب نام برد. به عنوان مثال راهکار شماره ۱-۱ شامل "طراحی، تدوین، و اجرای برنامه درسی ملی بر اساس اسناد تحول راهبردی و باز تولید برنامه‌های درسی موجود با تأکید بر متناسب‌سازی حجم و محتوای کتب درسی و ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان و بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف نام برده شده است. آیا واقعاً امکان متناسب‌سازی در ساعات آموزشی وجود دارد؟ آیا امکان کاهش ساعات کلاس درس از یک ساعت و نیم به یک ساعت وجود دارد؟ آیا دانش‌آموز امروز توان نشستن در چهار دیواری کلاس را دارد؟ ... قابل ذکر است که بهتر است به دنبال راهکارهای ساده، قابل اجرا و در عین

حال پیشبرده در جهت ایجاد فضای سلامت مدارس بود.

نتیجه

آموزش و پرورش برای توانمند ساختن بشر حال و آینده، برای خلق راه حل‌ها و کشف روش‌های جدید و برای ایجاد آینده‌ای بهتر بسیار مهم و حیاتی قلمداد می‌شود. امروزه، تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع می‌کنند (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹). همان طور که بیان شد، سند تحول با هدف ایجاد تحول و تغییر در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت و زمینه‌سازی دستیابی دانش‌آموزان به مراتبی از حیات طیبه تهیه و تدوین گردید تا راهنمای عمل سازمان آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین متولی فرآیند تعلیم و تربیت باشد. البته باید توجه داشته باشیم که این تحول به صورت فرایندی بوده و نقطه پایانی نمی‌توان برای آن متصور شد. در نظر داشته باشیم که ساده‌تر کردن ادبیات موجود در متن سند تحول به درک و فهم آن و در نتیجه به روند اجرای آن کمک خواهد نمود.

اگر معریان بتوانند تعلیم و تربیت مبتنی بر نظام معیار اسلامی، بر اساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اسناد بالادستی، آن را جایگزین نظام تعلیم و تربیت کنونی نمایند، نظام جدید بالقوه دارای ظرفیت‌هایی است که از طریق آن ظرفیت‌ها می‌توان شرایط و امکانات را به گونه‌ای فراهم کرد که استعداد‌های کودکان را شکوفا سازیم، به طوری که با آگاهی و آزادی و اختیار خود در ابعاد گوناگون رشد نمایند و به کمال برسند و در مسیر قرب الهی عامل تحقق بخش درجاتی از حیات طیبه برای خود و جامعه باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). ناگفته نماند که در سند ملی ۱۳۱ راهکار و ۲۳ هدف کلان ناظر بر شش زیر نظام است: "رهبری و مدیریت"، "ارتقای منابع انسانی"، "برنامه‌داری و آموزشی"، "فضا، تجهیزات و فناوری"، "منابع مالی" و "پژوهش و ارزشیابی". همه ما علاقه‌مندیم که محتوای این اسناد بالادستی و بنیادین که برنامه‌داری ملی هم جز آن است به نحو مطلوب به اجرا درآید. یقیناً کارهای بزرگ تحولی آن هم طرح‌های علمی و فرهنگی در سطوح مختلف ملی، ضمن آ

نکه نیازمند همبستگی ملی است، با اشکالاتی در اجرا مواجه می‌شود که باید مورد ملاحظه قرار گرفته و برای آن چاره‌اندیشی شود (اسدی، ۱۳۹۲). آسیب‌شناسی در اجرای برنامه‌های سند تحول براساس شش زیرنظام اشاره شده، یک ضرورت خواهد بود. اجرای بهتر راهکارهای سند تحول بستر مطلوب و متناسب خود را می‌طلبد که بخشی از آن را زیرنظام "رهبری و مدیریت" تشکیل می‌دهد. البته اسناد و مدارک دیگری نیز به سایر زیرنظام‌ها نظیر "برنامه درسی" پرداخته‌اند. اما با توجه به بیشینه مقدار سهم کمی زیرنظام رهبری و مدیریت در سایر زیرنظام‌ها، جای تأمل است که آیا در میان راهکارهای اجرایی، به متغیرهای مورد نیاز این زیرنظام توجه کافی شده است؟ آیا قبل از اینکه متغیرهای مورد نیاز تحول فراهم گردند، می‌توان انتظار تحول را داشت؟

شکل (۳) - زیرنظام‌های شش گانه سند تحول همراه سهم کمی هر یک از راهکارهای آنها



بر این اساس اشاره گردید که برای عملی شدن تغییرات نوع اول یا بنیادین بر اساس مدل تغییر برنامه‌ریزی شده بورک لیونین، متغیرهای رهبری، فرهنگ، رسالت و استراتژی باید مورد توجه قرار بگیرند. شواهد قانع کننده‌ای وجود دارد که رهبران آموزشی موفق به جای شکل دهی و حفظ سیستم و ساختارها به شدت بر انگیزه و رشد افراد تمرکز دارند. شکل دهی و حفظ سیستم و ساختارها مهم است؛ اما همیشه باید در اولویت دوم باشد. در آموزش و پرورش، مانند بسیاری

از فعالیت‌های دیگر، در صورتی که افراد مورد احترام مسئولان‌شان باشند، تعهد بیشتری از خود نشان می‌دهند. این قاعده در مورد معلمان و به همان میزان در مورد دانش‌آموزان و علاوه بر این در مورد بسیاری از کارکنان ستادی که در مدارس و آموزشگاه‌ها کار می‌کنند، صادق است. در دیدگاه وسیع‌تر، این قاعده شامل همه کارکنان مشغول به کار گروهی و از ویژگی‌های سازمان‌های موفق هم هست. از ویژگی‌های اصلی رهبری موفق می‌توان به ترسیم چشم‌انداز، و ارزش‌ها، توزیع رهبری در میان همه اعضای مدرسه، سرمایه‌گذاری برای رشد کارکنان، روابط انسانی و اجتماع‌سازی نام‌برد (بوش و میدلوود، ۱۳۹۳). انتقال ارزش‌های مشترک از طریق رهبری به کارکنان و دانش‌آموزان بستر مناسب جهت فرهنگ‌سازی اجرای برنامه را فراهم می‌کند. البته این ارزش‌ها از رسالت سازمان و هدف اصلی سازمان نشأت گرفته و در اتخاذ استراتژی‌ها و راهکارها کمک خواهد نمود. بهتر است در اجرای این گام عظیم راهکارهای معقول و امکان‌پذیر را به کار گرفت. لازم است با بررسی‌های همه‌جانبه در همه زیر‌نظام‌ها و اتخاذ دیدگاه سیستمی، و با توجه به مفاهیم ارزشی و اسناد بالادستی و تفکر خلاق برنامه‌های جدید تولید کرد. و با مذاقه کافی به اصلاح برنامه‌ها و محتوای آموزشی و روش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، روش‌های یاددهی و یادگیری، روش‌های تأمین و تربیت نیروی انسانی و ... دست یافت و از هر گونه شتابزدگی پرهیز نمود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). با توجه به همسویی پژوهش حاضر با گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌شود که اولاً تغییرات ساختاری را باید بعد از برنامه‌ریزی‌های دقیق به مرحله اجرا درآورد و ثانیاً برنامه‌های تغییری که تغییر تحول‌زا را منجر می‌شوند در اولویت قرار داد و با راهکارهای ساده و عملی و پرهیز از راهکارهای مبهم، مسیر رسیدن را هموار کرد. ان‌شاءالله

منابع

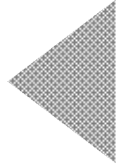
- ال دفت، ریچارد (۱۳۸۳)، **تئوری و طراحی سازمان**، مترجم سیدمحمد اعرابی، انتشارات: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اسدی، سمیه (۱۳۹۱)، **سند تحول بنیادین**، تبی است آمده که برود؟، **ماهنامه رشد مدیریت مدرسه**، شماره ۲.
- بوش، تونی و میدلوود (۱۳۹۳)، **رهبری و مدیریت آموزشی**، ترجمه محمدرضا آهنجیان و منصوره عتیقی، انتشارات: رشد.
- تقی پورظهير، علی (۱۳۸۸)، **مبانی و اصول آموزش و پرورش**، تهران: نشر آگاه.
- رایبیز، استیفن و جاج، تیمونی (۱۳۹۰)، **رفتار سازمانی**، ترجمه مهدی زارع، انتشارات: نص.
- رحیمیان، حمید و هدایتی، فرشته (۱۳۹۲)، **مروری بر پژوهش‌های رهبری تحولی در مدارس: ارائه چارچوب مفهومی از نتایج، ماهنامه مهندسی مدیریت**، شماره ۵۵.
- رضاییان، علی (۱۳۹۰)، **مبانی سازمان و مدیریت**، انتشارات سمت.
- شواری عالی انقلاب فرهنگی و آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، **مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران**.
- شواری عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**.
- صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹)، **آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۵۳.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۲)، **جامعه شناسی آموزش و پرورش**، نشر: روان.
- فرنچ، وندل و بل، سسیل (۱۳۹۰)، **مدیریت تحول در سازمان**، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فر، انتشارات: صفار.
- کامینگز، توماس و ورلی، کریستوفر (۱۳۹۱)، **تحول و توسعه سازمان**، ترجمه کوروش برابر پور، انتشارات: فرازاندیش سبز.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، **بررسی تحلیلی چالش‌های اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹)، **آموزش و پرورش، فرصت‌ها و تهدیدها**، تهران: عابد.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، **اقتصاد آموزش**، تهران: یسطرون.

- نویدادهم، مهدی (۱۳۹۱)، الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۸.

- یونسکو (۱۳۷۸)، *آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم در منطقه آسیا - اقیانوسیه آرام*، گروه مترجمان (سرپرست: علی رؤوف). پژوهشگاه تعلیم و تربیت.

- Burkham, Angela(2010), *The Relationship of Emotional Intelligence and Transformational Leadership Behavior in Texas Agrilife Extension Service Mid- Managers*, Dissertation in Agricultural Education, Texas Teach University.
- Cahill, Daniel(2012), *The Role of Transformational Leadership, Communication and Vision Characteristics, the Growth of Dotcoms in the Mid-west*, A Dissertation submitted to the division of research and advanced studies of the university of Cincinnati.
- Hall, John & Johnson, Shannon & Wysocki, Allen & Kepner, Karl(2008), *Transformational Leadership: The Transformation of Managers and Associates*, Publication HRO20, Available in edis.ifas.ufl.edu/hr20.
- Rowan, Kiri(2014), *Education Importance in Today's Society*, www.udemy.com.
- Winston, BRUCE& Patterson, Kathleen(2006), An Integrative Definition of Leadership, *International Journal of Leadership Studies*, Volume 1.

تحلیل فضایی نظام شبکه شهری استان همدان در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۵



رحیمه انصاری^۱

فاطمه کیانی^۲

یوسف قنبری^۳

(تاریخ دریافت ۹۳/۱۲/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۴/۵/۲۹)

چکیده

نظام شهری بر توزیع مکانی شهر در محدوده جغرافیایی ناحیه و کشور اشاره دارد. یکی از پیامدهای فضایی افزایش تعداد جمعیت شهرها، بر هم خوردن تعادل شبکه شهری است. نظام شهری ایران از الگوی سنتی کهکشانی قبل از سال ۱۳۰۰ به الگوی زنجیره‌ای (به دلیل تمرکز امکانات و خدمات در شهرهای بزرگ) متمایل شده است. این الگو علاوه بر برهم زدن روابط منطقی بین شهرهای کوچک، میانی و بزرگ با یکدیگر، باعث آشفتگی در نظام شهری ایران شده است. یکی از مهم‌ترین مباحث در نظام شهری، چگونگی توزیع فضایی جمعیت است؛ لذا هدف از این مطالعه، سنجش و ارزیابی میزان تعادل در نظام شهری استان همدان طی سال‌های

۱ - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی روستایی (نویسنده مسئول)، n.ansari1989@yahoo.com

۲ - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی روستایی

۳ - دانشیار دانشگاه اصفهان

۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ با استفاده از مدل آنتروپی و نزدیک‌ترین همسایه بررسی شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است؛ همچنین برای تحلیل کمی و کیفی داده‌های آماری از نرم‌افزارهای Excell و GIS استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شهرهای استان همدان در ۴ دوره سرشماری از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ است.

نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که الگوی پراکنش سکونتگاه‌های شهری استان همدان با ۹۹٪ تصادفی و متمایل به منظم بوده است که ناشی از پیدایش نقاط شهری در فاصله نزدیک به شهرهای اصلی و مرکزی بوده است. همچنین نتایج حاصل از روش آنتروپی نیز نشان می‌دهد که ضریب آنتروپی در سال ۱۳۶۵ از ۶۲ درصد به ۶۶ درصد در سال ۱۳۹۱ سطوح شهری و سطوح ناحیه‌ای از ۴۲ درصد به ۴۳ درصد؛ که سال ۱۳۹۱ به متعادل‌ترین سطح خود طی این چهار دهه رسیده است و اگر چه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ فراز و نشیب‌هایی را داشته ولی گرایش به سوی تعادل ضعیف جمعیت در نقاط شهری و ناحیه‌ای استان همدان را نمایان می‌سازد که در سطوح ناحیه به نسب شهری بسیار تدریجی‌تر بوده است. در مجموع سلسله‌مراتب شهری در شبکه شهری استان همدان نیمه متعادل بوده است که با ارائه فرصت برابر برای همه شهرهای استان می‌توان سلسله‌مراتب فضایی بهینه را در سطح استان پدید آورد.

واژگان کلیدی: شبکه شهری، سلسله‌مراتب شهری، آنتروپی، مدل نزدیک‌ترین همسایگی.

مقدمه

در طی دوره‌های تاریخی، نابرابری در اندازه جمعیتی شهرها و توزیع آن، روندی فزاینده داشته است (Roehner, 1991: 30). مطالعات نشان می‌دهد جمعیت و فعالیت در نظام شهری کشورهای در حال توسعه، نامتعادل‌تر و نابرابرتر از کشورهای توسعه‌یافته بوده است (فرودی: ۱۳۸۸: ۵۵). در سطح ملی، شهرها بخشی از سیستم پیچیده مکان‌های شهری به هم پیوسته، و عناصری کلیدی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق و سطوح بزرگ‌تر هستند. روابط متقابل بین شهرهای کوچک و بزرگ از این نظر که کشور یا منطقه‌ای را به عنوان سیستم یا نظامی از مکان‌های شهری بپذیریم، دارای اهمیت است (Pacione, 2005: 122). این نظام شهری شکل گرفته (متعادل یا نامتعادل) حاصل عوامل عمده‌ای است. عوامل تجاری،

تخصصی شدن بعضی از شهرها در عرضه کالاها و خدمات ویژه، فرهنگ، روابط سنتی و تاریخی شهرها، توپوگرافی و عوامل فیزیکی انسان ساخت، تصمیمات دولتی، زمینه‌های اکولوژیک و اقتصادی شهرهای جهان (شکویی، ۱۳۸۰: ۱۰۸)، از جمله عواملی است که نظام شهری را در پهنه یک سرزمین شکل می‌دهد. امروزه، جهان در مسیری قرار گرفته که روند تحولات آن حاکی از تبدیل زمین به سیاره شهری است و جامعه روستایی، به تدریج به اقلیتی کوچک تبدیل می‌شود. بیشترین جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه استقرار یافته‌اند و در آنها شهرهای بزرگی به وجود آمده‌اند که باید آنها را ابرشهرهای هزاره سوم نامید. طبیعی است در چنین حالتی، مشکلاتی نظیر تسلط شهری، عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری، تمرکز جمعیت، مهاجرت‌های روستا - شهری و مشکل مسکن به عنوان حادثترین مشکل ممکن در سیمای جامعه شهری جلوه‌گر می‌شود و تلاش همه جانبه و برنامه‌ریزی شده‌ای را در جهت رفع این تنگناها طلب می‌نماید. در یک نظام شهری متعادل، به علت وجود عملکردها و فعالیت‌های سلسله مراتبی در شهرهای مختلف و ارائه خدمات متناسب با جمعیت موجود، پیوندهای سلسله‌مراتبی بین آنها برقرار است. شهرهای بزرگ منطقه با شهرهای متوسط اطراف، شهرهای متوسط با شهرهای کوچک و روستاها و در پی آن شهرهای کوچک و روستاها با توجه با نقاط روستایی منطقه دارای ارتباط و روابط عملکردی هستند. بدین ترتیب شهرها با توجه به اندازه جمعیتی و برخورداری از امکانات و خدمات از کنش و واکنش‌های متقابلی برخوردار می‌شوند. از آنجا که یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای (در کشور ما)، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌هاست (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)، و در طول تاریخ شهرنشینی خود بویژه از نیمه قرن اخیر تاکنون با رشد شهرنشینی و تولد ناخواسته شهرهای بزرگ و کوچک مواجه بوده، تاکنون هیچ گونه برنامه متعادل‌سازی برای ایجاد نظام شهری مناسب وجود نداشته است. این رشد با آهنگ منظم و سلسله مراتبی بین نقاط شهری متعدد همراه نبوده و به گسیختگی شبکه شهری و شکل‌گیری سلسله مراتب بسیار نامناسب در سطح سرزمین شده است (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

استان همدان با داشتن ۲۷ شهر و همچنین چندین شهر متوسط با موقعیت اقتصادی طی چندین دهه؛ از این قاعده مستثنی نبوده و در واقع با تراکم ۸۸ نفر در کیلومتر مربع، استان همدان در

ردیف یکی از پرتراکم‌ترین استان‌های کشور است که به طور یکنواخت پراکنده نشده است. شهر همدان به علت جاذبه‌های فرهنگی و تفریحی، موقعیت مناسب سیاسی و اداری و آب و هوای معتدل سبب جذب نواحی اطراف به این شهر به عنوان مرکز استان یا مادر شهر منطقه‌ای شده است به طوری که شهر همدان با ۱۵۶ نفر در کیلومتر مربع پرتراکم‌ترین شهر استان است که به عنوان شهر مسلط عمل کرده و نقاط شهری کوچک و روستا شهرها چه به لحاظ جمعیتی و چه به لحاظ عملکردی در حداقل ممکن بوده‌اند (فرمانداری استان همدان، ۱۳۹۱). این امر خود باعث عدم یکپارچگی فضایی و عدم وجود سلسله مراتب سکونتگاهی منظم، منطقی و کارآمد در شبکه سکونتگاهی خود می‌شود. این مقاله سعی دارد تحلیلی بر روند تغییرات انتظام فضایی در شبکه شهری استان همدان با استفاده از مدل‌های مختلف کمی، سیاست‌ها و راهکارهای لازم در خصوص توزیع متعادل جمعیت در این منطقه ارائه کند. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در کاربرد تکنیک‌های دیگری به غیر از قانون رتبه اندازه است.

مروری بر ادبیات و تجربیات مرتبط

اصطلاح سیستم شهری را برای اولین بار توسط برایان «بری»^۱ در سال ۱۹۶۴ به کار گرفته شد. منظور وی از نظام شهری، گروهی از شهرهای وابسته و مرتبط به هم، یعنی همان مفهوم معادل شبکه شهری می‌باشد (عظیمی، ۱۳۸۲: ۱۰). از این منظر شبکه‌ای از شهرهای بزرگ، کوچک و حوزه نفوذ آنها که از لحاظ جریان نیروی کار، تبادل کالاها، خدمات و سرمایه در ارتباط باهم عمل می‌کنند را می‌توان سیستم شهری نامید (Kotlyakov & Komarova, 2007: 777). سلسله مراتب شهری به مفهوم ساده عبارت است از «طبقه بندی شهرهای واقع در یک محدوده جغرافیایی بر اساس شاخص جمعیتی و اهمیت نقش عملکرد اداری آنها، به گونه‌ای که با یک فرمول و نظم قابل سنجش، بتوانیم شهرها را از بالا به پایین در گروه‌های ۳، ۲، ۱ و الی آخر دسته‌بندی و تفکیک کنیم» (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). به طور کلی می‌توان گفت سلسله

مراتب شهری عبارت است از «طبقه‌بندی شهرهای شبکه بر حسب اهمیت آنها» (فرید، ۱۳۷۸: ۴۸۸). یا اینکه «به مقیاسی که شهر در آن جای گرفته است گفته می‌شود و بر حسب جمعیت شهرها، ماهیت، نقش و موقعیت جغرافیایی آنها تعیین می‌شود» (فرید، ۱۳۸۴: ۱۵۰). ورود موج صنعتی شدن به کشورهای جهان سوم، از اوایل قرن بیستم منجر به افزایش تولید و درآمد و به دنبال آن تقاضا برای خدمات شهری گردید. این روند، تعداد و اندازه شهرها را در این کشورها بالا برد و از اواسط قرن بیستم زمینه را برای نابرابری و عدم تعادل نظام شهری این کشور فراهم آورد (Pumain, 2003: 25). اما آنچه در کشورهای پیشرفته رخ داد، سازگاری آرام و منظمی میان تغییرات ساختار فضایی نظام شهری با دگرگونی در منابع انرژی زیرساختی را به نمایش می‌گذاشت و به همین سبب نظام شهری در کشورهای پیشرفته دارای نظم بیشتری است. با توجه به اینکه نابرابری در اندازه جمعیتی، زمینه‌ساز نابرابری در سایر بخش‌ها - نظیر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - می‌گردد و به دنبال آن مسائل و مشکلات عدیده‌ای در سکونتگاه‌های شهری و غیر شهری به وجود می‌آید، بسیاری از دانشمندان در دوره‌های مختلف، ابعاد متفاوت نظام شهری و چگونگی توزیع جمعیت در نظام شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی به تبیین نظام شهری پرداخته و عده‌ای نیز با ارائه مدل‌هایی سعی در شناخت میزان تعادل و شناخت چگونگی نظام شهری داشته‌اند، برخی دیگر نیز راهکارهایی را در زمینه بهبود و افزایش میزان تعادل آن ارائه کرده‌اند. در کشور ما با افزایش تمرکز جمعیت در شهر اصلی یا چند شهر اول و به هم ریختن رابطه اول کشور و به هم ریختن رابطه بین روستاها، شهرک‌ها و شهرها و افزایش نابرابری توزیع در نظام شهری و به منظور تمرکززدایی از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه اقداماتی در چند دهه اخیر صورت گرفته است، که از آن جمله می‌توان به سیاست‌های معافیت‌های مالیاتی برای صنایع مستقر در نقاط پیرامونی، توسعه سامانه‌های حمل و نقل، تمرکز زدایی فضایی از طریق مطالعات طرح کالبدی ملی، طرح‌های آمایش منطقه‌ای و ناحیه‌ای و اخیراً واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها اشاره کرد. این نوع توسعه ناموزون شهری اصولاً در اراضی آماده نشده شهرها اتفاق افتاد (Zhang, 2000: 123)

که نتایج بسیاری از جمله افزایش زمین‌های بلااستفاده، افزایش سهم فضاهاى باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی را در پی داشت (Hess, 2001: 2). در اکثر شهرهای بزرگ جهان افزایش سهم زمین هر خانوار شهری در طی سال‌های مختلف گویای رشد وسیع شهرها است. به عنوان مثال بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ جمعیت پرتلند دو برابر شد اما سطح شهرها چهار برابر گردید (Hadly, 2000: 3). با بررسی تجربیات صورت گرفته در زمینه سلسله مراتب شهری، می‌توان انواع مدل‌ها را با توجه به نوع عملکرد غالب و یا منطق ساختاری برای تشریح سازمان فضایی نظام شهری ارائه کرد (Bourne, L.S, 1997: 342). در جدول شماره (۱) این مدل‌ها با دسته‌بندی خاصی ارائه می‌دهد.

جدول (۱)- نمونه‌ای از نظریه‌ها و مدل‌های تحلیلی در تشریح سازمان فضایی نظام شهری

<p>توزیع</p> <p>۱. نظریه مکان مرکزی، ۲. توزیع رتبه-اندازه و سلسله مراتب، ۳. مدل‌های آرایه خدمات، ۴. مدل‌های ناحیه بازار</p>	<p>تولید</p> <p>مکان‌گزینی صنعتی/تحلیل مجموعه، ۲. صرف جویی و عدم صرف جویی ناشی از تجمع، ۳. استثمار منابع و اجاره بها، ۴. نواحی صنعتی مارشالی، ۵. نیروی کار منطقه‌ای و بازارهای سرمایه، ۶. مدل‌های چرخه‌ای</p>
<p>ارتباطات و جریان‌ها</p> <p>۱. مدل‌های شبکه‌ای، ۲. مدل‌های سیستم حمل و نقل، ۳. مدل‌های جاذبه و تقابل فضایی، ۴. مدل‌های ارتباطات/جریان اطلاعات</p>	<p>مصرف</p> <p>۱. گذار جمعیتی، ۲. توزیع/بازتوزیع درآمد، ۳. مدل‌های رفتار مصرف‌کننده و هزینه‌ها، ۴. سبک زندگی/کفایت زندگی/بازتولید اجتماعی، ۵. مدل‌های مهاجرت/تحرك</p>
<p>کنترل و قواعد</p> <p>۱. نخست شهری/تک‌متروپلی، ۲. مدل مرکز و پیرامون و وابستگی، ۳. سازمان واحد، ۴. دولت به عنوان طراح، قانون‌گذار، بازیگر</p>	

منبع: (Bourne, L.S, 1997: 342)

علاوه بر این برخی از صاحب نظران داخلی و خارجی نیز، مدل‌های مطرح شده را برای تبیین نظام سلسله مراتب شهری در برخی مناطق مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند:

بهفروز (۱۳۷۱) در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران که با هدف قانون‌مند کردن شاخص‌هایی برای تحلیل کنونی و آتی شبکه شهری کشور ارائه گردیده است.

رفیعیان (۱۳۷۵) پژوهشی تحت عنوان سازمان‌یابی فضا در ایران با تأکید بر سیستم‌های شهری که در آن با بهره‌گیری از نتایج مطالعات پیشین به تحلیل تاریخی، دگرگونی در سازمان فضایی شبکه شهری ایران به طور عام در منطقه اصفهان می‌پردازد.

روزن و همکارش (۱۹۸۰) اندازه‌گیری نخست شهری را برای توزیع اندازه شهری ۴۴ کشور محاسبه کرده‌اند و عواملی را که با نخست شهری در ارتباط بودند، ارزیابی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در کشورهای کمتر توسعه یافته با کاهش مقدار GNP، درجه نخست شهری بزرگ‌تر می‌شود (Rosen and Pesnick, 1980:166).

لینسکی در پژوهش خود در مورد "نخست شهرها" از ۳۹ کشور جهان میزان نخست شهری در نواحی متروپل این کشورها را بر اساس آمار ۱۹۵۵ محاسبه کرده است. نتایج پژوهش وی نشان داد که آرژانتین رتبه پنجم و هند رتبه ۳۳ را دارد.

زیاری و میر نجف موسوی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی سلسله مراتب شهری در استان آذربایجان غربی به تحلیل سلسله مراتب شهری استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۵۵-۷۵ با استفاده از مدل‌های حد اختلاف طبقه‌ای، رتبه - اندازه و منحنی لرنز می‌پردازند. بر اساس نتایج این مطالعه سلسله مراتب شهری استان آذربایجان غربی نیمه متعادل است با ارائه مکانیسم ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهرهای استان و ارائه خدمات برتر می‌توان سلسله مراتب بهینه را در سطح استان پدید آورد.

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد پرویز راد تحت عنوان تحلیلی جغرافیای بر شبکه شهری استان ایلام (۱۳۸۰)، ضمن بهره‌گیری از مدل‌های جمعیتی در نهایت به این نتیجه اشاره شده که توزیع

فضایی جمعیت در سیستم شهرهای استان ایلام طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۷۵ به تدریج نامتعادل شده و به سوی الگوی نخست شهری حرکت نموده است.

تقوایی در طرح پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر تغییرات شبکه شهری ایران و روش‌های متعادل‌سازی آن به منظور برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای استان ایلام که در سال ۱۳۸۳ به رشته تحریر درآورده است، به این نتیجه رسیده است که نظام شبکه شهری استان ایلام خیلی نامتعادل و ناموزون می‌باشد.

زیاری نیز با بهره‌گیری از مدل‌های مختلف سلسله مراتب شهری استان آذر بایجان غربی را دستمایه کار خود قرار داده است (زیاری و موسوی، ۱۳۸۱).

بتی در مطالعه پیرامون سلسله مراتب شهری به تشریح کامل مدل رتبه - اندازه شهری، ضریب آنتروپی پرداخته و معتقد است که مشخصه بارز این مدل‌ها مقیاس جمعیتی است. به عبارت دیگر این مدل‌ها را مدل‌های مبتنی بر مقیاس جمعیتی معرفی می‌کند (Michael, Betty: 2004, 22-24).

در مطالعه تجربی برخی از دیگر پژوهشگران نیز با بررسی نظام شهری در غرب چین معتقدند اگر چه تأثیرات سیاسی جاری، اجتماعی و اقتصادی در این منطقه خیلی مهم است، اما بخش قابل ملاحظه‌ای از تکامل نظام شهری مربوط به محیط طبیعی، منافع اولیه و تفاوت قومی و توزیع جغرافیایی است (Y.xieand et al,2006:60-73).

"ایچوی زی" و "روبرت وارد" سیستم شهری در غرب چین (منطقه هیزی) را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و سعی در شناخت ارتباط بین توسعه و تکامل شهرها با شرایط بیرونی و درونی آنها دارند و به این نتیجه می‌رسند که مسایل جغرافیایی و طبیعی از عوامل مؤثر بر سیستم شهری ناحیه مذکور هستند (Ward, Xie, 2006: 60-73).

آر پی میسرا بر این باور است که «شبکه‌ها بر حسب سلسله مراتب، سازمان یافته‌اند و ارتباط میان آنها نیز بر حسب سلسله مراتب صورت می‌گیرد. مرکز بزرگ‌تر نسبت به مراکز کوچک‌تر، پیوندهای بهتر و بیشتری دارند. در محدوده یک مرکز بزرگ، چند مرکز بزرگ یا اقمار وجود

دارد» (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۱).

اصغر ضرابی در مقاله‌ای تحت عنوان مدل بومی ارزیابی توزیع اندازه شهری در مناطق خشک در شبکه شهری استان یزد به تحقیق و بررسی پرداخته و نتایج حاکی از آن است که شهرنشینی در استان یزد به شدت تمرکزگرا بوده و دارای توزیع نامتعادل جغرافیایی است (ضرابی و حیدری، ۱۳۹۰). به طور کلی اغلب این مطالعات نظام سلسله مراتبی موجود در کشور را نظامی نخست شهری و وجود اختلاف و تفاوت زیاد در بین نقاط شهری را تأیید نموده‌اند. به طور خلاصه، مطالعه حاضر با بررسی و کنکاش در نظریات و تجربیات مختلف در زمینه تحلیل سلسله مراتب شهری به طور عمده از مدل توزیعی و متکی بر مقیاس جمعیتی ضریب آنتروپی و نزدیک‌ترین همسایه برای سنجش سطح تکاملی سلسله مراتب شهری استان همدان استفاده می‌کند.

مواد و روش‌ها

نوع تحقیق کاربردی و توسعه‌ای و روش آن کمی-تحلیلی است، در آغاز با رجوع به نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ و نیز آمارنامه استان همدان جمعیت مراکز شهری استخراج گردیده آنگاه با تحلیل مرفولوژیک شبکه شهری این استان بر اساس معیار جمعیتی اطلاعات و آمارهای مربوطه با توجه به ابزارها و تکنیک‌های سنجش جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه سعی گردید از روش‌هایی مدل آنتروپی و نزدیک‌ترین همسایه استفاده گردد که از کاربرد بیشتری برخوردارند و نیز مطابقت بیشتری با شرایط حاکم بر نظام مطالعاتی کشور دارند.

۱. مدل آنتروپی^۱

آنتروپی یا شاخص بی‌نظمی یک روش ریاضی است که به منظور تحلیل اطلاعات و سازماندهی

یک سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تئوری و روش‌های مربوط به آن برای تشریح و توصیف وضع موجود و توزیع سکونتگاه‌ها و همچنین نحوه توزیع جمعیت در فضای جغرافیایی نیز کاربرد دارد. همچنین از این روش می‌توان برای تعیین درجه تمرکز جمعیت در سطح فضای جغرافیایی یک ناحیه استفاده کرد.

در سال‌های اخیر نیز سهم مدل آنتروپی در ارزیابی سازمان فضایی سکونتگاه‌های کشور ما چشم‌گیر بوده است. تحقیق حاضر نیز سازمان فضایی استان همدان را در گذشته و حال با استفاده از این مدل مورد بررسی قرار داده است. اساس این تئوری، پیش‌بینی احتمالات است که متناسب با نظم داشتن یا بی‌نظم بودن رفتار پدیده‌های مورد مطالعه در گذشته می‌تواند در پیش‌بینی جهات سازمان‌یابی آنها در آینده مؤثر باشد. هر قدر فرم‌گیری و تغییر و تحول‌پذیری پدیده در گذشته منظم‌تر باشد، احتمال پیش‌بینی فرم قابل قبول‌تری برای آینده آن، امکان‌پذیرتر است. با استفاده از این مدل، می‌توان به میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت و تعداد شهرها در سطح شبکه شهری، استانی، منطقه‌ای و ملی پی‌برد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) و (Chen, 2008:14).

۲. الگوی پراکنش سکونتگاه‌های شهری

برای تعیین نوع پراکندگی سکونتگاه‌ها از روش «تحلیل نزدیک‌ترین همسایگی»^۱ استفاده می‌کنیم. در نتیجه بکارگیری این روش، شاخصی بنام « Rn »^۲ (میزان مجاورت) به دست می‌آید که دامنه آن بین عدد صفر تا $2/15$ متغیر است. این شاخص پراکندگی سکونتگاه‌ها را در سطح ناحیه جدا از عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بیان می‌کند و در نتیجه آن هر چقدر مقدار Rn به صفر نزدیک‌تر باشد، نشانگر الگوی توزیع متراکم و خوشه‌ای و هر چه به $2/15$ نزدیک‌تر باشد، بیانگر الگوی توزیع منظم و عدد یک نیز بیان‌کننده الگوی تصادفی توزیع سکونتگاه‌هاست.

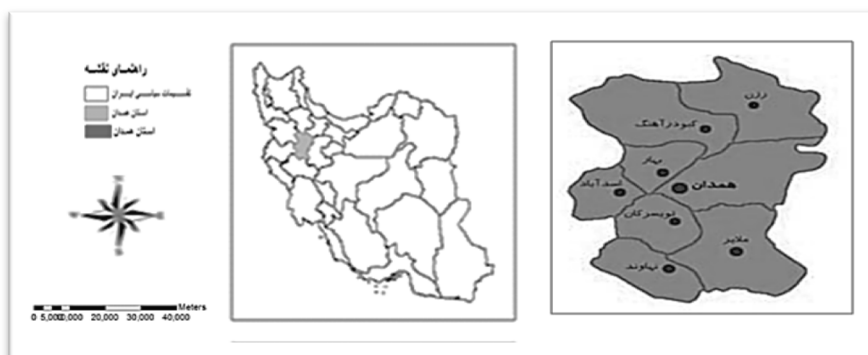
۱-Nearest-Neighbour hood Analysis

۲- Rate Neighbourhood

معرفی منطقه

استان همدان با ۱۹۴۹۳ کیلومتر مربع وسعت، از سمت شمال به استان‌های زنجان و قزوین، از سمت جنوب به استان لرستان، از سمت شرق به استان مرکزی و غرب به استان‌های کردستان و کرمانشاه محدود شده است. این استان بین مدارهای ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است و شامل ۹ شهرستان و ۲۵ بخش، ۲۷ شهر، ۷۳ دهستان، و ۱۲۰ روستا است. جمعیت این استان با توجه آمار سال ۱۳۹۱، ۱۸۰۵۰۶۲ نفر جمعیت می‌باشد.

تصویر شماره (۱) - موقعیت جغرافیایی استان همدان



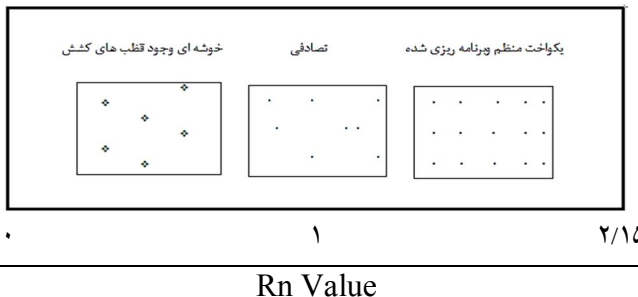
یافته‌های تحقیق

الگوی پراکنش سکونتگاه‌های شهری

برای تعیین نوع پراکندگی سکونتگاه‌ها از روش (تحلیل نزدیک‌ترین همسایگی) استفاده می‌کنیم. در نتیجه بکارگیری این روش، شاخصی به نام (Rn) (میزان مجاورت) به دست می‌آید که دامنه آن بین عدد صفر تا $2/15$ متغیر است. این شاخص پراکنده‌گی سکونتگاه را در سطح ناحیه جدا از عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بیان می‌کند و در نتیجه آن هر چقدر مقدار Rn به صفر نزدیک‌تر باشد، نشانگر الگوی توزیع منظم متراکم و خوشه‌ای و هر چه به $2/15$ نزدیک‌تر باشد، بیانگر الگوی توزیع منظم و عدد یک نیز بیان‌کننده الگوی تصادفی توزیع سکونتگاه‌ها است. مراحل اندازه‌گیری (Rn) ، به شرح زیر است (Mayerand Hagget, 1978:33):

الف: ابتدا فاصله هر سکونتگاه شهری را از نزدیک‌ترین همسایه آن بدون در نظر گرفتن طبقات شهرها اندازه‌گیری می‌کنیم که شامل جدول شماره (۲) است.

تصویر شماره (۲) - الگوهای پراکندگی سکونتگاه‌ها در روش تحلیل نزدیک‌ترین همسایگی



جدول شماره (۲) - اندازه‌گیری فاصله هر سکونتگاه شهری از نزدیک‌ترین همسایه آن

فاصله	نزدیک‌ترین همسایه	نام سکونت‌گاه	ردیف	فاصله	نزدیک‌ترین همسایه	نام سکونت‌گاه	ردیف
۴۵	کیودر آهنگ	فامنین	۷	۷۰	لالچین	گل تپه	۱
۷۰	شیرین سو	دمق	۸	۷	صالح آباد	مربانج	۲
۱۲	جوکار	ازندریان	۹	۷	نویسراکان	سراکان	۳
۲۲	قروه درجزین	رزن	۱۰	۱۵	ملایر	سامن	۴
۵	همدان	جورقان	۱۱	۳۵	فرسفیج	فیروزان	۵
۳۰	اسدآباد	بهار	۱۲	۲۱	گیان	نهادند	۶
۱۷	زنگنه	برزول	۱۳	*	*	*	*

منبع: نقشه راه‌ها و وزارت راه و ترابری

الگوهای پراکندگی سکونتگاه‌ها در روش تحلیل نزدیک‌ترین همسایگی

فاصله سکونتگاه‌ها

$$Dobs = \frac{356}{27} = 13/18$$

بنابر این:

G: به دست آوردن مقدار متوسط توزیع تصادفی از طریق فرمول مربوط:
 $N = \text{تعداد اندازه گیری ها } d\theta \text{ یری ها}$

$$\text{Dram} = 0/5 \sqrt{\frac{A}{N}}$$

A=مساحت حوزه

N=تعداد سکونتگاه ها

$$\text{Dram} = /5 \sqrt{\frac{499/19}{27}} = 13/2$$

بنابر این:

D: محاسبه شاخص نزدیکترین همسایه (Rn) از طریق:

$$\frac{Dobs}{Dran} = \frac{13/18}{13/2} = /99$$

بنابراین براساس فرمول هر چقدر مقدار Rn به صفر نزدیک تر باشد، نشانگر الگوی توزیع منظم متراکم و خوشه‌ای و هر چه به ۲.۱۵ نزدیک تر باشد، بیانگر الگوی توزیع منظم و عدد یک نیز بیان کننده الگوی تصادفی توزیع سکونتگاه‌هاست. با توجه به اینکه شاخص (Rn)، در این استان برابر ۹۹/۱ می‌باشد و به یک نزدیک می‌باشد، بیانگر الگوی پراکندگی تصادفی و متمایل به منظم است.

تحلیل گرایش‌های فضایی بر اساس آنروپی مطلق و نسبی در کانون‌های شهری استان همدان

در این بخش با توجه به مبانی نظری تحقیق با استفاده از شاخص بی‌نظمی به تحلیل گرایش‌های فضایی کانون‌های شهری استان همدان می‌پردازیم. شاخص بی‌نظمی را ابتدا در شهرهای استان و سپس در نواحی مختلف استان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رابطه اول

$$H = \sum_{i=1}^n p_i \ln \frac{1}{p_i} = - \sum_{i=1}^n p_i \ln p_i$$

رابطه دوم

$$G = 1 - \frac{H}{H_{max}} = \frac{H}{LnR}$$

H=آنروپی مطلق

G=آنروپی نسبی

P_i فراوانی نسبی

Ln = لگاریتم نپرین

K = تعداد طبقات

H_{max} = حداکثر آنترپی مطلق مساوی است با توزیع کاملاً یکنواخت جمعیت

روش کار به این صورت است: ابتدا جدولی از نحوه توزیع یک متغیر (جدول توزیع جمعیت شهرها در استان) تنظیم می‌شود. سپس فراوانی نسبی یا P_i را برای جدول مربوطه محاسبه می‌کنیم. سپس در ستون دیگری لگاریتم یا Ln فراوانی نسبی را محاسبه کرده و در فراوانی نسبی ضرب می‌کنیم. برای نمونه جمعیت شهری استان همدان در سال ۱۳۹۱، ۱۸۰۵۰۶۲ و جمعیت شهر همدان ۵۹۲۳۵۷ بوده است. بنابراین مقادیر مربوط به محاسبه مدل عبارتند از:

$$P_i = 592357 / 1805062 = 0/328$$

$$= \ln 0/451 = 0/796 \ln p_i$$

$$P_i * \ln p_i = 0/451 * 0/796 = 0/358$$

این محاسبات برای همه شهرها انجام گرفته است و در نهایت اعداد به دست آمده با هم جمع شده‌اند. منفی حاصل جمع ردیف آخر جدول H یا آنترپی مطلق است. در مرحله بعدی برای محاسبه آنترپی نسبی، H یا آنترپی مطلق لگاریتم (LNK) تعداد شهرها تقسیم می‌گردد. سال ۱۳۹۱ در سطح استان همدان ۲۷ شهر وجود داشته و آنترپی مطلق نیز ۰/۳۵۸ محاسبه شده است. بنابراین این آنترپی نسبی یا G در سطح شهرهای استان همدان در سال ۱۳۹۱، به قرار زیر محاسبه می‌گردد:

$$G = 1 - \frac{H}{H_{max}} = \frac{H}{Ln_K} = \frac{0/358}{Ln_{27}} = \frac{0/358}{3/29} = 0/108$$

جدول (۳) - محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان

محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۷۵				محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۶۵			
p*ln	Pi	P	شهر	p*ln	Pi	P	شهر
0.35323	0.476494	401281	همدان	0.35323	0.476494	401281	همدان
0.30233	0.171433	144373	ملایر	0.30233	0.171433	144373	ملایر
0.16413	0.057455	48386	اسد اباد	0.16413	0.057455	48386	اسد اباد
0.13952	0.044987	37886	تویسرکان	0.13952	0.044987	37886	تویسرکان
0.10698	0.030713	25865	بهار	0.10698	0.030713	25865	بهار
0.19801	0.077378	65164	نهاوند	0.19801	0.077378	65164	نهاوند
0.0833	0.021762	18327	کبودر اهنک	0.0833	0.021762	18327	کبودر اهنک
0.06797	0.01658	13963	لالجین	0.06797	0.01658	13963	لالجین
0.05068	0.011308	9523	مریانج	0.05068	0.011308	9523	مریانج
0.0476	0.010432	8785	فامنین	0.0476	0.010432	8785	فامنین
0.04575	0.009915	8350	صالح آباد	0.04575	0.009915	8350	صالح آباد
0.04564	0.009885	8325	رزن	0.04564	0.009885	8325	رزن
0.04347	0.009292	7825	قروه درجین	0.04347	0.009292	7825	قروه درجین
0.03248	0.006438	5422	سرکان	0.03248	0.006438	5422	سرکان
0.0292	0.00564	4750	سامن	0.0292	0.00564	4750	سامن
0.01679	0.002868	2415	فیروزان	0.01679	0.002868	2415	فیروزان
0.02388	0.004402	3707	دمق	0.02388	0.004402	3707	دمق
0.04931	0.010916	9193	جورقان	0.04931	0.010916	9193	جورقان
0.04788	0.01051	8851	ازندریان	0.04788	0.01051	8851	ازندریان
0.01873	0.003274	2757	قهاوند	0.01873	0.003274	2757	قهاوند
0.01267	0.002047	1724	جوکار	0.01267	0.002047	1724	جوکار
0.01346	0.0022	1853	گل تپه	0.01346	0.0022	1853	گل تپه
0.0116	0.001842	1551	فرسفیج	0.0116	0.001842	1551	فرسفیج
0.01362	0.00223	1878	شیرین سو	0.01362	0.00223	1878	شیرین سو
0	0	0	برزول	0	0	0	برزول
0	0	0	زنگنه	0	0	0	زنگنه
$G = \frac{1/p_1 - 1/p_2}{\ln 2} = \frac{1/58 - 1/29}{\ln 2} = 58$				$G = \frac{1/p_1 - 1/p_2}{\ln 2} = \frac{1/62 - 1/29}{\ln 2} = 62$			

جدول (۴)- ادامه جدول محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان

محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۹۱				محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۸۵			
p*ln	Pi	P	شهر	p*ln	pi	P	شهر
0.36565	0.328164	592357	همدان	0.34981	0.489044	479640	همدان
0.29385	0.160768	290197	ملایر	0.29267	0.159353	156289	ملایر
0.16651	0.058739	106028	اسدآباد	0.15555	0.052929	51911	اسدآباد
0.17123	0.061348	110737	تویسرکان	0.13788	0.04421	43360	تویسرکان
0.18234	0.067728	122254	بهار	0.10017	0.02802	27481	بهار
0.23065	0.100301	181049	نهادند	0.19359	0.074575	73141	نهادند
0.20056	0.079025	142645	کیبدرآهنگ	0.08077	0.020875	20474	کیبدرآهنگ
0.03923	0.008157	14724	لالجین	0.06304	0.015013	14724	لالجین
0.02768	0.005279	9529	مریانج	0.04502	0.009716	9529	مریانج
0.09195	0.024901	44947	فامنین	0.06167	0.014586	14306	فامنین
0.02365	0.004349	7850	صالح آباد	0.03864	0.008004	7850	صالح آباد
0.17352	0.062631	113053	رزن	0.05517	0.012617	12374	رزن
0.0275	0.005236	9452	قروه درجرین	0.04474	0.009637	9452	قروه درجرین
0.01512	0.002528	4563	سرکان	0.02499	0.004652	4563	سرکان
0.01475	0.002455	4431	سامن	0.0244	0.004518	4431	سامن
0.01444	0.002393	4320	فیروزان	0.0239	0.004405	4320	فیروزان
0.01101	0.001732	3127	دمق	0.01833	0.003188	3127	دمق
0.03097	0.006067	10951	جورقان	0.05019	0.011166	10951	جورقان
0.02584	0.004849	8752	ازندریان	0.04211	0.008924	8752	ازندریان
0.01019	0.001579	2850	قهاوند	0.01697	0.002906	2850	قهاوند
0.00869	0.00131	2364	جوکار	0.01453	0.00241	2364	جوکار
0.00952	0.001458	2631	گل تپه	0.01588	0.002683	2631	گل تپه
0.00707	0.001028	1855	فرسفج	0.01186	0.001891	1855	فرسفج
0.00024	0.001525	2753	شیرین سو	0.01649	0.002807	2753	شیرین سو

محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۹۱				محاسبه شاخص آنتروپی مطلق نسبی شهرهای استان همدان ۱۳۸۵			
0.00982	0.001513	2731	برزول	0.01638	0.002785	2731	برزول
0.0036	0.000469	847	زنگنه	0.00609	0.000864	847	زنگنه
$G = \frac{\frac{2/27}{\ln 27} - \frac{2/27}{\ln 27}}{\frac{2/27}{\ln 27} - \frac{2/27}{\ln 27}} = /66$				$G = \frac{\frac{2/24}{\ln 24} - \frac{2/24}{\ln 24}}{\frac{2/27}{\ln 27} - \frac{2/27}{\ln 27}} = /58$			

مأخذ: محاسبات نگارندگان

مطابق اصل تنوریک مدل، اگر G یا آنتروپی نسبی به طرف صفر میل کند نشانگر تمرکز بیشتر و عدم تعادل در توزیع جمعیت شهرها است و هر چه به طرف یک و بالاتر از آن میل کند توزیع متعادل تری در سطح منطقه نشان می‌دهد (Sudhira, 2003: 299).

طبق جدول شماره (۳) ضریب آنتروپی در سال ۱۳۶۵ همان طور که بیان شد برابر $0/62$ است این عدد از یک کمتر بوده که نشان دهنده عدم تعادل توزیع فضایی جمعیت در شبکه شهری استان همدان در سال ۱۳۶۵ است. در این سال شبکه شهری استان با تعادل و توازن فضایی فاصله دارد که شهر همدان در این عدم تعادل نقش زیادی دارد.

ضریب آنتروپی در سال ۱۳۷۵ طبق جدول (۳) برابر با $0/58$ است که این عدد نیز کمتر از یک می‌باشد و طبق اصل تنوریک این مدل، شبکه شهری در این دوره نیز نامتعادل است ولی نسبت به سال ۱۳۶۵ شبکه شهری استان همدان با وجود عدم تعادل به سوی تعادل ضعیف‌تر در حرکت است.

در سال ۱۳۸۵ طبق جدول (۴) ضریب آنتروپی برابر با $0/58$ می‌باشد که به دلیل کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت شبکه شهر استان همدان نامتعادل است و نسبت به سال ۱۳۷۵ تغییراتی صورت نگرفته است.

در سال ۱۳۹۱ طبق جدول (۴) ضریب آنتروپی برابر با $0/66$ می‌باشد که به دلیل کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت شبکه شهر استان همدان نامتعادل است ولی به نسبت سال‌های پیش روند رو به تعادل در پیش گرفته است. به این ترتیب شبکه شهری همدان در هر چهار دوره آماری

که مقایسه شد دارای عدم تعادل فضایی آشکار است. البته این شبکه به سوی تعادل ضعیف در حرکت است. این عدم تعادل می‌تواند ناشی از رشد شتاب زده و بدون برنامه‌ریزی شهر همدان باشد که در آینده هم برای خود و شهرهای دیگر استان مشکلاتی را به وجود خواهد آورد.

تحلیل گرایش‌های فضایی بر اساس آنتروپی مطلق و نسبی در سطوح ناحیه‌ای:

در استان همدان پنج ناحیه جغرافیای مشخص بر اساس تقسیم‌بندی اقلیمی شامل سرد و کوهستانی، سرد و معتدل، سرد و نیمه خشک، معتدل و کوهستانی، سرد و خشک(حاتمی بیگلو، ۱۳۹۰) وجود دارد.

منطقه اقلیم سرد و کوهستانی: همدان، مریانج، جورقان، قهاوند، کبودرآهنگ، شیرین سوگل تپه. منطقه سرد و معتدل: ملایر، ازندریان، سامن، جوکار، زنگه، رزن، قروه درجین، دمی. منطقه سرد و نیمه خشک: اسد آباد.

منطقه معتدل و کوهستانی: نهاوند، گیان، فیروزان، برزول، فامنین، تویسرکان، سرکان، فرسفنج. منطقه سرد و خشک: بهار، لاجین، صالح آباد.

بر اساس آمارهای موجود سال ۱۳۹۱ در ناحیه سرد و کوهستانی ۱۴۴۸۲۸ نفر زندگی می‌کنند. در منطقه سرد و معتدل ۳۵۸۲۶۷ نفر، در منطقه سرد و نیمه خشک ۱۰۶۰۲۸ نفر، در اقلیم معتدل و کوهستانی ۴۳۲۲۲۳ نفر و در منطقه سرد و خشک ۷۶۳۷۱۶ نفر ساکن می‌باشند.

جدول شماره (۵)- محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان

نتیجه	محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان ۱۳۶۵						
	ناحیه	سرد و کوهستانی	سرد و معتدل	سرد و نیمه خشک	معتدل و کوهستانی	سرد و خشک	جمع کل
$G = \frac{1/n_i \ln(1/n_i)}{\sum_{i=1}^n 1/n_i \ln(1/n_i)}$ =/42	جمعیت	188444	67735	12083	59842	27921	356025
	$\ln(1/n_i)$	0.5293	0.190253	0.033939	0.168084	0.078424	
	$\ln pi * pi$	-0.33674	-0.31571	-0.11482	-0.42788	-0.19964	-1.39478
نتیجه	محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان ۱۳۷۰						
	ناحیه	سرد و کوهستانی	سرد و معتدل	سرد و نیمه خشک	معتدل و کوهستانی	سرد و خشک	جمع کل
$G = \frac{1/n_i \ln(1/n_i)}{\sum_{i=1}^n 1/n_i \ln(1/n_i)}$ =/39	جمعیت	389673	167268	43582	109019	46782	756324
	$\ln(1/n_i)$	0.51522	0.221159	0.057623	0.144143	0.061854	
	$\ln pi * pi$						

	-1.29116	-0.17214	-0.2792	-0.16445	-0.3337	-0.34167	$\ln p_i$ * p_i
$G = \frac{1/27 - 1/27}{\ln 27 - 1/27}$ = /38	محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان ۱۳۷۵						
	جمع کل	سرد خشک	معتدل کوهستانی	سردو نیمه خشک	سرد معتدل	سرد کوهستانی	ناحیه
	756324	46782	109019	43582	167268	389673	جمعیت
		0.061854	0.144143	0.057623	0.221159	0.51522	P_i
	-1.29116	-0.17214	-0.2792	-0.16445	-0.3337	-0.34167	$\ln p_i$ * p_i
$G = \frac{1/40 - 1/40}{\ln 27 - 1/27}$ = /42	محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان ۱۳۸۵						
	جمع کل	سرد خشک	معتدل کوهستانی	سردو نیمه خشک	سرد معتدل	سرد کوهستانی	ناحیه
	842154	48178	121223	48386	179555	444812	جمعیت
		0.057208	0.143944	0.057455	0.213209	0.528184	P_i
	-1.27348	-0.16368	-0.27901	-0.16413	-0.32951	-0.33715	$\ln p_i$ * p_i
$G = \frac{1/29 - 1/29}{\ln 27 - 1/27}$ = /43	محاسبه آنتروپی در سطوح ناحیه استان همدان ۱۳۹۱						
	جمع کل	سرد خشک	معتدل کوهستانی	سردو نیمه خشک	سرد معتدل	سرد کوهستانی	ناحیه
	763716	432223	106028	358267	144828	1805062	جمعیت
	0.423097	0.239451	0.058739	0.198479	0.080234		P_i
	0.36393	0.34227	0.16651	0.32095	0.20242	1.39608	$\ln p_i$ * p_i

مأخذ: محاسبات نگارندگان

در شرایطی که مقدار آنتروپی نسبی یا G برابر صفر باشد، در این صورت همه جمعیت در یک ناحیه متمرکز شده و بر عکس زمانی که مقدار بی نظمی یا G برابر با یک باشد به صورت متعادل و یکنواخت در سطح ناحیه توزیع شده است. ملاحظه می‌شود که جدول شماره (۵) مقادیر بی‌نظمی برای مناطق ناحیه‌ای از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ افت و خیز تدریجی را نشان می‌دهد در سال‌های مورد بررسی به ترتیب برابر با ۰/۴۲، ۰/۳۸/۳۹، ۰/۰، ۰/۴۲ و ۰/۴۳. محاسبه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود سال ۱۳۶۵ با ۰/۴۲ این عدد نیز کمتر از یک می‌باشد و طبق اصل تنوریک این مدل، شبکه شهری در این دوره نیز نامتعادل است. سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۰/۳۹ و ۰/۳۸ نیز کمتر از یک می‌باشد، شبکه شهری در این دو دوره نیز همچنان نامتعادل است که به نسبت سال ۱۳۶۵ در سطوح منطقه‌ای یک روند افزایش عدم تعادل و بی‌نظمی را شاهد هستیم. سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ به ترتیب با ۰/۴۲ و ۰/۴۳ طبق جدول شماره (۵) به دلیل اینکه کمتر از

یک می‌باشد می‌توان گفت سطوح منطقه‌ای استان همدان نامتعادل است ولی به نسبت سال‌های پیش روند رو به تعادل با آهنگ بسیار کند در پیش گرفته است. به این ترتیب مقادیر بی‌نظمی برای مناطق ناحیه‌ای شبکه شهری همدان در هر چهار دوره آماری که مقایسه شد، دارای عدم تعادل فضایی آشکار است. البته این شبکه به سوی تعادل ضعیف در حرکت است.

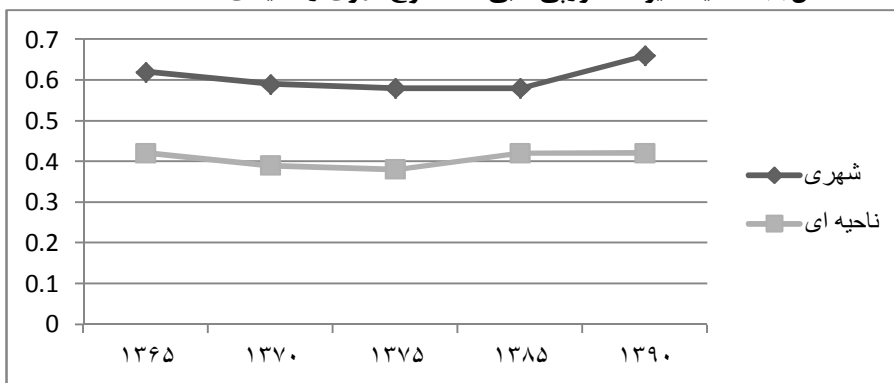
جدول شماره (۶) به مقایسه آنتروپی نسبی در سطوح شهری و ناحیه‌ای پرداخته که نتایج را به صورت نمودار در شکل شماره (۱) ملاحظه می‌شود. در سطوح منطقه‌ای و هم شهری شبکه شهری نامتعادل می‌باشد که یک روند بسیار تدریجی به سوی تعادل ضعیف را نشان می‌دهد.

جدول (۶) - میزان آنتروپی نسبی در سطوح شهری و ناحیه‌ای استان همدان

سال	شهری	ناحیه ای
۱۳۶۵	۰.۶۲	۰.۴۲
۱۳۷۰	۰.۵۹	۰.۳۹
۱۳۷۵	۰.۵۸	۰.۳۸
۱۳۸۵	۰.۵۸	۰.۴۲
۱۳۹۱	۰.۶۶	۰.۴۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان

شکل (۱) - مقایسه میزان آنتروپی نسبی در سطوح شهری و ناحیه‌ای استان همدان



مأخذ: محاسبات نگارندگان

نتیجه گیری

سلسله مراتب شهری بهترین شکل سازماندهی فضا است. وجود سلسله مراتب شهری منظم، سبب توزیع کالا و خدمات به تمام جامعه و توزیع متعادل امکانات و خدمات رسانی به تمامی بخش های یک منطقه می شود (عابدین درکوش، ۱۳۸۱: ۸۶). برنامه ریزی های توسعه در طول نیم قرن، همواره موضوع تعادل شبکه شهری را مطرح کرده اند، ولی در عمل صرفاً به ارائه رهنمودهایی کلی بسنده شده است. از این رو ما در این پژوهش به بررسی و تحلیل سلسله مراتب شهری استان همدان طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ با استفاده از الگوهای مختلفی پرداختیم که نتایج آن بدین شرح است: مطابق اصل تئوریک مدل، در شرایطی که مقدار آنتروپی نسبی یا G برابر صفر باشد، در این صورت همه جمعیت در یک ناحیه متمرکز شده و بر عکس زمانی که مقدار بی نظمی یا G برابر با یک باشد، به صورت متعادل و یکنواخت در سطح ناحیه توزیع شده است. سلسله مراتب شهری استان همدان در طی دوره چهار ساله با افت و خیزهایی مواجه بوده، ولی هنوز با تعادل فضایی کامل در توزیع فاصله دارد.

همان گونه که نتایج جداول و محاسبات انجام شده نشان می دهد، مقدار بی نظمی در سطوح شهری سال ۱۳۶۵، ۰/۶۲، سال ۱۳۷۵، ۰/۵۸، و سال ۱۳۸۵ برابر ۰/۵۸ و سال ۱۳۹۱ برابر ۰/۶۶ بوده است. این مقادیر بی نظمی برای مناطق ناحیه ای از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۱ در سال های مورد بررسی به ترتیب برابر با ۰/۴۲، ۳۸/۳۹، ۰/۰، و ۰/۴۲ و ۰/۴۳. محاسبه شده است. همان گونه که از جدول شماره (۶) استخراج می شود، هم در سطوح منطقه ای و هم شهری یک روند بسیار تدریجی به سوی تعادل ضعیف را شاهد هستیم. می توان گفت بی نظمی و عدم تعادل در سطوح ناحیه ای واضح تر و بیشتر از سطوح شهری در طی سال های مورد بررسی بوده است و بر اساس الگوی پراکندگی سکونتگاه های شهری بر اساس فرمول هر چقدر مقدار Rn به صفر نزدیکتر باشد، نشانگر الگوی توزیع منظم متراکم و خوشه ای و هر چه به ۲.۱۵ نزدیک تر باشد، بیانگر الگوی توزیع منظم و عدد یک نیز بیان کننده الگوی تصادفی توزیع سکونتگاه ها است. با توجه به اینکه شاخص Rn در این استان برابر با ۹۹/۱ می باشد و به یک نزدیک است، بیانگر الگوی پراکندگی

تصادفی و متمایل به منظم است که ناشی از پیدایش نقاط شهری در فاصله نزدیک به شهرهای اصلی و مرکزی بوده است.

بنابراین در یک جمع بندی کلی در مورد آینده شبکه شهری استان همدان باید گفت با توجه به وضعیت فعلی که هنوز با تعادل فضایی کامل در توزیع فاصله دارد، لذا اگر در هدایت توسعه شهری دگرگونی عمده‌ای در سیاست شهری انجام نشود، به زودی با شکل جدیدی از جابه‌جایی‌ها به نفع مراکز مهمتر مواجه خواهیم شد. لذا پیشنهاد می‌شود با رعایت عدالت در توزیع امکانات و خدمات و همچنین ایجاد فرصت‌های یکسان برای تمام شهرهای استان، آمایش سرزمین و ظرفیت‌سنجی و تثبیت جمعیت روستایی استان می‌توان به توسعه متعادل و پایدار و به سلسله مراتب فضایی شهری بهینه دست یافت.

منابع

- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۱)، تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۲۸.
- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴)، **زمینه غالب در جغرافیای انسانی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، **کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای**، انتشارات علم نوین، تهران.
- راد، پرویز (۱۳۸۰)، **تحلیلی بر شبکه شهری استان ایلام**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه اصفهان.
- رفیعیان، مجتبی (۱۳۷۵)، **سازمان‌یابی فضایی در ایران با تأکید بر سیستم‌های شهری**، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- زیاری، کرامت اله و موسوی، میرنجف (۱۳۸۴)، بررسی سلسله مراتب شهری در استان آذربایجان غربی، **مجله دانشگاه اصفهان**، جلد هیجدهم، شماره ۱.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان (۱۳۹۱)، **سالنامه آماری استان همدان**.
- شکوه، حسین (۱۳۸۰)، **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- ضرابی، اصغر و حیدری، رسول (۱۳۹۰)، مدل بومی برای ارزیابی توزیع اندازه شهری در مناطق خشک (نمونه موردی: شبکه شهری استان یزد)، **مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، سال دوم، شماره پنجم.

- عابدین درکوش، سعید(۱۳۸۶)، **درآمدی بر اقتصاد شهری**، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 - عظیمی، ناصر(۱۳۸۲)، **روش‌شناسی شبکه سکونتگاه‌ها در طرح‌های کالبدی منطقه‌ای**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
 - فرهودی، رحمت ا... (۱۳۸۴)، **کاربرد تکنیک در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**، درسنامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
 - فرید، یدالله (۱۳۷۸)، **جغرافیا و شهرسازی**، انتشارات دانشگاه تبریز.
 - مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵.
 - مستوفی الممالکی، رضا(۱۳۸۰)، **شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیای ایران**، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
-
- Behforuz, F. (1995), *In Most Areas of Human Geography*, Tehran University press.
 - Batty, M. (2004), *Hierarchy in Cities and City Systems*, Center for advanced spatial Analysis, university college London.
 - Batty, Michael, (2005), *Cities and Complexity*, the MIT Press, Cambridge, Massachusetts.
 - Chen, Yangquan, (2008), *A Wave Spectrum Analyzed of Urban Population Density: Entropy*, Fractal.
 - Hagget, P. (1972), "*Geography, A Modern synthesis*", university of Bristol.
 - Hess, G.R. (2001), *Just what is Sprawl Anyway*, www.4.ncsuedu/grhess.
 - Hadly, C.C.(2000), *Urban Sprawl: Indicator, Causes and Solutions*, www.city .bloomington.in. us/planning/edv/ec/index/html
 - Knox, P.L. (2005), *World Cities in a World System*, Tehran University press.
 - Moomaw.R M., Alwosabi, M.A.(2004), An Empirical Analysis of Competing Explanations of Urban Primacy Evidence from Asia and the Americas, *The Annals of Regional Science*, Vol. 38, PP. 149171.
 - Mostofialmamaleki, R. (2001), *Cities and Urbanization in the Context of Geography*, Scientific Publication Center of Islamic Azad University, University Press Tehran.
 - Roehner B. M. (1995), Evolution of Urban Systems in the Pareto Plane, *Journal of Regional Geojournal*, 43:4.
 - Pacione, M. (2005), "*Urban Geography*", second edition, Rutledge Tehran University Press.
 - Sassen, S. (2006), *The Global City, New York, London, Tokyo*, princeton University Press.
 - Sudhira, H.S (2003), Ramachandra, T.V and Jagadish, K.S Urban Growth Analysis Using Spatial Temporal Data, *Journal of Indian Society of Remote Sensing*, Volume31, Issue4, India.

- Xie, Y. Ward, R. Fang, Ch. Aio, B.(2007), The Urban System in West China: A Case Study in along the Ancient Silk Road-He-Xi Corridor, *Journal of Cities* ,701.24, No.1,pp.60-73.
- Zhang, T., (2000), Land Market Forces and Governments Role in Sprawl, *Cities*, Vol.17, No.2.
- Zebardast. S.,(2007), Developments of the Urban in Iran, *Journal of Fine Arts*, No. 29, PP. 29-38

Spatial Analysis of Urban Network System in Hamedan Province in the Period 1391-1365

Rahime Ansari

Fateme Kiani

Dr. Yosof Ghanbari

Abstract

Urban system of spatial distribution of city the geographic confine area and country refers. Space consequence of the increasing number of cities population, imbalance city network. Iran urban system the traditional model of galaxy before 1300 chain model (due to the concentration of facilities in large cities) inclined. This pattern in addition to the, disturb the logical relations between the small towns, middle and large with each other, cause confusion in Iran's urban system.

One of the most important issues in urban system, the spatial distribution of the population. The aim of this study measure and evaluate balance in the system of the city of Hamedan during the 1365 to 1391 model entropy and nearest neighbor is investigated. Research method is descriptive- analytical; as well as for qualitative and quantitative analysis of statistical data Excel and GIS software is used. The Statistical Society of all cities in the province from 1365 to 1391 in the fourth period of census.

The results of this study indicate that the distribution pattern of urban settlements in Hamedan province. /99 random and tending to normal that due to the rise of urban areas in close distance to major cities and central. also the results entropy method show Entropy coefficient in 1365 from 62 percent to 66 percent in 1391 urban surfaces and area surface of from 42 percent to 43 percent; the year 1391 Balancing level in four decades reached. Although the years 1365 to 1391 changes but the trend toward poor balance of population in urban areas and area of the province reveals. That in area surfaces the urban was more gradual descent. Overall urban hierarchy in the urban network of the province half been moderate. By providing equal opportunities for all cities Optimal spatial hierarchy can be in the province created.

Keywords: Urban Network, Urban Hierarchy, Entropy, Model of Nearest Neighbor

Pathology of Implementation Development Document According to Organizational Change Management

Fereshte Hedayati
Rahmatollah Kharazmi

Abstract

Education, is capital for today generation and our future. Capital that cannot put a price on it. Something that has pushed human of darkness to lighting period. Education by empowering people, provides the knowledge needed dynamism in society. A society that unreliability is one of the outstanding aspects of it and probably will remain. In such a situation training centers as the most sensitive organizations of any society must respond to changes in their environment. According to educational organizations respond to environmental changes in today's ever-changing world, also the need for reform, change, and perhaps development. Fortunately, with perception of importance of education by senior military officials, document transformation and long-term strategic plan for comprehensive and sustainable development of the country was drafted in education and to run education have been notified. Document transformation with 23 the purpose of macro and strategy 131, has six sub-systems: leadership and management, curriculum and instruction, development of human resources, space and equipment, funding and research and evaluation. This article focuses on leadership and management, Is seeking according to organizational change management model, introduce change model Litwin change model and according to the "gradual change" and "change transformation", Variables that these changes are caused, have determined. According to this model do pathology programs document. It is hoped that focusing on the collection makes it possible to accelerate and facilitate the implementation of document transformation.

Keywords: Education, Organizational Change, Planned Change, Burke Litwin

Role of New Rural Management in Sustainable Rural Development

Dr. Hamid Barghi

Somayeh MahmoudSalehi

Abstract

With regard to the importance of rural areas in economic and social life of nations, especially in producing agricultural and food products, villages have a special status in national and territorial development and development plans would encounter failure without organization and development of these regions. Spread of urbanization and increase in its problems including informal settlements, unemployment and environmental pollution has made rural settlement a favorable option. However, sustainable rural development requires institutionalized and effective rural management. The aim of this study was investigating the role of new rural management in sustainable rural development using documentary, library and analytical method.

Therefore, rural management is one of the important aspects of rural development that plays an important role in coordinating rural development actions. Results of this study suggest that rural management system of Iran has encountered complicated changes and transformations over many years in terms of social structures. Unfortunately, the lack of efficient and systematic management in rural areas over these periods especially until 1961 and recent years has created numerous problems for villagers. In new rural and local management, rural managers have taken great measures in rural development using cooperation and participation of the people and state aid. Implementing Guidance Plan, public services program and social-economic services program are three main activities of rural managers that fall within the framework of rural development and rural managers have had the greatest effect in developing rural management in terms of civil development.

Keywords: Rural Management, Sustainable Development, Rural Development, Villages.

Measuring and Evaluation of Information & Communication Technology (ICT) Situation with the Help of Networked Readiness Index (NRI)

Dr. Sadegh Bafandeh Imandoust
Ali Mofidy

Abstract

Undoubtedly, the Information and Communication Technology (ICT) has affected the country's economic and social interactions. The Networked Readiness Index (NRI) comprising four subindexes that measure the environment for ICTs, the readiness of a society to use ICTs, the actual usage of all main stakeholders (Individual, Business and Government), and finally, the impacts that ICTs generate in the economy and in the society, the three first subindexes can be regarded as the driver that establish the conditions for the results of the fourth subindexes, ICT impacts. These four subindexes are divided into 10 pillars composed of 54 individual indicators in total. World economic forum (WEF) estimates the rank of each country with the number 1-7 annually. In 2013 report, among 144 countries, number of Iran was 3.43(rank 101). As mentioned in report, Networked Readiness Index can evaluate socio economic effects of Information & Communication Technology (ICT). This paper tries to introduce NRI and its 54 pillars.

Keywords: Networked Readiness Index, Information and Communication Technology, Hyper Connect.

Clarifying Main Components of Macro-Management in the Iranian Mosques

Dr. Mahdi Nazemi Ardakani
Abbas Babaei

Abstract

Organizing cultural institutes considered as the most important principle to manage them. First step to settle cultural organizations is compiling basics, principles, road map and providing common thought and understanding about the objective. Organizing cultural institutes include partial integration of cultural institutes in cultural system through map, functions and structures` reform as well as establishing connections and relations between them to increase efficiency and decreasing functional conflict.

When cultural organizations of a country is seen, interacted with economical, political and social institutes of the country and the world, and the role/task of the organizations assigned in macro-cultural perspective i.e. the comprehensive State cultural plan, the country`s comprehensive system is established.

The goal of this paper is compiling the requirements of mosque settling in I.R.Iran`s system. This paper analytically and descriptively investigates the problems and damages of mosque, as an entity, in three aspects: 1- Cultural, social and economical aspects 2- Components, organizations and related entities in mosque administration 3- Religious/cultural entities and organizations parallel to mosques. The mentioned three fields include all aspects of mosque related issues. According to presented conceptual pattern damages, consequences and approaches to eliminate them investigated in the fields and necessity of mosque settling detected in Islamic system.

Keywords: Settle, Culture, Cultural Institute, Cultural Engineering, Mosque.

**Spatial Analysis and Gradation of Development Indices
of Healthcare Services in Hamedan Province Townships
(By Usig Topsis and AHP and Cluster Analysis Technique)**

Dr. Jamal mohammdi
Keivan Bagheri
Nosrat Moradi Hosin

Abstract

Balanced and harmonious development of geographic spaces requires the close and comprehensive investigation of economic, social and cultural issues and better knowledge of society's needs and its improvement. Therefore, nowadays management is considered as one of the main factors of growth and development and any weakness and deficiency in this element will have harmful events for that set and can be considered as a factor for increasing the gap between different sections of improving regions. The objective of the present study is to investigate the situation of healthcare and gradation of townships of Hamedan. The dominant approach of this study is descriptive-analytical method. In the research, after identifying factors affective on improving healthcare services to adopt weight to each of them by distributing questionnaires based on the ideas of 30 experts of healthcare section, the weight adopting of each of these indices based on hierarchical analysis was conducted. Then using TOPSIS, improvement of the townships in healthcare section was identified. To analyze the data and designing the maps, Expert Choice, Gis software programs were used. The results obtained indicate that indices of healthcare in Hamedan has not been distributed equally and many discrepancies has been observed among the townships in terms of healthcare services in such a way that Hamedan and famnin located in the first and the second rank and Kabudarahang and Bahar, in terms of enjoying healthcare indices located in the last ranks respectively. Concerning that the issue of health is one of the most important principles of life in the challenging 21st century, this important issue requires mangers' and officials' particular attentions.

Keywords: Balanced Development, Healthcare Indecators, Spatial Analysis, Townships of Hamedan Province.

The Role of Bazaar in Social-Political Developments of Second Pahlavi Era

Behzad Nazari

Hasan Rezaee

Abstract

Bazaar as a pillar of Iranian society had an influential role in the past history of this country. It has been so, not only because it was the base of social –economic structure of that society but also for its close relation with religious centers and institutions. During the second Pahlavi era, traditional Bazaar, in an institutional and historical alliance with Shiite celergies, tried to limit the power of government and not let it to control and encroach the society. Therefore, it (Bazaar) participated in all social-political demonstration against the despotic government, as we can name the bazaar and clergies as the two axial pillars if iranian traditional society. In contrary, the government by decreasing the economic role of bazaar in society, tried to weaken its role, control and associated it with the government. This article while reviewing the second pahlavi developments, will analyze the role of bazaar in these developments and its relation with kind Mohammad Reza.

Keywords: Bazaar, Second Pahlavi, Civil Society.

University Entrepreneurship, Needs of Today's Economy

Maryam Baradaran Haghiri

Dr. Hasan Taei

Abstract

The third mission of the university that is known to the scientific revolution is the cause of emerging of a new model of entrepreneurial university. Such a model by creating entrepreneurial competencies and proportional corporate culture provide production conditions and transfer of knowledge to society, regional development and human Welfare.

Because of the importance and impact of the increasing role of universities in meeting the needs of society, this research with documentary study approach with Fifth Development Plan document content analysis express the urgency and place of the entrepreneurial university as modern society's needs. Then with method of Libraries and resources review, with this approach is that the university as a subsystem in the community and meet the needs of households, firms and the government, it extracted four main features of universities include: interactive universities with business or community in the region, create jobs, product and transfer of knowledge and practices and University social responsibility. Also the society's responsibility to university taken into consideration so that it completed system look cycle and the importance of Environment in setting goals entrepreneurial university.

Keywords: Entrepreneurial University, Product Science, Employment, University Social Responsibility, Economic Growth, Interaction University with Community or Business in the Region.

The Influence of Media on Public Opinion

Mahbobe Sadat Ghaemi Talab

Abstract

The mass media have made progress in the modern era, so that the boundaries of time and place under cover trampled and the whole world. This era is facing a great revolution that human life has ever seen. The course is accompanied by the emergence of the telegraph, telephone, radio, television, satellites and computers. This advanced technology has led to unpredictable changes in the world. Including tolerate dissenting voice in the government is gradually accepted as a principle. The role of the people and their participation in decision making is getting stronger. The big change most of the industrial revolution, written civilization, dissemination of knowledge and provide literacy training in human populations, questioned traditional method training schools and universities and raised the need for preparedness to accept the changes within a country.

This paper examines the development of the media and its power to influence public opinion. Assuming it is that media able to penetrate in all fields including economy, politics, culture and..., and have a broad impact on public opinion along with the development of science and education levels. This influence is an important factor in the power of the media. In this article at First is checked media and then public opinion and the impact of media on it.

Keywords: Media, Public opinion, Politics, Power, Advertisements.

Traces of Economic Adjustment Programs in Economic Policy

Aliasghar Ghaemina

Abstract

Iran's economy today, has experienced a range of problems, but interesting at least during the last thirty years, a variety of solutions to problems have been prescribed. A wide variety of diseases and treatments lead to the worsening economic situation in the economy that High inflation, unemployment and negative economic growth are the most important examples of this situation. One of the many versions that have been prescribed in the past two decades, the economic adjustment programs. In this article seeks to trace economic policy adjustment programs in Iran And five-year development program as we considered the best measure of economic planning in Iran and five-year development program as we considered the best measure of economic planning in Iran. Since the purpose of this paper is penetration and deposition adjustment programs on economic plans, so evaluation of the economic performance during these years is beyond the scope of this study, Whether or not this function is affected by the economic adjustment programs. According to the survey, the economic adjustment programs in all five programs had influence, however, it is the strength and weakness that relation between five years plan with structural adjustment programs shows the part of confliction between economic plans and situation of country.

Keywords: Structural Adjustment Programs, Planning, Privatization, Liberalization.



Abstract

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۴۵۷۴۲۵۳۵۸۸ شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۲۲۱۹۶۰۲۰۴ بانک ملت
- لطفاً تصویر فیش پرداختی را به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه ارسال نمایید.
- نشانی: تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نامبر: ۸۸۹۹۱۸۰۲